اسم كتاب رساله دفع آفات ودفع بليات

مصنف

مؤلف

خطى خط نسخ با ترده و طلا

چاپى

سال‌چاپ یاتحریر قرن ۱۲ عدد اوراق ۱۹۸

جزء کتب ادعیه شماره خصوصی

شماره‌عمومی ۱۶۲۰۶ شماره قبض

واقف تاریخ وقف ۱۳۵۷

طول ۲۰/۷ عرض ۹/۷ شماره صفحات

مغلوب و صوارم اوامر و نواهی مشتمل بر اسم مناکر و
مناهی مجرد و اسباب خیر و سداد ممدود و ابواب شر و
فساد مسدود گردید الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا
لنهتدی لولا ان هدانا الله و صلوات نامحصور و تحیات
نامعدود بر جمله امنای رسالت و سفارت و خزنه
اسرار بشارت و نذارت گستر ضمیر و سمع افضل ایشان
از فروغ لمعات شوارق انوار ایشان استضائت و استنارت
وجه یعرب لکشای دانش آفرینش از روزن شجات بوارق
آثار شان ظاهر و نضارت باغ خاص خاصه فضلا و ذکر
منتظم و نقاوه آن زمره با شکوه و صدرنشین مسند اولاد آدم
لولاک شفیع گناه بخش عصاة امت از لجه شقاوت و گرداب
هلاک راهنمای اضل طرق و اقوام سبل زیب افزای
لوای لئلا یکون للناس علی الله حجة بعد الرسل محرم
خلوت سرای قرب و صوالجان [illegible] دنا و ما
[illegible] لا رسول و بر آل اطهار و عترت ابرار او که هر یک

قطب فلک خلافت و ولایت و دری سماء دلالت و هدایت
و گوهر صدف عصمت و اباست و شکوفه دریای حکمت
و کرامت و اساس بنیان معرفت و [illegible] است و نبراس وادی
ایمن یمن و سعادت اند سیما غرّه سیمای ابرت و ولایت
گوهر یکتای عقد عقد اخوّت و وصایت منبع بحار
غزه علوم یقینی مجمع آثار ظاهره انت اخی و وصیّی و
خلیفتی و قاضی دینی کاشف مورد لو کشف الغطاء ما
ازددت یقینا فاتح کنوز الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت
علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا مصدر لطف خفی
انّما ولیّکم الله مورد نص جلی من کنت مولاه فهذا علی
مولاه صلوات الله و سلامه علیهم ما دارت منطقة الحق علی قطبی
الشرع والعقل و بنیت قواعد الملک علی رکنی الاحسان
والعدل و بعد بر عالم افروز این معنی از مشرق عیان
بر صفحات هفت اقلیم جهان پرتو شیوع و ظهور افکنده که
انتشار انوار ایمان و اسلام و اشتهار آثار حضرات ائمه هدی

عليهم الصلوة والسلام وارتفاع لوای مذهب حق در معظم
بلدان و امصار واجتماع شمل شعائر شیعه امامیه در اقاصی
اکناف و اقطار وانطماس رسوم مبدعه ارباب خلاف
وشقاق واندراس اثار محدثه اصحاب کفر ونفاق وانخفاض
لوای استیلای نواصب واعادی دین وانفصام عرای
اراء باطله مخالفین ومعاندین از نتایج مساعی جمیله
ومبامن همم والا و دواعی جلیله سلسله علیه عالیه نبیه
سامیه صفیه صفویه اطلع الله کواکب اقبالهم من افاق الظهور وانوار
وابقی علی صفحات الازمنة والدهور اثارها که اغصان
دوحه باسقه نبوت و ولایت واثمار شجره طیبه امامت
و هدایت و ازهار ریاض ناضره نصفت ومعدلت
وامواج بحار زاخره رافت ومعدلت ومرحمت ومکارن
وذرایع اسرار حق ویقین ومجالی بدایع اثار ان الارض
لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین
معقود ومحصور ومثوبات موفوره این ذخیره عقبی

ونتیجهٔ کبری که سطوع انوار و شیوع آثار آن انگاه بعد آن
در اطراف غبرا متزاید و متکاثر است در صحایف اعمال
صالحه و جراید افعال حسنهٔ آبا و اجداد آن سلسلهٔ علیه
خصت بالطاف الخفیه والجلیه مثبت و مکتوبست
و هو اراده اساطین سلاطین این دودمان و مشایخ ایشان
از مبادی تحمل اعبای سلطنت و جهانداری الی الآن
که اورنگ ملکت و فرمانفرمائی و سریر عظمت و شوکت
و کشورکشائی بفر وجود مسعود اعلیحضرت اسنی مرتبت
مشتری سعادت کیوان رفعت رفعت بخش اریکه والای
سلطنت و جهانداری رونق افروز سواد اعظم مملکت
و نامداری رافع اساطین عظمت و برتری واضع قوانین
نصفت و عدالت گستری مظهر آیات بینات شاهی مطرح
اشعه انوار تاییدات الهی نور باهر آفاق جاه و جلال
نور ظاهر حدایق دولت و اقبال ثمرهٔ دوحهٔ برومند
نبوت و ولایت شجرهٔ فیض بخش دوازده شعبه جویبار

امامت وهدایت حامی حوزهٔ ایمان واسلام حافظ اساس

ملت از تطرق اختلال وانثلام کاسر شکیمت کسری وشوکت

قیصر صاحب فیل افتخار بر تارک خاقان ترک وتبع حمیر

مطلع انوار الملک والدین توامان مجمع آثار ان الله یامر

بالعدل والاحسان سلطان فلک قدر سکندر شان شاه

جمجاه سلیمان مکان اعلی الله تعالی الویه ملکه وسلطانه ومد

علی البریه اظلة عدله واحسانه مزین ومحلی است اعنه

همت بر تشیید مبانی دین مبین وترویج آثار حضرات

اجداد امجاد خود صلوات الله علیهم اجمعین مصروف وازمه

عزیمت بنشر محامد ومناقب اهل بیت نبوت بر منابر اسلام

وذکر مطاعن ومثالب اعادی ایشان بر منابر اعلام معلام

معطوف میمن اند وممالک فسیح ایران را از دناس بدع

وارجاس اضالیل منتحلین لزوم سنت وجماعت تخلیه

نموده محلی بآثار عقاید وزیور انوار شعایر اهل البیت

ارائش وسکان معظم بقاع جهان را از تحمل مشاق تقیه

و خوف آشوب و فتنه غیبت حجت و طاغوت خلاصی بخشیده

در بستر امن و مهد امان آسایش داده اند ذلک فضل الله

یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم و آنچه مقتضی

آنست که هر فردی از افراد شیعه اثنی عشر کسر الله امثالهم

فی البریه که در حقیقت پرورش یافته مهد رحمت علیای

این دودمان ولایت نشانند بشکر گذاری این نعم عظیمه

ایشان بلسان و جنان و ارکان بقدر وسع و امکان قیام و اقدام

و در محافظت و پاسداری حقوق این دولت و الا که معظم

آن تحصیل دعای خیر است جهت ذات اشرف اقدس اعلی است

بدل اجتهاد و اهتمام نماید تا بمؤدای لئن شکرتم لازیدنکم

بمزید فیض نعمای ربانیه و مزایای مواهب و عطایای

سبحانیه فایض گردید که از لحوق عقوبت کفران و جحود محفوظ

ماند لاجرم چون همگی دواعی این داعی خلود دولت سلیمانی

ماجد بن محمد الحسینی البحرانی در بواطن و ظواهر و موارد

و مصادر بر تحصیل دعوات صالحه و تکثیر مثوبات راجحه

.5.

بجهت ذات اقدس ارفع که از جملهٔ اسباب بقا و پایندگی این
دولت عظمی و سلطنت کبری است مقصود است بنا بر این وقت
بر استقصای جهات این مقصد خیر اساس قدری از زمان ایام
انفاس حق شناس بر اصرف ترجمهٔ حدیث ماثور در فضل و ثواب
دعای اهل بیت معمور که از اجلّ ادعیه و اذکار مشهور و
مواظبت آن منتج فیوض و مثوبات موفوره است نموده از آن
بفصوص سلیمانیه مترجم ساخت و چنانچه خواطر ملکوت ناظر
اشرف اقدس اعلی که مجلای صور جلائل فضائل نفسانی
و مظهر انوار محاسن شیم و محامد مراتب انسانی است بخواندن
دعای مذکور و فراهم آوردن جواهر حقایق و لآلی معانی
آن کنز مذخور تعلق یابد متمم تزاید اسباب توفیق و تایید
و تضاعف مراتب تشیید و تسدید و استحکام اساس شوکت
و اقتدار و ارتفاع رایات فتح و فیروزی و انتصار گشته
درین ضمن برخی از مراتب شکرگذاری حقوق لازمهٔ این
آستان ملائک آشیان مؤدی گردد والله سبحانه الملهم للصواب

وعلیه الاعتماد والاتکال فی کل باب بعض شهادت
عدلین تفکر وتذکر نزد حاکم محکم رای عقل بثبوت رسید
که شریف ترین ذخیره که در نشاهٔ تعلق وعالم امکان عنه
دواعی اصحاب قدر ومنزلت برا قتنای آن مصروف
رفیع ترین مرتبه از مراتب والای کمال نوع انسانی که از همه
مساعی ارباب رای وعزیمت برارتقای ان معطوف گردد
رضای وخوشنودی جناب رب الارباب وقرب ونزدیکی
بحریم رحمت وساحت رضوان حضرت مسبب الاسباب است
وهر قدر نفس وعقل شریف ورای که عزم قوی تر است
میل ورغبت او بدین سعادت عظمی بیشتر وفزون
تر است واز اینجاست که از زمرهٔ شریفه فرمان فرمایان ممالک
صورت ومعنی که مظاهر اثار جلیله ابداع وانشاء ومکان
اسرار خفیه تؤتی الملک من تشاء اند جمعی که بعلو عزیمت
وسمو همت وعزیمت همت تقدم وتفوق داشته اند همای
بلند پرواز همت والا را از مجاولد استیعاب رتبهای ارجمند

دنیویه باز داشته محمل اعباء امر و نهی را وسیلهٔ احقاق
حق و ازهاق باطل که مقدمهٔ نتیجه صادقهٔ خوشنودی
حضرت آفریدگار جل شانه است ساخته اند چنانچه روایت
شده که روزی عبدالله بن عباس رحمه الله داخل شد بر حضرت
امیرالمؤمنین و سید الوصیین صلوات الله و سلامه علیه و آنحضرت
مشغول بدوختن کفش خود بود پس از ابن عباس پرسید که
چیست قیمت این کفش ابن عباس گفت قیمت نیست از آن
گاه آنحضرت فرمود والله هی احب الی من امرتکم الا
ان اقیم حقا او ادفع باطلا یعنی بخدای جل شانه سوگند
که این کفش دوست داشتنی تر است بسوی من از پیشوایی
شما مگر آنکه برپای دارم حقی یا دفع کنم باطلی و مرویست
که روزی حضرت سلیمان بن داود علی نبینا و علیه السلام
بساطی که جنیان از طلا و ابریشم بجهت آنحضرت بافته
بودند نشسته در میان آسمان و زمین سیر میکرد و زراعت
کاری آنحضرت را بآن حشمت و شوکت دید و در مقام استعظام

از زراعت کاه آمد و با او خطاب نموده فرمود تسبیحة
واحدة يقبلها الله خير مما اوتى آل داود بتحقيق که
یک تسبیح که قبول فرماید از اجزای تاج بهتر است از آنچه
داده شد بآل داود و بهتر از نفایس و ذخایر و مقتنیات
این نشأه امکانی بوادی جواهر که ابتهای مرضیات الهی
و مثوبات جاودانی چیزی که در خور علو همت و سمو قدر
و حشمت اعاظم ملوک و اساطین سلاطین که مراتب آن
کارخانه ایجاد و تکوین اند نیست و در مرآت ضمیر ناقد
بصیر صورت این معنی باحسن وجهی جلوه نماست که از جمله
مبادی نیل این غایت قصوی اداء وظایف ادعیه و اذکار
و قضاء حقوق فائته طاعت بانابت و استغفار و
کشودن ابواب بر و نوال بمفتاح تضرع و سؤال و افروختن
مصباح توجه و اقبال در خلوتخانه دل و وحدت سرای

صبح روز شنبه هفده مرتبه و روز سه مرتبه بخواند

بسم الله الرحمن الرحيم أشرق نور
الله وأظهر كلام الله وثبت أمر
الله ونفذ حكم الله ما شاء الله لا
حول ولا قوة إلا بالله تحصنت
بخفي لطف الله وبعظم ذكر الله و
بلطف صنع الله دخلت في كنف الله
واستجرت برسول الله صلى الله
عليه وآله برئت عن حولي و
استعنت بحول الله وقوته اللهم
استرني في نفسي وديني وأهلي
ومالي وولدي كما سترت ذاتك
فلا عين تراك ولا يد تصل إليك
يا رب العالمين احجبني عن القوم
الظالمين بقدرتك يا قوي يا متين
بحق كهيعص وبحق حمعسق

فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم ١٩١

لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم

برحمتك يا ارحم الراحمين

و بر او جبرئیل گفت کلمه چند است از گنجهای عرش که گرامی
داشته است ترا خدا تعالی بدان آنحضرت فرمود کدام است آن
کلمات ای جبرئیل گفت بگو یا محمد یا من اظهر الجمیل و ستر
القبیح ای آنکه آشکارا ساخته بلطف نهانی کارهای نیکو
کاران او پنهان داشته بحسن امتنان کردار زشت
کرداران ایشان را تا یافتگان وادی طاعت امیدوار کشته در
عبودیت و بندگی افزایند و سرکشتگان بوادی معصیت
شرمسار گردیده اندر خجلت و شرمندگی فرو آیند نص
از حضرت امام صدیق و پیشوای امنای حق و علمای دین
شیر مواج معارف و حقائق ابو جعفر بن محمد الصادق
علیه من الصلوات ازکاها و من التسلیمات اشرفها واسناها
در تاویل این دو فقره دعا روایت شده که آنحضرت فرمود
که هر مومنی را مثالی در عرش هست که هر گاه مشغول
بشود آن مومن بعبادتی آن مثال نیز بمثل آن عبادت
قیام مینماید و چون ملائکه آن مثال را در آن حالت ببینند

طالب رحمت وامیدوار بخشش آن مومن میکند وچون
مشغول میشود بمعصیت حق سبحانه وتعالی پرده بر آن
مثال میاندازد تا آنکه مطلع نگردند وبعد از آن
فرموده است تأویل یا من اظهر الجمیل وستر القبیح
وهی فضل عبایی کر قوافل انفاس در نخستین مراحل از
مراحل وادی اظهار شکر شطاری وزهی لطف نهان
که منطقه گفتار را از احاطه اولین درجه از درجات
کشف استار قدرتش قاصر است وما ذلک علی الله
بعزیز یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم یهتک الستر ای
آنکه باز خواست نکرد بر بدی سزا کردار بد بندگان
را وندرید از روی خشم وکین پرده بدکنندگان تا تا
بسر انگشت همت رشته سست غفلت را گسسته
بحبل متین توبه وانابت در آویزند بجهت محو آثار گنا
هان از دیده بر دل باران قطرات اشک ندامت بریزند یا
یا عظیم العفو یا حسن التجاوز ای آنکه بر گشتگان

عفو

عفو وقدم مرحمت او نظر بگناهان خود و بزرگ بندگان

حضرت ای انکه بنکوست درگذشتن او از مواخذه ومجازات

عاکفان کوی تفریط وتقصیر پس در جود دریای عفو

بیکرانش قطرات عثرات خطاکاران اخیر مقدار

وذره ساحت فسیح الفضای علم بی پایانش ذرات زلات

بدکرداران در حیز شمار نیست اگرچه بنای معامله

حق سبحانه وتعالی با بندگان خود در اساس لطف ورحمت

مشید بلکه اصل ابدا وانشای این نشاه تکلیفی محجه

بسط اشعه انوار عفو و رحمت ممهد است چنانچه از

حضرت خاتم انبیا و مرسلین ونص خاتم وما ارسلناک

الا رحمة للعالمین صلی الله علیه وآله مروی است که آنحضرت

فرمود لولا انکم تذنبون وتستغفرون الله لخلق

الله خلقا حتی یذنبوا ثم یستغفروا الله فیغفر لهم اگر

نبود انکه شما این مردمان گناه می کنید وطلب آمرزش می

نمائید از خدای تعالی هر آینه می آفرید خدای تعالی خلقی را

تا گناه کند و بعد از آن طلب مغفرت از خدا تعالی نماید

تا بیامرزد ایشان را لیکن باید که بنگارند دنیا را مزرعه

آخرت دانسته اولاً تخم افشانی عقاید خود در زمین

دل بپرزند و ثانیاً بمیاه طاعات از آبیاری نموده از

خار و خاشاک معاصی و اخلاق ردیه پاک سازند

بعد از آن بساط رجا و امیدواری گسترانیده مترقب

نزول و فور فیض بوده باشند تا خوشه های رحمت بی

منتهای الهی پدید آمده خرمنهای مثوبات جاوید

از آن فراهم کردد پس هر کس در بهترین مزرع دانه فشانی

در زمین فیض جز عقبی کرد خرمنهای نعمت کند که

هر که در بن با قچه نهالی نشاند از خدا و بدلکشائی

چه میوه ها که لذت که مچیند و ما تقدموا لانفسکم من

خیر تجدوه عند الله هو خیرا و اعظم اجرا نص آن از

مقدمات نتیجه عفو و غفران آنست که بنده در هیچ حالی

از احوال خود را از تقصیر بری ندانسته همواره از هجوم جنود

معاصی خود را بحصن انابت و مأمن استغفار کشانند
و آتش خشم و سخط الهی را بقطرات اشک ندامت و اعتذار
فرونشانند و بجهة اثبات این قضیه کافی است این خبر از حضرت
سید الاوصیاء و امام الاتقیاء امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه
علیه روایت شده که آن [illegible] فرموده کان فی الارض اما
نان من عذاب الله سبحانه و قد رفع احدهما فدونکم
الآخر فتمسکوا به اما الامان الذی رفع فهو رسول
الله صلی الله علیه و آله و سلم و اما الامان الباقی ف
الاستغفار قال سبحانه و ما کان الله لیعذبهم
و انت فیهم و ما کان الله معذبهم و هم یستغفرون
یعنی بود در روی زمین دو امان از عذاب خدای تعالی و
بتحقیق که برداشته شده یکی از آن دو امان پس بگیرید آن
امان دیگر را و درآویزید بآن اما امانی که برداشته شد
پس آن پیغمبر خدای صلی الله علیه و آله است و اما آن امان
که مانده است پس آن طلب آمرزش از خدای تعالی است و خدای

سبحانه فرموده ونیست آنکه خدای عزّ وجل عذاب کند
امّت را او تو ای پیغمبر در میان ایشان باشی ونیست آنکه
خدای عذاب کننده ایشان باشد وحال آنکه ایشان طلب
آمرزش کنند یا واسع المغفرة یا باسط الیدین با
الرحمة ای آنکه گشاده است عرصه آمرزش او از برای
گرفتاران تنگنای معاصی وای آنکه گسترانیده است
دو دست حلم وکرم را از روی مرحمت بر مفارق مطیع
وعاصی نصّ همچنانکه حقّ سبحانه وتعالی بوفور عفو و
مرحمت وشمول لطف ورافت کرمش رجا وامید است
موصوف است همچنین بارگاه کبریا وجلالش ازانغ
[illegible] دواق استعلا وجود وقهر وسطوت نکره دو نخوف
وبیم است محفوف است پس باید که در نهان امید وبیم
یکسان بوده هیچیک بر یکدیگر زیاده نبوده باشد چنانچه
از حضرت امام الاوایل والاواخر محمد بن علی الباقر علیهما السلام
مرویست که آنحضرت فرمود لیس من عبد مومن الا وفی
قلبه

قلبه نوران نور خيفة ونور رجاء لو وزن هذا
لم يزد على هذا نيست هيچ بنده مومنی مگر آنکه در دل
او دو نور است یکی نور بیم و دیگری نور امید که اگر وزن
کرده شود یکی از آنها زیادتی نیست از دیگری و از
حضرت امام المغارب والمشارق جعفر بن محمد الصادق
علیهما السلام روایت شده که فرمود اعجب ما کان فی وصیة لقمان
ان قال لابنه خف الله خیفة لو جئته ببر الثقلین لعذبك
وارج الله رجاء لو جئت بذنوب الثقلین لرحمك یعنی
آینده ترین سخنی که در وصیت لقمان بود اینست که گفت به پسر
خود که بترس از خدا ترسیدنی که چون پنداری که
اگر نزد او آئی به نیکوئی جن و انس هر آینه عذاب کند ترا
و امیدوار باش بر جنا و امیدواری که گمان بری که اگر
نزد او آئی بگناهی که برابری کند بگناهان جن و انس هر آینه
بخشد و بیامرزد ترا یا صاحب کل نجوی و منتهی کل
شکوی ای داننده و شنونده هر راز و حکایت هذا

ومنهای سلسله هر شکایت پوشیده وعنان یا

سبحان انوار علم شامل اعلان واسرار اسرار

یکسان وبا شیوع آثار عدل کامل رنج شکوی بندگان

منسی باس وهم ماست یا کریم الصفح یا عظیم المن

ای آنکه بنکو ستر کذشتن واز جرم مجرمان های آنکه

بزرگ ست قدر نعمت واحسان او بر مردمان پیش نهی

خجلت کر تواب صفح ورحمت کشائی وما از در معصیت

ونافرمانی در آییم وتو بساط جود ونعمت کسترانی وما

طریق جحود وحق ناشناسی غاییم یا مبتدیا بالنعم قبل

استحقاقها ای ابتدا کننده با فاضه صنوف نعمها واصناف

عبادیش از سزاوار رسیدن انها بتقدیم مراسم طاعت

وانقیاد پیش اکر در مقام سپاس کذاری ابتدا بشکر

همین نعمت کر اولین موجب بیکران نعمهای کوناکون

تا هم سلسله اعاد قبل از ادای ان بنهایت رسیده نعمت

هنتا از این حق واجب ودین ثابت بری وفارغ نتوانند

کردید

کرد بچه جای آنکه در تنگنای وسع و طاقت بشری که

شان نعم و آلا و عطایای علیا گر نطاق حصر و احصا

از احاطه آن قاصر است نتواند گنجید، و ان تعدوا نعمة

الله لا تحصوها ان الله لغفور رحیم نص اشرف نعم

و مواهب ربانیه و اعظم منن و عطایای سبحانیه نسبت

کرامت بمزید عنایت شامله شایسته عبودیت و سزاوار

بندگی خود گرداند و بدین نسبت شریفه از مهاوی نکبت

و احقار بمعارج عزت و افتخار رساند چنانچه از

حضرت امام المتقین و قدوه اصحاب حق و یقین امیر المؤمنین

و سید الوصیین صلوات الله علیه نقل شده که در مناجات

خود میفرمود الهی کفانی فخرا ان تکون لی ربا و کفانی

عزا ان اکون لک عبدا انت کما ارید فاجعلنی کما

ترید خدایا بس است مرا همین فخر که باشی تو پروردگار

و بس است مرا همین عزت که باشم من بنده تو تو لی هم

چنانکه من میخواهم پس بگردان مرا هم چنانکه تو میخواهی

در بیان نعمت عظمی که منشأ بسط اشفاق انوار وجود است

اصناف نعم موهبیه و کسبیه مرتب و از این موهبت کبری

که مبدأ ظهور آثار فضل و جود است اشتات مواهب

دینیه و دنیویه متشعب است و معظم آن تشیید معالم

حدود و احکام و تمهید قواعد حلال و حرام است تا

محافظت و مراعات آن قوانین متقن محکم و مواجب

معدلت مقومه بنیان ضروریات خمس که عبارت از دین

و عقل و نفس و مال و نسب است از تطرق خلل محفوظ گشته

باقامت هر حدی از آن حدود الهیه رکنی از این ارکان

[illegible] ضروریه که کلمهٔ کلی اهل ملل و ادیان بر حفظ و

حراست آن بجهت بقای نوع انسان متفق است مشید گردد

و بدین وسیله سلسله اجتماع و تمدن منتظم و ارکان

تظاهر و تعاون و تلائم گردیده در اقطار بحر الوای عتو

و انقیاد که متمم حریت و رستگاری عقبا است ارتفاع

جبال اخبال علو و فساد که موجب محو و مذلت و خوا

۱۱۱۱۹

در روز جزاست انقطاع باید تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ
نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا
وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ یا ربنا و یا سیدنا ای پروردگار
ما درماندگان وای فرمان فرمای ماندگان پس از شعه
فیض تربیت تو ما اهل حالی برومند و از سودن جبهه
عبودیت بر ساحت بارگاه سلطنت آوازه هر جاه و
جلالی بلند است و یا مولینا و یا غایة رغبتنا ای
یاری کننده و پردازنده کارهای ما ناتوانان و ای
نهایت خواهش و آرزوهای ما بی سامانان پس
از که یاری جوییم که بقبضه مشیت تو است زمام هر
یاری و با که آغاز خواهش کنیم چون در حیطه قدرت
تو است انجام هر کاری أَسْأَلُكَ يَا اللهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ
خَلْقِي بِالنَّارِ یعنی و مبطلم ای سزاوار پرستش
و بخشنده هستی همه نگردانی حسن خلقت هستی اصلی مرا
باتش دوزخ مبدل بزشتی زهی غفلت که با وسعت

ساحت عفو و مرحمت خود را به تنگنای قهر

و با تموج بحار لطف و رافت خود را بشرار سخط و عقوبت

سوزانیم و با تجلی انوار جود و احسان در ظلمت کده منع

و حرمان مانیم و با تمکن عقل در مملکت بدن پیروی نفس

اماره نموده قدر این سلطان را ندانیم ربنا ظلمنا

انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنکونن من الخاسرین

نص اقصی مراتب سعادات انسانی و اعلی مدارج

ترقیات نشاء امکانی رستگاری از مهاوی درکات

جحیم و بر بلندی منازل درجات عالیه جنات نعیم است

فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز و ما

الحیوة الدنیا الا متاع الغرور و بر متیقظ آگاه پوشیده

نیست که طلب امن از تشویه و تقبیح بعد از وصف حق سبحانه

و تعالی باظهار جمیل و ستر قبیح افزد اشاره بان معنی است

که هرگاه منعم حقیقی جلت نعماؤه در دنیا حسن کردار

بندگان را بر سکان ملاء اعلا آشکار گرداننده زشتی

اعمال

اعمال ایشان را به پرده لطف نهانی پوشیده امید آن هست
که در عقبی حسن خلقت ایشان را با دست قهر و سخط بر شتی مبدل
نسازد از خزانه واسعه جود و کرم حلل امان و حلی احسان
بخشند پس باید که همواره کف تضرع و سوال بدرگاه حضرت
ذی الجلال بر خواستن مقصد ارجمند ممدود و پیوسته
از روی حصول این [illegible] منتظر اجابت دعا صمد
الصمد و صحایف اعمال [illegible] بوده باشد لیکن چون
انبساط اشعه انوار اجابت و قبول بر صفحات وجوه
مطالب و سوال المومنین بتخلیه باطن از اقذار رکاکات
رذایل و تحلیه آن به زیور صحایف فضایل و تطهیر ظاهر
از ادناس قبایح اعمال و تزیین آن به [illegible] مداومت محاسن
افعالست و انطباع صور این مقدمات بر مرات حصول
موقوف بمجاهده و مخالفت نفس اماره و مبالغت
در معالجات این مخدع غداره است لاجرم باید که چون
طریق فوز و نجات در جمیع اطوار و حالات احتراز از شر

این قوت قوی و فریب این غرور غوی نموده همت بر مجاهده

و مداومت آن که افضل اقسام جهاد است گمارند چنانچه

از حضرت خاتم انبیا و مرسلین و سید اصفیا صلی الله علیه و آله

مرویست که آنحضرت فرمود افضل الجهاد من جاهد نفسه

التی بین جنبیه بهترین جهادها جهاد کسی است که مجاهده

کند و بر آید با نفس خودش که در میان دو پهلوی اوست

و از حضرت کاشف استار حقایق جعفر بن محمد الصادق

علیهما الصلوة والسلام روایت شده که آنحضرت فرمود

احذروا اهواءکم کما تحذرون اعداءکم فلیس شیء

اعدی للرجال من اتباع اهوائهم وحصائد السنتهم

بترسید از هواها و خواهشهای نفس خود هم چنانکه

حذر میکنید از دشمنان خود پس نیست هیچ چیز دشمن تر

از برای مردان از پیروی هواهای خود و درویدهای زبانهای

خود و مجاهده نفس عبارت از آنست که او را در هواها

و خواهشهای خود ممکن نداشته مسخر و مقهور عقل گردان

فرمای

فرمای ملکی [illegible] نیست ماند و مجال سرکشی و نافرمانی او
که موجب خذلان [illegible] این بنیان الهی است نداده بمعوث
خود عقل [illegible] بدفع طغیان و فساد او [illegible] سلطان
عقل [illegible] تمکن و استقلال یافته [illegible] قلوب
کرم [illegible] و وقوع [illegible] و شرور اهوا
[illegible] و آثار جزم صیانت ربانی خالی کرد
ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک
رحمة انک انت الوهاب تمام حدیث نبوی فقال رسول
الله صلی الله علیه وآله یا جبرئیل ما ثواب هذه الکلمات فقال
هیهات هیهات انقطع العمل لو اجتمع ملائکة سبع
سموات و سبع ارضین علی ان یصفوا ثواب ذلک
الی یوم القیمة ما وصفوا من الف جزء جزءا واحدا
پس گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله یا جبرئیل چیست ثواب
این کلمات در تنگنای بیان گسسته رشته کار از احاطه
وصف مبلغ و مقدار آن اگر اجتماع کنند فرشتگان هفت

اسمان و هفت زمین بانکه وصف کنند تو با ابد آباد و روز
قیامت وصف نتوانند کرد از هزار جزء او یک جزء را فانا

قال العبد یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح ستر المنیرة

رحمه فی الدنیا و جمله فی الآخرة و ستر الله علیه الف

ستر فی الدنیا و الآخرة یعنی چون بگوید بنده یا من

اظهر الجمیل و ستر القبیح بپوشاند خدا تعالی گناهان

او را و ببخشد او را در دنیا و ببخشد خدا تعالی او را در آخرت

و بپوشاند خدا تعالی او را هزار پرده در دنیا و آخرت

[illegible] یا من لم یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر لم یحاسب

[illegible] القیمة و لم یهتک ستره یوم یهتک الستور

و [illegible] یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر محاسبه

نکند [illegible] روز قیامت و ندرد پرده او را

روزی که دریده میشود پردها و اذا قال یا عظیم العفو

غفر الله له ذنوبه و لو کانت خطیئته مثل زبد

البحر و چون بگوید یا عظیم العفو بیامرزد خدا تعالی

گناهان

کناهان او را اگرچه بوده باشد گناه او در بسیاری مثل
کف دریا و اذا قال یا حسن التجاوز تجاوز الله عنه حتی
الزنا و شرب الخمر و اکل الدنیا و غیر ذلک من
الکبائر و چون بگوید یا حسن التجاوز در گذرد خدای تعالی
از گناهان او حتی زنی و خمر آشامیدن آنچه عقل برد
و گناهانی که موجب شهوت و بیم در دنیا است و غیر آن از
گناهان بزرگ و اذا قال یا واسع المغفرة فتح الله له سبعین
بابا من الرحمة فهو یخوض فی رحمة الله تعالی حتی یخرج
من الدنیا و چون بگوید یا واسع المغفرة بگشاید خدای
تعالی برای او هفتاد در از رحمت پس او فرو میرود در
رحمت خدای تعالی تا هنگامی که بیرون رود از دنیا و اذا
قال یا باسط الیدین بالرحمة بسط الله یده علیه
بالرحمة و چون بگوید یا باسط الیدین بالرحمة بگستراند
خدای تعالی دست قدرت خود را بر وی برحمت و اذا قال
یا صاحب کل نجوی و منتهی کل شکوی اعطاه الله

من الاجر ثواب کل مصاب و کل سالم و کل مریض

کل تقدیر و کل مسکین و کل فقیر و کل صاحب مصیبة

الی یوم القیمة و چون بگوید یا صاحب کل نجوی و منتهی

کل شکوی ببخشد خدا تعالی اورا از مزد ثواب هر مصیبت

رسیده و هر تندرست و هر بیماری و هر گزند یافته

هر درویش و هر بی‌چیز و هر صاحب مصیبتی تا روز قیامت

و اذا قال یا کریم الصفح اکرمه الله کرامة الانبیاء

چون بگوید یا کریم الصفح گرامی دارد اورا خدا تعالی

مثل گرامی داشتن پیغمبران و اذا قال یا عظیم المن اعطاه

الله یوم القیمة منیته و منیة الخلایق و چون بگوید

یا عظیم المن بدهد خدا تعالی او در روز قیامت آرزوی

اورا و آرزوی همه آفریدگان را و اذا قال یا مبتدیا بالنعم

قبل استحقاقها اعطاه الله من الاجر بعدد من شکر

نعماءه و چون بگوید یا مبتدیا بالنعم قبل استحقاقها

بدهد اورا خدا تعالی اورا اجر بعدد آنکسانی که

شکر کنند نعمت ورا واذا قال یا ربنا ویا سیدنا
قال الله تعالی اشهد وا ملائکتی انی غفرت له واعطیته من الاجر بعدد من خلقته فی الجنة والنار
والسموات السبع والارضین السبع والشمس والقمر
والنجوم وقطر الامطار وانواع الخلق والجبال
والحصی والثری وغیر ذلک والعرش والکرسی وچون
بگوید یا ربنا ویا سیدنا بگوید خدا تعالی گواه باشید ای
فرشتگان من که امر زیدم من او را ودادم او را اجر بعدد
انکسانی که آفریده ام در بهشت ودوزخ وهفت آسمان
وهفت زمین وآفتاب وماه وستارها وقطرهای
باران وانواع آفریدها وکوهها وسنگ ریزها وخاک
وغیر اینها وعرش وکرسی واذا قال یا مولانا ملأ الله
قلبه من الایمان وچون بگوید یا مولانا پر کند خدا
سبحانه وتعالی دل او را از ایمان واذا قال یا غایة رغبتاه
اعطاه الله تعالی یوم القیمة رغبته مثل رغبة الخلا

وچون بگوید یا غایة رغبتنا بدهد خدا تعالی باو درود

قیامت خواهش او را ومثل خواهش خلایق را او را فا

اسئلك یا الله ان لا تشوه خلقي بالنار فیقول الجبار

استعتقني عبدي من النار اشهدوا ملائكتي اني قد

اعتقته من النار واعتقت ابویه واخوته وولده

وجیرانه وشفعته في الف رجل ممن وجبت لهم النار

واجرته من النار وچون بگوید اسئلك یا الله ان

لا تشوه خلقي في النار بگوید خدا تعالی جل شانه

که طلب آزادی از آتش دوزخ کرد از من بنده من گواه

باشید ای فرشتگان من بتحقیق که آزاد کردم پدر و مادر او را

و برادران او را و اهل او را و فرزندان او را و همسایگان

او را و قبول شفاعت او کردم در هزار کس از آنکسانی که

واجب شده باشد مر ایشان را عذاب دوزخ و زنهار دادم

او را از آتش دوزخ فعلّموهن یا محمد المتقین ولا

تعلموهن المنافقین فانها دعوة مستجابة لقائلهن

ان شاء

إن شاء الله وهو دعاء أهل البيت المعمور حولها إذا

كانوا يطوفون به پس تعليم كن اين كلمات را با همه

متقيان و تعليم مكن ايشان را ايمنا فمان پس تحقيق كه اين كلمات

دعوتيست قبول كرده شده از براى كو بنده آنها اگر خواهد

خداى سبحانه وان دعاى اهل بيت معمور است بر دور

ان چون طواف كنند بان و بيت معمور خانه ايست در

آسمان چهارم در برابر كعبه معظمه مشرفه كه فرشتگان در آن

بعبادت حق سبحانه و تعالى قيام مينمايند و اقوال ديگر

در اين نيز نقل شده سبحان الله اين چه فضل عميم و لطف

نمايانست كه گاه بگشودن لبى چند هزار باب از خزاين

رحمت واسعه گشايش يابد و گاه بفرود آوردن سرى

افسرهاى سعادت و كامكارى جاودانى از بارگاه

رحمت عليا كرامت شود و گاه به برداشتن دستى دامان

از اطراف جواهر گرانبهاى كنوز جود و احسان پر گردد

و گاه شراره آهى خرمنهاى فراهم گشته عصيان را سوزد

وگاه قطرهٔ اشکی افزوده فانِ گناهان بی‌حد و حسابرا
شوید اولی آنکه در مقام اثبات دعوی حق‌شناسی کم
نمود لسان شبنا وارکان مکتب آنند در بنایم واورا
صحیفهٔ شکرگذاری را برقسم اعتراف بعجز واقرار بقصور
ختم نمایم رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا
وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا
وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
اَللّٰهُمَّ شَيِّدْ أَعْمِدَةَ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ وَأَعْلِ كَلِمَةَ الْحَقِّ
عَلَى مَنَابِرِ الْأَعْلَامِ وَالْإِعْلَانِ بِبَقَاءِ أَعْلَيْحَضْرَتِ الْمَلِكِ
الْعَظِيمِ الْقَدْرِ وَالشَّأْنِ الْحَالِّ مِنْ ذَوِي السَّلْطَنَةِ
وَالْجَلَالَةِ بِأَرْفَعِ مَكَانٍ وَارْفَعْ بِهِ لِوَاءَ الْعَدْلِ وَالْإِ
حْسَانِ وَادْفَعْ جُنُودَ الْبَغْيِ وَالطُّغْيَانِ وَأَيِّدْهُ بِنَصْرِكَ
الَّذِي هُوَ أَقْوَى الْأَجْنَادِ وَالْأَعْوَانِ وَوَفِّقْهُ لِمَرْضَاتِكَ
الَّتِي هِيَ لِحُصُولِ السَّعَادَةِ الْأَبَدِيَّةِ أَقْوَى الْأَسْبَابِ وَ

الارکان

الارکان بحق جده المبعوث باشرف الملل والادیان
صلواتک علیه وعلی آله الراضین لامته لواء الامان
انک المتفضل بالمنن الجسام والنعم الحسان
هذا الدعا بسم الله الرحمن الرحیم الدعا،
یا من اظهر الجمیل وستر القبیح یا من لم یواخذ بالجریرة ولم یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن التجاوز
یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب
کل نجوی ویا منتهی کل شکوی یا کریم الصفح یا
عظیم المن یا مبتدیا بالنعم قبل استحقاقها یا ربنا
ویا سیدنا ویا مولانا ویا غایة رغبتنا اسئلک
یا الله ان لا تشوه خلقی بالنار
ایضا بسم الله الرحمن الرحیم رسالة
الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی
خیر خلقه محمد وآله اجمعین اما بعد فصلی چند
نوشته میشود در معرفت آداب وسنن وادعیه که

از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام
مرویست بجهة اداء دین و کیفیت استخلاص از آن و
ذکر چیزهائی که در روزی می افزاید و چیزهائی که منع
رزق میکند و فقر می آورد و طریق سلوک مردم بسلاطین
و عاقبت که هیچیک از اهل روزگار را از معرفت آن
گریزی نیست و بزرگان دین و پیشوایان اهل یقین آنرا
پسندیده و بترازوی عقل و نقل سنجیده و در محک
تجربه در آورده اند انواع آنرا از صحیفه رضویه و از کتاب
عده و از سایر کتاب معتمده جمع کرده تحفه اخوان مؤمنین
و ختم آن بوصایا و مواعظ و نصایحی کرده که لقمان
حکیم در وقت فوت شدن به پسر خود نموده مقرر است
که هر که اینها یاد گیرد و بدین عمل کند پیوسته با سعادت
باشد و در نظر خردمندان و بزرگان مجلس عزیز و شرمنده
نشود و از افتادن و بیماریها ایمن باشد و در میان مردم نیک
نام باشد بدان اسعدک الله فی الدارین و رزقک

ابواب

اسباب السعادتین کہ زیادہ سازندہ ترین چیزہا عمر
روز یا او آورندہ ترین ہر نیست حضرت حق تعالی او نگاہ
دارندہ ترین آن تقوی است و منع کنندہ ترین و دارندہ
ترین مردم را ارتکاب معاصی است چہ معاصی موجب حرمان
از نعیم مقیم ابدی آخرت کہ بہترین نعمتہا است و در کتاب
عدہ از حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ روایت کردہ کہ آنحضرت
فرمود اتقوا الذنوب فانها ممحقة للخيرات پرہیز نمایید
از گناہ محو کنندہ و دارندہ خیرات است و ان العبد
ليذنب فيحرم به الرزق بدرستی کہ بندہ گناہ میکند
بسبب آن از رزق محروم میماند وقد كان هنيئاً له
و حال آنکہ از رزق او را گوارندہ بود پس این آیہ را خواند
انا بلوناهم كما بلونا اصحاب الجنة ما آزمودیم و مبتلا
کردیم اہل مکہ را چنانکہ آزمودیم و مبتلا کردیم اصحاب
جنۃ را کہ آن باغستانی حرمان است و ہم درین کتاب از
امام محمد باقر علیہ السلام مرویست کہ بندہ ہست

که چیزی مهم بعد از خدا و از شناختن خدا آن باشد که حاجت

او را بر آورند پس آن بنده گناهی کند خدای تعالی آن فرشته

را که موکل بود بر حاجت بر آوردن او بفرماید که حاجتش

را روا مکن که او گناهی کرد و مواد غضب آورد و مستوجب

حرمان شد و صاحب کتاب میگوید بسیار واقع شده

در دعا که پناه داده اند بخدا از ارتکاب معاصی که آن

معاصی موجب زوال نعمت است چنین فرموده اند که

الذُّنُوبُ الّتی تُغیِّرُ النِّعَمَ البَغْیُ علی النّاسِ عن العادة

فی الخیرِ واصطناعِ المعروفِ وکفرانِ النِّعَمِ وترکِ

الشُّکرِ قال الله تعالی اِنَّ اللهَ لا یُغیِّرُ ما بقومٍ حتّی

یُغیِّرُوا ما بِاَنفُسِهِم بدرستی که گناهی که نعمت را تغییر

میدهد و موجب زوال اوست ظلم کردن است بر مردمان

و ترک کردن عادت نیکی در کسب خیر و بجا آوردن امر

بمعروف و دیگر کفران نعمت است ترک شکر نعمت خداوند

خدای تعالی فرموده است که بدرستی که خدا نعمتی که به بنده

داده

داده است تغییر نمیدهد ما دام که بنده تغییر اطوار و
عادت نیکی خود نده‌د والذنوب التی تنزل البلاء
ترک اغاثة الملهوف وترک معاونة المظلوم و
تضییع الامر بالمعروف والنهی عن المنکر وکناهی
که بلا را فرود می آورد ترک فریاد رسی درمانده است
وترک معاونت مظلوم است وضایع کذاشتن امر
معروف ونهی منکر والذنوب التی تدیل الاعداء
المجاهرة بالظلم واعلان الفجور واباحة المحظور
وعصیان الاخیار والانقیاد الی الاشرار وکناهی
که دشمنان را بر اینکس غالب میکرداند پیدا کردن واشکارا
کردن ظلم است وفسق وفجور کردن است بر علانیه
ومباح داشتن محرمات است ونافرمانی کردن نیکان
مرا اخیار را وفرمان برداری کردن است مر بدان ومفسدان
را حاصل آنکه بدکردن وبدسیرت بودن موجب زوال
نعمت است از این حضرت باید که ردیکی از صد کلمه حضرت

امیر المؤمنین اینست که اِصبِرُوا وانتظار النِّعَم فکلّ
شاردٍ یُرَدّ و دیرتر چرای بانعمتی برسید نعمت خویش
را از خود دور مکن هرچه از رسیده شد از کسی باز
آوردنش بود آسانی باز آوردنش آسان نیست تو به
و انابت و بوسیله تقوی و پرهیزکاری از مضیق تنگ
دستی بفرجی می توان آمد وَمَن یَتَّقِ اللهَ یَجعَل لَهُ
مَخرَجاً وَیَرزُقهُ مِن حَیثُ لا یَحتَسِب و هر که از خدای
تعالی بترسد پرهیزکاری و تقوی ورزد و خود سازد
خدای تعالی برای او میسّر میگرداند مخرجی و بیرون شدنی
از مشقّت و تنگی و تنگدستی و روزی میدهد او را
بیحساب و در کتاب عدّه مسطور است در خاصیتهای تقوی
و پرهیزکاری او برای هر یکی استشهادی می آورد و می
گوید از خصلت بسیار است یکی نجات از محنتها و
بلاهاوست و روزی حلال بسیار بوسیله اوست وَمَن یَتَّقِ
اللهَ یَجعَل لَهُ مَخرَجاً وَیَرزُقهُ مِن حَیثُ لا یَحتَسِب دوم

حفظ

حصن است وحرز است از کید اعدا وان تصبروا وتتقوا
لا یضرکم کیدهم شیئا اگر صبر کنید وتقوی و پرهیزکاری
ورزید هیچ کید ایشان بشما نرسد سیم قربت ونصرة است
ان الله مع الذین اتقوا والذین هم محسنون بدرستی
که خدای تعالی با متقیان و پرهیزکاران است ونیکوکاران
پس ایشان را نصرت خواهد بود چهارم اصلاح اعمال
یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وقولوا قولا سدیدا
یصلح لکم اعمالکم ای مومنان بترسید از خدا وتقوی و
پرهیزکاری ورزید وسخن بصلاح وسداد گویید تا
اعمال شما را بصلاح آرد پنجم آمرزش گناهان ویغفر
لکم ذنوبکم تا بیامرزد گناهان شما را ششم دوستی
خدا ان الله یحب المتقین خدا متقیان را دوست
میدارد هفتم قبول اعمال ایشان انما یتقبل الله من
المتقین بدرستی که خدای تعالی غیر از متقیان قبول
نمیکند اعمال ایشان را هشتم گرامی بودن ان اکرمکم

عند الله اتقکم بدرستی که گرامی ترین شما پیش خدا

پرهیزکارترین شماست نهم بشارت با تقی در دنیا

و آخرت الذین آمنوا و کانوا یتقون لهم البشری

فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة کسی که مؤمن و متقی است

مر او را بشارت است در دنیا و آخرت و هم نجات

از آتش دوزخ ثم ننجی الذین اتقوا و نذر

الظالمین فیها جثیا بعد از آن نجات خواهیم داد

متقیان را از آتش دوزخ و ظالمان را آنجا خواهیم

گذاشت هم زانوی هم و هم زانوی غم یازدهم همیشه

در بهشت باشند و اعدت للمتقین مهیا است

بهشت برای متقیان همیشه دوازدهم آسانی حساب

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

بر متقیان هیچ مشقتی نخواهد بود از حساب سیزدهم

اینما رحمت حضرت حق انما المؤمنون اخوة فا

صلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون

بتحقیق که مومنان برادرانند یکدیگرند پس اصلاح کنید

در میان خود و بترسید از خدا و بپرهیزید که امید

هست که رحمت کرده شوید و صاحب کتاب عده می گوید

اگر در عالم خصلتی صالح تر و لایق تر بحال بنده می بود

از تقوی و پرهیزکاری و جامعتر مر چیزها او را نزدیک

قدرتر و بجاآورنده تر مر امیدها او را هر آینه خدای تعالی

او را بدان وصیت میکرد و هیچ خصلتی دیگر وصیت

نمیکرد بلکه همین تقوی وصیت کرد در آنجا که فرمود

وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ

وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ ما که خداوندیم وصیت

کردیم اهل کتاب را پیش از شما و بتقوی و پرهیز

کاری پس چون خدای تعالی باین یک خصلت اولین

و آخرین را وصیت کرد و انبیا و اولیا اولین و آخرین

قوم خود را باین وصیت کردند چنانچه حضرت پیغمبر

صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمومنین و باقی ائمه علیهم السلم.

هیچ خطبه نفرمودند و موعظه و نصیحت نکردند الا
در آنجا وصیت کرده اند بتقوی و پرهیزکاری پس
حاجت وصیت ما و دیگری نباشد وصیت همان
که خدا تعالی فرمود و مصطفی آورد و دیگران نیز
رسانیدند دیگر تو دانی بر رسولان نیز پیغام رسانیدن
چیزی نیست کلام شیخ مناسب این مقام است بیت
ما نصیحت بجای خود کردیم ؛ روزگاری درین بسر بردیم
گر نیاید بگوش رغبت کس ؛ بر رسولان پیام باشد و بس
فصل در آداب و سنن وادعیه که درین باب ذکر
کرده در صحیفه رضویه و کتاب عده و غیره اول باید
دانست که دعای چه کس مستجاب است و دعای چه کس
نیست تا دعا کننده سعی کند و خود را از فرقه مستجاب
الدعوه سازد و از دعا بد مستجاب الدعوه حذر کند
در کتاب مصباح کبیر آورده که دعای چند کس مستجابست
از آنجمله دعاء جدید بر فرزند اگر فرزند برای باشد

و دعا

هیچ خطبه نفرمودند و موعظه و نصیحت نکردند الّا
در اینجا وصیّت کرده اند بتقوی و پرهیزکاری پس
حاجت وصیّت ما و دیگری نباشد وصیّت همان
که خدای تعالی فرمود و مصطفی آورد و دیگران بتو
رسانیدند دیگر تو دانی بر رسولان پیغام رسانیدن
چیزی نیست کلام شیخ مناسب این مقام است بیت
ما نصیحت بجای خود کردیم٭ روزگاری درین بسر بردیم
گر نیاید بگوش رغبت کس٭ بر رسولان پیام باشد و بس
فصل در آداب و سنن و ادعیه که درین باب ذکر
کرده در صحیفه رضویه و کتاب عدّه و غیره اوّل باید
دانست که دعای چه کس مستجاب است و دعای چه کس
نیست تا دعا کننده سعی کند و خود را از فرقه مستجاب
الدّعوه سازد و از دعاء بد مستجاب الدّعوه حذر کند
در کتاب مصباح کبیر آورده که دعای چند کس مستجاب است
از آنجمله دعاء خیر پدر بر فرزند اگر فرمانبردار باشد
ودعا

خدایا مرا روزی بده که دعای بد قرض خواه نباید قرض
دارد او وقتی که گواه نگرفته باشد و او منکر باشد و
کسی که خدا چندانی اورا نعمتی داده باشد و او انرا
بر خود تباه کرده باشد بعد از ان دعا کند توبه نا کرده
که خدا اورا روزی دهد و کسی که تنگدل باشد و
کسی که دعا نکند مگر بعد از انکه بلا نازل بشود و کسی
که مصر باشد بر معاصی و کسی که حرام خورد و حقوق
مردم بر گردن دارد و باک ندارد و دعای ظالم و کسی
که دعا کند و ظن برد که خدا اجابت نمیکند و کسی که
دعا کند دوست را در صحیفه رضویه از امام محمد باقر
علیه السلام روایت کرده است که خدای تعالی میفرماید که
هیچ مخلوقی نیست که چنگ در مخلوقی زند نزد من الا
انکه قطع کنم اسباب اسمان و زمین را ازو و اگر بخواهد
ندهم و اگر دعا کند اجابت نکنم و هیچ مخلوقی نیست که
چنگ در لطف و عنایت من زند نزد من مخلوقی الا که

من

من ضامن کرده‌ام آسمان و زمین را در روزی او پس
اگر بخواهد بدهم و اگر دعا کند اجابت کنم و اگر طلب آمرزش
کند بیامرزم و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که
هر که روزی و در بر سد باید که استغفار کند و هم
از آنحضرت مرویست که هر که ادای فریضه کند او را نزد
خدا تعالی دعای مستجابی هست و در کتاب عده از امام
محمد باقر علیه السلام روایت میکند که خدا تعالی هر شب جمعه
از اول شب تا آخر شب از بالای عرش ندا می کند که آیا
بنده مومنی هست که دعا کند از برای دین و دنیای
خویش از صبح تا اجابت کنم آیا بنده هست که توبه
کند از گناه خویش از صبح که زیاده گردانم روزی
برو فراخ پس باید که بنده این اوقات را غنیمت داند
و شرایط دعا را بدست آورده از خدا بخواهد هر چه
مباح باشد در دین و دنیا که خدا میدهد و خدا
دوست میدارد و در کتاب عده از این حضرت روایت

میکند که خدا بتعالی دوست میدارد از بندگان
خود هر بسیار دعا کننده را پس بر شما باد که دعا
کنید در وقت سحر تا طلوع آفتاب بدرستیکه سحر ساعتی
استکه درهای آسمان را در آن ساعت میگشایند و
ارزاق را قسمت میکنند و حاجتهای بزرگ را در آن
ساعت بجای میآورند وهم در عدّه معاذ جبل نقل
میکند که او گفت من روز جمعه محروم ماندم از
خدمت رسول صلی الله علیه و آله و نماز جمعه را در نیافتم
چون بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسیدم
گفت ای معاذ چه چیز منع کرد ترا از نماز جمعه گفتم
یا رسول الله یوحنا یهودی را بر ذمّت من اوقیه گندم
است و او بر در بود ترسیدم که پیش شما مرا محبوس
سازد حضرت فرمود ای معاذ میخواهی که خدا دین
ترا ادا کند گفتم بلی یا رسول الله گفت بگو اللهمّ
مالک الملک تا انجا که بغیر حساب یا رحمن

الدنیا

میکند که خدا تعالی دوست میدارد از بندگان

خود هر بسیار دعا کننده را پس بر شما باد که دعا

کنید در وقت سحر تا طلوع آفتاب بدرستی که سحر ساعتی

است که درهای آسمان را در آن ساعت میکشایند و

ارزاق را قسمت میکنند و حاجتهای بزرک را در آن

ساعت بجی آورند و هم در عدّه معاذ بن جبل نقل

میکند که او گفت من روز جمعه محروم ماندم از

خدمت رسول صلی الله علیه و آله و نماز جمعه را در نیافتم

چون بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسیدم

گفت ای معاذ چه چیز منع کرد ترا از نماز جمعه گفتم

یا رسول الله یوحنا یهودی را بر ذمت من اوقیه کندم

است و او بر در بود ترسیدم که پیش شما مرا محبوس

سازد حضرت فرمود ای معاذ میخواهی که خدا دین

ترا ادا کند گفتم بلی یا رسول الله گفت بگو اللهم

مالک الملک تا آنجا که بغیر حساب یا رحمن

الدنیا

فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث احتسب و
من حیث لا احتسب در مکارم الاخلاق از
حضرت صادق صلوات الله علیه جهت طلب روزی روایت
کرده است اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله
و ان کان فی الارض فاظهره و ان کان بعیدا
فقربه و ان کان قریبا فاعطنیه فبارک
لی فیه و جنبنی علیه المعاصی و الردی فصل
در آنچه روزی می افزاید و آنچه روزی میکاهد
از قول بزرگان دین و اهل تجربه اما آنچه روزی
می افزاید اول تقوی است که اصل همه است در آداب
المتعلمین آورده که اقوی اسباب که موجب ازدیاد
رزق است نماز است بخشوع و خضوع و
قراءت سوره اذا وقعت خصوصا در شب و وقت
خفتن سوره یس و تبارک وقت صبح و پیش از اذان
بمسجد حاضر شدن و دایم با وضو بودن و اداء سنت

بامدادی تر در شب و ما لا یعنی نا گفتن وهم درین
کتاب نقل میکند از پیغمبر که فرمود بطلبید فرود آمدن
روزی را بصدقه و بگاه برخواستن مبارک است و
موجب زیاده نعمتها است خصوصا روزی و حسن
خط مفتاح روزیست و سخن خوش بمردم گفتن ر
وزی را زیاده می سازد و از امام حسن منقولست که
كَنْسُ الفِنَاءِ وَغَسْلُ الإِنَاءِ مَجْلَبَةُ الغِنَاءِ جاروب
کردن پیش سرا و ظرف و انا شستن داشتن موجب
توانگریست و از امام حسین علیه السلام مرویست که دست
شستن پیش از طعام و بعد از طعام روزی را افزاید
و آنچه روزی را میکاهد و درویشی بار می آورد در آداب
المتعلمین آورده که ارتکاب معاصی است خصوصا
دروغ گفتن و همچنین بسیار خواب کردن و برهنه
خواب کردن و برهنه بول کردن و جنب طعام خوردن
و نان ریزه را خوار کردن و داشتن و پوست پیاز

وسیر سوختن و خانه در شب جاروب کردن و خاک

روبه در خانه گذاشتن و در پیش پیوان رفتن و

پدر و مادر را بنام خوندن و هر چوب خلال کردن

و بگل دست شستن و بر آستانه خانه نشستن و بر

یکی از جا چوب مکثر کردن و در آب خانه وضو

ساختن و جامه بر بدن دوختن در رو بدان بیاک

کردن و خانه عنکبوت در خانه گذاشتن و کاهلی کردن

در نماز و از مسجد زود بیرون آمدن و بیازار

از همه پیشتر رفتن و بعد از همه بیرون آمدن و

نان ریزه از درویشان خریدن و دعای بد کردن

بر پدر و مادر روانا و ظرف سر وا گذاشتن و بدم چراغ

کشتن اینها همه موجب درویشی است تجربه معلوم

شده است و همچنین بقلم بند دار کتابت کردن

و بشانه شکسته شانه کردن و دعاء خیر بر مادر و پدر

نا کردن و نشسته دستار بستن و ایستاده شلوار

پوشیدن

و سیر سوختن و خانه در شب جاروب کردن و خاک

روبه در خانه کذاشتن و در پیش پیران رفتن و

پدر و مادر را بنام خوندن و بهر چوب خلال کردن

و بگل دست شستن و بر استانه خانه نشستن و بر

یکی از جارچوب مکتر کردن و در آب خانه وضو

ساختن و جامه بر بدن دوختن در روبدان بپاک

کردن و خانه عنکبوت در خانه کذاشتن و کاهلی کردن

در نماز و از مسجد زود بیرون آمدن و ببازار

از همه بیشتر رفتن و بعد از همه بیرون آمدن و

نان ریزه از درویشان خریدن و دعای بد کردن

بر پدر و مادر روا نا و ظرف سر وا کذاشتن و بدم چراغ

کشتن اینها همه موجب درویشی است بتجربه معلوم

شده است و همچنین بقلم بند دار کتابت کردن

و بشانه شکسته شانه کردن و دعاء خیر بر مادر و پدر

نا کردن و نشسته دستار بستن و ایستاده شلوار

پوشیدن

یا ملک الملوک یا سید السادات اشفنی بشفائک
من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن عبدک
اتقلب فی قبضتک بخواند و بعد از آن اگر محتاج بو
شد نوع دیگر قدری از مهر زنش بگیرد و بدان
عسل بخورد با باران آمیخته بیاشامد دفع نفخ
شکم بسم الله الذی اتخذ ابرهیم خلیلا و کلم
موسی تکلیما و بعث محمدا بالحق نبیا پس بر پوست بکو
بانیم آخر بخورد باذن الله تعالی دفع قولنج
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله المبارک العظیم تا
آخر بخوراند بر آخر باب اول گذشت بمشک و زعفران
بنویسد و بیاشامد دفع سل یا الله یا رب الارباب
یا سید السادات یا اله الالهة یا ملک الملوک یا
جبار السموات و الارض اشفنی و عافنی من دائی
هذا فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک
و ناصیتی بیدک دفع زحیر اللهم ما کان من خیر

فامنه

فاقته وقلت حيلته وضعف عمله وفي علیه
البکاء بعد انفا نشسته در چه بکوید دفع دشواری
بول ربنا الله الذی فی السماء یقدس اللهم
اسمک فی السماء والارض اللهم کما رحمتک فی
السماء اجعل رحمتک فی الارض اغفر لنا ذنبنا
وخطایانا انت رب العالمین انزل رحمة من رحمتک
وشفاء من شفائک علی هذا الوجع فلیبرء
دفع درد فرج بسم الله وبالله بلی من اسلم
وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا
خوف علیهم ولا هم یحزنون اللهم انی اسلمت
اسلمت وجهی الیک وفوضت امری الیک لا
ملجا ولا منجا منک الا الیک بسر نوبت بگوید بعد
از گذاشتن دست چپ بر آن دفع درد بران اولم
یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا
رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی

أَفَلَا يُؤْمِنُونَ بگوید بعد از دست گذاشتن بر آن
و نشستن در آب گرم در طشت رفع درد زانو
یا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطٰی یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ یا اَرْحَمَ مَنِ
اُسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفِی وَقِلَّةَ حِیلَتِی وَاعْفُنِی
مِنْ وَجَعِی بعد نماز بخواند رفع درد ساق بخوانند
اُتْلُ مَا اُوحِیَ اِلَیْکَ مِنْ کِتَابِ رَبِّکَ لَا مُبَدِّلَ
لِکَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ
مُلْتَحَدًا هفت نوبت بر آن بخواند رفع درد پای از
اوّل سوره اِنَّا فَتَحْنَا تا عَزِیزًا حَکِیمًا بخواند رفع
عرق النسا بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَعُوذُ بِاسْمِ اللّٰهِ الْکَبِیرِ
وَاَعُوذُ بِاسْمِ اللّٰهِ الْعَظِیمِ مِنْ شَرِّ کُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ
وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ بخواند بعد از گذاشتن دست
بر آن رفع ورم و باطن قدم بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمَا
قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْاَرْضُ جَمِیعًا قَبْضَتُهُ
یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَالسَّمٰوٰاتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ سُبْحَانَهُ

وتعا

افلا یؤمنون بگوید بعد از دست گذاشتن بر آن
و نشستن در آب گرم در طشت رفع درد زانو
یا اجود من اعطی یا خیر من سئل یا ارحم من
استرحم ارحم ضعفی و قلة حیلتی و اعفنی
من وجعی بعد آغاز بخواند رفع درد ساق بخواند
اتل ما اوحی الیک من کتاب ربک لا مبدل
لکلماته و هو السمیع العلیم و لن تجد من دونه
ملتحدا هفت نوبت بر آن بخواند رفع درد پای از
اول سوره انا فتحنا تا عزیزا حکیما بخواند رفع
عرق النسا بسم الله و بالله اعوذ باسم الله الکبیر
و اعوذ باسم الله العظیم من شر کل عرق نعار
و من شر حر النار بخواند بعد از گذاشتن دست
بر آن رفع عرق قوم و باطن قدم بسم الله و بالله و ما
قدروا الله حق قدره و الارض جمیعا قبضته
یوم القیمة و السموات مطویات بیمینه سبحانه

و تعا

هفت نوبت بخواند وانکشت سبابه را بدو را آن
بگرداند ودر نوبت هفتم همان انکشت از عجب بگیرد
رفع ثالول بگیرد بعدد هر یک هفت دانه جو وبخوا
ند وبعدد هر ثالولی اذا وقعت الواقعة تا
هباء منبثا پس بگوید ویسئلونک عن الجبال
فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا
لا تری فیها عوجا ولا امتا پس یک یک دانه ها
مسح کند بر ثالول وبر خرقه نو بپیچد وببندد بر خرقه
سنگی وبر کنیف اندازد رفع جراحت بسم الله بگوید
رفع خنازیر یا رؤف یا عطوف یا رب یا سیدی
بخواند بران رفع برص یا الله یا رحمن یا رحیم
یا سامع الاصوات یا معطی الخیرات اعطنی خیر
الدنیا والاخرة وقنی شر الدنیا والاخرة واذ
هب عنی ما اجد فقد اغاظنی واحزننی بعد از
دو رکعت نماز بخواند رفع طاعون وبا گوسفندی

سیاه قربان کند و در محل ذبح بخواند الهی بحرمة
محمد صلی الله علیه و آله الهی بحرمة جبرائیل
الهی بحرمة میکائیل الهی بحرمة اسرافیل الهی
بحرمة عزرائیل الهی بحرمة محمد و علی و
فاطمة الزهراء و الحسن و الحسین احفظنا و
احفظ اولادنا و احبائنا و اتباعنا و جمیع
المؤمنین و المؤمنات و من الوباء و الطاعون
یا حفیظ یا حفیظ ادرکنی یا رسول الله باب
پنجم در دفع امراض و آفات اطفال و زنان رفع
مرض طفل مادرش بام برآید و سر را برهنه کند
و موهای سر را بجانب آسمان بدارد و بگوید اللهم
لک انت اعطیتنیه و انت وهبته لی فا
جعل اللهم هبتک الیوم جدیداً انک قادر
مقتدر و ایضاً عزمت علیک یا ریح یا وجع
کائناً ما کنت بالعزیمة التی عزم بها علی بن

ابی طالب امیر المؤمنین رسول رسول الله صلّی
الله علیه و آله علی جنّ وادی الصّبرة فا
جابوا و اطاعوا لما اجبت و اطعت و خر
جت عن ابن فلان او ابنتی فلانة الساعة
الساعة ایضاً بسم الله ارقیک من کلّ عین
حاسد الله یشفیک ایضاً برو بخواند عیذک
بکلمات الله التّامة من کلّ شیطان هامة
و من کلّ عین لامّة رفع ترسیدن طفل سورة
انا انزلنا بخواند و این آیه بخواند و من یتوکّل
علی الله فهو حسبه انّ الله بالغ امره قد
جعل الله لکلّ شیءٍ قدراً دفع بیخوابی طفل برو
به بندد بسم الله الرّحمن الرّحیم الآن خفّف الله
عنکم و علم انّ فیکم ضعفاً و خلق الانسان
ضعیفاً و عنت الوجوه للحیّ القیّوم و قد خاب
من حمل ظلماً قلنا یا نار کونی برداً و سلاماً علی

ابرهیم

ابي طالب امير المؤمنين رسول الله صلى
الله عليه و آله على جن وادي الصبرة فا
جابوا و اطاعوا لما اجبت و اطعت و خر
جت عن ابن فلان او ابنتي فلانة الساعة
الساعة ايضا بسم الله ارقيك من كل عين
حاسد الله يشفيك ايضا برو بخواند اعيذك
بكلمات الله التامة من كل شيطان هامة
و من كل عين لامة رفع ترسيدن طفل سوره
اذا زلزلت بخواند وا ين به بخواند و من يتوكل
على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد
جعل الله لكل شئ قدرا دع بخواي طفل برو
به بند بسم الله الرحمن الرحيم الان خفف الله
عنكم و علم ان فيكم ضعفا و خلق الانسان
ضعيفا و عنت الوجوه للحي القيوم و قد خاب
من حمل ظلما قلنا يا نار كوني بردا و سلاما على

ابرهيم

حنّه ولدت مریم مریم ولدت عیسی والارض
تدعوك یا ولد فاخرج یوم یرونها لم یلبثوا
الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلك الا القوم
الفاسقون بسم الله الرحمن الرحیم اذا السماء
انشقت واذنت لربها وحقت واذا الارض
مدت والقت ما فیها وتخلت ایضا بنویسد
بر سر پاره کاغذ اول وزن دوم اهطیم حم
دیا رقام هفت سر ایضا برو بخواند یا خالق
النفس من النفس ومخلص النفس من النفس خلصها
بحولك وقوتك ایضا بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الذی لا اله الا هو العزیز الحکیم الکریم
سبحان الله رب السموات السبع ورب العرش
العظیم الحمد لله رب العالمین کانهم یوم
یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم
یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة

من

مِن لهارِ بر کوزه پر ایجواند و ازآن آب بیاشامد

ومبانشانها و پستانها بر بزد دفع بسته شد حیض

بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ بِسمِ اللهِ المبارکِ العظیم

تا آخر بخید در آخر باب اوّل کذشت بمشک و زعفران

بنویسد و بشوید و بیاشامد ایضا دفع عقم زنان

زنان بزقالرفره را در یک دیک بر بزد باب کم.

و ازآن بخورد و این آیات را در ظرفی پاکیزه بنویسد

بخطی روشن و بشوید و بیاشامد در وقتی که اراده

مقاربت زوج کند فاتحه و صلوة بر پیغمبر و آل

او فرستد و ابجد و هو ز تا آخر بخواند قَالَ إِنَّمَا

أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا قَالَ

كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ

آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا

فَحَمَلَتْ بعون الله تعالى ولا حول ولا قوة

إلا بالله فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

باب ششم دفع هر شرّی و بلیّتی و رد دفع و دفع شرّ و
بلا با دفع هر شرّی و بلیّتی بنویسد و با خود دارد

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ أَنْ تَحْفَظَنِي
مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْكَرِيمِ وَبِكَلِمَاتِ
اللهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ
شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَمِنْ شَرِّ
مَا يَنْزِلُ إِلَى الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمِنْ شَرِّ اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ مِنْكَ يَا رَحْمٰنُ يَا
رَحِيمُ بِفَضْلِكَ وَبِحَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ بالسم فلان محی هذه الاسماء محمد ۱۳۴۲ هو
محمد ۱۳۴۲ لا اله هو ه ۱۱۱ ام ۱۱۱ ۱۱۱۱ ه ۵ السّاعة

البحر

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

باب شششم دفع هر شرّی و بلیّتی در دفع و رفع شرّ و
بلاها دفع هر شرّی و بلیّتی بنویسد و با خود دارد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَحْفَظَنِي
مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ وَبِكَلِمَاتِ
اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ
شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَمِنْ شَرِّ
مَا يَنْزِلُ إِلَى الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمِنْ شَرِّ اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ مِنْكَ يَا رَحْمَنُ يَا
رَحِيمُ بِفَضْلِكَ وَبِحَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ بِاسْمِ فُلَانٍ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ محد ۳۴ لا الهو
محد ۱۴۳ لا الهو ه ۱۱۱ آم ااا ۱۱۱۱ هه السَّاعَة

البحر

العذاب انا مؤمنون برحمتک یا ارحم الراحمین

دفع شر جن و شیاطین بخواند اعوذ بنور وجه الله

وکلمات الله التامات التی لایجاوزهن بر

ولا فاجر من شر ماذرا فی الارض وما یخرج

منها ومن شر ما ینزل من السماء وما یعرج فیها

ومن شر فتن اللیل والنهار ومن طوارق

اللیل الا طارقا یطرق بخیر یا رحمن وایضا

دفع ورفع صرع وبخابند نجس نویسد

وباخود دارد بسم الله الرحمن الرحیم بالله وبالله

واعلم ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد

احاط بکل شیء علما وحسبنا الله ونعم الوکیل

علیه توکلت وهو رب العرش العظیم اعیذ

صاحب کتابی هذا فلان بن فلان من جمیع

الاوجاع والاسقام ومن الجن والانس ومن

الصادر والوارد الصادر من الراجل والراکب

توانگری در قناعت دان درویشی در حرص دان پیشه

آموزنده علم و هنر باش کاری که کنی با دلت مشورت

انکار کن رفق و لطف در کارها نگاه دار تا توانی

حلیم و متواضع باش پیر از بزرگ دار و مردم را نیکنام

نیک خوان نمک هر که خوردی حق نمک نگاه دار با

جماعت یار باش جامه و تن پاک دار فرزند را علم

و ادب و سواری و تیر انداختن بیاموز دین از بر

آن جهان نگاه دار کفش و موزه که پوشی اول در پای

راست پوش و وقتی که خواهی که بیرون کنی از پای

چپ بیرون کن با هر کسی باندازه طاقت او سخن گوی

شب چون سخن گوئی آهسته گوی و بروز چون سخن

گوئی بهر سوی نگاه کن کم خوردن و کم خفتن و کم

گفتن عادت کن هر چه خود را نپسندی مردمان را

مپسند کار از روی دانش کن تا از موخر استاد

مکن با زنان و کودکان بازی مکن و دراز مگوی بتر خبر

کسان دلمند دل هنر از بی اصلان وفا مجوی تا نشاند
کارها مکن کار ناکرده کار امروز بفردا میفکن
از ناکس و بخیل امید هیچ بار مدار با بزرگتران خود مزاح
مکن با بزرگان حکایت دراز مگوی عوام را بخود گستاخ
مکن حاجتمندان را بخود نا امید مکن کسی را در خانه
خود کدخدائی مده در خانه مردم کدخدائی مکن از
جنگ گذشته یاد مکن هیچ کاری بی تدبیر مکن خبر
کسان با خویش میار بر میان زن و شوهر میا
مال خویش بر دوست و دشمن منمای خویشاوند
از خویشان مبر پیک دیدن بجز کسان فرو نفته مشو
بگفتار زنان کار مکن بر دوستی زنان کار مکن بر
دوستی زنان اعتماد مکن کارها بصبر و تدبیر کن
از عیب مردمان یاد مکن تا توانی جنگ مکن تا از خود
بر سفره مردمان مخور در کارها شتاب مکن تا خود را
از برای دنیا در رنج مدار هر که خود را نشناسد او

او امید طمع مدار در خشم سخن مکوی بوقت افتاب بر
آمدن محتسب پیش اهل شام پاک مکن جای نشستن
خود را بشناس برکسی افسوس مکن سخن مردمان
گوش مکن ناخوانده برخوان کسان منشین بی هنر
سوکند خوار مباش جیره جیره مخند بر رهگذرها
منشین با مخنث و بدنام و مفسد صحبت مدار
پیش توانگر محتسب با پیران در راه رو و مبا سخن مردمان
سخن مکوی سر بر زانو منه در پیش مهمان بر کسی
خشم مکیر مهمان را کار مفرمای با مست و دیوانه
یا فارغ باشان بسر محلت منشین کسی را روی بار و
مدح مکوی از بهر سود و زبان آب روی خود مریز
متکبر مباش خصومت مردمان بخویش مکیر از فتنه
و جنک بر یک جانب باش جز کار دو انکشتری و در
مباش هر که ترا کاری فرماید بکن جای کی [illegible]
رفتن و کاری که نخواهی کردن و چیزی که [illegible]

دادن مگوی چون وعده کنی وفا کن و هیچکس را
متوسان تا ایمن باشی والله اعلم پادشاهی از بلیناس
حکیم پندی خواست گفت بر دنیا اعتماد مکن اگرچه
دراز عمر باشی و دشمن را خوار مدار اگرچه بر وجیه
باشی در روی پادشاهان مخند اگرچه گستاخ باشی
و در همسایگی پادشاه خانه مساز اگرچه برادرش باشی
بسفر بی رفیق مرو اگرچه دلاور باشی بوقت گرما
جامه میندار اگرچه در قلب تابستان باشد تو شتر خود
جدا مکن اگرچه سیر باشی از قرض پرهیز کن اگرچه
دانگی باشد از ناکسان دارو مخواه اگرچه بیمار باشی
از نو کیسه وام مخواه اگرچه محتاج باشی از خسیسان
نان مخواه اگرچه گرسنه باشی تا خصم زمانی
با او حرب مکن اگرچه دلیر باشی ختم الله لنا بالحسنی هو
شرح دوازده امام
هو الله مولانا و نعم المولی تعالی شانه
حمد و سپاس و شکر بیقیاس جناب حضرت الهی را که آیات

شریفه وادعیه منبعه را ذریعه اجابت دعوات کردانیده
بندکان اکاه و مخلصان دستکاه را بتکرار تلاوت اذکار
ماثوره و فوات اثار مجوده بر سایر کاینات تشریف
بندکی از راه داشت و درود بی‌ساو تحیات بی‌شمار
یزدان پاك خاتم انبیا و مهتر اصفیا محمد مصطفی
صلی الله علیه واله وسلم که بتکریم وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ
عَظِيمٍ مکرم کشته باشاره وافیه إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ
وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ رحمت هدایت سایر امت کماشت
و الِ پاك او که خاتم سعادت را نکینی و ستارکان اسمان
رایقینی اند صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم وعلی شیعتهم
المرضیین من یومنا هذا الی یوم الدین زبدة الحکما
وعمدة العلماء اسوة الناصحین وقدوة الصالحین
سید المجتهدین وسید المتبحرین انیس الالفین و
جلیس العارفین پیشوای بزرکوار و مقتدای عالیمقدار
خواجه نصیر الدین محمد بن الحسن الساوجی الطوسی

قدس الله سره و افاض علینا بره میفرماید که در روز
مستعصم خلیفه بغداد مدت دوازده سال ریاضت
کشیده ام نسخه از انواع علوم تصنیف کرده ام برسم
تحفه نزد خلیفه بردم زمانی که خلیفه در کشتی نشسته
بتفرج شط مشغول عشرت بود رو بعلماء زمان کرده نسخه
را طلب نموده چون ذکر ائمه اهل بیت علیهم السلام را نظر
آورده پراکنده ساخته در آب انداخت و این فقیر را
خفیف ساخته از آن [illegible] الی حین پیری مبدل شد
سوگند خوردم که پهلو بر زمین ننهم و از نان و آب سیر
نخوردم تا دمار از روزگار بنی عباس بر نیاوردم از
هر جا تحقیق کرده با شنیده که در ماوری النهر از اولاد
چنگیز یکی خروج کرده بران جهت روان شدم در اثنای راه
جمال با کمال حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و حضرت
شاه مردان علی مرتضی صلوات الله علیه را در خواب دیدم فرمودند
که اگر میخواهی که مقصود تو حاصل شود دعائی در فضائل

ائمه

ائمه اثنا عشر املا کن و ورد خود ساز متوجه شدم
و این ورد را حسب الاشاره ترتیب دادم و مداومت در
صبح و شام میکردم تا بسمرقند رسیدم و بران پادشاه
تقرب جستم هلاکو خان را با سپاه بسیار ببغداد آورده
محاصره کرده باندک مدت خلیفه را با تمامی وزراء شهر
نموده بقتل آوردم چنانچه اثری از آنها باقی نماند و بعضی
چنین روایت کرده اند که خواجه مذکور فرمود که مدتی
مدید و عهدی بعید سعی بسیار کردم همگی چهار صد مجلد
کتب اصول شیعه امامیه از تصانیف ائمه علیهم السلام که در اطراف
و اکناف عالم ماثور بوده بهم رسانیده بودم و در این جلد
جمع و تالیف نمودم و از برای خلیفه بغداد بردم وقتی
که در کشتی نشسته بود و از دجله شکار میکرد کتاب مع
بود از نزد آن شقی بردند چون ذکر ائمه علیهم السلام را دید
کتاب را پاره پاره ساخت و در آب انداخت چون چنین دیدم
آسمان در چشم من خیره و زمین تیره کردید از آنجا روانه

شده بمنزل خود بیرون رفتم و از فرط غضب و تحیر و تحسر

بعد از غایت تضرع بسیار و زاری بیشمار در درگاه حضرت

کردگار اظهار حیرت کردم دلشکسته که بدرگاه خداوند

نالیدم در بین اثناء بخواب رفتم از حضرت امام متقیان

وسید مومنان امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب التماس

نمودم که این دوازده امام را برزبان دربار گوهر نثار

برخواند و فرمود که ای فلان یاد گیر و بخوان که خدای

تعالی ترا بر دشمن تو مسلط گرداند چون بیدار شدم

مرا در خاطر بود پاره کاغذ برداشتم و نوشته ام و

خلاف نکرده ام و این در بغداد بود که مدتی نگذشت

که بمطلب خود رسیدم و بر دشمن خود مسلط گشتم و

آنچه بمن میرسد از علم و کمال و فضل و جلال و ترقی

در اصول ضیاء آخرت و منزلت جاه و عزت دنیا

و عقبی بکمال بسبب آن دعای عدیم المثال بود و برکت

مداومت این دعا هر با مداد و شبانگاه بنت عزاد یابد

هو باد

هر مرادی که باشد بتوجه تمام بخواند باجابت مقرونست

البته مراد خویش برسد و سید داماد فرمود که این دعا را

روزی یکبار بخواند و نزد امراء سلاطین رود در حرمت

و عزت باشد و بر بیمار بخواند شفا یابد و در میان لشکر

یا جماعتی ستمکاران گرفتار باشد بخواند البته خلاص

شود و شیخ بهاء الدین محمد غفر الله مرقده فرموده

که از قدوة السالکین مولانا احمد اردبیلی من استفسار

نمودم که در طالب علمی چه چیز باعث توفیق شما شد

فرمود مداومت باوراد دوازده امام خواجه نصیر الملة و

الدین فرمود که با دعای توسل ذکر کن بجهت انجاح مرام

مناسبت ببرکت قرائت کن در صباح و مسا منفع

کردند و داعی از بعضی عزیزان رحمهم الله تعالی فرا شنید

که از جمله رویای حسنه آنکه مردیکه اثر ابهت و جلالت

در بشان او ظاهر بود مرا گفت که در فلان ساعت در

فلان روز بدین تاریخ وقت وفات تست مکرر به

دوازده امام خواجه نور الله مرقده مداومت غایدازان
تاریخ یکروز از من فوت نشده بود تا روز موعود بر
همان ساعت سواره میگذشتم اسب بسر در آمد بفنا دم
وسرم شکست بیهوش شدم رفیقان مرا بخانه بر
سانیده اند وقتی که بهوش آمدم خود را در خانه دیدم
وازان تاریخ تا حال مدتیست که ترک مداومت نکردم
وتزاید عمر خود را از برکت مواظبت این دعاء بزرگوار
میدانم وفقیه نورانی وعالم ربانی رحمه الله الحسینی
الحسینی قدس الله سره آورده که این دوازده امام نشان
سعادت دین ودنیاست ومشاهد از خواجه معین الدین
اصفهانی آورده که گفت شبی از عالم رویا دیدم که در یکی
از ضرایح مقدسه ایستاده زیارت میکردم دیدم که در آن
ضریح خطی نوشته متوجه شدم دیدم که دوازده امام
خواجه نصیر رحمه الله است ودعای توسل بآن ملحق
میخوانند آن شروع نمودم شخصی را دیدم که از جلالت

ووقار

ووقار در روی او ظاهر است و مرا گفت هیچ میدانی
که این چه خواص دارد گفتم نه فدای تو شوم گفت خواص
این زیاده از آنست که در دفتر بگنجد از جمله آنکه دشمنان
رفع میکند و خواننده این دعا بغایت معمر شود و
روزی بروی او فراخ گردد آنگاه گفت که این ختمی دارد
یازده یازده و ناپدید شد متحیر شدم و درماندم
که آیا ختم آن چگونه باشد و در اثنای حیرت باز نظر
کردم بآن ضریح مقدس و آن خط که در اول نظر آمد
ندیدم و همین دیدم که بشکل هندسه نوشته اند که
بس متعجب شدم و ندانستم که این چه سر است باز آن
شخص مبارک پیدا شد و گفت ختم این بانیظر نوشت
که از روز شنبه شروع کند و هر روز یازده بار بخواند
و در ابتدا غسل حاجت بجا آورد بعد از غسل هر گاه
شروع کند با وضو باشد و جامه پاک بپوشد و
و طیب همراه داشته انگشتر عقیق و فیروزه در دست

داشته باشد واگر در صعید باشد بهتر است تا روز
جمعه انتهی الحاصل اگر یازده بار در هر روز از یک هفته متوالی
خوانده باشد و کافیست لیکن بعد از ختم هر روز
یکمرتبه میباید خواند آنگاه که باین عمل شروع نمودم
هنوز تمام نشده بود که اثر آن ظاهر شد و از آن مدت
تا حال چهارده سال است که یکروز از من فوت نشده
و هر روز اثر دیگر و خواصی دیگر و بهتر مشاهده می
کنم و اشتهای خود را روز بروز زیاده می بینم و همین
باعث ترقی امور دین و دنیای من شد و بعضی از ارباب
دین قدس الله ارواحهم نقل کرده اند که نزد خواجه
مذبور درس میخواندم تا آنکه روزی حکایت از سیر
خواجه امام بر آمد خواجه فرمود که این ختمی دارد و طریق
ختم آن اینست که از روز دوشنبه شروع نماید و تا یک
شنبه تمام کند و هر روز نه مرتبه بخواند تا هفته تمام
شود آنگاه هر روز یکمرتبه بخواند من چنین کردم و از آن

نفعها

نفعما بردم یازده بار در هفته هفتاد و هفت بار

بود و نه مرتبه شصت و سه که مجموع صد و چهل بار باشد

و بعضی از ارباب دین روح الله فرموده که در هفته

از چهل و یکنوبت کمتر نتوان خواند و از روز دو شنبه

شروع باید کرد انگاه هر روز یکبار بخواند و بعضی

تقسیم نموده اند که روز اول یکبار و دویم سه بار و سیم

و چهارم و پنجم هفت بار و روز هفتم نه بار بخواند

و بعضی چنین ختم کرده اند که یک روز نه بار و سه

روز ده بار و طریق دیگر نیز نقل کرده اند و این دعا

توسل که ملحق شد دعای استفتاح و دعای وسایل

نیز گویند و دعا نیست بغایت جلیل القدر و عظیم

الفایده چه شک و ریب در صحت آن راه نیست از این

جهت که برای طلب از حضرات ائمه معصومین علیهم السلام

برای آنکه [illegible] او چیزی بزبان نمی آید و حضرت

امیر المومنین صلوات الله علیه فرموده من توسل بنا لا یشقی

فی الدارین کسی که نزدیکی جنب غایب بجهت نشود در
دنیا و آخرت و سایر علمای امامیه نور الله اشباحهم
چون ثقة الاسلام و رئیس المحدثین محمد بن علی بن
بابویه القمی و سید اجل مرتضی علم الهدی و سید
مرتضی بن داعی و خواجه نصیر الدین محمد
طوسی و شیخ جمال الملة و الدین العلامة الحسنی
و تقی الدین الکفعمی و میر محمد باقر الداماد الحسینی
الاسترآبادی و مولانا احمد اردبیلی باتفاق آورده اند
که هر که این دعا را با اعتقاد درست بخواند هنوز
از جا نجنبیده باشد که خدای تعالی اجابت کند و
بخط مولانا صدر الدین رحمه الله از شاگردان شیخ
بهاء الدین طاب ثراه بنظر رسید که دعای توسل
ماثور از حضرات ائمه معصومین روایت اند دست
بدست متصل است تا ابن بابویه و از ابن بابویه نقل
کرده اند که هر که باور نکند بیازماید و هم از او نقل
است

است که بر من نصرت کند و هم صدوق فرموده که این دعا

از دعاهای وسایل است بخوانید حضا روایان در

حاجتی مگر آنکه بزودی بر آورده پس بیا موزد خدا آنرا

کرامتها را از غیر اهلش و این بزرگوار ترین از دعا

هاست و کسی که تصدیق میکند پس تجربه نماید و کفعمی

در بعضی از کتابهای خود از حضرت امام رضا علیه السلام

روایت کرده است که این ذره حقیر المحتاج الی رحمة

ربه المتجهی الخاطی الجانی ابن حسن بن محمد عبد المطلب

الاصفهانی احسن الله خاتمته که ناقل و مترجم این دعا

شریف است چنین گوید که هر که بخواند این دعاء را باید

مستجاب شروع کند باینکه در روز هفته دست تمسک

بعروة الوثقی این ورد شریف زده هفته اول روز

یازده مرتبه و هفته دیگر هر روزی مرتبه بخواند آنگاه

هر روز یکمرتبه بخواند که باعث سعادت دین و دنیا

است و اگر و یرا ضروری پیش آید که هر روز ختم را

نتواند بجا آورد هر کدام را که خواهد بخواند و بهتر
ختم انعام است چون ضروری باشد والا نتواند
و ممکن بوده باشد چنان نماید بجهت آنکه نزد بسیاری
از استادان این بنده را تصحیح نموده طریق ختم او را
تخمین کرده ام و میان من و خدا حجت است که هر که بدین
دعا مداومت نماید باعتقاد خالص و یقین درست
بکه حاجت شروع کرده باشد از امور دنیا و آخرت
برآورده گردد و بعضی از عزیزان را که وفور اعتقاد
در حق داعی بود دعای مستجاب از دعاگو طلب نموده
بدین ختم مامور شد ایمه یک از دو ختم که بجا آوردند
بوطبق مدعای خود رسیدند و از خدای عز و جل چشم
آن دارم که در عاجل و آجل پاداش نیکو انعام نماید
هر که باخلاص قدم میزند عین وقتیست که دم میزند
و مداومت کننده را لازم آنست که هر روز دعای اعظم
واختتام را اعتقاد دعا آورده اما خواجه نصیر طوسی بخواند

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انت الاول فليس قبلك شئ وانت الآخر
فليس بعدك شئ يا كائنا قبل كل شئ ويا باقيا
بعد كل شئ يا مكون كل شئ يا من هو اقرب الي من
حبل الوريد يا من هو فعال لما يريد يا من يحول بين
المرء وقلبه يا من هو بالمنظر الاعلى يا من ليس كمثله
شئ وهو السميع العليم يا من هو على كل شئ قدير
اقض حاجتي واعطني سؤلي وفرج عني كربتي
واكفني مهماتي بحق محمد وآله الطيبين الطاهرين

دعاء دوازده امام بسم الله الرحمن الرحيم خواجه ورد عاء ارسل

اللهم صل وسلم وزد وبارك على النبي الامي
العربي القرشي المكي المدني الابطحي التهامي
الهاشمي السيد البهي السراج المضي صاحب
ارض الوقار والسكينة المدفون بالمدينة العبد المؤيد
والرسول المسدد المصطفى الامجد المحمود الاحمد

وانت الظاهر فليس فوقك شئ وانت الباطن فليس دونك شئ وانت الله العزيز الحكيم

الكوكب الدري

حبيب اله العالمين ابي القاسم محمد صلى الله عليه
وآله الصلوة والسلام عليك وعلى آلك يا ابا
القاسم يا رسول الله يا امام الرحمة يا شفيع الا
مة يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا
وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين يدي
حاجاتنا في الدنيا والآخرة يا وجيها عند الله
اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد و
بارك على السيد المطهر والامام المظفر والشجاع
الغضنفر ابي شبر وشبير قالع باب خيبر قاسم
طوبى وسقر الانزع جبل البطين الاشرف المكين
الاشجع المتين العالم العارف المبين الناصر
المعين ولي الدين الوالي الولي السيد الرضي
الحاكم بالنص الجلي المخلص الصفي المدفون
بالغري ليث بني غالب غالب كل غالب
سالب كل سالب مظهر العجائب ومظهر الغرائب

وَمُفَرِّقِ الْكَتَائِبِ وَالشِّهَابِ الثَّاقِبِ وَالْهِزَبْرِ

الثَّالِبِ وَنُقْطَةِ دَائِرَةِ الْمَطَالِبِ أَسَدِ اللهِ الْغَالِبِ

غَالِبِ كُلِّ غَالِبٍ وَمَطْلُوبِ كُلِّ طَالِبٍ مَوْلَانَا

وَمَوْلَى الثَّقَلَيْنِ وَارِثِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ أَبِي الْحَسَنَيْنِ عَلِيِّ

بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ

عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ

أَبِي طَالِبٍ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَخَ الرَّسُولِ يَا

زَوْجَ الْبَتُولِ يَا أَبَا السِّبْطَيْنِ يَا حُجَّةَ اللهِ عَلَى

خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ

حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللهِ

إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ

وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدَةِ الْجَلِيلَةِ الْكَرِيمَةِ النَّبِيلَةِ

الْمَكْرُوبَةِ الْعَلِيلَةِ ذَاتِ الْأَحْزَانِ الطَّوِيلَةِ فِي الْمُدَّةِ

الجليلة المعصومة المظلومة الرضية الحليمة ا
لعفيفة السليمة المجهولة قدراً المخفية قبراً
المدفونة سراً المغصوبة جهراً سيدة النساء
الانسية الحوراء ام الائمة النقباء النجباء الطا
هرة المطهرة البتول العذراء فاطمة الزهراء
عليها السلام الصلوة والسلام عليك يا فاطمة
الزهراء يا بنت محمد رسول الله ايتها البتول
يا قرة عين الرسول يا بضعة النبي يا ام السبطين
يا حجة الله على خلقه يا سيدتنا ومولاتنا انا
توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله و
قدمناك بين يدى حاجاتنا فى الدنيا والاخرة
يا وجيهة عند الله اشفعى لنا عند الله اللهم
صل وسلم وزد وبارك على السيد المجتبى و
الامام المرتجى سبط المصطفى وابن المرتضى
علم الهدى العالم الرفيع ذى الحسب المنيع و

الفضل

الفضل الجميع التشفيع المقتول بالسم النقيع المدفون

بارض البقيع العالم بالفرايض والسنن صاحب

الجود والمنن دافع الحق والفتن ما ظهر منها

وما بطن الذي عجز عن عد مدايحه لسان اللسن

الامام بالحق المؤتمن ابي محمد الحسن عليه السلام

الصلوة والسلام عليك يا ابا محمد يا حسن بن

علي ايها المجتبى يا بن رسول الله يا بن امير المؤ

منين يا قرة عين البتول الطهر الطاهر المطهرة

الطاهرة يا سيد شباب اهل الجنة يا حجة الله

على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا

وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين يدي حا

جاتنا في الدنيا والاخرة يا وجيها عند الله اشفع

لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك

على السيد الزاهد والامام العابد الراكع

الساجد زين المنابر والمساجد ولي الملك

الفضل

الجميع

التشفيع

ابن

التشفيع

المقتول

بالسم

النقيع

الماجد قتيل الكافر الجاحد صاحب المحنة
والكرب والبلاء المدفون بارض كربلاء
سبط رسول الثقلين ونور العينين ابن امير
المؤمنين وابن سيد الوصيين مولانا ومولى
الكونين ابي عبد الله الحسين عليه السلام الصلوة
والسلام عليك يا ابا عبد الله يا حسين بن علي
ايها الشهيد يابن رسول الله يابن امير المؤمنين
يابن فاطمة الزهراء يا سيد شباب اهل الجنة
يا ابا الائمة الاطهار يا حجة الله على خلقه يا
سيدنا ومولينا انا توجهنا واستشفعنا وتو
سلنا بك الى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا
في الدنيا والاخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا
عند الله اللهم صل صل وسلم وزد وبارك
على ابي الائمة وسراج الامة وكاشف الغمة و
محي السنة وسني الهمة ورفيع الرتبة وانيس

الكوثر وصاحب الندبة المدفون بارض طيبة

المنورة من كل شين الامام بالحق ابي محمد علي بن

الحسين عليهما السلام الصلوة والسلام عليك

يا ابا محمد يا علي بن الحسين يا زين العابدين ايها

السجاد يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين

يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا

توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله و

قدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا والآخرة

يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله اللهم

صل وسلم وزد وبارك على قمر الاقمار ونور

الانوار وسيد الابرار وقائد الاخيار الطهر

الطاهر والبدر الباهر والنجم الزاهر والبحر

الزاخر والدر الفاخر السيد الوجيه الامام

الفقيه الكريم [illegible] الحبر الملي عند

العدو والولي الامام بالحق ابي جعفر

محمد بن علي عليهما السلام الصلوة والسلام
عليك يا ابا جعفر يا محمد بن علي ايها الباقر يا بن
رسول الله يا بن امير المؤمنين يا حجة الله على
خلقه يا سيدنا ومولينا انا توجهنا واستشفعنا
وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين يدي
حاجاتنا في الدنيا والاخرة يا وجيها عند الله
اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك
على الصادق الصديق العالم الوثيق الحليم
الشفيق الهادي الى الطريق ساقي شيعته من
الرحيق ومبلغ اعدائه الى الحريق صاحب
الشرف الرفيع والحسب المنيع والفضل الجميع
المدفون بارض البقيع المهذب المؤيد الامام
المجدد ابي عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام
الصلوة والسلام عليك يا ابا عبد الله يا
جعفر بن محمد ايها الصادق يا بن رسول الله يا بن

اميرالمؤمنين يا حجة الله على خلقه يا سيدنا و

مولينا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك

الى الله وقدمناك بين يدى حاجاتنا فى الدنيا

والاخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله

اللهم صل وسلم وزد وبارك على السيد

الكريم والامام الحليم وسمى الكليم الصابر

الكاظم قائد الجيش المدفون بمقابر قريش

صاحب العسكر والجيش صاحب الشرف الانور

والمجد الاظهر والجبين الاطهر الامام بالحق

ابى ابرهيم موسى بن جعفر عليهما السلام

الصلوة والسلام عليك يا ابا ابرهيم يا موسى

بن جعفر ايها الكاظم ايها العبد الصالح

يا بن رسول الله يا بن امير المؤمنين يا حجة الله

على خلقه يا سيدنا ومولينا انا توجهنا و

استشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك

بين يدي حاجاتنا في الدنيا والآخرة يا وجيهاً
عند الله اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم
وزد وبارك على السيد المعصوم والامام المظلوم
والشهيد المسموم والغريب المغموم والقتيل المحروم
عالم علم المكنون بدر النجوم شمس الشموس انيس
النفوس المدفون بارض طوس الرضا المرتضى
المرتجى المجتبى الامام بالحق ابي الحسن علي بن
موسى الرضا عليهما السلام الصلوة والسلام عليك
يا ابا الحسن يا علي بن موسى الرضا يا بن رسول الله
يا بن امير المؤمنين يا حجة الله على خلقه يا سيدنا
ومولينا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك
الى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا
والآخرة [illegible] الله اشفع لنا عند الله
اللهم [illegible] وبارك على السيد العابد
العامل الفاضل الكامل الباذل الاجود الجواد

الدرو

العارف بأسرار المبدأ والمعاد ولكل قوم
هاد مصباح المحبين يوم ينادي المناد المذكور في
الهداية والإرشاد المدفون بأرض بغداد السيد
العربي [illegible] والنور المحمدي
الملقب بالتقي الإمام بالحق أبي جعفر محمد بن
علي أيها التقي الجواد يا ابن رسول الله يا ابن
أمير المؤمنين يا حجة الله على خلقه يا سيدنا
ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك
إلى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا
والآخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا
عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك على
الإمامين الهمامين التامين السيدين السندين
الفاضلين الكاملين الباذلين العادلين العا
لمين العاملين الأورعين الأطهرين الشمسين
القمرين النورين النيرين والبدرين المنيرين

واهلي الحرمين كهفي التقي غوث الورى علي
الهدى المدفونين بسر من راى كاشفي البلوى
والمحن ابي الحسن علي النقي وابي محمد الحسن
العسكري عليهما السلام الصلوة والسلام
عليكما يا علي بن محمد ويا حسن بن علي ايها
النقي الهادي ويا ايها الزكي العسكري يا ابني
رسول الله يا ابني امير المؤمنين يا حجتي الله على
الخلق اجمعين يا سيدينا ومولينا انا توجهنا
واستشفعنا وتوسلنا بكما الى الله وقدمناكما
بين يدي حاجاتنا في الدنيا والاخرة يا وجيهين
عند الله اشفعا لنا عند الله اللهم صل وسلم
وزد وبارك على صاحب الدعوة النبوية والصولة
الحيدرية والعصمة الفاطمية والحلم الحسنيه
والشجاعة الحسينية والعبادة السجادية و
المأثر الباقرية والاثار الجعفرية والعلوم

الهاظمية

الكاظميّة والحجج الرضويّة والجود التقويّة و
النقاوة النقويّة والهيبة العسكريّة القائم
بالحقّ والداعي الى الصدق المطلق كلمة الله و
امان الله وحجّة المقسط لدين الله الغالب
بامر الله والذابّ عن حرم الله امام السرّ و
العلان دافع الكرب والمحن صاحب الجود والمنن
الامام بالحقّ ابي القاسم محمّد بن الحسن صاحب
الزمان وخليفة الرحمن ومظهر الايمان وسيّد
الانس والجانّ صلوات الله وسلامه عليه و
عليهم اجمعين الصلوة والسّلام عليك يا وصيّ
الحسن والخلف الصالح يا امام زماننا ايّها
القائم المنتظر يا بن رسول الله يا بن امير
المؤمنين يا حجّة الله على خلقه يا سيّدنا و
مولينا انّا توجّهنا واستشفعنا وتوسّلنا بك
الى الله وقدّمناك بين يدي حاجاتنا في

الدنیا و الآخرة یا وجیها عند الله اشفع لنا
عند الله پس حاجت بخواهد و دستها را بردارد
بگوید الهی بحق هؤلاء المعصومین المظلومین
الهادین المهدیین المطهرین اسئلک ان
تغفرلی ذنوبی و توصلنی الی مرادی و مطلوبی
و ادفع عنی شر جمیع خلقک برحمتک و کرمک
و عفوک و احسانک یا ذا الجلال و الاکرام اللهم
صل علی محمد و آل محمد و فرج عنا بهم کل کرب
من کروب الدنیا و الآخرة و اقض لنا بهم کل
حاجة من حوائج الدنیا و الآخرة یا سادتی
یا موالی انی توجهت بکم ائمتی و عدتی لیوم
فقری و فاقتی و حاجتی الی الله و توسلت
بکم الی الله و استشفعت بکم الی الله و بحبکم
و بقربکم ارجو النجاة من الله فکونوا عند الله
رجائی یا سادتی یا اولیاء الله صلی الله علیکم

اجمعین

أجمعين ولعن الله أعدائكم وظالميكم من الأولين

والآخرين آمين رب العالمين وصلى الله على

محمد وآله الطيبين الطاهرين پس بگوید رضیت

بالله ربا وبالإسلام دينا وبالقرآن كتابا و

بالكعبة قبلة وبمحمد صلى الله عليه وآله وسلم

نبيا وبفاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين سيدة

ومولاة وبعلي والحسن والحسين وعلي و

محمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد والحسن و

الحجة القائم المهدي صلوات الله عليه وعليهم

إماما آنگاه بگوید اللهم صل على محمد المصطفى

وعلي المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن المجتبى

والحسين الشهيد بكربلا وعلي بن الحسين زين

العابدين ومحمد بن علي الباقر وجعفر بن محمد

الصادق وموسى بن جعفر الكاظم وعلي بن

موسى الرضا ومحمد بن علي التقي وعلي بن محمد

النقي والحسن بن علي الزكي والحجة القائم المنتظر
صلوات الله عليه وعليهم اجمعين اللهم ان
هؤلاء ائمتنا وسادتنا وقادتنا وكبرائنا و
شفعاؤنا بهم نتولى ومن اعدائهم نتبرؤ في
الدنيا والاخرة اللهم وال من والاهم وعاد
من عاداهم وانصر من نصرهم واخذل من خذلهم
والعن من ظلمهم وانصر شيعتهم واهلك عدوهم
من الجن والانس من الاولين والاخرين الى
يوم الدين اللهم زدنا محبتهم وارزقنا شفا
عتهم واحشرنا معهم وفي زمرتهم وتحت لوا
ئهم بفضلك وكرمك وجودك واحسانك
ورحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على
محمد واله اجمعين يا رب العالمين دعاء
اختتام بنا بر نسخه كفعمي رحمه الله مذكوراست
اللهم اني اسئلك بحقهم وحرمتهم ان تصلى

عليهم

عليهم واكشف عنا بهم كل غم وفرج عنا بهم
كل هم واكف عنا بهم شر كل عدو واقض عنا
ديوننا وارزقنا بهم رزقاً واسعاً ومالاً حلالاً
طيباً كثيراً ووفقنا بهم حج بيتك الحرام وزيارة
قبور انبيائك سيما قبر حبيبك محمد صلى الله عليه
وآله وقبور حججك من اهل بيته عليهم السلام
واعذني بهم من شر ما خلقت من الجن والانس
نس ابجر در نسخه اصل بدان مي پيوند اللهم صل
على محمد وآل محمد وفرج عنا بهم كل هم و
اكشف عنا بهم كل غم واقض لنا بهم كل حاجة
من حوائج الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد
وآل محمد واعذنا بهم من شر ما خلقت اللهم
صل على محمد وآل محمد واحفظ بهم عزتنا و
استر بهم عورتنا واكفنا بغي من بغى علينا و
انصرنا بهم على من عادانا واعذنا بهم من شر

الشيطان الرجيم ومن شر جور السلطان العنيد
اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلنا بهم في
سترك وفي كنفك وفي حرزك وفي امانك عز
جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم توكلت على الحي
الذي لا يموت والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا
ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي
من الذل وكبره تكبيرا حسبي الله ونعم الوكيل
نعم المولى ونعم النصير حسبنا الله وحده
والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله و
عترته اجمعين وسلم تسليما كثيرا كثيرا

اسناد دعاء بسم الله الرحمن الرحيم جوشن صغير
الحمد لله الذي جعل الدعاء ذريعة الى كشف
الغماء ووسيلة الى دفع البلاء وجنة وثيقة
لدفع كيد الاعداء وسلما يعرج به الى قرب رب

الارض والسماء والصلوة علی سیدنا الاولیاء
وفخر الانبیاء محمد واهل بیته سادات الاوصیاء
وشفعاء یوم الجزاء وبعد بسند معتبر از عبد
الله زید منقولست که در هنگامی که حسین بن علی
بن الحسن از سادات حسینی بر خلیفه جور آن زمان
موسی بن المهدی خروج کرد و خلیفه لشکر فرستاد
و او را از لشکری او را بقتل رسانند و بعضی را اسیر
کردند با حضرت امام البشر و شفیع یوم المحشر موسی
بن جعفر صلوات الله علیه در مقام طیش و انتقام
در آمد و در مجلس خود آنحضرت را بر بدی یاد کرد تهدید
بسیار نمود و سوگندها یاد کرد که آنحضرت را بقتل رساند
علی بن یقطین که شیعه خاص آنحضرت بود و برخصت
حضرت وزارت آن شقی را اختیار نموده بود از روی
تقیه حقیقت واقعه را در نامه نوشت بتعجیل تمام
بخدمت حضرت امام موسی صلوات الله علیه بمدینه ارسال

بود این نامه درویشی بخدمت حضرت رسید چون صبح
شد اهل بیت و شیعیان خود را طلبیدند و ایشان را
بر مضمون نامه مطلع کردانیدند و فرمودند که شما را
در این باب چه بخاطر میرسد ایشان کفتند که ما
صلاح در آن میدانیم که شما از این جا فرار اختیار
نمائید و یک چندی از نظر خلق پنهان شوید شاید
که از شر او ایمن کردید حضرت تبسم فرمودند و بیتی
ادا فرمودند که مضمونش اینست که آن کسی در کمان
میکند که بر پروردگار خود غالب میتواند شد و
الله که غلبه از خداوندیست که از هرکس تواناتر است
و از همه چیزی برتر است پس روی بان کرده و فرمو
دند که اندیشه مکنید و شاد باشید که اول نامه که
از عراق خواهد آمد خبر فوت موسی بن المهدی خوا
هد بود و بحرمت قبر مقدس حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله سوکند که امروز آن شقی بجهنم واصل
شد

شده است و بتحقیق که دیشب در جای نماز مرا خواب
برد و جدّم حضرت رسول صلی اللّه علیه وآله را در خواب
دیدم و شکایت خلیفه را به آنحضرت عرض کردم فرمود
که خوش دل باش ای موسی که حق تعالی او را بتو ظفر نخواهد
داد پس در اثناء آنکه با من سخن میفرمودند دستی
مرا گرفتند و فرمودند که خدای را اینک شکر کن که الحال
دشمن ترا هلاک کردانیدند و بدرک الجحیم رسانیدند پس
حضرت امام موسی کاظم صلوات اللّه علیه چون از این سخن
فارغ شدند و روی بقبله کردند و دست بجانب
آسمان برداشتند که این دعای مبارک را بشکرانه این
نعمت خواندند و بعد از تمام کردن دعا فرمودند
که از پدرم جعفر بن محمّد الصادق صلوات اللّه علیه
شنیدم که او از پدران بزرگوارش از حضرت امیر المؤمنین
صلوات اللّه علیهم روایت میفرمود که حضرت رسالت
پناه صلی اللّه علیه وآله فرمود که اعتراف نمایند بنعمتهای

پرورد کار خود و باز کشت کنند بسوی حق تعالی از جمیع

کناهان خود بدرستی که حق سبحانه و تعالی شکر کنندکان

را دوست میدارد داوی کفت که چون از این مجلس بر

خواستیم با دیکر ننشستیم مکر بجهت خواندن نامه که

بجهت مرک موسی بن المهدی و بغض هرون الرشید

علیهما لعنه والعذاب الشدید نوشته بودند و این دعای

جلیل الشان بجهت دفع شر جمیع دشمنان بسیار باید

رسالة المسمی مجرب است برفع آفات و دفع

بلیات من مؤلفات حضرت افضل المحدثین

مولانا عبد المحسن کاشی رحمه الله تعالی علیه

الحمد لله رب العالمین و سلام علی الذین اصطفی الله

خیر اما یشرکون بل الله خیر الله خیر اما

بعد این رسالة ایست در دفع آفات و دفع بلیات

از خود و مال و زنان و اطفال بقرآن و دعا و عوذه

ورقی و علاج و دوا منقول از ائمه معصومین و اکا

دین

دین وحکمای پیشین مشتمل بر دو باب باب اوّل
در دفع امراض و علل هر علتی با خلاص بخواند و دست
بر موضع علت مسح کند وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ
شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وایضا بعد از آن هفتاد نوبت
الحمد بخواند و بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ اَزِلْ عَنِّي الْعِلَّةَ
وَالدَّاءَ وَاَعِدْ عَلَيَّ الصِّحَّةَ وَالشِّفَاءَ وَاَمِدَّنِي بِحُسْنِ
الْعَاقِبَةِ وَرُدَّنِي اِلٰى حُسْنِ الْعَافِيَةِ وَلَا تَبْتَلِنِي
بِطُولِ السُّقْمِ وَلَا تُذِقْنِي مِنْ سُوْءِ الْاَلَمِ وَاجْعَلْ
مَا اَنَالَنِي فِي مَرَضِي مَادَّةً لِحَسَنَاتِي وَكَفَّارَةً لِسَيِّئَاتِي
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْمَعْصُومِينَ و اکر بکوی بروح ائمه
بصیغه غایب بخواند و همچنین هر چه بعد از آن مذکور
خواهد شد اَللّٰهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَدَاوِنِي بِدَوَائِكَ
مِنْ بَلَائِكَ فَاِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وایضا
اَسْئَلُ اللّٰهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اَنْ يَشْفِيَنِي
وَعَافِنِي هفت نوبت بخواند وایضا اَعُوذُ بِاللّٰهِ

الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَفَّارٍ
وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ هفت نوبت بخواند واگر بگرسی
بخواند بجای اعوذ اعبدك بكويد وايضا دست بر
بسوي آسمان دارد وبگويد اللّهمّ انّك عيّرت اقواما
في كتابك فقلت قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ
فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا فيا من
لا يملك كشف ضرّي ولا تحويله عنّي احد غيره
صلّ على محمّد وآله واكشف ضرّي وحوّله الى
من يدعو معك الها آخر فانّي اشهد ان لا اله
غيرك وايضا لا حول ولا قوّة الّا بالله توكّلت
على الحيّ الّذي لا يموت والحمد لله الّذي لم
يتّخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم
يكن له وليّ من الذّلّ وكبّره تكبيرا ايضا مشهور
بدعاي قلنسوه سر و تب ربع را بخواند شفا يابد
باذن الله تعالى بسم الله الرّحمن الرّحيم بسم الله الملك
الحقّ

الحيّ المميت شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة

واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم

الرحمن الرحيم الله نور وحكمة وبرهان وسلطان

وهيبة وحول وقوة وبرهان وقدرة قوم

لم ينم لا اله الا الله آدم صفوة الله لا اله الا

الله نوح نجي الله لا اله الا الله ابرهيم

خليل الله لا اله الا الله موسى كليم الله لا

اله الا الله عيسى روح الله لا اله الا الله محمد

رسول الله وحبيب الله لا اله الا الله علي

ولي الله اسكن ايها المرض باذن الله الذي

سكن له ما في السموات وما في الارض وهو

العزيز الحكيم وصلى الله على محمد وآله ايضا

دعاء ربنا بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني

اسئلك باسمك الذي اذا ذكرت وسجدت له

الملائكة وسبحت وبالاسم القدوس القديم

وَبِالاِسْمِ المَخْزُونِ المَكْنُونِ وَبِالاِسْمِ الَّذِی سَمَّیْتَ
بِهِ نَفْسَکَ وَبِالاِسْمِ الَّذِی هُوَ مَکْتُوبٌ عَلَی سُرَادِقِ
العَرْشِ وَبِالاِسْمِ الَّذِی هُوَ مَکْتُوبٌ عَلَی سُرَادِقِ
المَجْدِ وَبِالاِسْمِ الَّذِی هُوَ مَکْتُوبٌ عَلَی سُرَادِقِ
البَهَاءِ وَبِالاِسْمِ الَّذِی هُوَ مَکْتُوبٌ عَلَی سُرَادِقِ
الجَلَالِ وَبِالاِسْمِ الاَکْبَرِ الاَکْبَرِ وَبِالاِسْمِ الاَعْظَمِ
الاَعْظَمِ المُحِیطِ بِمَلَکُوتِ السَّمٰوَاتِ وَالاَرْضِ وَ
بِالاِسْمِ الَّذِی مَشَی بِهِ الخِضْرُ عَلَی المَاءِ فَلَمْ تَبْتَلَّ
قَدَمَاهُ وَبِالاِسْمِ الَّذِی کَشَفْتَ بِهِ ضُرَّ اَیُّوبَ وَ
بِالاِسْمِ الَّذِی وَهَبْتَ بِهِ لِزَکَرِیَّا یَحْیَی اَنْ تَشْفِیَنِی مِنْ
مَرَضِی الَّذِی اَنَا فِیهِ بعد از خواندن این دعا موازی
یک دینار شرعی که چهار دانک و نیم است تصدق
کند به پنج نفر یا بیشتر از مستحقین که علوی نباشند
مگر آنکه بیمار علوی باشد ایضاً دعای گندم بگیرد
یکصاع گندم که نیکو بهتر است و ده درم پس بیمار
بر

بپشت بخواند و گندم را بیمار بر سینه خود پهن کند و این
دعا بخواند اللّهمّ إنّي أسئلك باسمك الّذي إذا سألك
به المضطرّ كشفت ما به من ضرّ ومكّنت له في الأرض
وجعلته خليفتك على خلقك أن تصلّي على محمّدٍ و
آل محمّدٍ وأن تعافيني من علّتي پس بنشیند و گندم
جمع کند و باز این دعا بخواند و گندم را چهار قسمت
مساوی قسمت کند که چهار مد باشد و باز این دعا
بخواند و گندم را تصدّق کند بچهار مسکین هر یک
مدی ایضاً دعای تربت حضرت امام حسین علیه السلام بر خاک
حضرت امام حسین علیه السلام بخواند و بیمار از آن بخورد کمتر
از قد نخود بسم الله الرحمن الرحیم اللّهمّ بحقّ هذه
التّربة الطّاهرة المطهّرة المباركة بحقّ الملك الّذي
هو خازنها والملائكة الموكّلين عليها وبالحقّ
الوصيّ الّذي وارثه وبحقّ الّذي هو مدفون من
ودائعها اجعل لي في هذه التّربة رزقاً واسعاً و

عِلماً نافِعاً وعقلاً وفهماً وادراکاً وذهناً فی
بابِ العِلمِ وشِفاءً مِن کلِ داءٍ وأماناً مِن کلِ خوفٍ
وخصمٍ وأماناً مِن کلِ ظالمٍ وحِفظاً مِن کلِ سوءٍ
بِرحمتِکَ یا ارحم الرّاحمین وصلّی اللهُ علی محمّدٍ و
آلِه وجهت علم وروزی وقضاء حوائج بجز نافع است
ایضاً دعای گوسفند بکیرد گوسفندی بهر نیت قربانی
فدای بیمار و سر نوبت این دعا را بخواند و بدهن گوسفند
بدمد و درحین ذبح نیز بخواند که اللّهمّ انّ هذه الشّاة
لکَ ومِن فضلِکَ وکرمِکَ وصلَ الیّ وانا افدیها
بعبدِکَ فلان بن فلان اللّهمّ انّ هذه فداؤه لحمه
بلحمِه ودمه بدمِه اللّهمّ تقبّل منّی کما تقبّلتَ مِن
خلیلِکَ ابرهیم علیه السّلام حین فدی لولده اسمعیل
علیه السّلام بحرمةِ محمّدٍ رسولِ اللهِ صلّی اللهُ علیه وآله
اللّهمّ هذا لکَ لانّه فداؤه فتقبّله منّی بعد از ان بگوید
اللهُ اکبر اللهُ اکبر بسمِ اللهِ الرّحمنِ الرّحیم و ذبح کند در

مجرّ

محل خالی که مسقف باشد وچون او را در کوی کنند در موضعی
که مردمان پای بران نهند وسرکین او را در خاک کنند ودست
وپای آنرا از پوست جدا نکند چنانچه پوست ودست وپای
یکپارچه باشد وسر یک پاره وانچه در شکست یکپاره
که از هم جدا نشده باشد وگوشت را پنجاه وهفت پاره
کند ودرمیان پوست نهد وهر یک پاره را به نیت یکی از
فقرا ومساکین بیرون آورد وبهمان کس دهد که بنیت
او بیرون آورده تا شصت کس ایضا آیات باران
بنشان هر یک امر فاتحه وآیة الکرسی واخلاص و
معوذتین وحمد هفتاد نوبت بر آب باران بنشان
بخواند وبر وا انا قدر وتکبیر وتهلیل وصلوات پیغمبر
را نیز همین قدر بخواند وهفت روز متوالی صبح وشام
از آن بیاشامد شفا یابد از هر درد که در بدن او
باشد وهر خوی که بد کرده او باشد اگر عقیم باشد
عقیم او زایل گردد وهر فرزندی که خواهد ذکر وانثی

از او متولد شود و درد چشم را نافع باشد و بیخ دندانها
را سخت و دهن را خوشبو کند و زایل کند سیلان لعاب
را از دهن و بلغم را و تخمه را و بادها و فالج و زکام و
زور پشت و کمر و شکم و دندان و معده و کرم و قولنج
و ناسور و خکّه و ابله و جنون و جذام و برص و رعاف
و قلس و کوری و کری و کنگی و زمانت و آب سیاه
از چشم و دردها و فساد صلوة و صوم و وسوسه
جن و پری و شیاطین و غش و جنابت و غیبت و حسد
و بغی و کبر و نمیمه و بخل و حرص و غضب و عداوه
و افتادن در مردمان و غیر آن ایضاً آیات کفایت
هفت نوبت بخواند و بر مریض دهد وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا
وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَ
كِيلًا وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ
عِبَادِهِ خَبِيرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ
اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا و ایضاً بمشک و زعفران بنویسد و
بر آب

بر آب بشوید و بیاشامد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
المبارك العظیم یا طعسها یا کباعها طعطعشا
رجلا یا مجهشا العشاء لحطبنا یا هبیطا یا شتا
یا رهیشا یا سحیشا یا مخیشا طا عهطینا یا الفاکهشا
وصلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین و ایضا
بزعفران بنویسد و بشوید و بیاشامد اللهم لا
تقتلنا بغضبك و لا تهلکنا بعذابك و عافنا
قبل ذلك اللهم لا تؤاخذنا بسوء اعمالنا و لا
تسلط علینا من لا یرحمنا کف ایدی الظالمین عنا
یا حفیظ و احفظنا و حصل مرادنا و امورنا برحمتك
یا ارحم الراحمین باب دوم در دفع و دفع تب و لرز
دفع تب بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم
الله نور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی
هو مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من
النور الحمد لله الذی خلق النور من النور

وَانزل النور من الطور فی کتاب مسطور فی رق
منشور بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد
لله الذی هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور
و علی الضراء والسراء مشکور وصلی الله
علی سیدنا محمد النبی وآله الطاهرین وهر کرد
این دعا مواظبت نماید هرگز او را تب نگیرد ایضا
دفع تب اللهم ارحم جلدی الرقیق وعظمی الدقیق
واعوذ بک من فورة الحریق یا ام ملدم ان
کنت آمنت بالله فلا تاکل اللحم ولا تشربی
الدم ولا تفوری من الفم وانتقلی الی من یز
عم ان مع الله الها آخر فانی اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده
ورسوله دفع لرز بر کاغذی بنویسند و بر ضا
ربع ببندند یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم
ایضا جهة لرز که داخل این نسخه نیست اما مجربست شده
است

است بر سر پاره کاغذ نویسند و هر پاره را یک روز

تناول نمایند ربنا اکشف عنا العذاب انا مؤمنون

وایضا بر سر پاره کاغذ بنویسد و در وقت تب هر

بار یکپاره را در آب مالد و بخورد در سه روز اول

اول الآن خفف الله عنكم وعلم ان فيكم ضعفا

دویم یرید الله ان یخفف عنکم وخلق الانسان

ضعيفا سیم ذلك تخفيف من ربكم ورحمة ایضا

اول قد قرت دویم قد قلت سیم قد مت

ایضا بر سه بادام بنویسد بخورد اول بسم الله

مادت واستقادت دویم بسم الله حول العرش

دارت سیم بسم الله في علم الغيب غارت ایضا

در آب حل کند و بیاشامد اول بسم الله اربط

دویم بسم الله ارتبط سیم بسم الله اربطنا

ایضا بر سر برگ درخت انار بنویسد و در وقت

لرزیدن بر آتش بسوزانند اول جمهور دویم

جمعوقت سیم جهارو وقت باب سیم درد دفع

اوجاع وعلل اعضا ودفع هر دردی بگوید بسم الله

پس دست بران موضع بکشد وهفت نوبت بگوید

اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ

بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع الله

واعوذ برسول الله واعوذ باسماء الله من شر

ما اخاف واحذر على نفسي ايضا دست بران

موضع نهد وبگوید اسکن سکنتك بالذی سکن

له ما في الليل والنهار وهو السميع العليم دفع

درد سر ودرد گوش اعوذ بالله الذی سکن له ما

في السموات والارض وهو السميع العليم دفع

درد سر بسم الله الرحمن الرحيم لا الاء الا الاء

يا الله محيط به علمك كهيعص حم عسق ن والقلم وبا

لحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك الا

رحمة للعالمين ابا تراب ابا تراب ابا تراب اینرا دعا

را در یک سطر بنویسد در ساعت آخر جمعه آخر ماه

مبارک رمضان و با خود دارد دفع درد شقیقه

یا ظاهراً موجوداً و یا باطناً غیر مفقود صل علی

محمد و اهل بیته و اردد الی عبدک الضعیف ابا

دیلک الجبلة و ادفع ما به من اذی انک رحیم قدیر

دفع درد چشم اعیذ نور بصری بنور الله

الذی لا یطفی و چشم را بدست مسح کند پس آیة

الکرسی بخواند و در خاطر بگذراند که البتة شفا یابد

ایضا اذان بار ان نیسان که ابا نی که ذکر آن گذشت

بر آن خوانده باشد قدری بیاشامد و قطره در چشم

کشد و چشم را بدان بشوید دفع گرانی گوش

لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره حشر

بخواند و دست بر گوش داشته باشد دفع درد

دندان دست بر دندان گذارد و سوره فاتحه و توحید

و قدر بخواند و بگوید و تری الجبال تحسبها جامدة

آزموده است
مجرب است

وهی تمرّ مرّ السحاب صنع الله الذی اتقن کلّ شیءٍ

انّه خبیرٌ بما یفعلون ایضاً انگشت ابهام را بر آن

بگذارد و بگوید بسم الله و بالله اسئلک بعزّتک و

جلالک و قدرتک علی کلّ شیءٍ انّ مریم لم تلد

غیر عیسی روحک و کلمتک ان تکشف ما یلقی

فلان بن فلانٍ من الضرس دفع درد دهن و حوالی آن

بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضرّ

مع اسمه داءٌ اعوذ بکلمات الله التی لا یضرّ معها

شیءٌ قدّوسٌ قدّوسٌ قدّوسٌ اسئلک یا ربّ

باسمک الطاهر المقدّس المبارک الذی من سئلک

به اعطیته و من دعاک به اجبته اسئلک یا

الله یا الله یا الله ان تصلّی علی محمّدٍ النبیّ و اهل

بیته و ان تعافینی ممّا اجد فی فمی و فی راسی

و فی سمعی و فی بصری و فی بطنی و فی ظهری و

فی یدی و فی رجلی و فی جوارحی کلّها دفع رعاف

از برای حج

از برای دیدن غایب در خواب نقل است که چون
خواهی غایبی را بخواب به بینی واحوال او معلوم
کنی سوره الحمد و والشمس و والضحی و الم
نشرح و والتین و قل هو الله هر یک را هفت
بار بخواند و بعد از آن این دعا بخواند اللّهم
ارنی فی منامی ما استدل بها علی استجابة
دعوتی و ارنی لذلک فرجا و مخرجا بحرمة
محمّد و آل محمّد اعون لا یقدر علی الجماع یأخذ
سبع بیضات و یخرقهنّ و یخرج البیاض
منهنّ و یجعل علی کلّ بیضة مثقالا من بزر
الجزر مسحوقا و عسل علی قدر ثمّ یشدّ روس
البیض محکما و یجعلهنّ علی نار رخوة لحظة
و یاکل کل لیلة بیضة فانّه یری العجب و قد
جرّب ۱۲ اکتب علی کف یدک وضع علی
صدر المریض ان ضحک خلص من المرض و ان بکا

فات وهو هذا ... وف هلالی مشکل هط

هم طاهر طیبة و ابن مبارکه و من جملة البکجة

توسعه رزق و ادای دیون ابد اکند انروز

دوشنبه یا پنجشنبه یا جمعه و افضل آنست که

بعد از نماز بامداد بخواند و هر روز یکصد و

پنجاه و نه مرتبه بخواند و در روز چهلم صد و

هشتاد و نه مرتبه که چهل روز شش هزار و سیصد

هشتاد مرتبه که مجموع و رد است خوانده شود

البته بعد از خوندن ختم بلکه در اثنای خواندن

حق تعالی در مال کشاید اما در محلی که شروع در

خواندن میکند یعنی روز اول غسل کند و دو رکعت

نماز کند و صد نوبت صلوات بفرستد و بعد از آن

درست شروع در خواندن کند و در روز چهلم

که تمام کند صد نوبت صلوات فرستد و دعا کند

و امید این داشته باشد که درین خواندن فتح

میسر

میسّر بشود و اگر احیاناً در چهل روز او فتح نشود
باید ختم را از سر گیرد که در ختم دوم ان شاء الله تعالی
بیشک مراد حاصل بشود و ایراد بسند و من یتق
الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا
یحتسب و من یتوکّل علی الله فهو حسبه
إنّ الله بالغ أمره قد جعل الله لکلّ شیءٍ قدراً
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است
که جهت فتح مهمات و گشایش کارها باید که هر
روز چهل و سه بار این قل اللهم تا بغیر حساب
بخواند هر روز بسر روز نکند و در کم ابواب روزی
او زیاده بشود و از شیخ شهید رحمه الله منقول است
که باید که اربعین این قل اللهم تا بغیر حساب
بخواند در هر شب چهل و یکمرتبه جهت روزی و
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر کس
این آیه و من یتق الله را تا لکل شیء قدرا مداومت

نمايد و با وضو باشد خداى تعالى او را از شر
جميع فتنها و بلاها نگاه دارد و از نكس و از مال
دنيا غنى گرداند و در آخرت او را بحساب به بهشت
برد و خداى تعالى او را از شر ظالمان و منا
فقان و از غضب سلطان نگاه دارد و هميشه
ابواب فتح و دولت او زياده بشود ١٢ و اگر
كسى حاجتى داشته باشد و ميبايد در روز
جمعه در وقت برآمدن آفتاب بوضو بسازد و دو ركعت
بلندى رود و هفتاد بار آيه و من يتق الله را بخواند
و هشتاد بار صلوات بر پيغمبر صلى الله عليه و آله بفر
ستد همان روز بعون الله تعالى آن حاجت
برآيد من كتاب حصن الحصين للشيخ الكفعمى
لقضاء الحوائج مجرب من كانت له حاجة فليقرا
بنيته قضائها سوره يس و كلما وصل الى لفظة
مبين و هو فى سبع مواضع فيها عقد اصبعا

من اصابعه فاذا بلغ اخر السورة قال ثلث مرات
سبحان المفرج عن كل مهموم سبحان المنفس
عن كل مديون سبحان من جعل خزائنه بين
الكاف والنون انما امره اذا اراد شيئا ان
يقول له كن فيكون سبحان الذي بيده ملكوت
كل شيء واليه ترجعون يا مفرج الهم فرج
ثم يقرأ الفاتحة سبع مرات ويحل بحل مرة ا
اصبعا من اصابعه المعقودة ثم يقرأ السورة
مرتين اخرتين على هذه الصورة فانه اذا تم
الثلث قضى الله حاجته بمشيته تعالى
من كتاب حصن الحصين من كان له مهم فعسر و
يصعب عليه فقرأ هذه الاية ثم انزل عليكم
من بعد الغم امنة نعاسا يغشى طائفة منكم
وطائفة قد اهمتهم انفسهم يظنون بالله
غير الحق ظن الجاهلية يقولون هل لنا من

الأمر من شيء قل إن الأمر كله لله يخفون في
أنفسهم ما لا يبدون لك يقولون لو كان
لنا من الأمر شيء ما قتلنا ههنا قل لو كنتم
في بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم القتل
إلى مضاجعهم وليبتلي الله ما في صدوركم
وليمحص ما في قلوبكم والله عليم بذات
الصدور الآية من قرأها أربعين يوما كل
يوم أربعين مرة كفاه الله ذلك البتة ومن كان
له عدو قوي فقرأها لدفعه تسعة وعشرين
يوما كل يوم تسعا وعشرين مرة كفي شره ومن كان
مهموما مغموما متحيرا في أموره قرأها تسعة
عشر يوما تسع مرات تخلص من ذلك كله ومن كان
فقيرا فقرأها عشرة أيام كل يوم عشر مرات أغناه
الله بفضله وكرمه ثم انقل منقولست كه هر كس را
مهمي وحاجتي پيش آيد بود ونه نوبت بخواند بشرط

انکه دربن خواندن حرف نزند و در ما بین یا هو

هو مطلوب را بخاطر کند داند یا کائنا قبل کل

شیٔ و یا باقی بعد کل شیٔ صل علی محمد و اهل

بیته و افعل بی یا هو هو مطلوبی ۱۲ دوای

که قضیب را سخت و محکم کرداند بگیرند زهره کا

و پیاز نرگس و عاقرقرحا و موبزج و همه را

باهم نرم کوفته و در زهره کاو مذکور سرشته بوقت

حاجت بر قضیب مالد که قضیب را سخت کند و

عصب و عروق را گرم کند چنانکه بر آب و جماع

فرو ننشیند تا چند با در آب سرد و یخ ننشیند

و اگر زن بر عانه و فرج مالد چندان شهوت بر و

غالب شود که مرد از عهده برنتواند آمد نوع دیگر

بگیرند جوزه ارمنی نیم درم و بسایند و در انگبین

کنند و روغن و بوقت حاجت بر قضیب و خصیتین

و در عانه طلا کند اگر چه مفعول ده کس باشد همه را

چنان کند که از وی بگریزند و ابن عنین را نشاید و همچنین اگر زن برفرج و دعا نزد الذا زاو سیر نشود و فرج را اکرم کردانند فضیلت وکیفیت زیارت حضرت فاطمه دختر حضرت امام موسی علیه السلم است و ضریح مقدس آنحضرت در قم است

و بسند حسن منقولست که سعد بن سعد از حضرت امام رضا صلوات الله علیه سؤال نمود از فاطمه دختر موسی بن جعفر علیهما السلم فرمود که هر که او را زیارت کند از برای اوست بهشت و بسند معتبر دیگر از حضرت امام محمد تقی علیه السلم منقولست که هر که عمه مرا در قم زیارت کند پس از برای اوست بهشت و در بعضی از کتب زیارت بسند حسن روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلم بسعد اشعری فرمود که ای سعد نزد شما قبری از ما هست سعد گفت که فدای تو شوم قبر فاطمه دختر موسی علیه السلم را میفرمائی فرمود که بلی هر که او را زیارت کند و حق او را شناسد از برای اوست بهشت چون نزد

قبر

قبر آنحضرت برسی نزد سرش رو بقبله بایست و سی و
چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه سبحان الله و
سی و سه مرتبه الحمد لله بگو پس بگو السلام علی آدم
صفوة الله السلام علی نوح نجی الله السلام
علی ابرهیم خلیل الله السلام علی موسی کلیم الله
السلام علی عیسی روح الله السلام علیک یا
رسول الله السلام علیک یا خیر خلق الله السلام
علیک یا صفی الله السلام علیک یا محمد بن عبد
الله خاتم النبیین السلام علیک یا امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب وصی رسول الله السلام علیک
یا فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیکما یا
سبطی الرحمة وسیدی شباب اهل الجنة السلام
علیک یا علی بن الحسین سید العابدین وقرة
عین الناظرین السلام علیک یا محمد بن علی
باقر العلم بعد النبی السلام علیک یا جعفر بن

مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ البارِّ الأَمِينِ السَّلامُ عَلَيكَ يا

مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ السَّلامُ عَلَيكَ يا

عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضا المُرْتَضَى السَّلامُ عَلَيكَ يا

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ السَّلامُ عَلَيكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ

النَّقِيِّ النَّاصِحِ الأَمِينِ السَّلامُ عَلَيكَ يا حَسَنَ بْنَ

عَلِيٍّ السَّلامُ عَلَيكَ عَلَى الوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ السَّلامُ

عَلَى نُورِكَ وَسِراجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ

وَصِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ السَّلامُ عَلَيكِ يا

بِنْتَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيكِ يا بِنْتَ فاطِمَةَ

وَخَدِيجَةَ السَّلامُ عَلَيكِ يا بِنْتَ أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ السَّلا

عَلَيكِ يا بِنْتَ الحَسَنِ وَالحُسَيْنِ السَّلامُ عَلَيكِ

يا بِنْتَ وَلِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَيكِ يا عَمَّةَ وَلِيِّ اللهِ ا

السَّلامُ عَلَيكِ يا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللهِ

وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلَيكِ عَرَّفَ اللهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ

فِي الجَنَّةِ وَحَشَرَنا فِي زُمْرَتِكُمْ وَأَوْرَدَنا حَوْضَ

نَبِيِّكُمْ

نبيكم وسقانا بكأس جدكم من يد علي بن ابي طالب
صلوات الله عليكم اسئل الله ان يرينا فيكم
السرور والفرج وان يجمعنا واياكم في زمرة
جدكم محمد صلى الله عليه وآله وان لا يسلبنا
معرفتكم انه ولي قدير اتقرب الى الله بحبكم
وبالبراءة من اعدائكم والتسليم الى الله راضيا
به غير منكر ولا مستكبر وعلى يقين ما اتى به
محمد تطلب بذلك وجهك يا سيدي اللهم
ورضاك والدار الآخرة يا فاطمة اشفعي لي في
الجنة فان لك عند الله شأنا من الشأن
اللهم اني اسئلك ان تختم لي بالسعادة فلا
تسلب مني ما انا فيه ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم اللهم استجب لنا وتقبله بكرمك
وعزتك وبرحمتك وعافيتك وصلى الله
على محمد وآله اجمعين وسلم تسليما يا ارحم الراحمين

ههههه // ✗ وهههههوهصح

✡ ااام ▤ ااا اه ف كما جرت

اجزت الاخ الاعز الاكرم الاليق بالاكرام

مستندًا الى امير المؤمنين عليه السلم ينفع الله به

المؤمنين والمؤمنات كتبه العبد الخاطي محمد مهدي

الشريفي العلوي السطري ١٢

الله ولي الهداية ومنه التوفيق قال امير المؤمنين

علي عليه السلم باصحاب الفطنة والفكرة الدنيا

عجوزة بكرة مكارة غدارة طرارة فرارة في كل لحظة

لها صديق وخليل وفي كل ساعة لها هالك و

قتيل بحرها عميق وراكبها غريق محبها مخذول صد

يقها مفتون زاهدها فارغ وراغبها مشغول

سرورها هم وترياقها سم وساحلها يم وشفاء

هادا ء وصحتها بلاء ومحبتها عناء شرابها سراب

ومعمورها خراب حاصلها تراب حلالها حساب حرامها

عقاب

عقاب رقعه که حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین
اسد الله الغالب و مظهر العجائب غالب کل غالب
مطلوب کل طالب مولانا و مقتدانا علی بن ابیطالب
علیه السلام بقیصر روم انشا فرموده اند شکایت کنند که
تو بحساب و شکو کندا ان تو با باب ازتیغ سبات
بر بیرهیز با از رخلافت برخیز دعای خواب بیات
هرکه این دعا را در وقت خواب بخواند نبیتی که خواهد
در خواب برسند اللهم انت الحی الذی لا یموت
والایمان ... فمنه منک بدت الاشیاء
والیک تعود فما اقبل منها کنت ملجاه و منجاه
وما ادبر منها لم یکن له ملجا ولا منجا منک
الا الیک فاسئلک بلا اله الا انت واسئلک
بسم الله الرحمن الرحیم و بحق حبیبک محمد
صلی الله علیه واله سید النبیین و بحق علی
خیر الوصیین و بحق فاطمة سیدة نساء العالمین

وبحق الحسن والحسین اللذین جعلتهما سیدی
شباب اهل الجنة اجمعین السلام علیهم ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان تنجینی فی
الحالة التی شرح هفت حصار هو فیها
منقولست که ملک شاه خوارزمی قصد سلطان
ابرهیم غزنوی کرد واین در محلی بود که سلطان
ابرهیم لشکر خود را بطرف هند فرستاده بود خبر
بملک شاه رسید که غزنین خالیست ملک شاه
با لشکر خوارزم روی بغزنین آورد چون سلطان
ابرهیم واقف شد متحیر ماند چون شب درآمد
برخاست و بر بام کوشک خود برآمد و نماز نصرت
مشغول گشت واز حق تعالی مدد خواست سحر رسالت
پناه صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب دید که گفت
ای ابرهیم فرزندم جعفر صادق علیه السلام آیات فتح
ونصرت را از قرآن مجید جمع کرده است وانوا

الغرض

هفت حصار نام نهاده و این هفت حصار مذکور
در کتاب قاضی زاهد است هر که هر روز یک حصار
بخواند و روز هفتم روزه دارد و آخر روز هفتم
هفت حصار را بالتمام بخواند او را سعادت دو
جهانی حاصل گردد و چون سلطان ابرهیم از
خواب بیدار شد قاضی زاهد را بخواند و قصه
خواب را گفت قاضی دعوات را حاضر کرد همچنان
بود که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرموده بود
قاضی را انعام بسیار فرمود و باشارت حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله هر روز یک حصار خواند
و روز هفتم هفت حصار را بخواند و صدقه
بسیار بداد هم آن شب ملک شاه در خواب دید
که گرد بر گرد سلطان ابرهیم حصاری از آهن
مانند کوهی در بلندی و سطبری کشیده و پیرامونش
حصار پیلان ایستاده و خرطومها بر آورده و

برملك شاه حمله می کنند از حول آن از خواب
جست وگفت حق تعالی غزنی را در حمایت خود
نگاه داشت وامرای خود را فرمود که لشکرهای
خود را روان کنند که رفته غزنی را فتح کردم و
عهد کردم که دیگر سلطان ابراهیم را نیازارم پس
سلطان ابراهیم هر مهمی که پیش آمدی وهر حصنی
که رسیدی شدی باین آیات فتح مداومت نمودی
حق تعالی آن مهم را کفایت کردی وحصن او را
مقهور کردانیدی وفواید بسیار ازین آیات
مذکور با فتح حصار اول درود بشنو بسم
الله الرحمن الرحیم واذا قرأت القرآن جعلنا
بینك وبین الذین لا یؤمنون بالآخرة
حجابا مستورا وجعلنا من بین ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون
وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی

اذانهم

اذا هم وقوا فالله خير حافظا وهو ارحم
الراحمين ان ينصركم الله فلا غالب لكم وان
يخذلكم فمن ذا الذي ينصركم من بعده وعلى
الله فليتوكل المتوكلون وعلى الله فتوكلوا
ان كنتم مؤمنين قل كل متربص فتربصوا
فستعلمون من اصحاب الصراط السوي ومن
اهتدى يا ايها الذين امنوا اصبروا وصابروا
ورابطوا واتقوا الله لعلكم تفلحون وبالحق
انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك الا مبشرا
ونذيرا سنلقي في قلوب الذين كفروا الرعب
بما اشركوا بالله ما لم ينزل به سلطانا اللهم
يا ذا المن ولا يمن عليك يا ذا الطول يا لا
اله الا انت اسئلك العفو والعافية في
الدين والدنيا والاخرة بفضلك على جميع
خلقك اللهم ربنا اتنا في الدنيا حسنة و

فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ يَا
فَارِجَ الْهَمِّ وَيَا كَاشِفَ الْغَمِّ فَرِّجْ هَمِّيْ وَاكْشِفْ
غَمِّيْ وَاهْلِكْ عَدُوِّيْ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ
بِحَقِّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ حصار دوم
در روز يكشنبه رَبَّنَا اِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ
اَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ هُنَالِكَ
تَبْلُوْا كُلُّ نَفْسٍ مَا اَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا اِلَى اللّٰهِ مَوْ
لٰهُمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ يَكَادُ
الْبَرْقُ يَخْطَفُ اَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا اَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا
فِيْهِ وَاِذَا اَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوْا وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَذَ
هَبَ بِسَمْعِهِمْ وَاَبْصَارِهِمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيْرٌ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ وَجَعَلْنَا
مِنْ بَيْنِ اَيْدِيْهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَيْنَا
هُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُوْنَ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ
الْمُؤْمِنِيْنَ فَسَيَكْفِيْكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ

فاذا

فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ
الْمُتَوَكِّلِينَ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ
الْمُتَطَهِّرِينَ يَا اَللّٰهُ يَا وَلِيُّ يَا رَبَّاهُ يَا مَلْجَاهُ يَا
مُسْتَغَاثَاهُ يَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ أَسْئَلُكَ بِكَرَمِكَ
إِلَى كَرَمِكَ وَبِفَضْلِكَ إِلَى فَضْلِكَ وَبِجُودِكَ
إِلَى جُودِكَ وَبِإِحْسَانِكَ إِلَى إِحْسَانِكَ قُلْ
بِفَضْلِ اللّٰهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ
خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ يَا رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ
قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ
مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا اَللّٰهُمَّ يَا حَفِيظِي وَ
يَا نَصِيرِي وَيَا مُعِينِي فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ وَالْأَ
شْغَالِ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ
فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ
يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَيَا كَاشِفَ الْغَمِّ فَرِّجْ هَمِّي
وَاكْشِفْ غَمِّي وَأَهْلِكْ عَدُوِّي بِرَحْمَتِكَ

يا ارحم الراحمين حصا رستم درروزدو
شنبه قل جاء الحق وزهق الباطل ان البا
طل كان زهوقا ونزل من القرآن ما هو
شفاء ورحمة للمؤمنين او كظلمات في بحر
لجي يغشاه موج من فوقه موج من فوقه
سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج
يده لم يكد يراها ومن لم يجعل الله له نورا فما
له من نور يا ايها الناس اتقوا ربكم ان
زلزلة الساعة شيء عظيم لا يذوقون
فيها بردا ولا شرابا الا حميما وغساقا جزاء
وفاقا في سموم وحميم وظل من يحموم لا
بارد ولا كريم كم من فئة قليلة غلبت فئة
كثيرة باذن الله والله مع الصابرين ربنا
افرغ علينا صبرا وثبت اقدامنا وانصرنا
على القوم الكافرين فهزموهم باذن الله

ومن

وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ
وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ
بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ
عَلَى الْعَالَمِينَ آمَنْتُ بِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ
رَسُولُ اللَّهِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اللَّهُمَّ
رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ اللَّهُمَّ يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَيَا كَاشِفَ
الْغَمِّ فَرِّجْ هَمِّي وَاكْشِفْ غَمِّي وَأَهْلِكْ عَدُوِّي
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ حصار جهارم
درود و نسه شبنه قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ
اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْ
مِنُونَ أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ
فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ
إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا قُلْ كُونُوا حِجَارَةً
أَوْ حَدِيدًا أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ مرج

البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان فبأي

آلاء ربكما تكذبان اللهم إنك تعلم سري و

علانيتي وتعلم ولا أعلم بقضائك وتقدير

ك فإني أسير بحكمك وأنت تعلم بأحوال

العباد واشغالهم وحركاتهم وسكناتهم

في الليالي والأيام لا إله إلا أنت سبحانك

إني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه

من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فالله خير

حافظا وهو أرحم الراحمين أقرب نصرا و

أوضح دليلا أغثني من الأعداء اللهم ربنا

آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا

عذاب النار اللهم يا فارج الهم ويا كاشف

الغم فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي

بقدرتك يا أقدر القادرين وارحمني برحمتك

يا أرحم الراحمين مجي إياك نعبد وإياك نستعين

حصار پنجم در روز چهارشنبه بسم الله الرحمن
الرحیم رب قد آتیتنی من الملک وعلمتنی من
تأویل الاحادیث فاطر السموات والارض انت
ولیی فی الدنیا والآخرة توفنی مسلما والحقنی
بالصالحین قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک
من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من
تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی
کل شیء قدیر لا حول ولا حیلة ولا محالة
ولا احتیال ولا ملجأ ولا منجا منک الا
بک علیک توکلت وانت خالق ومدبرهم
ومحولهم من الخلق حال الی حال بک اصول
اللهم انصرنا ولا تخذلنا وارحمنا ولا
تهلکنا وانت رجاؤنا ومنجینا یا الله
یا الله یا الله اللهم ربنا آتنا فی الدنیا حسنة
وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار اللهم

یا فارج الهمّ ویا کاشف الغمّ فرّج همّی
واکشف غمّی واهلک عدوّی بقدرتک
یا اللّه والقادر بق وارحمنی برحمتک یا ارحم
الرّاحمین بحقّ ایّاک نعبد وایّاک نستعین

حصار ششم در روز پنجشنبه بسم اللّه
الرّحمن الرّحیم انّ اللّه بالنّاس لرؤف رحیم
ولولا فضل اللّه علیکم ورحمته لکنتم من
الخاسرین انّ اللّه عنده علم السّاعة وینزّل
الغیث ویعلم ما فی الارحام وما تدری
نفسٌ ماذا تکسب غدًا وما تدری نفسٌ بایّ
ارض تموت انّ اللّه علیم خبیر انّ فی خلق
السّموات والارض واختلاف اللّیل والنّهار
لایات لاولی الالباب الّذین یذکرون اللّه
قیامًا وقعودًا وعلی جنوبهم ویتفکّرون فی
خلق السّموات والارض قل انّ الموت الّذی

تفرّون

تفرون منه فانه ملاقيكم ثم تردون الى
عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون
وهو القاهر فوق عباده وهو الحكيم الخبير
اللهم يا رافع الدرجات ويا كاتب الحسنات
ويا مانع البليات ويا كاشف الكربات و
يا مجيب الدعوات ويا سامع الاصوات اصرف
عني وعن جميع المسلمين النكبات واحفظنا
وإياهم من الحادثات والواقعات اللهم
ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
اللهم يا فارج الهم ويا كاشف الغم فرج
همي واكشف غمي واهلك عدوي بقدرتك
يا اقدر القادرين وارحمني برحمتك يا ارحم
الراحمين بحق اياك نعبد واياك نستعين
حصار هفتم درود جمعه بسم الله الرحمن
الرحيم قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على

إِبْرٰهِيمَ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ
وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا
لِلْعَالَمِينَ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّا
لِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا
وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ
الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ وَاللّٰهُ غَالِبٌ
عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ رَبَّنَا
افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَا
تِحِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنْدَنَا
لَهُمُ الْغَالِبُونَ اللّٰهُمَّ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ
اللّٰهُمَّ يَا مُحِبَّ التَّوَّابِينَ اللّٰهُمَّ يَا أَنِيسَ
الْمُسْتَوْحِشِينَ اللّٰهُمَّ يَا نَاصِرَ الْمُضْطَرِّينَ اللّٰهُمَّ
يَا رَجَاءَ الْمُؤْمِنِينَ اللّٰهُمَّ يَا سَاتِرَ الْمَعْيُوبِينَ
اللّٰهُمَّ يَا شَاهِدًا غَيْرَ غَائِبٍ اللّٰهُمَّ يَا قَرِيبًا غَيْرَ
بَعِيدٍ يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي

فَرَجًا

فرجاً ومخرجاً في العافية اللّهمّ ربّنا آتنا في
الدّنيا حسنةً وفي الآخرة حسنةً اللّهمّ يا
فارج الهمّ ويا كاشف الغمّ فرّج همّي واكشف
غمّي واهلك عدوّي بقدرتك يا اقدر
القادرين وارحمني برحمتك يا ارحم الرا
حمين بحقّ ايّاك نعبد وايّاك نستعين وصلّى
الله على خير خلقه محمّدٍ وآله اجمعين
الطيّبين در باب فتن تقرّب الطاهرين
مثلا محمّد تقرّب محمود بخواند چنین تکسیر کند
رقت در وطالب ومطلوب نیست مجموع حساب
کرده ایم رم رقت دوازده هزار هفتصد هشتاد
وشش دیت م رق بیرون آمد قاری المخبر ساختیم
اگر تواند دراین دیت م رق ایّام مذکور هر روز
باین عدد با مقصود بگوید واگر میسّر نشود این
عدد را باین طریق در مربّع برکاغذ زده هر زده

بضمیع کند و با خود دارد و بعد و تکسیر که هزار و یکبار

است بخواند و تا تواند بان عدد کامل خواند تقرب

و امعشور کر عاقبت محمود کردن این را بسیار بزرگان

تجربه کرده اند و تقرب سلاطین رسیده [illegible] و مقا

صد کلی ازین عمل حاصل شده و در باوندا و الف مر

تعویذ مجرب است در تمام اسما و در این ایام شرایط

خلوة بجای آورد و بخور بسوزد بعود و صندل و کشنیز

و بعده کامل خواند با تکسیر تا اول روز خواص دهد

و برای شر خصم نام خود را و نام خصم تکسیر کند اما

بشرطی که نام دشمن بر نام خود مقدم دارد و در وقت

تکسیر در خواندن مقهور شدن خصم در خاطر

گذراند و هر عدد که از تکسیر بیرون آید بوالای

سیاه بر نیل و زنگار عدد دهد و در باد او برد اگر

چنان بود که باد از والا گذرد و بخانه دشمن رود مقهور

گردد المقتدر یعنی خدای توانا بر آوردن و بودن

هم

هرچیزها از مرتبه اسفل باعلا درجه و از کمال درجه
اعلا باز برند باسفل این نامیست که روح در بدن
ببرکت این نام درآمد و بیرون رود شیخ بونی رحمه
الله فرموده اند که این اسم را در این مختصر و خواص
بیان کنند اول درجاه و منزلت و قدر و منصب دنیایی
نزد اکابر و خویشان و دوستان و دیگر در شکست و خواری
و کسر اعدا و عزل ایشان از این دو مقصود یکی یا هر دو
هر که خواهد بدعوت این اسم که عدد کامل تکسیر است
مداومت نماید هفتاد روز باید که اگر جاه و منصب
مقصود است نام خود و نام آنکس که بعزت خواهد
بطریق مذکور تکسیر نماید و اگر معزولی خصم خواهد
بدستوری که نموده شده عمل کند که مجرب شده
در باب مداومت اسما در نسخه صحیح بنظر رسید که هر گاه
اسمی که موافق اسم خود کسی خواهد که ورد نماید باید
که بعدد هر دو بخواند که بهتر است و اگر تواند بعدد

که هرکه ورد تو باجابت میرسد والا بعد اسم خود
و بعدد اسم باری تعالی که موافق است بعدد مجموع
مجموع اند الشرح بزرکان در شرح اسم هو کفته
اند که هرکه در یک مجلس دوازده هزار بار هو بکوید و
بعضی کفته اند باین عدد یا الله یا هو بکوید جن و انس
و وحوش و طیور و جمله مخلوقات مسخر و مطیع او
کردند تا بحدی که جانوران پرنده با او انس کیرند
و در صحرا مطیع او کردند و خواص اشیا و علوم
مخفیات بروی مکشوف کردد و این اسم را خدای تبارک
و تعالی مخرج داده است اکر کسی خواهد با خدا
از نفس او این اسم ظاهر میشود و چون حضرت باری
تعالی دوست میدارد که مخلوقات ذاکر باشند و از
جهت کثرت دنیا بذکر کم توانند قیام نمود ایزد تعالی
اسم هو از دم زدن مخلوقات ترتیب داده و خلق
از آن غافلند و علمای صوفیه سر تواضع بر زمین

عبودیت

عبودیت نهاده علی الدوام بشکر گذاری قیام مینمایند

وحضرت شیخ ابو العباس بونی رحمه الله فرموده که هر کرا

در هر شبانه روزی یکهزار بار و یا الله یا هو و بدین مداومت

نماید خدا تعالی ورا از اهل یقین کرداند ولیکن خواهد

بر او کشف شود جهت آنکه الله اسم ذاتست و اسم اعظم

است واهل تحقیق اسم اعظم اسمی را کویند که حرفی از

وی بیفکنی همان اسم الله باشد از الله الف کم کنند لله

شود واگر یک لام کم کنند له ماند واگر الف و هر دو لام

را کم کنند و حذف نمایند هو ماند و هو اسم اعظم است

و در اسم الله دلیل بسیار است و کلمه چند از قرآن

بیرون آورده اند و کفته که اسم اعظم خدا تعالی است

که ابتدای آن با الله و ختم آن بهو شد و این چند کلمه را

نقط نبود واکر معرب یا غیر معرب نویسند همان کر

هست خوانده شود و در کلام مجید پنج جای آمده است

در سوره البقره الله لا اله الا هو است و در سورة آل

عمران و سوره نسا و در سوره طه و در سوره تغابن

پس دلیل اسم الله لا اله الا هو است شیخ مغرب

فرموده که هر که این شیخ را که مذکور شد ورد کند و هر

روز یازده بار بهمه مهم کلی و جزوی که روی آورد بزودی

حاصل گردد و دیگر در کلام مجید یک آیه یافتم که دو کلمه

است و دو اسم خدا تعالی و نقطه ندارد و اگر معرب باشد

یا بنا شد که راست خوانده میشود و شک نیست که اسم

اعظم این دو اسم است و آن در سوره اخلاص است الله

الصمد شیخ مغرب فرمود که در شرح یکی از بزرگان یافتم

که هر که را کاری صعب واقع شود که بیم کشتن بود در دفع آن

بلیه یا فتح آن کار بیک مجلس هزار بار سوره اخلاص

بخواند نجات یابد اما شیخ فرمود که یاری بوده که دایم با

وی دم ناملایم نشستی و نصیحت پذیر نبود تا آنکه قضیه

افتاد که او را بکشتن میبردند و در راه که او را بقتلگاه

میبردند گفتم با هیچکس سخن مکوی و تا پای دار هزار بار بخوان

که او

که الله الصمد ابدا کرد و هنوز بپای دار نرسیده بود که خبر
آوردند که او را بخشیدند و چند نوبت تجربه این حاصل
شده و هزار و یک بقول شیخ رحمه الله عدد کبیر است
و نزد شیخ عدد تکسیر ان اسم است و عدد تکسیر این
دو اسم است بسه نوع بیان کنیم که علمای این فن تکسیر اختیار
کرده اند در هزار و هفتاد و دو است و صد و موخر تکسیر
کردیم یا این عدد افزودیم ۹۹ ۳ شد تکسیر است
ا ل ل ه ا ل ص م د د ا م ل ص ل ل ه ا ه ا ل م ل د ص
ص ا ل ه ل ه م ا ل ل ص ا ا م ل ه د ل ل ل د ص ه ا ل ا م
م ل ل ا ل د ا ص ه د م ص ل ا ا د ل ل ا ه ل م د ص ا ل ا
و عدد وسیط که عدد اصلیست ۱۳۲۱ می شود و عدد
تکسیر بطریق شیخ بی صد و موخر و عدد صغیر جهة
حصول مقاصد و مطالب مشروعه از حضرت سیادت
و افادت پناه استادی ملاذی امیر معز الدین محمد بن
اعز یزدی قطب الفلک السیادیه و الافاضة و الشر

عمران وسوره نسا و در سوره طه و در سوره تغابن

پس بدین دلیل اسم الله لا اله الا هو است شیخ معرب

فرموده که هر که این شیخ ایزا که مذکور شد ورد کند وهر

روز یازده بار بهر مهم کلی وجزوی که روی آورد بزودی

حاصل گردد و دیگو در کلام مجید یک آیه یافتم که دو کلمه

است و دو اسم خدا تعالی و نقطه ندارد و اگر معرب باشد

یا نباشد که راست خوانده میشود و شک نیست که اسم

اعظم آن دو اسم است وان در سوره اخلاص است الله

الصمد شیخ معرب فرمود که در شرح یکی از بزرگان یافتم

که هر گه کاری صعب واقع شود که بیم کشتن بود در دفع آن

بلیه یا فتح آن کار بیک مجلس هزار بار سوره اخلاص

بخواند نجات یابد اما شیخ فرمود که یاری بود که دایم با

مردم ناملایم نشستی ونصیحت پذیر نبود تا انکه قضیه

افتاد که او را بکشتن میبردند و در راه که او را بقتلگاه

میبردند گفتم با هیچکس سخن مکوی و تا پای دار هزار بار بخوان

که الله الصمد ابتدا کرد و هنوز بپای دار نرسیده بود که خبر

آوردند که او را بخشیدند و چند نوبت تجربه این حاصل

شده و هزار و یک بقول شیخ رحمه الله عدد کبیر است

و نزد شیخ عدد تکسیر ان اسم است و عدد تکسیر این

دو اسم است بسه نوع بیان کنیم که علمای این فن تکسیر اختیار

کرده اند در هزار و هفتاد و نه است و صدد موخر تکسیر

کردیم یافتن عدد افزودیم ۹۹۳۰ شد تکسیر است

ال له ال ص م د دام لص ل ال ه ا ده ال م ل ل ص

ص ال ده ل م ال ل ص ا م ل ه د ل ل ل د ص ه ال ا م

م ل ال دا ص ه د م ص ل ا ا د ل ل ل ه ل م د ص ال ا

و عدد و بسیط که عدد اصلیست ۱۳۲ می شود و عدد

تکسیر بطریق شیخ بی صدد موخر و عدد صغیر جهت

حصول مقاصد و مطالب شروع از حضرت سیادت

و نقابت پناه استادی ملاذی امیر معز الدین محمد بن

امیر نندی قطب الملک النسابه و الافاضه و الشر

والدین جید را دیدگان استماع افتاد که هرکه را مطلبی
از مطالب شرعیّه باشد باید که اسم خود را بجمل حساب
کند وان مطلب از علم ومال ووصل وفضل ودفع اعدا
وامثال اینها را نیز بحساب جمل کبیر درآورد وهر دو را
ضم کند ونگاه دارد وبعد از ان در میان حروف مقطّعات
قرانی که در ابتدای بعضی سورهای قرانی واقع است
وآنها اینست الم، المص، الر، المرا،
۷۱ ۱۶۱ ۲۳۱ ۲۷۱
کهیعص، طه، طسم، طس، یس، ق،
۱۹۵ ۱۴ ۱۰۹ ۶۹ ۷۰ ۱۰۰
ص، ن، حم، حمعسق، کلماتی پیدا کند که عدد
۹۰ ۵۰ ۴۸ ۲۷۸
ان کلمات موافق عدد حاصل طالب ومطلوب باشد
پس به بیند که چند حرف است از حروف مقطّعات که
عدد ان موافق عدد مذکور است بعدد هر حرفی یکروز
آن کلمات بخواند محمّد مؤمن علم میخواهد بحساب
جمل کبیر محمّد مؤمن ۲۲۸ است وعلم ۱۴۰ مجموع هر
دو ۳۶۸ است در میان کلمات مذکوره طسم طس ص
ق

۸

ق ۱۰۶ و ۳ است و این کلمات هفت حرفست که نیم هفت
روز هر روز ۲۰۰۶ و ۳ بار این کلمات باید گفت که مطلب
حاصل است ان شاء الله تعالی و باید که مطلب را بلغت عرب
حساب کند که تاثیرش اکثر است وجهد کند که تا ممکن باشد
لفظی پیدا کند که عدد او کم باشد تا کلمات موافق او را
کمتر باید خواند مثلا تعاریف را باید انداخت و اگر لفظی
در عدد بسیار باشد و مرادف او کمتر او کمتر باشد باید
گرفت مثل محبت و حب و مفارقت و فصل و اگر مطلب
بعربی یافت نشود بفارسی پیدا کند و جایز است که حروف
طالب و مطلوب را باعتبار مرتبه حساب کنند مثلا
مدد را یکی حساب کنند علی هذا القیاس البته این کلمات
موافق آن در مرتبه کلمات مذکوره یافت خواهد شد
این طریق مداومت نماید چنانچه مولانا عماد الدین
محمود القاری استرابادی در مشهد مقدس حضرت امام
رضا علیه افضل التحیة والثنا بر دفتر آنحضرت دروا

دید که حضرت امام علیه السلام فرمود جهة ادای دین ۴۴۲

بار این لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین

بخوان پس مولانا عماد الدین سه روز هر روز ۴۴۲

بار بخواند و صد دینار و هم رسید فایده جهة هر امری

که خواهد که بداند که بفعل می آید یا نه و امثال از سؤال

قرار دهد خواه سؤال محقق باشد یعنی در واقع سؤال

کند سایل یا سؤال مقدر باشد یعنی بمنزلهٔ آن باشد

که کسی سؤال میکند پس آن سؤال را با اسم سائل جمع کند

و عدد کبیر بکبیر رد از حروف مقطعات کلماتی پیدا

کند که عددش موافق این عدد باشد پس از آن کلمات

موافقت العدد حرف مکرر را بیندازد و غیر مکرر را جمع

کند هر لفظی که از ترکیب آن حروف حاصل شود هر معنی

که باشد جواب آن سایل باشد مثلا محمد مؤمن سمرقند

علم را عدد گرفتیم ۲۰۲ و کلمات قرآنی که عددش ۱۲۲ باشد

الر، المر، المص، طسم ن است و تخلیق
۲۳۲ ۲۷۱ ۱۶۱ ۱۰۹ ۵

فست
او یعنی اعتبار حروف غیر مکرر این کلمات که کنیم این حروف

حروف
ال ر م ص ط س ن هر لغتی که باشد کلمه با معنی از این

استنباط باید کرد که جوابست و اگر چیزی نیابد بسبب

دقت علم را تغییر دهد بمرادف او چنانکه مذکور شد

والله اعلم و این حساب بهر مسئولات ممکن معتبر است

خواه امور دنیوی و خواه امور اخروی و این طریق

نیز از اخوندی امیر معز الدین محمد شد و مجرب او

و دیگران شد والله اعلم بالصواب و بدانکه اسماء الله

قست
یومی و لیلی را دلیل می باشند انکه عدد صغیر او طا

یومیست و انکه عدد صغیر او جفت است لیلی است

مثل فتاح که ۴۸۹ است یومیست و تعلق بروز

کبیر
جمعه از عدد کبیر و صغیر بدبوح السّت سبوح عدد
۱۷

عدد وسیط عدد صغیر باقی بر انقباض مشخص
۱۳ ۴

المنتهی بشرح دعاء مشهور السیفی المشهور بحرز یمانی

بسم الله الرحمن الرحيم

روایت میکند صعب از صردا زمانی از صالح بن روان
از ابی مالک از عبد الله جعفر و عبد الله عباس که ایشان
گفتند که هر روزی نزدیک امیر المؤمنین و یعسوب المسلمین
علی بن ابیطالب علیه السلام نشسته بودیم که امام معصوم حسین بن
علی علیه السلام در آمد و گفت مردی بر در ایستاده خوب روی
صفت ملوک دارد و اجازه میخواهد امیر المؤمنین علیه السلام
اجازت داد در آمد و سلام کرد امیر المؤمنین علیه السلام او را
نزدیک خود بنشاند و از حال او پرسید گفت مردم از
اشراف یمن و دشمن قوی بر من زور آورد با هفتاد هزار مرد
و مدتی با من محاربه میکرد تا از وی فرار کردم و ملول
و محزون در بادیه خفته بودم حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
را در خواب دیدم فرمود که بشهر کوفه رو نزد پسر عم من امیر
المؤمنین علی علیه السلام و بگو که بدان نشانی که چون عفان جل
را بشهر یمن فرستادم حرزی که جبرئیل علیه السلام بمن آورده

بود

بود بعد از آن حرز را بمن دهی چون این خواب دید
با امیر مؤمنان بخدمت نوشتافتم حضرت امیر المؤمنین علیه السلم
بفرمود تا آن حرز را بیاورند و بخط مبارک خود نوشت
و به پادشاه یمن داد و قراءة فرمود و از زبان مبارک استماع
کرد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم مرخص شد و روی
بیمن آورد و هر روز یکمرتبه بطریقی که از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلم شنیده بود قراءة مینمود چون بیمن رسید رهبی
و خوفی در دل دشمن افتاده بکریخت و سیف ذو الیزن
باز پادشاه شد ببرکت این دعا و این دعا را خواندن
شرایط دارد و شرایط خواندن دعاء سیفی و دعوت
آن اول طهارت دوم تصفیه باطن سیم
لزوم خلوت چهارم کتمان سر پنجم اجازت استاد
ششم سلسله روایت هفتم امتناع غذا هشتم
دوام وقت نهم احتراز نامحرم دهم تعظیم دعوت
یازدهم استغراق دوازدهم تقلیل علایق

سیزدهم حسن اعتقاد چهاردهم عزم نیت

پانزدهم نجو و شانزدهم مواظبت و ملازمت دعوت

هفدهم نماز گذاردن بوقت و نگذاشتن که قضا شود

هیجدهم شجاعت در ملاقات ارواح و مشاهده خوف

عازه اعتصام دعای سیفی را بی اعتصام نخواند که

بزرگان گفته اند من قرأ السیفی بغیر اعتصام قتل بغیر

موجب اسامی اول حرز یمانی دوم دعاء سیفی

سیم سبف الله چهارم ید الله پنجم قسم الله

ششم نفذ الله هفتم وجه الحق هشتم قرب الحق

نهم حصن اکبر دهم محجة الانوار یازدهم سریع

الاثار دوازدهم مثل الحق سیزدهم خلص النور چهاردهم

صمصام اکبر استغفار استغفر الله العظیم ولا حول

ولا قوة الا بالله العلی العظیم و اللهم صل علی النبی

محمد و آل محمد وسلم اشارات اول روز شنبه لا اله

الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین دوم روز

یکشنبه

یکشنبه لا اله الا الله الملك الحق المبین سیم روز

دوشنبه لا اله الا الله عزیزاً جلیلاً یا عزیز یا جلیل

چهارم روز سه شنبه اللهم صل علی محمد و آل محمد

وسلم تسلیماً کثیراً پنجم روز چهارشنبه لا اله

الا الله خالصاً مخلصاً ششم روز پنجشنبه لا اله

الا الله خالق کل شیئ وهو علی کل شیئ وکیل

هفتم روز جمعه سبحان الله والحمد لله ولا

اله الا الله والله اکبر ونصاب خواندن اسمای

هر یك صد نوبت است وچو نخواهد دعوة کند سند

از چهار طبق کاغذ بسازد مربع متساوی وسوره قل

اوحی مقطع کرده بچهار قسم کند وهر قسمی را طرفی

از مندل باید نوشت واز طرف قبله ابتدا باید کرد

وبیست را ایت تمام باید کرد وسه مسکین را طعام

باید داد که منافع زیاد میدهد وهر جای حالی باید

رفت که او از سك وزن بگوش او نرسد وتوجه کرده

... نماز کند در رکعت اول یک
بار الحمد و سه بار آیة الکرسی و هفت بار سوره اخلاص
و در رکعت دویم یکبار فاتحه و یکبار آیة الکرسی و چهار
بار سوره اخلاص بخواند و تشهد کفته سلام نماز بکوید
پس جای ... بنشیند و صد بار استغفر الله و صد بار
لا حول ولا قوة الا بالله و صد بار صلوات بر رسول
بطریق که مذکور شد بخواند و اضافات بکوید منات
روز قراءت و دعوت و شروع در اعتصام و قراءت
کند و محل اشاره و ایام دعوت و نصاب قراءت
بدین طریق است که مذکور میشود و رمز هریک و حصول
اشاره و اشاره خفیه و ظاهره نیز مذکور میشود چه
هریک از مطالب در محل خود طلب باید کرد چرا که در
مقام محبت اکر عداوت طلب کند یا بر عکس فایده ندهد
و مطلوب حاصل نشاید اما اشاره بر دو قسمست
ظاهره و خفیه ظاهر بر چند قسمست و رمز هریک در بای

بدین

بدین صورت بیرون شی و از اول حرف مطلوب حرف
دیگر نوشته و یکی از اقسام ظاهر اشاره کل است یعنی کل
مطلوب و آن چهار محل است ش و ک است و دیگر در
صناعت و آن در یک مقام است و نشان او ش و ص است
دیگر در طلب سلامتی اسفار و آن در یک موضع است و نشان
ش و س است و در شفای امراض و آن در یک محل است
و نشان آن ش و ش دیگر در قتل اعدا و آن ظاهر گردد
چهار موضع است و نشان ش و ق است دیگر در دفع شر
اعدا و آن در یک موضع است و در مزان ش و د دیگر در طلب
محبت و آن در دو محل است و علامت آن ش و م است دیگر
در وجاهت و تقرب سلاطین و آن در یک مقام است
و نشان آن ش و ه است دیگر در خوف و خفا و آن در
دو موضع است و نشان آن ش و خ است دیگر در طلب
ارزاق و آن در سه محل است و علامت آن ش و ت است
دیگر در طلب جاه و آن در یک محل است نشان ش و ج است

دیکر در عقد اللسان وان در یک موضع است ودر
آن شروع است دیکر در تکمیل مهمات وان در دو
محل است وعلامة آن شروت است وخفیه بر دو
قسم است قسمی از برای نفع است وان در چهار محل است
وان در میان ل ون واقعست وقسمی دیکر در ضرر است
وان در هشت مقام است وان در میان دو سع سع
واقعست ودر محلی که نقل حرکت همزه بماقبل کنند
وهمزه را در لفظ بیندازند ولفظ صله نوشته شده ودر
دو محل است که کفته اند که اسم اعظم است در ابتدا م
ودر انتها الف ودر حاشیه لفظ اسم اعظم مسطور است
ومراد از اشارات حضور مطلوبست در قلب وطلب
از نزد تلفظ بان الفاظ ودر سیفی از کبار مشایخ هشت
وقف منقلب منقولست وبر محل ان ط بسرخی نوشته
شده وخاتم دعای سیفی باید نوشت ودر حین دعوه با
خود باید داشت واز شرایط مذکور چیزی فرو نکذارد

طهور

تا مطلوب علی حسب المرام محصّل کرد ان شاء الله

ایام دعوت و نصاب قراءت انکه دعوت از برای نفع یا

یا از برای ضرر چون از برای نفع باشد روز مشتری و

ساعت زهره هر دو بالعکس و از برای ضرر روز مریخ و

ساعت زحل و بالعکس اختیار باید کرد و از برای نفع

عدد ایام قراءة عدد اسم دعا است باسقاط عشرات

کران هفتست و نصاب قراءات از عدد اسم شئ مطلوب

و از نو کوکب که تعلق بروز و ساعت قراءت دارد از

واحد تا مدخل صغیر باید کرفت اما مدخلین کوکبین

با یکدیگر جمع باید کرد و اگر ما فوق عشر باشد باسقاط

عشره باید کرد و مدخل صغیر اسم مطلوب در مدخل صغیر

کوکبین ضرب باید کرد و با حاصل ضرب بلا مرتبه

اعتبار باید کرد هفت روز دعا را بدین قید باید

خواند و اگر از برای مضرت عدد ایام سه روز است

کر آن عدد حروف و نقاط اسم دعا است کران چهار

حروف و پنج نقطه است و ملفوظات آن نیز همین عدد است
و نصاب قراءت عدد اسم آن شئ مطلوبست و کوکب
صاحب روز و قراءت بطریقی که مذکور شد استخراج
باید کرد و نیز روز دعا را بدان عدد خواند مثال
نفع فرضا قراءت آن برای نفعست و سعت رزق در
روز پنجشنبه که روز مشتریست و در ساعت زهره
اولا مدخل صغیر مشتری که آن پنجست و لیکن باید شد
که عدد همچنانکه مذکور شد بلا موتیر اعتبار کردیم چهار
و سیزده و چهارده و یک عدد صغیر مشتریست و این
چهارده میشود نه از آن طرح کردیم پنج ماند این مدخل
صغیر مشتریست و مدخل صغیر زهره که آن یکی است
جمع کردیم شش شد و مدخل صغیر رزق که یکیست بدان
شش که مدخل صغیر کوکبین است ضرب کردیم همان شش
شد این نصاب قراءه است و عدد صغیر دعا شانزده
است نه از وی طرح کردیم هفت ماند و این نصاب

ایام قراءت چنانچه هفت روز هر روز شش بار باید

خواند اما احضار او بجهة قتل کافر روز سه شنبه کرد و

مرتجنست در ساعت زحل مدخل صغیر مریخ که آن چهار

است با مدخل صغیر زحل که آن سه است جمع کردیم و

اسقاط عشر کردیم باقی ماند سه پس مدخل صغیر اسم کافر

که آن چهار است در سه که مدخل صغیر کوکبین است

ضرب کردیم دوازده شد و باز بلا مرتبه اعتبار کردیم سه

شد و آن نصاب قراءت است وجه عدد عا چهار است

و نقاط آن پنج که نر باشد و این نصاب ایام است چنانچه

در قتل کافر روز هر روز سه بار بخواند و بدانکه

مدخل صغیر و اسقاط عشرات و بلا مرتبه هر یکی است

از برای آنکه مقصود از این الفاظ آنست که عددی که

ما فوق عشره باشد بمرتبه احاد در آرند پس صغیر

بدین نوع باید گرفت اما بخور دعوت سیفی اینست

قسط زعفران مشک مقل ازرق و العود لادن

اشق میبعه کنند عنبر قرنفل پوست نارنج شکر
خاینده معات حب البان اذخر طلوع صبر اهل فلفل
سیاه و سفید علک رومی حم صم اقاقیا موم سفید
وزد وجود رند سفید و سیاه قردمانا پوست
خشخاش افیون بسفایج صمغ عربی کلاب سعد سنبل
بهمن سرخ و سفید اجزا مساوی حب سازند و در وقت
خواندن دعا هفت کلوله یا پنج کلوله یا سه حب از آن بر
آتش نهند و باید که طاق باشد و چون بر آتش نهند
این آیه بخوانند وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ
مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا اما حروف تهجی تا اخر باید خواند و بر عقود
اصابع عدد باید کرد و با بهام یمنی ابتدا باید کرد و با
بهام یسار ختم باید کرد و از برای آنکه عقد که می ماند
از عقود اصابع اعاده الف تنها باید نمود اما تصدق
در خواندن دعا هر که این دعا را یکبار بخواند یمن نان
صدقه دهد و اگر هفت بار بخواند یک من نیم و اگر چهل بار

خواند هر من نان صدقه دهد واکر هزار به یکبار بخواند
کوسفندی صدقه دهد والله اعلم در فواید ومنافع
دعای سیفی بدانکه فضایل ومنافع دعای سیفی که مذکور
میشود از خط شریف شیخ الاسلام سلطان المحققین صدر
الحق والدین ابرهیم بن محمد المؤید الحموی قدس الله
سره نقل کرده که در قبة الاسلام وشد الاولیاء والسنا
لکن نجم الحق والدین ابی الجنان افضل الوری احمد
بن عبدالله الحموی الصوفی المشتهر بنجم الدین الکبری
قدس الله روحه العزیز نسخه با مت بخدمت شیخ الاسلام
خوانده بودند ومقابله کرده وخط مبارک در اطراف نوشته
وباجد سه مولانا العلامة المحققین سراج الملة
والدین السکاکی علیه الرحمه برخوانده بود وخط ایشان
هم انجا بود فی الجمله اسناد که نوشته بودند وبرلک چنین
صحت واسناد وفضایل ان بخط مبارک خویش نوشته
بودند وبعد ازانکه این دعا را مقابله کرده ومصحح کرده بودند

بورند اعتماد بر آن شد و از دم قلم آمد بدانکه فضایل
و فواید دعاء سیفی بسیار و بیشمار است و آنچه بزرگان
تجربه کرده اند و آزموده اند هزار و یک خاصیت دارد
اما بود کتمان بسیاری از آن کوشیده اند و دیگر آنکه قبول
دعا نور صلاح و تقوی و اکل حلال و اجتناب از اکل
چو الشبهات اگر این شرایط که حالا گفته شد با شرایطی
که قبل از این مذکور شد جمع کرده بعمل آورند اثر آن
اسرع من البرق ظاهر گردد و اگر نعوذ بالله العلی العظیم
بدون این شرایط بخواندن دعاء سیفی مشغول شود و سعی
در انهدام بنیان خود مینماید در قسم این سطور قطب الدین
بن عبد الحی الحسینی با وجود آنکه مواظبت بر ادعیه
بسیار مینمود و حزب البحر شیخ سند ابوالحسن شاذلی
ورد داشت و اجازه صحیحه از استاد قراءه مینمود و استاد
فاضل کامل را و اسناد صحیح داشت و این فقیر را قابل
اجازه مینداشت و مرخص میساخت لیکن از تامل خلقه

خود را قابل این بند است و خود را از آن دور باید
آورده بقراءة ان مشغول نشد بعد فضایل و منافع
این دعای بزرگوار اول هر کس این حرز را مداوم
بعد از دعا بخواند و بر خود دمد این کرد از شر
سلطان و اصحاب آن و از زبان بدگویان دوم اگر
کسی بیمار باشد که بمعالجه به نشود این حرز را در طشتی
نویسد و بگلاب بشوید و بدهند تا بخورد شفا یابد
و اگر آن آب بر زن حامله ریزند در وقت وضع
حمل بزود خلاصی یابد سیم اگر با طهارت بنویسند
و بآب بشویند و بکودک نارسیده دهند تیز فهم
گردد و تحصیل بر او آسان شود چهارم اگر کسی تب
این دعا بنویسد و بر خود بندد تب از وی دور شود
پنجم اگر محبوس خواند یا با خود دارد زود خلاصی
یابد ششم اگر در سفر خوف باشد این دعا
نوشته در موضع خوف بر سر راه بیاویزند هیچ گزند

با ایشان رسد هفتم اگر کسی این دعا را بر کردن آب
بندد و در میان اسبان رها کند یک اسب از آن اسبان
غایب نشود تا آن اسب در میان باشد هشتم اگر زنی
را فرزند نشود این دعا بنویسد و در زیر بالین نهد
وقت وی مردم رود با طهارت بخواند به دیر حامله
شود نهم اگر کسی این سیج با دود و سفید باد بود
این حرز را بخواند و بدان موضع دمد باد بر کرد دو
اثرش نماند دهم اگر کسی بکیرد بنویسد این دعا
در حقه نهد و سر او استوار کند بموم و جای پاکیزه
نهد و سنکی بر سر آن نهد از آنجا کر باشد یک قدم بیشتر
نتواند نهادن یازدهم اگر بازرگانان این حرز را در میان
بار خود نهد و با خود دارد حق تعالی او را و بار او را
در امان خود دارد دوازدهم اگر دو تن را خصومت
افتد این حرز با هر کدام باشد غالب آید سیزدهم اگر
کسی این دعا را بخواند و در میان دشمن رود هیچ ضرر بو
نتوانند

نتوانند رسانید و دیو و پری و ابلیس از وی کریزان
باشد چهاردهم اگر کسی را دشمنی باشد چون اژدها
این دعا را به نیت آن دشمن چهل و یکبار بخواند اگر
دشمن چون کوه باشد چون موم شود پانزدهم اگر کسی را
قرض باشد و نتواند ادا کردن بدان نیت بخواند از خدا
کریم خود بگذارد اما در هر باب مدخل صغیر کو کبین
که گفته شد و اعداد ایام و قراءة منظور دارند
شانزدهم اگر کسی را مالی دزدیده باشند خداوند
مال این دعا را هفت بار بخواند و سر بالین نهد در
خواب دزد و مال معاینه ببیند هفدهم اگر کسی
در سفر و حضر این دعا بخواند با خود دارد از بلاها
و دزد و دشمن و راه زن در امان باشد هیجدهم
اگر کسی تهمتی متهم شود و او را خصم قوی کار افتد
این دعا هفت مرتبه بخواند از شر ایشان ایمن گردد
نوزدهم اگر کسی خواهد که خود و فرزندان او

دردوبشقه نبشند این دعا را بر آب عسل با آب شکر حل
هد
وبکیار بخواند وان آب را خود بخورد و بفرزندان د
تا بخورند بعد از آن بخت وشده ترا نه بیند بیستم
خته
اگر کسی را دختری باشد یا پسری واسباب دو سا
ن
نشود بروی یاد کرده دعا را بر آب روان بخواند و بفرزندا
دهد بخورند بخت و دولت روی بایشان نهد
هد
واسبابهای ایشان ساخته شود بیست ویکم اگر کسی خوا
که در پیش سلاطین و بزرگان عزیز و محترم باشد بر
وی یاد کرده این دعا را بمشک و زعفران بنویسد و با
خود دارد خدا تعالی اورا در میان خلق عزیز گرداند
بیست و دوم اگر کسی را نعوذ بالله بکشتن برند این
دعا را بقلم پاك بنویسد و در زیر زبان نهد شمشیر
قت
بروی کار نکند بیست و سیم اگر کسی خواهد که هر و
سیاه
در میان مردم با حرمت باشد این دعا را بر پوست کربه
رم
بنویسند و با خود دارد عجائب بیند بیست و چهارم اگر

کسی این دعا را بخواند چهل و یکبار حضرت پیغمبر را بخواب
با به بیداری بیند بیست و پنجم هر که این دعا را بخواند
و بعد از آن هفت بار دعا بعد قرآن بخواند همه اولیا
خدا را به بیند بیست و ششم اگر کسی این حرز را با خود
دارد در امان خدای تعالی باشد و هیچ آفت بوی نرسد
و گفته اند تا نیکبخت نبوده باشد خدای تعالی این ورد
روزی وی نکند و دیگر محققان گفته اند که هفتاد
هزار فرشته مسخر این دعا اند هرگاه کسی گوید اللهم انت
الملک الحق الذی لا اله الا انت هر یکبار سر سجده
نهند و گویند درخواست بنده چیست خدایا
اجابت کن بیست و هفتم اگر کسی را واقعه ها بلا پیش
آید و بکار خود مشغول و در مانده شود که هیچ
چاره نداند در شب آدینه حرز و دو رکعت نماز
کند در نیمه شب و از قرآن آنچه میسر باشد بخواند
بعد از آن این حرز را بخواند و شفیع آورد و اندکی

بخواند اگر صادق باشد هم در آن شب اجابت شود

الا در شب سیم اثر آن ظاهر گردد بیست و هشتم انکه اگر

مردی در زندان مانده باشد این حرز بخواند از

زندان نجات یابد بیست و نهم اگر کسی بیمار باشد که

مردم عاجز باشند از علاج و علاج پذیر نبود و رنج

کم نشود این حرز را بمشک و زعفران بر طاس نویسند

و بدو دهند تا بخورد خلاصی یابد و شفا یابد سی ام

اگر عنین چهل روز پیوسته این حرز را بخواند و بنویسد

بمشک و زعفران بخورد مرد گردد سی و یکم انکه اگر

کسی خصم قوی دارد و خواهد که او را مقهور کند

هفت شب آدینه هر شب آدینه سوره طه بخواند و

بعد از آن یکبار این حرز بخواند حق تعالی خصم او را

مقهور گرداند و مخذول کند سی و دوم انکه اگر

کسی را مار بگزد و این حرز را بخواند و دست بر آنجا

فرود آورد در حال زهر فرود آید سی و سیم اگر کسی

در بدن

در میان قومی مانده باشد سه روز روزه دارد و
دران سه روز بوقت نماز بامداد این حرز را بخواند
هفتاد هفتاد بار قوم را مسخر وی کرداند سیوم چهارم
اگر کسی را زهر داده باشند این حرز را بمشک و زعفران
بنویسد و بشوید و بخورد در حال شفا یابد و زهر
کار نکند سیوم پنجم هر جا که وبا افتد این حرز را
بنویسد و در خانه بیاویزد اهل آنخانه را از وبا نکاه
دارد سیوم ششم انکه اگر کسی را پیش سلطان برند که
بکشد غسل کند و جامه پاک در پوشد و یکبار
این حرز را بخواند و با هیچکس سخن نکوید تا انکاه
که پیش سلطان رسد این دعا بخواند یا حی یا قیوم
برحمتک استغیث یا ارحم الراحمین همین که بیند سلطان
بروی افتد دل او نرم شود و نخواهد که هیچ زحمتی
بدو رساند و او را ببخشد سیوم هفتم در هر خانه
که این حرز باشد دزد نرود و آتش در نکیرد سیوم

هشتم اگر کسی این حرز را هر روز یکبار بخواند و بر
بر کف دست خود دمد و بر روی مالد هر بشره در میان
خلایق با شد بر وی باشد و هیچ بدی بوی نرسد و
هیچکس در حق او بدی بوی نتواند کرد اگر جمله عالم دشمن
وی باشد سی و نهم اگر خواهد که در کشتی نشیند این
حرز را بخواند و در کشتی نیز این حرز را بخواند هرگز
ان کشتی غرق نشود چهلم اگر کسی در بیابان گرسنگی
و تشنگی بر وی غلبه کند و چیزی نبوده باشد که
بخورد با بیا شامد تیمم کند و دو رکعت نماز کند و
در رکعت اول فاتحه و آیة الکرسی و امن الرسول
بخواند و در رکعت دوم فاتحه و شهد الله و الله
نور السموات و الارض تا اخر بخواند بعد از ان این
دعا بخواند هیچ عجب نبود که حق تعالی بجهد او طعام
و الا گرسنگی او بخورسندی مبدل گرداند چهل و
یکم آنکه اگر وقت مصاف این حرز را بنویسد و در
موم

موم گیرند و بر سر علم بندند چون خصم را چشم بر آنجا
افتد هیبتی در دل ایشان افتد که جنگ نکنند و در حال
منهزم شوند و بگویند بفرمان خدای تعالی چهل و
دوم آنکه اگر کسی دشمن شرعی داشته باشد و در مقام
آزار نفسی یا مالی آنکس باشد و شرعاً دفع دشمن
واجب نیست بدین دلیل در مقام هلاک او باشد و خواهد
که دشمن هلاک کند بچند وجه تواند وجه اول
آنکه هفت بار سوره انا انزلناه بعد از آن سه بار این
حرز را بخواند و در میان خواندن سخن با هیچکس نگوید
و بعد از آن چهل و یک بار این دعا بخواند اللهم شتت
شملهم تا آخر هیچ عجب نکند که همان روز یا روز دوم
نماز پیشین از هفت روز نگذرد که آن دشمن هلاک شود
وجه دیگر اگر روز چهارشنبه آخر ماه وقت چاشت
غسل کند و جامه پاک در پوشد و چهار رکعت
نماز بگذارد به نیت هلاک دشمن در رکعت اول چهار

صد نوبت الم ترکیف و در دوم سیصد بار و در سیم
دویست بار و در چهارم صد بار و بعد از نماز چهار
ده نوبت حرز بخواند و در روز پنجشنبه هم غسل کند
در وقت چاشت چهار ده نوبت این حرز بخواند طریق
مذکور و در روز جمعه همان وقت چهار رکعت نماز
بگذارد اول چهل بار الم ترکیف و در رکعت دوم
سی بار و در سیم بیست بار و در چهارم ده بار و
بعد از نماز هفت بار سوره نوح و انا انزلناه و
چهار ده بار حرز یمانی بخواند چون دعا تمام شود سر
گوسفندی با موی بریان بگوید کشتم فلان بن فلان
را و در وقت کارد راندن هفت بار یا قهار بگوید
که دشمن دفع شود و لیکن همه شرایط و اشاره بجو
مذکور نگاه باید داشت و در وقت اشاره حاجت
خود را در دل بگذراند وجه دیگر زنهار الف زنهار
که برای ناحق نخواند و برای قتل مسلمانان نخواند و
جهان

بهمان مقدار که دشمن قصد اینکس کرده باشد وی نیز بهمان
مقدار تدارک کند بدلیل این کریمه وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ
سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا و اگر دشمن بکد بنا رقصد او کند می
باید که او سعی نتیجه کند بدلیل الصُّلحُ خیر زیرا که صلح
با قلّ از مصالح علیه باشد و اگر تواند عفو کند
و اگر غیر اینها کند بخود تش راجح شود و بدشمن هیچ
ضرر نرسد پس این تقدیر اشاره قتل به نیابت باشد
نه باصالت پس باید که از این معنی احتراز بلیغ کند چون
ضرور شود و بحق بوده باشد و یقین داند که بر حقست
بشاندی ودک ربت باهو نه کتسروب
باهو نه ک ش ف ک اگر اقل نباشد و شکل آن
شخص را نقش کند و بمسمار محکم کند و در محل
اشاره ضرب نیز در دست باید گرفت بهر عضوی
از اعضای وی در محلی که خواهد زند و در این حین
بگوید رمیت من بغی علی بسم الله و سیفه

الثانی وانکه کفن شد کردن داشته باشد و
چهل یکروز هر روز سه بار بخواند و در حرز بجها
اشارتست چون باشارت رسد کارد پولادی در
دست کیرد و بران صورة زند چنانکه از وی ودک
ببیند باز راست کند و دعا بخواند هنوز چهل و
یکروز نشده باشد که دشمن هلاک شود و محل اشارت
که کارد بر ودک زد آنجا که صورت دشمن نقش شده
باید دانست اشاره اول اللهم انت الملک الحق
الذی لا اله الا انت اشاره دوم انما امره
اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون اشاره
سیم اللهم انی اسئلک الثبات فی الامر اشاره
چهارم توحدت بالعز والعلی و تفردت با
العظمة والکبریاء اشاره پنجم فتمم احسانک
الی فیما بقی من عمری کما احسنت الی فیما
مضی وجه دیگر اگر هفت روز در وقت طلوع آفتاب

رو

روبسوی آفتاب کند یعنی مشرق و هفت بار والسماء

ذات البروج و هفت بار اینحرز را بخواند دست و زبان

دشمن کوتاه شود وجه دیگر اگر کسی غسل کند و چهل

و یکبار بخواند و این حرز را شفیع آورد و در موضع

اشاره اشاره کند و حاجت در دل بگذراند دشمن

هلاک شود چهل و سیم اگر کسی را مال دزدیده

باشند دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول یک

بار الحمد و یکبار والشمس بخواند و در رکعت دوم

یکبار والضحی و الم نشرح و بعد از نماز اینحرز را

بخواند و با وضو بخواب رود هم آنجا دزد را بخواب

بیند چهل و چهارم اگر بسفر رود دو رکعت نماز

بگذارد و اینحرز را بخواند بسلامت بوطن رسد

چهل و پنجم هر که بواقعه درمانده باشد و تدبیر

کار خود نداند در شب جمعه نیمه شب برخیزد و وضو

بسازد و ده رکعت نماز بگذارد به پنج سلام و بعد

ازان بعد بار صلوات بفرستد واین حرز رابخواند
سه روز تا اثر این پیدا شود چهل و ششم اگر کسی
خواهد که زنی کند وزن و اقوام او راضی نشوند
سه روز روزه دارد و شب بوقت افطار روی بسوی
خانه معشوق کند واین حرز را بخواند واشارة
جب در خواطر آورد و بعد ازان بگوید اللّهمّ الّف بين
قلوبهم وارزقني ما في قلبي ونجّني من الغمّ برحمتك
يا ارحم الراحمين البتّه مرادش حاصل آید چهل و
هفتم اگر کسی خواهد که بجهة منافع وحصول مطالب
هر روز یکبار بخواند در نظر مردم عزیز ومحترم باشد
وهر روز یکبار بخواند ودست بر روی بمالد هیچکس
مضرّت باو نتوانند رساند واز شرّ شیطان وسلطان
ایمن باشد وشرایط قراءة سیفی در غیر ایام
دعوة شیخ نجم الدّین کبری فرمود که هر که دعای سیفی
بخواند باید که در شب خواند واورا از استاد اجازت
باشد

باشد شرط دیگر انکه دعابت کند صدقه و لقمه حلال

وا به دیه تا زود اجابت شود شرط دیگر اگر در وقت

سحرگاه یا نماز پیشین جمعه یا نماز شام خواند زود

اجابت شود شرط دیگر انکه در جای خالی اخبار کند

که نه اواز کسی بشنود و نه کسی از او شرط دیگر انکه هر که

خواهد که بدین حرز عمل کند باید که از روز روزه دارد

و غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد بعد از ان این حرز

بخواند و هفت بار دعای قریشیا بخواند که البته مراد

حاصل شود شرط دیگر انکه بطریقی که مذکور شد عود

و عنبر بسوزاند اما حاجت مندل و خط گرد خود کشیدن

نیست و اگر استاد قراءت نداشته باشد بنویسد و

با خود دارد که همان فایده دارد شرط کتابت دعا

سیفی شیخ ابراهیم جوتی قدس سره فرمود که شرایط

نوشتن این حرز انست که در جای خالی پاک بنشیند و

نامحرم را گرد خود راه ندهد و بویهای خوش بسوزاند

ویکبار سوره انا انزلناه ویکبار اذا جاء بخواند
وبعد از ان این حرز را بمشک وزعفران وکافور و
گلاب واب باران بنویسد ودر زمان نوشتن با کسی
سخن نگوید وسخن گفتن دیگری نشنود تا انوقت که تمام
کند چهل وهشتم اگر خواهی که ماران را جمع
کنی بیرون رو وخطی گرد خود بکش ودر اندرون
خط بنشین وبگو که بحق این حرز یمانی که ماران جمع
شوید بقدرت حق تعالی جمع شوند چهل ونهم اگر
هفت جمعه طه بخواند وبعد از ان این حرز را بخواند
دشمنش مقهور شود پنجاهم اگر کسی ورد خود سازد
با ایمان از دنیا برود واگرچه گناه بسیار داشته باشد
پنجاه ویکم انکه در وقت نزع حق جل وعلا این حرز
را در صورت خواب پیش وی حاضر سازد که از غایت
شوق جان تسلیم کند پنجاه ودوم در قبر سؤال منکر و
نکیر را بغیر دهشت واسانی جواب گوید پنجاه وسیم انکه

بورد

بعدد هر حرفی که در این حرز است حق تعالی این بنده را
درجها در بهشت دهد هر درجه هفتاد هزار سترم
پنجاه و چهار چون به ترازوگاه رسند آید که ما
بنده هیچ حساب نکنید پنجاه و پنجم آنکه چون به پل
صراط رسد براق بیاید و او را سوار کند و پیش
از آنکه چشم برهم زند هی هزار ساله راه قطع کند حاصل
هر مراد داده و آرزوئی که خلاف شریعت محمدی صلی الله
علیه و آله نباشد بخواند مراد حاصل شود و شیخ ابراهیم
حموئی قدس الله سره گفته که دوازده هزار منافع دنیوی
و اخروی را در وا نموده اند و مجرب است و هر که شک
آورد کافر گردد زینهار که شک نیاوری و اگر خواهد
که تسخیر دیو و پری کند و همه فرمان بردار شوند باید
که به وقت فرو رفتن آفتاب غسل کند و جامه پاک
در پوشد و خود را معطر کند و آیة الکرسی و قل
یا ایها الکافرون و سوره اخلاص و معوذتین بخواند

وبرخود دمد و بیرون رود از شهر چنانکه هیچ آدمی
نزدیک او نباشد و دو رکعت نماز کند و باقی
بطریق است که در مند لساختن و دعوت خواندن
سیفی گفته شد بس هر کس که سعادت ازلی و دولت
ابدی قرین و رفیق روزگار او باشد صاحب دعوة
شود و صاحب دعوة آنکس نباشد که اسم اعظم را
از روی ورد خواند بلکه صاحب دعوة آنکس که اسرار
عجایب و غرایب خواص اسما را بر الواح قلب خود
نقش کرده باشد و اسرار را از اغیار نگاه دارد
و علامت صاحب دعوة بر حق آنست که چون ابتدا
دعوتی کند هم در آن مدت دعای او مستجاب شود و
چون چنین شد هر کس با زنماید از مردم اغیار که
ابتدا من کرده‌ام و ابتدا بعمل من سر آمد تا عمل آن
دعوت نباشد و از صد هزار آدمی که دعوة اسم اعظم
کنند یکی صاحب دعوة گردد و باید که مغرور نشود زیرا
که بجا

که عجایب اگر بیند پیش از آن باشد که در وهم آدمی
گنجد باید که دل برقرار دارد و متمکن بود و از چیزی
که بیند نترسد و از این درینه بسیار سخن با کس نگوید
و کوه اسرار در بحر اندرون نگاه دارد تا وقتی که
زمان اظهار و انتشار آید و اغلب از صحبت غیر احتراز
نماید و در خلوة بسر برد و در کوهها و صحراها بسر
بردن بکار روی باشد بهتر باشد که اهل غیب در آنجا
بیشتر بوی رسند و کارهای صاحب دعوة از
ایشان راست باشد و اهل غیب جماعت خاموشان
و متحملان دوست دارند اگر کسی خواهد که قراءة
با دعوة دعای سیفی کند استخاره کند اگر اجازت
یابد بخواند و شروع در آن نماید والا خود را رنجه
نکند و طریق استخاره آنست که در شب پنجشنبه وقتی
که خواهد بلحاف رود وضو بسازد و اگر غسل کند
بهتر باشد و دو رکعت نماز استخاره بگذارد

وچون از نماز فارغ شود دعاء استخاره را بخواند
ودعا اینست اللهم انى استخيرك بعلمك و
استقدرك بقدرتك واسئلك من فضلك
العظيم فانك تقدر ولا اقدر وتعلم ولا
اعلم وانت علام الغيوب اللهم ان كنت تعلم
ان هذا الامر وبجای هذا الامر ان كار را كه اراده
كرده است آن را در نام ببرد وبعد از آن بگوید خير لى
فى دينى ومعاشى وعاقبة امرى فاقدره لى
ويسره لى وبارك لى فيه وان كنت تعلم
انه شر لى فى دينى ومعاشى وعاقبة امرى
فاصرفه عنى واصرفنى عنه وقدر لى الخير
حيث ما كان ورضنى به وبا وضو در جامه خواب
رود اگر در خواب التحرب از كار در وشمشير وتير
وكمان وامثال آنها ببيند اجازه بابد ومرخص است
در خواندن واگر باغ وبوستان وامثال آن در خواب
ببيند

ببیند و حظ نیست در خواندن و کسی که دعوت سیفی
میکند بایدکه بکلی از شهوت احتراز کند چرا که هر گاه
صاحب دعوة بشهوت مشغول شود مدتی اجابت
دعوة باز پس افتد و تیره گی در ضمیر او پیدا شود
و نسیان غالب گردد و نور قلب فرو نشاند و در اعمال
صاحب دعوة بسیار تقصیر پدید آید و اگر چه او را
حلال میسر باشد ترک کند و اگر چشم خطا با نامحرم
کند نعوذ بالله من غضبه قال الرسول صلی الله
علیه و آله من نظر الی وجه حسن کتب الله له
اربعین زنیا و در اداء اعمال و اسرار تعجیل نکند
تا عملش ضایع نگردد که هر که اسرار دعوت با غیر
در میان آورد مثال باغبانی باشد که میوه های
نارسیده از درخت جمع آورد هیچ کار نیاید نه
خورنده از آن نفع یابد و نه باغبان از آن مراد
باید که صبر کند و غمازی نکند تا بمقصود رسد

که هم بکار باغبان راست باشد و هم بکار خورند
نشیند اکنون بدانکه دعوت اسما عمر کردن هم چنان نسبت
که گفته شد و نقصان کلی در کمال او پیدا شود و نزول
ارواح از منازل قلوب سالک منقطع گردد و حیرت
عظیم برو دست دهد نصیحت آنست که مستعجل
نباشد در باز گفتن اسرار غیب و حرص و شره ننماید
که او را زیان دارد و باجازه از صاحب دعوه دیگر
طلب کند تا او را بسر رشته دعوه رساند چنانکه
مشهور است که اگر طبیبی مریض شود او را طبیبی
دیگر باید که معالجه مزاج او کند و نصیحت رساند
که چون طبیب رنجور بود اعتماد بر طب او نباشد
که رای العلیل است و ابن قیم جوزی در کتاب داء
و دواء نقل میکند که هم چنین که دواء حسی وقتی نفع
دارد که دارو را تاثیر قوی باشد و طبیعت قبول دوا
کند و طبیبی روحی که موافقت داشته باشد با طبیعت

دهد پس دعا نیز هم چنین است و عبارات او که در کتاب
مذکور بعربی ذکر کرده بعینه نوشته شد اعلم
ان الاذکار والایات والادعیة التی لا یستشفی
بها هی فی نفسها نافعة شافیة ولکن یستدعی قبول
المحل وقوة همة الفاعل وتاثیره فمتی تخلف الشفاء
کان اضعف من تاثیر الفاعل ولعدم القبول المنفعل
اولمانع قوی فیه یمنع ان ینجع فیه الدواء کما یکون
ذلک فی الادویة الحسیة قوله الدعاء من اقوی
الاسباب فی دفع المکروه وحصول المطلوب ولکن
قد یتخلف عنه اثره اما لضعفه فی نفسه بان یکون
دعاء لا یحبه الله لما فیه من العدوان واما لضعف
القلب وعدم اقباله علی الله تعالی وجمعیته
علیه وقت الدعاء فیکون بمنزلة القوس الرخو فان
السهم یخرج منه خروجا ضعیفا واما لحصول
المانع من الاجابة من اکل الحرام والظلم ورین

الذنوب على القلوب قوله والدعاء من انفع
الادوية وهو عدو البلاء يدافعه ويعالجه ويمنع
نزوله ويرفعه او يخففه اذا نزل وهو سلاح المؤمن
كما [illegible] الحاكم في صحيحه من حديث امير المؤمنين علي
بن ابي طالب عليه السلم قال رسول الله صلى الله عليه وآله
الدعاء سلاح المؤمن وعماد الدين ونور السموات
والارض وله مع البلاء ثلث مقامات احدها ان
يكون اقوى من البلاء فيدفعه الثاني ان يكون اضعف
من البلاء فيقوى عليه البلاء فيصيب به العبد ولكن
قد يخففه وان كان ضعيفا الثالث ان يتقاوما
يمنع كل واحد منهما صاحبه وقال النبي صلى الله عليه وآله
الدعاء مما نزل ومما لم ينزل فعليكم عباد الله بالدعاء
قوله ومن انفع الادوية الالحاح في الدعاء قال
النبي لا تعجزوا في الدعاء فانه لا يهلك مع الدعاء
احد قوله ومن الافات التي تمنع ترتب اثر الدعاء

عليه

علىان يستعجل العبد ويستبطى الاجابة فيستحسر
ويدع الدعاء وهو بمنزلة من بذر بذرا فجعل
يتعاهده ويسقيه فلما استبطا كماله وادراكه
تركه واهمله قال النبي صلى الله عليه وسلم لا يزال
العبد بخير ما لم يستعجل قالوا يا رسول الله كيف
يستعجل قال قد دعوت ربي فلم يستجب لي قوله
واذا جمع الدعاء حضور القلب وجمعيته بكليته
على المطلوب وصادف وقتا من اوقات الاجابة
الستة وهي الثلث الاخر من الليل وعند الاذان
وبين الاذان والاقامة وادبار الصلوة
المكتوبات وعند صعود الامام يوم الجمعة على
المنبر حتى تقضى الصلوة واخر ساعة بعد العصر
من يوم الجمعة وصادف خشوعا في القلب و
انكسارا بين يدي الرب وذلا له وتضرعا و
رقة واستقبل الداعي القبلة وكان على طهارة

ورفع يديه الى الله وبدا بحمد الله تعالى ثم
ثنى بالصلوة على النبي صلى الله عليه وآله ثم قدم بين
يدي حاجته التوبة والاستغفار ثم دخل
بيت الله والح عليه في المسئلة ودعاه رغبة
ورهبة وتوسل اليه باسمائه وصفاته وتوحيده
وقدم بين يدي دعائه صدقة فان هذا الدعاء
لا يكاد يرد ولا سيما ان صادف الادعية التي
اخبر النبي صلى الله عليه وآله انها مظنة للاجابة وانها
متضمنة للاسم الاعظم قوله والادعية والتعوذات
بمنزلة السلاح والسلاح بضاربه لا بحده فقط
على
فان كان السلاح سلاحا تاما لا آفة به والسا
ساعد قوي والمانع مفقود حصلت به النكاية
في العدو ومتى تخلف واحد من هذه الثلثة تخلف
التاثير فاذا كان الدعاء في نفسه غير صالح
والداعي لم يجمع بين قلبه ولسانه في الدعاء او
كان

لكان ثمّ مانع من الاجابة لم يحصل الاثر وقوله و
كلّ هذه الدّعوات والاذكار لا يكمل حالاثمّا الا
والذّاكر على وضوء خالى المعدة من الطّعام بعد
صلوة واستقبال القبلة من بيت مظلم على حصير
جالس جلوس العبد بين يدى السّيد مطرق الرّاس
حاضر القلب متوهم صور الاجابة مع صورة المصوّر
لرؤية الانوار ينقطع عند الاصوات وان
استصحب طيبا عليه فانّ الله يحبّ ذلك و
يجدّ هذا الدّعاء بحرز الاعتصام الملائكة
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
اَللّٰهُمَّ بِتَلَأْلُؤِ نُوْرِ بَهَاءِ عَرْشِكَ مِنْ اَعْدَائِيْ
اِسْتَتَرْتُ وَبِسَطْوَاتِ الْجَبَرُوْتِ مِنْ عِزِّ عِزِّكَ
عَمَّنْ يَكِيْدُ وَنِي احْتَجَبْتُ وَمِنْ فَضَائِلِ نَعْمَائِكَ
وَجَزِيْلِ عَطَايَاكَ اِلٰهِيْ طَلَبْتُ كَيْفَ اَخَافُ
وَاَنْتَ اَمَلِيْ وَكَيْفَ اُضَامُ وَاَنْتَ مُتَّكَلِيْ فَوَّضْتُ

امری الیک والجات ظهری الیک وتوکلت
فی جمیع الامور علیک اکفنی واغلب لی علی من
غلبنی وضر علی من یضرنی واعنی علی کل
ظلوم مکید اکفنی کل طارق طرق ومارق
مرق بقل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق و
من شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی
العقد ومن شر حاسد اذا حسد واجیر نفسی
وعرضی ومالی وولدی وجمیع المومنین و
المومنات بالله الذی لا اله الا هو الحی
القیوم لا تاخذه سنة الحقوله وهو العلی
العظیم وشش نوبت بر انجواند و بر جهات سته
بدمد بسم الله الرحمن الرحیم ولقد جعلنا فی
السماء بروجا وزیناها للناظرین وحفظناها
من کل شیطان رجیم ان الله علی کل شیء حفیظ
پس یکبار دیگر بخواند و بر حول خود بدمد و بعد از ان
شروع

شروع دعاء اعتصام عابد زیر آنکه این ابر اجوشن

هذا اینحرز کو بند دعاء آمغنی

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک و سلم

وبک استغثت وعلیک توکلت فاکفنی یا

کافی فی الدنیا والآخرة ورحیمهما انا عبدک

ببابک فقیرک ببابک ذلیلک ببابک اسیرک

ببابک مسکینک ببابک یا رب العالمین الطا

مح ببابک یا غیاث المستغیثین مهمومک

ببابک یا کاشف کرب المکروبین عاصیک

ببابک یا طالب الغافرین المقر ببابک یا

ارحم الراحمین الخاطی ببابک یا غافر

المذنبین المعترف ببابک یا رب العالمین

الظالم ببابک یا مؤمل الطالبین المسیئ

ببابک الخاشع ببابک ارحمنی یا مولای

مولاي انت الغافر وانا المسيء وهل يرحم
المسيء الا الغافر مولاي مولاي انت الرب
وانا العبد وهل يرحم العبد الا الرب مولاي
مولاي انت المالك وانا المملوك وهل
يرحم المملوك الا المالك مولاي مولاي
انت العزيز وانا الذليل وهل يرحم الذليل
الا العزيز مولاي مولاي انت القوي وانا
الضعيف وهل يرحم الضعيف الا القوي
مولاي مولاي انت الكريم وانا اللئيم وهل
يرحم اللئيم الا الكريم مولاي مولاي انت
الرازق وانا المرزوق وهل يرحم المرزوق
الا الرازق مولاي مولاي انا الضعيف و
انا الذليل وانا الحقير وانت القوي وانا
الخائف وانت العفو وانت الغفور وانت
الحنان وانت المنان وانت الغفار الهي

اشهد

اَسْئَلُكَ الْاَمَانَ الْاَمَانَ فِىْ ظُلْمَةِ الْقُبُوْرِ وَضِيْقِهَا
اِلٰهِىْ اَسْئَلُكَ الْاَمَانَ الْاَمَانَ عِنْدَ مُنْكَرٍ وَّ
نَكِيْرٍ وَّهَيْبَتِهِمَا اِلٰهِىْ اَسْئَلُكَ الْاَمَانَ الْاَمَانَ
عِنْدَ وَحْشَةِ الْقَبْرِ اِلٰهِىْ اَسْئَلُكَ الْاَمَانَ
الْاَمَانَ فِىْ يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهٗ خَمْسِيْنَ اَلْفَ سَنَةٍ
اِلٰهِىْ اَسْئَلُكَ الْاَمَانَ الْاَمَانَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِى
الصُّوْرِ فَصَعِقَ مَنْ فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِلَّا
مَا شَآءَ اللّٰهُ اِلٰهِىْ اَسْئَلُكَ الْاَمَانَ الْاَمَانَ
اِذَا زُلْزِلَتِ الْاَرْضُ زِلْزَالَهَا اِلٰهِىْ اَسْئَلُكَ
الْاَمَانَ الْاَمَانَ يَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَآءُ بِالْغَمَامِ
اِلٰهِىْ اَسْئَلُكَ الْاَمَانَ الْاَمَانَ يَوْمَ نَطْوِى
السَّمَآءَ كَطَىِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ اِلٰهِىْ اَسْئَلُكَ
الْاَمَانَ الْاَمَانَ يَوْمَ تُبَدَّلُ الْاَرْضُ غَيْرَ الْاَرْضِ
وَالسَّمٰوٰتُ وَبَرَزُوْا لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ اِلٰهِىْ
اَسْئَلُكَ الْاَمَانَ الْاَمَانَ يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا

قدمت يداه ويقول الكافر يا ليتني كنت ترابا
الهي اسئلك الامان الامان يوم ينادي
من بطنان العرش اين العاصون واين
المذنبون هلموا الى الحساب انت تعلم سري
وعلانيتي فاقبل عذري معذرتي وتعلم
حاجتي فاعطني سؤلي يا الهي من كثرة الذنوب
والعصيان آه من كثرة الظلم والجفاء آه
من نفس المطرود المتبوع آه من نفس الهوى
اغثني يا مغيث عند تغير حالي الهي اني
عبدك المذنب المجرم الخاطئ اجرني من
النار يا مجير يا مجير يا مجير الهي ان ترحمني
فانت اهل وان تعذبني فانا اهل فارحمني
يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة ويا ارحم
الراحمين ويا خير الغافرين حسبي الله ونعم
الوكيل نعم المولى ونعم النصير وصلى الله
على

عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَّ آلِہٖ اَجْمَعِیْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰہِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

اعتصام بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ حرزِ عالی

اِعْتَصَمْتُ بِاللّٰہِ الَّذِیْ لَا اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ

الْوَاحِدُ الْاَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِیْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوْلَدْ

وَلَمْ یَکُنْ لَّہٗ کُفُوًا اَحَدٌ وَاعْتَصَمْتُ بِاللّٰہِ الَّذِیْ

لَا اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ وَبِاَسْمَآئِہِ الْحُسْنٰی وَبِکَلِمَاتِ اللّٰہِ

التَّامَّاتِ الَّتِیْ لَا یُجَاوِزُھُنَّ بَرٌّ وَّلَا فَاجِرٌ

وَبِاللّٰہِ الَّذِیْ لَا اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ الَّذِیْ اِعْتَصَمَ بِہٖ

عَرْشُہٗ وَکُرْسِیُّہٗ وَالسَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ وَمَا

بَیْنَہُنَّ وَاعْتَصَمْتُ بِاللّٰہِ الَّذِیْ لَا اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ الَّذِیْ

اِعْتَصَمَ بِہٖ جَبْرَئِیْلُ وَمِیْکَائِیْلُ وَاِسْرَافِیْلُ

وَعِزْرَائِیْلُ مَلَکُ الْمَوْتِ وَالْکَرُوْبِیُّوْنَ وَ

حَمَلَۃُ الْعَرْشِ وَاعْتَصَمْتُ بِاللّٰہِ الَّذِیْ لَا اِلٰہَ اِلَّا

ھُوَ الَّذِیْ اِعْتَصَمَ بِہِ الْمَلٰٓئِکَۃُ الَّذِیْنَ حَوْلَ

الْعَرْشِ یُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّہِمْ وَیُقَدِّسُوْنَ لِعِزَّۃِ

ملكوته واعتصمت بالله الذي لا اله الا هو الذ
اعتصم به آدم والنبيون والصديقون و
الشهداء والصالحون واعتصمت بالله الذي
لا اله الا هو الذي بيده ملكوت كل شيء وهو
على كل شيء قدير اللهم اني اسئلك مما اعتصم
به انبياؤك واولياؤك واهل طاعتك اجمعين
من اهل السموات واهل الارضين ان تصلى
على محمد وآل محمد وان ترزقني ايمانا وامانا
وعافية في الدين والدنيا والآخرة واصرف
عني شر كل ذي شر يا واسع المغفرة يا ارحم
الراحمين ولا حول ولا قوة الا بالله عليه
توكلت وهو رب العرش العظيم حسبنا الله
ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير و
صلى على اعتصام دیگر محمد وآله اجمعين
تحصنت بذي الملك والملكوت واعتصمت

بذي

بذى العزة والعظمة والكبرياء والجلال والجمال
والجبروت وتوكلت على الحي الذى لا ينام
ولا يموت دخلت فى حرز الله وفى حفظ الله
وفى امان الله من شر البرية اجمعين اعتصام
ديكر اعتصمت بالله ففروا الى الله توكلت
على الله وما النصر الا من عند الله وما توفيقى
الا بالله حسبى الله ما شاء الله ولا قوة الا بالله
اعتصام بسم الله الرحمن الرحيم ديكر
ولقد جعلنا فى السماء بروجا وزيناها للناظرين
وحفظناها من كل شيطان رجيم ان الله على
كل شئ حفيظ عزمت عليكم يا اصحاب السحر و
الوسواس واعتصمت بك يا الله بحق الجن
والانس وبحق كهيج مهيج كمهيج يا
جوجوع موجوع موكحوع مهجوع فهجوع
اخ زجر مهموع طفعاج ازلجاشى

اذ رَاكَاشِ بحقِّ ادم ونوح واعتصمتُ بك من شر
الجنّ والانس والاهرمن والشيطان وجنوده
واتباعه ومن كل الآفة والعاهة واعتصمت
بك من كل بلآء وبحق ابنال وبحق اينخ اينخ
اينخ ارش ادش ادش ودارش نودش تودش
نودش تيودش وبحق اهيا شراهيا ازوني
اصباوت وبحق عظمتك يا الله يا الله يا
الله احفظني من البلايا والآفات والعاهات
والبليات بحق الانبياء والمرسلين توكلت
على الحي الذي لا ابداية له ولا نهاية له و
اعتصمت بك من شر الجن والانس بقراءة دعاء
السيفي واحتجبت دعائي يا غياث المستغيثين
اغثني يا من ليس كمثله شئ وهو السميع البصير
حسبنا الله ونعم الوكيل نعم المولى ونعم
النصير اعتصام ربك يا رب ما زال لطف منك

ربنا

تُسَلِّمُنِي وَقَدْ تَجِدُ ذَلِكَ مَا أَنْتَ تَعْلَمُهُ فَاصْرِفْهُ
عَنِّي كَمَا عَوَّدْتَنِي كَرَمًا فَهَلْ سِوَاكَ لِهَذَا الْعَبْدِ بِرَ
حْمَةٍ اعْتِصَامُ رَبِّكُمْ يَا قَمْطَائِيلُ يَا عَمْطَائِيلُ يَا
طَلْطَائِيلُ يَا طَمَعَائِيلُ يَا عَطْفَائِيلُ يَا شَمْلَطَائِيلُ
يَا مَصْطَائِيلُ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ
أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ اعْتِصَامُ رَبِّكُمْ يَا إِلَهِي وَإِلَهَ
جَمِيعِ الْمَوْجُودَاتِ مِنَ الْمَعْقُولَاتِ وَالْمَحْسُوسَاتِ
يَا وَاهِبَ النُّفُوسِ وَالْعُقُولِ وَمُخْتَرِعَ مَاهِيَّاتِ
الْأَرْكَانِ وَالْوُصُولِ يَا وَاجِبَ الْوُجُودِ وَيَا فَائِضَ
الْجُودِ يَا فَاعِلَ الْقُلُوبِ وَالْأَرْوَاحِ وَجَاعِلَ الصُّوَرِ
وَالْأَشْبَاحِ يَا نُورَ الْأَنْوَارِ وَمُدَبِّرَ كُلِّ دَوَّارٍ أَنْتَ
الْأَوَّلُ الَّذِي لَا أَوَّلَ قَبْلَكَ وَأَنْتَ الْآخِرُ الَّذِي
لَا آخِرَ بَعْدَكَ الْمَلَائِكَةُ عَاجِزُونَ عَنْ إِدْرَاكِ
جَلَالِ صِفَاتِكَ وَالْإِنْسَانُ قَاصِرُونَ عَنْ مَعْرِفَةِ
كَمَالِ ذَاتِكَ اللَّهُمَّ خَلِّصْنَا عَنِ الْعَلَائِقِ الدَّنِيَّةِ

الجسمانية ونجنا عن العوائق الردية الظلمانية
ارسل على ارواحنا شوارق انوارك وافض على
نفوسنا بوارق اثارك العقل قطرة من قطرات
بحار ملكوتك والنفس شعلة من شعلات نار
جبروتك ذاتك ذات قباضة تقبض منه جواهر
روحانية لا متمكنة ولا متحيزة ولا متصلة و
لا منفصلة منزاة عن الاجزاء والابعاد معراة
عن الوصل والبين فسبحان الذي لا تدركه الا
بصار ولا يمثله الافكار لك الحمد والمجد و
الثناء ومنك المنع والعطاء وبك الجود و
البقاء فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء و
اليه ترجعون وصلى الله على محمد وآله اجمعين
والحمد لله رب العالمين اعتصار دبكو بسم الله
الرحمن الرحيم الف با تا ثا جيم حا خا دال ذال
را زا سين شين صاد ضاد طا ظا عين غين

فا

فا قاف کاف لام میم نون واو ها لام الف یا

با اعتصام بگو اللهم طهر قلبی من الشک والشرک

والریاء وزین لسانی بالحمد والذکر والثناء

اعتصام بگو اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان

الرجیم و بعد از آن شروع در خواندن دعاء سیفی نماید

و در میان روایت بعد از انت اول توقف باید کرد و

ابتدا باید خواند الهی کفی علمک الحاضره ومطلوب

در خواطر می باید آورد و هر مطلب که باشد بعد از آن

ثانی بخواند و ینبغی للقاری ان یسجد عند کل

اشارة تقول قبل السجدة اللهم بحق سر هذه

الاسرار و بحق کرمک الخفی الحاضره وهو هذا

الدعاء اللهم یا لطیف اغثنی وادرکنی بحق لطفک

الخفی الهی کفی علمک عن المقال وکفی کرمک عن

السؤال یا اله العالمین ویا خیر الناصرین بر

حمتک استغیث یا ارحم الراحمین الهی من ذا الذی

دعاك فلم تجبه ومن الذي سئلك فلم تعطه
ومن الذي استجارك فلم تجره ومن الذي
استغاث بك فلم تغثه واغوثاه واغوثاه
واغوثاه يا غياث المستغيثين خواص قراءت
سيفی بعد از رخصت استاد در شب جمعه که ماه
زايد النور باشد و نظر سعد با کواکب مسعود داشته
باشد نيت روزه کرده روز پنجشنبه روزه دارد و
غسل و بعد از نماز عشا در محلی پاکيزه با لباس
طاهر بخور کند از عود قماری و سر نوبت دعاء سيفی
قراءت کند بنيت رؤيت حضرت امير المؤمنين عليه
الصلوة والسلام و بعد از ان بصلواة مشغول شده
بخواب رود که رؤيت البته حاصل است و اگر در اثناء
شب بيدار شود و رؤيت نکرده باشد و شب باقی باشد
بورد سوره اخلاص مشغول شده خود را بخواب دهد
تا وقتی که رؤيت حاصل شود و در هنگام رؤيت از حضرت

امر

امیر المؤمنین استعانت طلب کند و باشاره علیه
آنحضرت متوجه خواندن شود که هر مرادی که بخواند البته
مستجاب شود اما بعد از آنکه این عمل کرده باشد از برای
تسخیر رؤسای جن و احضار ایشان هفت روز
روزه باید داشت ابتدا از روز جمعه کند و انتها روز
پنجشنبه و حیوانی نخورد و با لباس طاهر پاکیزه در محلی
پاک متوجه خواندن باید شد بدین قاعده که دعای
سیفی را تمام در کاغذی پاکیزه کتابت کند و آنجا که
می‌نشیند بر بالای سر خود معلق سازد و بخور بسوزانند
و در هر روز بعد از نماز صبح یک نوبت دعای سیفی
بخواند و همچنین بعد از هر فریضه نوبتی و در روز
هفتم از اوّل صبح بعد از نماز فجر بسیار قراءت کند
که تا ساعت هفتم از همان روز هفت نوبت بخواند
قاعده آنست که در هر روز قبل از قراءة دعا بعد
از نماز صبح دو رکعت نماز سنّت بگذارد و در رکعت

اول بعد از فاتحه سوره جن بخواند و در رکعت دوم
بعد از فاتحه سوره والصافات بخواند تا من طین
لازب و در روز هفتم هفت رقعه کاغذ در پیش خود
باید نهاد و بر سر هر رقعه باید نوشت ان کانت الا
صیحة واحدة فاذا هم جمیع لدینا محضرون و بر
دیگر ابیات عزائم فرموده اند هم درست نیست و در هر رقعه
باید نوشت فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
و هفت وصله موم صافی کار فرموده پیش خود باید
نهاد که در روز هفتم از هفت تن از اشخاص جن حاضر شوند
پس در حضور ایشان رقعه از آن رقعها بر باید داشت
و آنچه بر آن نوشته باید خواند و باید گفت ایکم صاحب
هذه الرقعة پس جواب خواهد گفت که انا پس نام او
گوینده را بر آن رقعه باید نوشت و باید گفت هات
الخاتم پس چون خاتم بدهد بر آن موم باید نهاد
و خاتم را باز باید داد و با هر رقعه چنین باید کرد

و بعضی

و بعضی گفته اند یک رصد کافیست که همه رسد و بعد

از آن باید گفت اقسمت علیکم بما فیهما من السر الا ما

حضرتم الی ما ادعوکم الیه اسرع من هبوب الریاح

او لمعات البرق انصرفوا رحمکم الله بارک الله

فیکم و علیکم و بکبار هر روز بعد از دعا این عزیمت

باید خواند بسم الله الرحمن الرحیم اهالٍ اهلیولٍ

اطالٍ طیطولٍ ابالٍ ابلولٍ کیهیج کوهیج شعشعا

شعشعا بهلوب بهلیاء و باطوب طاطونا ء

طرش طرشا حلطروش مرش عامرش برجل

طوارق ترقب قبش خوطر خوطید قیطهور

برشانه نموشلخ بهولای لسبطخ ترقرم زمو

اهید لنشط طران عباهاء شعا هبر شمحاهو

سبحان الواحد الاحد سبحان الفرد الصمد سبحان

من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد سبحان

الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع العلیم

جهة رفع رجعت سيفى در اول وآخر بايد خواند است

يا رَبِّ وَاَسْئَلُكَ بِجَلَالِ عَظَمَتِكَ وَسُلْطَانِكَ وَ

بِاَحَبِّ الْمَخْلُوقَاتِ اِلَيْكَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ اَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِيَ الَّتِي سَا

لْتُكَهَا مِنْ غَيْرِ نُقْصَانٍ وَعَكْسٍ فَاِنَّهُ لَا قَاضِيَ

لَهَا غَيْرُكَ وَقَدْ اَلْهَمْتَنِي سُؤَالَهَا فَسَاَلْتُكَهَا اِ

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ سِرِّكَ الْخَفِيِّ الَّذِي اَخْفَيْتَهُ عَنْ مَخْلُو

قَاتِكَ اِلَّا اَجَبْتَنِي اَنْ لَا تَرُدَّنِي صِفْرًا فَلَا يُرَدُّ

دُعَائِيَ السَّيْفِي عَلَيَّ عَكْسًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

تمام شد نقصامات آمديم بر سر اختتامات اختتا

اينست اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ دُعَائِي فِي قَضَاءِ كُلِّ حَاجَتِي

بِحَقِّ كُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ ظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَبِحَقِّ اسْمِكَ

الْمَكْنُونِ فِي الْقُرْاٰنِ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ فِي كُلِّ كِتَابٍ مُنْزَلٍ

لَكَ مِنَ السَّمَاءِ اِهْيًا شَرَاهِيًا اَذُونَي اَصْبَئُوتُ اٰيِل

شَدَّايِ وَبِحَقِّ عَظَمَتِكَ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ

يا الله

يا الله يا رب يا رب يا رب يا رب يا رب يا حي
يا قيوم يا حي يا قيوم يا حي يا قيوم يا بديع السموات
والأرض يا لا اله الا انت وحدك لا شريك لك
بسم الله الرحمن الرحيم كهيعص كفيت
بسم الله الرحمن الرحيم حمعسق حميت اياك نعبد
واياك نستعين وانت علام الغيوب الله اكبر
الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله والله اكبر
ولله الحمد اختام ذكر اللهم انى اسئلك ان
تسخر لى الجن والانس سيما صلحاءهم ليعينونى
على ما اريد منهم من حوائج الدنيا والآخرة برحمتك
يا ارحم الراحمين اختام ذكر اللهم
يا عالم السر والنجوى ويا كاشف الضر والبلوى
اجعل لى من امرى فرجا ومخرجا اياك نعبد
واياك نستعين اللهم لك الحمد واليك المشتكى
وانت المستعان فسيكفيكهم الله وهو السميع

العلیم اللهم انصر من نصر الدین واخذل من
خذل الدین واشغل الظالمین بالظالمین و
اخرجنا من بینهم سالمین وادخلنا الجنة بسلام
آمنین اللهم اصلح من کان صلاحه صلاح
المسلمین واهلک من کان صلاحه فساد
المسلمین اجمعین اللهم شتت شملهم وقلب
تدبیرهم وزلزل اقدامهم وبدل احوالهم
وبیض اعینهم وسود وجوههم وقطع ارزاقهم
وقصر اعمارهم وقرب آجالهم واشغلهم
بابدانهم وخرب بنیانهم وفرق جمعهم واهلکهم
کاهلاک شداد وثمود واغرقهم کاغراق
فرعون وخذهم اخذ عزیز مقتدر یا قهار
یا قهار یا قهار یا رب انی مغلوب فانتصر یا
قادر یا قاهر یا شدید العقاب یا ذا الطول انتقم
حقی عن اعدائی بعظمتک وقدرتک یا اقدر

القادرین

القادرين اختنام ديكر الهى من ذا الذى دعاك
فلم تجبه ومن الذى استعانك فلم تعنه ومن
الذى سألك فلم تعطه ومن الذى استجارك
فلم تجره ومن الذى استغاثك فلم تغثه وا
غوثاه واغوثاه واغوثاه بك استغثت اغثنى
يا غياث المستغيثين اغثنى يا مغيث اختنام
ديكر اللهم بحق سر هذه الاسرار وبحق
كرمك الخفى وبحق الاسم الاعظم ان تقضى
حاجتى وتصلنى الى مرادى وان تدفع عنى
شر جميع عبادك يا ارحم الراحمين اختنام
ديكر بسم الله الرحمن الرحيم رب ادخلنى فى
لجة بحار احديتك وطمطام يم وحدا
نيتك وقونى بقوة سطوة سلطان فردانيتك
حتى اخرج الى فضاء سعة رحمتك وفى
وجهى لمعات برق القرب من اثار رحمانيتك

مهيبا بهيبتك عزيزا بعنايتك مجلا مكرما

بتعليمك ترتيبك والبسني خلع العزة والقبو

وسهل لي مناهج الوصلة والوصول وتوجني

بتاج الكرامة والوقار والف بيني وبين احبا

ئك في دار الدنيا ودار القرار وارزقني من نور

اسمك هيبة وسطوة تنقاد لي القلوب والا

رواح وتخضع لدي النفوس والاشباح يا من

ذلت له رقاب الجبابرة وخضعت لديه

اعناق الاكاسرة لا ملجأ ولا منجا منك الا

اليك ولا اعانة ولا اتكاء الا عليك ادفع عني

كيد الحاسدين وظلمات شر المعاندين وار

حمني تحت سرادقات عرشك يا اكرم الاكرمين

ايد ظاهري في تحصيل مراضيك ونور قلبي و

سري بالاطلاع على مناهج مساعيك الهي كيف

اصدر عن بابك بخيبة منك وقد وردته

على

على ثقتي بك وكيف تؤيسني من عطائك وقد
امرتني بدعائك وها انا مقبل عليك ملتجا
اليك باعد بيني وبين اعدائي كما باعدت بين
المشرق والمغرب اختطف ابصارهم عني بنور
قدسك وجلال مجدك انك انت الله المعطي
جلائل النعم المكرمة لمن ناجاك بلطائف
رافتك يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام
وصلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين
وسلم تسليما اختام ديگر بسم الله الرحمن الرحيم
سبحان الله القادر القاهر القوي العزيز
الجبار المتكبر الحي القيوم المقتدر بلا معين
ولا ظهير لا اله الا الله محمد رسول الله علي
ولي الله اللهم تفضل علي واحسن الي
وكن لي انيسا ولا تكلني على اللهم فرج همي
واكشف غمي واهلك اعدائي يا ودود بقدرتك

يا اقدر القادرين اللهم وبهم عاجلاً واجلاً
في الدنيا والدين والاخرة ما انت له اهل
ولا تفعل بنا يا مولانا ما نحن له اهل انك
غفور حليم جواد كريم رؤف رحيم اللهم
انك قلت ادعوني استجب لكم وانك لا تخلف
الميعاد وصلى الله على محمد وآله اجمعين
والحمد لله رب العالمين اختتام بك اللهم
يا كبير كل كبير يا سميع يا بصير يا من لا شريك
له ولا وزير يا خالق الشمس والقمر المنير يا
الخائف المستجير ويا رازق الطفل الصغير
يا جابر العظم الكسير يا قاصم كل جبار عنيد
اسئلك وادعوك دعاء البائس الفقير ودعاء
المضطر الضرير اسئلك بمعاقد العز من
عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وبالاسماء
الثمانية المكتوبة على قرن الشمس ان تصلي
على محمد

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاَنْ تَقْضِیَ حَاجَتِیْ یَا قَاضِیَ
الْحَاجَاتِ یَا مُجِیْبَ الدَّعْوَاتِ بِرَحْمَتِكَ یَا رَبِّ
هذا الدعاء حرز عانی المسمّی بالسّیفی موافق مشهو

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اَنْتَ رَبِّیْ وَاَنَا عَبْدُكَ عَمِلْتُ سُوْٓءً وَّظَلَمْتُ
نَفْسِیْ وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِیْ وَاسْتَغْفِرُكَ فَاغْفِرْ لِیْ
ذُنُوْبِیْ كُلَّهَا فَاِنَّهٗ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ یَا
اَللّٰهُ یَا رَبِّ یَا غَفُوْرُ یَا شَكُوْرُ یَا حَلِیْمُ یَا عَظِیْمُ
یَا كَرِیْمُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیْمُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ الْمَلِكُ
الْحَقُّ الْمُبِیْنُ الْمُتَعَزِّزُ بِالْكِبْرِیَآءِ الْمُتَفَرِّدُ بِا
لْبَقَآءِ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ الْمُقْتَدِرُ الْقَاهِرُ الَّذِیْ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اشاره اوّل اَنْتَ رَبِّیْ وَاَنَا
عَبْدُكَ عَمِلْتُ سُوْٓءً وَّظَلَمْتُ نَفْسِیْ وَاعْتَرَفْتُ
بِذَنْبِیْ وَاسْتَغْفِرُكَ فَاغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ كُلَّهَا جَمِیْعًا

إلّا أنتَ يا ربِّ يا غفورُ يا اللهُ يا شكورُ يا
حليمُ يا كريمُ يا رحيمُ اللّهمَّ إنّي أحمدُكَ وَ
أنتَ للحمدِ أهلٌ على ما اختصصتني بهِ من
مواهبِ الرّغائبِ وأوصلتَ إليَّ من فضائلِ
الصّنائعِ وأوليتني بهِ من إحسانِكَ القديمِ
إليَّ وبوّأتني بهِ من مظنّةِ الصّدقِ وأنلتني
بهِ من منّكَ الواصلةِ إليَّ وأحسنتَ إليَّ يا
سيّدي ومولايَ من اندفاعِ البليّةِ عنّي
والتّوفيقِ لي والإجابةِ لدعائي حينَ أناديكَ
داعياً وأناجيكَ راغباً وأدعوكَ ضارعاً
متضرّعاً مضارعاً مصافياً وحينَ أرجوكَ
راجياً فأجدُكَ في المواطنِ كلّها لي جاراً حاضراً
حافظاً حفيّاً بارّاً وفي الأمورِ ناصراً وناظراً
وللخطايا والذّنوبِ غافراً وللعيوبِ ساتراً
لم أعدمْ عونَكَ وبرّكَ وإحسانَكَ وخيرَكَ

طَ

لي طرفة عين منذ انزلتني دار الاختبار و
الفكر والاعتبار لتنظر في ما اقدم اليك
لدار القرار فانا عتيقك بكرمك يا الهي و
مولاي من جميع المضار والمضال والمصائب
والمعائب واللوازب واللوازم والنوازل
والنوائب والهموم التي قد ساورتني فيها
الغموم بمعاريض اصناف البلاء وضروب
جهد القضاء لا اذكر منك الا الجميل ولم ار
منك الا التفضيل خيرك لي شامل وصنعك
لي كامل ولطفك لي كافل وفضلك علي
متواتر ونعمك عندي متصلة وايا ديك
لدي متظاهرة لم تخفر جواري وصدقت
رجائي وصاحبت اسفاري واكرمت احضا
ري وحققت ما املت وشفيت امراضي وعا
فيت اوصالي واحسنت منقلبي ومثواي

ولم تشمت بي أعدائي ورميت من رماني بسوء
وكفيتني شر من عاداني فحمدي لك يا الهي
دائم واصب وثنائي عليك متواتر دائم
من الدهر بألوان التسبيح وانواع التقديس
والتهليل لك خالصاً لذكرك ومرضياً لك
بناصع التوحيد واخلاص التفريد وامحاض
التمجيد والتحميد بطول التعبد والتعديد لم
تعن في قدرتك ولم تشارك في الهيتك ولم
تعلم لك مائية وماهية فتكون للأشياء
المختلفة مجانساً ولم تعاين إذ حبست الأشياء
على العزائم المختلفات ولا خرقت الأوهام
حجب الغيوب اليك فاعتقد منك محدوداً في
نور عظمتك لا يبلغك بعد الهمم ولا ينالك
غوص الفتن ولا ينتهي اليك بصر الناظرين
في مجد جبروتك ارتفعت عن صفة المخلوقين
صفات

صفات قدرتك وذاتك وعلا عن ذكر
الذاكرين كبرياء عظمتك فلا ينقص ما اردت
ان يزداد ولا يزداد ما اردت ان ينقص
ولا ضدّ شهدك حين فطرت الخلق ولا ندّ
حضرك حين برأت النفوس كلّت الالسن
عن تفسير صفتك وانحسرت العقول عن كنه
معرفتك وكيف يوصف كنه صفتك يا ربّ
وانت الله الملك الحقّ الجبار القدّوس الذي
لم تزل ازليّاً ابديّاً سرمديّاً دائماً في الغيوب
وحدك لا شريك لك ليس فيها احد غيرك
ولم يكن اله سواك حارت في بحار ملكوتك
عميقات مذاهب التفكّر وتواضعت الملوك
لهيبتك وعنت الوجوه بذلّة الاستكانة
لعزّتك وانقاد كلّ شيء لعظمتك واستسلم
كلّ شيء لقدرتك وخضعت لك الرقاب وكلّ

دُونَ ذٰلِكَ تَحَيَّرُ اللُّغَاتِ وَضَلَّ هُنَالِكَ التَّدَبُّرُ

فِي تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذٰلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ حَسِيرًا وَعَقْلُهُ مَبْهُوتًا

وَتَفَكُّرُهُ مُتَحَيِّرًا أَسِيرًا اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

كَثِيرًا دَائِمًا مُتَوَالِيًا مُتَوَاتِرًا مُتَّسِقًا مُسْتَوْثِقًا

مُسْتَوْثِقًا مُضَاعَفًا بِدَوَامٍ وَتَضَاعُفٍ وَلَا

يَبِيدُ غَيْرُ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ وَلَا مَطْمُوسٍ

فِي الْعَالَمِ وَلَا مُنْتَقَصٍ فِي الْعِرْفَانِ فَلَكَ الْحَمْدُ

عَلَى مَكَارِمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ وَفِي الْبَرِّ وَالْبِحَارِ وَالْغُدُوِّ

وَالْآصَالِ وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ وَالظَّهِيرَةِ وَ

الْأَسْحَارِ وَفِي كُلِّ جُزْءٍ مِنْ أَجْزَاءِ اللَّيْلِ وَ

النَّهَارِ اَللّٰهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ قَدْ أَحْضَرْتَنِي النَّجَاةَ

وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وِلَايَةِ الْعِصْمَةِ فَلَمْ أَبْرَحْ

مِنْكَ فِي سُبُوغِ نَعْمَائِكَ وَتَتَابُعِ آلَائِكَ مَحْرُوسًا

لَكَ

لك في الرد والامتناع محفوظا لك في النعمة
والدفاع عني لم تكلفني فوق طاعتي ولم ترض
عني الا طاعتي فانك انت الله الذي لا اله
الا انت لم تغب ولا تغيب عنك غائبة ولا
تخفى عليك خافية ولن تضل عنك في ظلم
الخفيات ضالة انما امرك ماض ووعدك
حتم اذا اردت شيئا ان تقول له كن فيكون
اللهم اني احمدك فلك الحمد مثل ما حمدت
به نفسك واضعاف ما حمدك به الحامدون
ومجدك به الممجدون وكبرك به المكبرون
وهللك به المهللون وقدسك به المقدسون
وعظمك به المعظمون وسبحك به المسبحون
ووحدك به الموحدون حتى يكون لك مني
وحدي في كل طرفة عين واقل من ذلك
مثل حمد جميع الحامدين وتوحيد اصناف

الموحدين والمخلصين وتقديس اجناس العباد

وثناء جميع المهللين والمصلين والمسبحين

والمتعبدين ومثل ما انت به عالم وعارف

وهو محمود ومحبوب ومحبب من جميع خلقك

كلهم من الحيوانات والجمادات وارغب اليك

في بركة ما انطقتني به من حمدك فما ايسر ما

كلفتني به من حقك واعظم ما وعدتني به

على شكرك ابتدأتني بالنعم فضلا وطولا و

امرتني بالشكر حقا وعدلا ووعدتني عليه

ومزيدا واعطيتني به من رزقك واسعا اختيارا

ورضى وسألتني منه شكرا يسيرا صغيرا اذ

نجيتني وعافيتني من جهد البلاء ولم تسلمني

لسوء قضائك وبلائك وجعلت ملبسي

العافية واوليتني البسطة والرخاء وشرعت

لي من الدين ايسر القول والفعل وسوغت لي

ايسر

ابِرَّ القصدِ وَالصِّدقِ وضاعفت لي اشرف
الفضلِ وَالمزيدِ مَعَ ما وعدتني بِهِ مِنَ الحجةِ
الشريفةِ الكامِلةِ وَبشّرتني بِهِ مِنَ الدّرجةِ
الرَّفيعةِ العالِيةِ وَاصطفيتني بِاعظم النّبيّين
دعوةً وَارفعِهِم درجةً وَافضلِهِم شفاعةً
وَاوضحِهِم حجّةً وَاقربِهِم منزلةً محمّدٍ صلّى الله
عليهِ وَآلِهِ وسلّمَ وَعلى جميع الانبياءِ وَ
المرسلين اللّهمّ صلِّ على محمّدٍ وَآلِ محمّدٍ وَ
اغفرلي ما لا يسعهُ الّا مغفرتُكَ وَلا يمحقهُ
الّا عفوكَ وَلا يكفّرهُ الّا تجاوزكَ وفضلكَ
وَهبلي في ساعتي هذِهِ ويومي هذا وليلتي
هذِهِ وشهري هذا وسنتي هذِهِ يقيناً صا
دِقاً يهوّنُ عليّ مصائبَ الدّنيا وَالآخرةِ
وَاحزانهما ويشوّقني اليكَ ويرغّبني فيما
عِندكَ وَاكتب لي عِندكَ المغفرةَ وبلّغني

الكرامة من عندك واوزعني شكر ما انعمت
به علي فانك انت الله الذي لا اله الا انت
الواحد الاحد الصمد المبدئ البدئ البديع
الرفيع السميع العليم الذي ليس لامرك
مانع ولا عن قضائك ممتنع اللهم واشهد
انك انت الله الذي لا اله الا انت انشاه يوم
انت ربي ورب كل شئ فاطر السموات والارض
عالم الغيب والشهادة العلي الكبير العظيم
المتعال اللهم اني اسألك الثبات في الامر
والعزيمة على الرشد والشكر على نعمك و
اسألك حسن عبادتك واسألك من كل خير
تعلم ولا اعلم واعوذ بك من كل شر تعلم
ولا اعلم وانت علام الغيوب واسألك
امنا من كل جور كل جائر وبغي كل باغ و
حسد كل حاسد وظلم كل ظالم ومكر كل

ماكر وكيد كل كائد وغدر كل غادر وسحر
كل ساحر وعداوة كل عدو وشماتت كل شامت
وكاشح بك اصول على الاعداء واياك ارجوا
لولاية الاحباء والاولياء والقرباء والا
قرباء فلك الحمد على ما لا استطيع احصاءه
ولا تعديده من عوائد فضلك وعوارف رزقك
والوان ما اوليتني به من ارفادك فانك انت
الله الذي لا اله الا انت المنشي الفاشي في الخلق
حمدك الباسط بالجود يدك لا تضاد في حكمك
ولا تنازع في سلطانك وملكك وامرك
تملك من الانام ما تشاء ولا يملكون منك
الا ما تريد قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك
من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من
تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على
كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج

ج

النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج

الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب

اللهم انت الله الملك المنعم المفضل القادر

القاهر المقتدر القدوس في نور القدس

ترديت بالمجد والبهاء وتأزرت بالعز و

العلاء وتعظمت بالعظمة والكبرياء وتغشيت

بالنور والضياء وتجللت بالمهابة والبهاء

اللهم لك المن القديم والسلطان الشامخ و

الملك الباذخ والجود الواسع والقدرة

الكاملة والحكمة البالغة والعزة الشاملة

فلك الحمد على ما جعلتني من امة محمد صلى الله

عليه وآله وسلم وهو افضل بني آدم الذين كرمتهم

وحملتهم في البر والبحر ورزقتهم من الطيبات

وفضلتهم على كثير ممن خلقتهم من اهلها

تفضيلا وخلقتني سميعا بصيرا صحيحا سويا

سالمًا معافًا ولم تشغلني بنقصان في بدني
عن طاعتك ولم تمنعني كرامتك اياي وحسن
صنيعك عندي وفضل منايحك لدي ونعما
ئك علي انت الذي اوسعت علي في الدنيا و
الاخرة وفضلتني على كثير من خلقك تفضيلًا
فجعلت لي سمعًا يسمع اياتك وعقلًا يفهم ايما
نك وبصرًا يرى قدرتك وفؤادًا يعرف
عظمتك وقلبًا يعتقد توحيدك فاني لفضلك
على حامد ولك بنفسي شاكرة وبحقك على
شاهدة فانك حي قبل كل حي وحي بعد
كل حي وحي بعد كل ميت وحي لم ترث الحيوة
من حي لم تقطع خيرك عني طرفة عين في كل
وقت ولم تقطع رجائي ولم تنزل بي عقوبات
النقم ولم تمنع عني دقايق العصم ولم تغير على
دقايق النعم فلو لم اذكر من احسانك الا

عفوك عني والتوفيق لي والاستجابة لدعائي
حين رفعت صوتي ورفعت رأسي وانطلقت
لساني ورغبت إليك بأنواع حوائجي فقضيتها
واسئلك بتوحيدك وتمجيدك وتحميدك
وتهليلك وتفضيلك وتكبيرك وتعظيمك
وتقديسك وآلائك في تقديرك خلقي حين صورتني
فأحسن صورتي وآلائك في قسمة الأرزاق حين قدرتها
لي لكان في ذلك ما يشغل شكري عن جهدي
فكيف إذا فكرت في النعم العظام التي أتقلب فيها
ولا أبلغ شكر شيء منها فلك الحمد على نعمك
التي لا تحصى عدد ما حفظه علمك وعدد ما
وسعته رحمتك وعدد ما أحاطت به قدرتك
ربك وأضعاف ما تستوجبه من جميع خلقك اللهم
فتمم إحسانك إلي فيما بقي من عمري كما أحسنت
إلي فيما مضى منه اللهم إني أسئلك وأتوسل إليك
بتوحيدك

بتوحيدك وتمجيدك وتحميدك و

تقديسك وتهليلك وكبريائك وكمالك

وتكبيرك وتعظيمك ونورك ورحمتك و

رأفتك وعلمك وحلمك وعلوك وو

قارك ومنك وبهائك وجمالك وجلا

لك وسلطانك وعظمتك وقوتك وقدرتك

واحسانك وغفرانك وامتنانك وبجميع

ما سألك به خلقك ونبيك محمد وعترته

الطاهرين ان تصلي على سيدنا محمد

وآل محمد وعلى سائر اخوانه من الانبياء

والمرسلين ولا تحرمني رفدك وفضلك

وجمالك وجلالك وجزيل كراماتك

لا تعتبك لكثرة ما قد نشرت به من العطايا

عوائق البخل ولا ينقص جودك التقصير

في شكر نعمتك ولا تفني خزائنك مواهبك

المتسعة ولا يؤثر في جودك العظيم منحك

الفائقة الجميلة الجليلة ولا تخاف ضيم

إملاق فتكدي ولا يلحقك خوف عدم

فينقص من جودك فيض فضلك العميم

اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم احفظني يا خير

الحافظين ويا خير الناصرين ويا أسمع

السامعين ويا إله العالمين اللهم صل على محمد

وآله أجمعين اللهم ارزقني إيماناً دائماً وقلباً

خاشعاً خاضعاً ضارعاً وبدناً صابراً ويقيناً

صادقاً

صادقا ولسانا ذاكرا حامدا وعينا باكية دريئا

واسعا وعلما نافعا وولدا صالحا وبدنا صابرا

وسالما وعمرا طويلا وعملا صالحا وخلقا حسنا

وتوبة مقبولة ونسالك رزقا واسعا حلالا

طيبا كثيرا اللهم ولا تؤمني مكرك ولا تنسني

ذكرك ولا تكشف عني سترك ولا تقنطني من

رحمتك ولا تباعدني من كنفك وجوارك

واعذني من سخطك وغضبك الى رحمتك

ولا تؤيسني من رحمتك ولا تنزع عني عافيتك

وبركتك وسلامتك برحمتك وكن لي انيسا من

كل روعة ووحشة واعصمني من كل هلكة

ونجني من كل بلية وآفة وعاهة وامانة

وذلةٍ وعلةٍ وقلةٍ ومرضٍ ووجعٍ وفقرٍ و
فاقةٍ ووباءٍ وبلاءٍ وزلزلةٍ وحرقٍ وغرقٍ و
شرقٍ وسرقٍ وحرٍّ وبردٍ وجوعٍ وعطشٍ
وغمٍّ وضلالةٍ وغصةٍ ومحنةٍ وشدةٍ
في الدارين إنك لا تخلف الميعاد اللهم
ارفعني ولا تضعني وادفع عني ولا تدفعني
وأعطني ولا تحرمني وأكرمني ولا تهني وزدني
ولا تنقصني وارحمني ولا تعذبني وانصرني و
لا تخذلني واسترني ولا تفضحني وآثرني
ولا تؤثر علي أحدا من العالمين في أمر الدنيا
والآخرة واحفظني ولا تضيعني وفرج همي
واكشف غمي وأهلك عدوي فإنك على كل
شيء

شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اللَّهُمَّ وَأَهْلِكِ الْكَفَرَةَ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ

وَيَجْحَدُونَ آيَاتِكَ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ وَأَنْزِلْ

بِهِمْ غَضَبَكَ وَعَذَابَكَ يَا إِلَهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ وَمَا قَدَّرْتَ عَلَيَّ مِنْ أَمْرٍ وَشَرَعْتُ فِيهِ بِتَوْ

فِيقِكَ وَتَيْسِيرِكَ وَتَدْبِيرِكَ فَتَمِّمْهُ لِي عَلَى

أَحْسَنِ الْوُجُوهِ كُلِّهَا وَأَصْلَحِهَا وَأَصْوَبِهَا

فَإِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَبِالْإِجَابَةِ جَدِيرٌ

يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرَضُونَ بِأَمْرِهِ يَا مَنْ

يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ

يَا مَنْ أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

وَصَلَّى اللهُ عَلَى أَشْرَفِ الْخَلْقِ حَبِيبِ الْحَقِّ نَبِيِّ

الرحمة وشفيع الأمة سيدنا محمد خاتم النبيين

وعلى آله أجمعين وسلم تسليما كثيرا كثيرا

سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على

المرسلين والحمد لله رب العالمين

اللهم منزل الكتاب وهازم

الأحزاب وسريع الحساب اللهم شتت أعدائي

وفرق جمعهم وزلزل أقدامهم وقلب تدبيرهم وبدل

أحوالهم خوف بنيانهم وقرب آجالهم واقطع أرزاقهم

وقصر أعمالهم واشغلهم بأبدانهم وسلط أعينهم وسود

وجوههم وخذلهم أخذ عزيز مقتدر يا رب إني

مغلوب فانتصر يا قهار يا قهار يا قهار

اللهم إني أسألك بعزتك وجلالك وكمالك

وكبريائك

وكبريائك وكمالك وتكبيرك وتعظيمك و
نورك ورأفتك ورحمتك وعلمك وحلمك
وعلوك وعزك ووقارك وبرهانك و
إحاطتك ومنك وبهائك وجمالك و
جلالك وسلطانك وعظمتك وقوتك وقد
رتك وإحسانك وغفرانك وامتنانك ود
ينك ونبيك ووليك وعترته الطيبين الطا
هرين أن تصلي على محمد وآل محمد وأن لا تحرمني
رفدك وفضلك وجمالك وجلالك وفوائد
كراماتك فإنه لا يعتريك لكثرة ما قد نشرت
به من العطايا عوائق البخل ولا ينقص جودك
التقصير في شكر نعمتك ولا تفني خزائنك
مواهبك المتسعة ولا تؤثر في جودك العظيم
منحك الفائقة الجليلة الجميلة ولا تخاف

ضيق إملاق فتكلني بها ولا تجعل خوف عدم
فينقص من جودك فيض فضلك اللهم ارزقني
قلبا خاشعا خاضعا ضارعا حامدا وبدنا
صابرا ويقينا صادقا وعينا باكية وإيمانا
دائما ولسانا ذاكرا وحامدا ورزقا واسعا و
علما نافعا ودعاء مستجابا وامرأة صالحة
وولدا صالحا وصاحبا موافقا وسنا طويلا
وعملا صالحا وخلقا حسنا وتوبة مقبولة
وأسألك رزقا حلالا طيبا واسعا ولا تؤمني
مكرك ولا تنسني ذكرك ولا تكشف عني سترك
ولا تنزع مني بركتك ولا تقنطني من رحمتك
ولا تبعدني من كنفك وجوارك وأعذني من
سخطك وغضبك ولا تؤيسني من رحمتك و
روحك وكن اللهم لي أنيسا من كل روعة و
وحشة وغربة واعصمني من كل هلكة و
نجني

نجني من كل بلية وآفة وعاهة وإهانة و
ذلة وعلة وقلة ومرض وبرص وفقر وفاقة
ووباء وبلاء وخوف وزلزلة وغرق وحرق
وسرق وشرق وحر وبرد وجوع وعطش
وغم وضلالة وغصة ومحنة وشدة و
فتنة في الدارين إنك لا تخلف الميعاد اللهم
ارفعني ولا تضعني وادفع عني ولا تدفعني و
أعطني ولا تحرمني وأكرمني ولا تهني وزدني
ولا تنقصني وارحمني ولا تعذبني وانصرني
ولا تخذلني واسترني ولا تفضحني وآثرني ولا
تؤثر علي أحدا في أمر الدنيا والآخرة وفرج
همي واكشف غمي وأهلك عدوي واحفظني
ولا تضيعني فإنك على كل شيء قدير وصلى
الله على سيدنا محمد وآله أجمعين الطيبين
الطاهرين يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام

يا ارحم الراحمين اللهم ما قدرت لي من امر و
شرعت فيه بتوفيقك و تيسيرك و تدبيرك
فتممه لي باحسن الوجوه كلها و اصلحها و
اصوبها فانك على ما تشاء قدير و بالاجابة
جدير يا من قامت السموات و الارضون بامره
يا من يمسك السماء ان تقع على الارض الا
باذنه يا من امره اذا اراد شيئا ان يقول له
كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل
شئ و اليه ترجعون و صلى الله على سيدنا
محمد و آله اجمعين الطيبين الطاهرين و
سلم تسليما كثيرا كثيرا و الحمد لله رب
العالمين بعد از تلاوت دعا بازده
بار بخواند تحصنت نفسي بالحي القيوم و د
فعت عني السوء بلا حول و لا قوة الا بالله
العلي العظيم شرح دعاء عظيم الشان مستجاب

تمام

بسم الله الرحمن الرحیم

بدانکه این دعا عجب بسیار رفیع الشان وعظیم
المنزله است واین از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله مروی
شده است وثواب این بسیار است ملخص ثواب آن
آنست که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که سوگند بان خدای
که مرا بحق برانگیخت که اگر مردی در نهایت گرسنگی و تشنگی
باشد واین دعا را بخواند ساکن میشود گرسنگی و تشنگی
از او واگر کسی از روی اخلاص این دعا را بر صفایح
آهنین بخواند که ان آهن آب میشود واگر بر کوه بخوانند
از مکان خود زایل میشود واگر بر دیوانه بخواند عاقل
میشود واگر بر زنی که در درد زاییدن را زد بخواند و
لادت او آسان میشود واگر شهری بسوزد و خوانند
این دعا خانه اش در وسط آن شهر باشد نمیسوزد
وکسی که این دعا را اگر چهل شب جمعه بخواند الله تعالی
جمیع گناهان او را می آمرزد وکسی که این دعا را بخوانند

دعای او مستجاب میشود و غم و همّ او برطرف میشود و کسی

که این دعا را در وقت داخل شدن بر سلطان جائر بخواند

الله تعالی آن سلطان را مطیع او میسازد و سید بن

طاوس در مهج خود گفته است که این دعا از آن دعاست

که من ملهم شده ام بتلاوت آن روز شنبه نوزدهم

ابتدای از برای سلامت پس ظفر یافتم باجابت دعا

و بدو یافتن امید و کفایت کرده شده ام شر حاسدان

ببرکت این دعا بما رسیده و در روایت آمده است

که سلمان فارسی رحمه الله گفت که یا رسول الله

آیا تعلیم کنم این دعا را بمردم آنحضرت فرمودند زیرا

که مردم ترک نماز و ارتکاب فواحش میکنند و این

دعا را میخوانند و الله تعالی ایشان را و اهل بیت

ایشان را و همسایهای ایشان را و کسی که در مسجد و مید

ایشانست هذا دعای احتجاب میآموزد

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم

اللهم اني اسئلك يا من احتجب بشعاع نوره عن
نواظر خلقه يا من تسربل بالجلال والعظمة
واشتهر بالتجبر في قدسه يا من تعالى بالجلال
والكبرياء في تفرد مجده يا من انقادت له الا
مور بازمتها طوعا لامره يا من قامت السموات
والارضون مجيبات لدعوته يا من زين السماء
بالنجوم الطالعة وجعلها هادية لخلقه يا من
انار القمر المنير في سواد الليل المظلم بلطفه يا
من انار الشمس المنيرة وجعلها معاشا لخلقه
وجعلها مفرقة بين الليل والنهار بعظمته يا
من استوجب الشكر بنشر سحائب نعمه اسئلك
بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتا
بك وبكل اسم هو لك سميت به نفسك او
استاثرت به في علم الغيب عندك وبكل اسم
هو لك انزلته في كتابك او اثبته في قلوب

الصافين الحافين حول عرشك فتراجعت القلوب
إلى الصد ودعوا البيان بإخلاص الواحد نبير
وتحقق الفردانية مقرة لك بالعبودية و
انك انت الله انت الله انت الله لا إله إلا انت
واسئلك بالاسماء التي تجليت بها للكليم على
الجبل العظيم فلما بدا شعاع نور الحجب من بهاء
العظمة خرت الجبال متدكدكة لعظمتك و
جلالك وهيبتك خوفا من سطواتك راهبة
منك فلا إله إلا انت فلا إله إلا انت فلا إله
إلا انت واسئلك بالاسم الذي فتقت به رتق
عظيم جفون عيون الناظرين الذي به تدبر
حكمتك وشواهد حجج انبيائك يعرفونك بفطن
القلوب وانت في غوامض مسرات سريرات
الغيوب اسألك بعزة ذلك الاسم ان تصلي
على محمد وال محمد وان تصرف عني واهل حزانتي

وجميع

جميع المؤمنين والمؤمنات وجميع الآفات في
الطاعات والأعراض والأمراض والخطايا والذنوب
والشك والشرك والكفر والنفاق والضلالة
والجهل والمقت والغضب والعسر والضيق
وفساد الحال وحلول النقمة وشماتة الأعداء
وغلبة الرجال إنك سميع الدعاء لطيف لما

شرح ختم سوره مباركه يس

و روايتست كه هر گاه سوره يس را بنا كند در يكنفس
هفت نوبت يس بگويد و شروع در خواندن سوره
مباركه نمايند واين دعا را پيش از شروع بخوانند
اللهم إن لك في سورة يس ألف شفاء وألف
دواء وألف بركة وسميتها على لسان نبيك
محمد صلى الله عليه وآله المعممة المنعمة لصا
حبها خير الدنيا والآخرة تدفع عنا كل سوء
وبلية وتقضي لنا الحاجة في الدنيا والآخرة

انك على كل شيء قدير هذا سوره مباركه يس

بسم الله الرحمن الرحيم

يس والقرآن الحكيم انك لمن المرسلين على

صراط مستقيم تنزيل العزيز الرحيم لتنذر قوما

ما انذر اباؤهم فهم غافلون لقد حق القول على

اكثرهم فهم لا يؤمنون انا جعلنا في اعناقهم اغلالا

فهي الى الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بين

ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم

لا يبصرون وچون به لا يبصرون رسند سه بار بگو

كه يا من نوره في ستره وستره في نوره استرني عن

عيون الناظرين الحاسدين والباغين وسواء

عليهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا يؤمنون انما

تنذر من اتبع الذكر وخشي الرحمن بالغيب

فبشره بمغفرة واجر كريم انا نحن نحيي الموتى

ونكتب ما قدموا واثارهم وكل شيء احصيناه

في امام

في إمام مبين واضرب لهم مثلا أصحاب القرية

إذ جاءها المرسلون إذ أرسلنا إليهم اثنين فكذبو

هما فعززنا بثالث فقالوا إنا إليكم مرسلون

قالوا ما أنتم إلا بشر مثلنا وما أنزل الرحمن من

شيء إن أنتم إلا تكذبون قالوا ربنا يعلم إنا إليكم

لمرسلون وما علينا إلا البلاغ المبين قالوا إنا

تطيرنا بكم لئن لم تنتهوا لنرجمنكم وليمسنكم منا

عذاب أليم قالوا طائركم معكم أئن ذكرتم بل أنتم

قوم مسرفون وجاء من أقصى المدينة رجل يسعى

قال يا قوم اتبعوا المرسلين اتبعوا من لا يسألكم

أجرا وهم مهتدون وما لي لا أعبد الذي فطرني

وإليه ترجعون ءأتخذ من دونه آلهة إن يردن

الرحمن بضر لا تغن عني شفاعتهم شيئا ولا

ينقذون إني إذا لفي ضلال مبين إني آمنت

بربكم فاسمعون قيل ادخل الجنة قال يا ليت

مين

قوم يعلمون بما غفر لي ربي وجعلني من المكر

مين وجون بكرمين دسند بكويد باكريم اكرم

باكريم اكرمني بقضاء حاجتي وما انزلنا على قومه

من بعده من جند من السماء وما كنا منزلين

ان كانت الا صيحة واحدة فاذا هم خامدون

خامدون

يا حسرة على العباد ما يأتيهم من رسول الا كانوا

به يستهزءون الم يروا كم اهلكنا قبلهم من القرون

انهم اليهم لا يرجعون وان كل لما جميع لدينا

محضرون واية لهم الارض الميتة احييناها و

اخرجنا منها حبا فمنه يأكلون وجعلنا فيها جنات

من نخيل واعناب وفجرنا فيها من العيون ليا

كلوا من ثمره وما عملته ايديهم افلا يشكرون

سبحان الذي خلق الازواج كلها مما تنبت الارض

ومن انفسهم ومما لا يعلمون واية لهم الليل نسلخ

منه النهار فاذا هم مظلمون والشمس تجري

لمستقر

لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم وچون بعزيز

العليم رسد سه مرتبه بگوید یا عزیز یا علیم اللهم

بفضلك الواسع النافع اغننی من جمیع خلقك

والقمر قدرناه منازل حتی عاد كالعرجون القديم

لا الشمس ينبغي لها ان تدرك القمر ولا الليل سا

بق النهار وكل في فلك يسبحون وچون بفي فلك

يسبحون رسد هر بيست بار اشتر مطلب الخواطم

بگذراند ذكرها مستجاب است وآية لهم انا حملنا

ذريتهم في الفلك المشحون وخلقنا لهم من مثله

ما يركبون وان نشا نغرقهم فلا صريخ لهم ولا

هم ينقذون الا رحمة منا ومتاعا الى حين و

اذا قيل لهم اتقوا ما بين ايديكم وما خلفكم

لعلكم ترحمون وما تاتيهم من اية من ايات ربهم

الا كانوا عنها معرضين واذا قيل لهم انفقوا

مما رزقكم الله قال الذين كفروا للذين امنوا

أنطعم من لو يشاء الله أطعمه إن أنتم إلا في
ضلال مبين ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم
صادقين ما ينظرون إلا صيحة واحدة تأخذهم
وهم يخصمون فلا يستطيعون توصية ولا إلى
أهلهم يرجعون ونفخ في الصور فإذا هم من الأجداث
إلى ربهم ينسلون قالوا يا ويلنا من بعثنا من مر
قدنا هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون
إن كانت إلا صيحة واحدة فإذا هم جميع لدينا
محضرون فاليوم لا تظلم نفس شيئا ولا تجزون
إلا ما كنتم تعملون إن أصحاب الجنة اليوم في
شغل فاكهون هم وأزواجهم في ظلال على الأرائك
متكئون لهم فيها فاكهة ولهم ما يدعون سلام
قولا من رب رحيم و چون بر من رب رحيم رسد
هفت نوبت بگويد اللهم سلمني من آفات الدنيا و
الآخرة واقض حاجاتي وامتازوا اليوم أيها
المجرمون

الْمُجْرِمُونَ اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِيٓ اٰدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا

الشَّيْطَانَ اِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَاَنِ اعْبُدُونِي

هٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا

اَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰى

اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا اَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ وَلَوْ نَشَآءُ لَطَمَسْنَا عَلٰى اَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا

الصِّرَاطَ فَاَنّٰى يُبْصِرُونَ وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلٰى

مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ وَمَنْ

نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ اَفَلَا يَعْقِلُونَ وَمَا عَلَّمْنَاهُ

الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْاٰنٌ مُبِينٌ

وچون بقرآن مبین برسد هر دو دست برداشته مطلب

را بخاطر بگذراند که دعا مستجابست لِيُنْذِرَ مَنْ

كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ اَوَلَمْ يَرَوْا

اَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ اَيْدِينَا اَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا

حه ۱

مالكون وذللناها لهم فمنها ركوبهم ومنها

يأكلون ولهم فيها منافع ومشارب أفلا يشكرون

واتخذوا من دون الله آلهة لعلهم ينصرون

لا يستطيعون نصرهم وهم لهم جند محضرون

فلا يحزنك قولهم إنا نعلم ما يسرون وما يعلنون

أولم ير الإنسان أنا خلقناه من نطفة فإذا هو

خصيم مبين وضرب لنا مثلا ونسي خلقه قال

من يحيي العظام وهي رميم قل يحييها الذي أنشأها

أول مرة وهو بكل خلق عليم الذي جعل لكم من

الشجر الأخضر نارا فإذا أنتم منه توقدون أو

ليس الذي خلق السماوات والأرض بقادر على

أن يخلق مثلهم الخلاق العليم وچون

بلى وهو

بخلاق العليم [illegible] قادر وهر قدر كه

تواند بجو اند كه بلى قادر على ان [illegible] بد

ازان هان بجده هر مراد كه خواهد بطلبد وبردارد

اِنّما امرُهُ اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون

مرویست که چون بکن فیکون رسید سه بار [illegible]

هر حاجت که خواهد طلب کند [illegible] تمام کنند

که مراد حاصل است فسبحان الذی بیده ملکوت

کل شیءٍ و الیه ترجعون بعد از سوره این دعا بخواند

سبحان المنزه عن کل [illegible] سبحان المفرج

عن کل محزون سبحان العالم بکل [illegible] سبحان

من جعل خزائنه بین الکاف والنون سبحان

الله عما یصفون سبحانه سبحانه سبحانه

اذا قضی امراً فانما یقول له کن فیکون فسبحا

ن الذی بیده ملکوت کل شیءٍ و الیه ترجعون

[illegible] تا ختم [illegible] که ابتدا [illegible] است صغیر و کبیر

که این آنست که روز [illegible] شروع کند و هر روز

چهل و یکبار تلاوت کند تا چهل و یک روز [illegible]

آنست که تا چهل و یک [illegible] ایام تلاوت کنند

باین قسم که روز یکم مرتبه و روز دوم دو مرتبه و روز

سیم سه مرتبه تا آخر و صغر آنست که روز شنبه شروع

کند و هر روز پنجم مرتبه تلاوت کند و روز جمعه یازده

نوبت که مجموع سی و چهل و یکنوبت ره شود

الفتح تسع بسم الله الرحمن الرحیم وعشرون آیة مدنیة

إنا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم

من ذنبك وما تأخر ويتم نعمته عليك ويهديك

صراطا مستقيما وينصرك الله نصرا عزيزا هو

الذي أنزل السكينة في قلوب المؤمنين ليزدادوا

إيمانا مع إيمانهم ولله جنود السموات والأرض

وكان الله عليما حكيما ليدخل المؤمنين والمؤمنات

جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها و

يكفر عنهم سيئاتهم وكان ذلك عند الله فوزا

عظيما ويعذب المنافقين والمنافقات والمشركين

والمشركات الظانين بالله ظن السوء عليهم دائرة

السوء

السَّوْءِ وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَاَعَدَّ لَهُمْ

جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ وَ

الْاَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا اِنَّا اَرْسَلْنٰكَ شَا

هِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا لِتُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ

وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَاَصِيلًا

اِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ اِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللّٰهَ يَدُ اللّٰهِ

فَوْقَ اَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلٰى نَفْسِهِ

وَمَنْ اَوْفٰى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللّٰهَ فَسَيُؤْتِيهِ

اَجْرًا عَظِيمًا سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْاَعْرَابِ

شَغَلَتْنَا اَمْوَالُنَا وَاَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا

يَقُولُونَ بِاَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ

يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا اِنْ اَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا اَوْ اَرَادَ

بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا بَلْ ظَنَنْتُمْ

اَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ اِلٰى اَهْلِيهِمْ

اَبَدًا وَزُيِّنَ ذٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ

وَكُنتُمْ قَوْمًا بُورًا وَمَن لَّمْ يُؤْمِن بِاللهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا

أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا وَلِلهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ

وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ

وَكَانَ اللهُ غَفُورًا رَّحِيمًا سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ

إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا

نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللهِ قُل بَن

اللامین حاجت خود را بخواهد لَن تَتَّبِعُونَا كَذ

لِكُمْ قَالَ اللهُ مِن قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا

بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا قُل بِن اللامین

حاجت خود را بخواهد لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْ

عَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ

يُسْلِمُونَ فَإِن تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِن

تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

لَّيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا

عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَن يُطِعِ اللهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ

جنّت

جنات تجري من تحتها الانهار ومن يتول يعذبه

عذابا اليما لقد رضي الله عن المؤمنين اذ يبايعونك

تحت الشجرة فعلم ما في قلوبهم فانزل السكينة

عليهم واثابهم فتحا قريبا وجون بر فتحا قريبا سد

بكوبديا مفتح لنا فتحا قريبا ومغانم كثيرة ياخذو

نها وكان الله عزيزا حكيما وعدكم الله مغانم

كثيرة تاخذونها فعجل لكم هذه وكف ايدي

الناس عنكم ولتكون اية للمؤمنين ويهديكم

صراطا مستقيما واخرى لم تقدروا عليها قد

احاط الله بها وكان الله على كل شيء قديرا ولو

قاتلكم الذين كفروا لولوا الادبار ثم لا يجدون

وليا ولا نصيرا سنة الله التي قد خلت من قبل

ولن تجد لسنة الله تبديلا وهو الذي كف

ايديكم عنكم وايديكم عنهم ببطن مكة من بعد ان

اظفركم عليهم وكان الله بما تعملون بصيرا

هم الذین كفروا وصدوكم عن المسجد الحرام و

الهدی معكوفا ان یبلغ محله ولولا رجال مو

منون ونساء مؤمنات لم تعلموهم ان تطؤهم ف

تصیبكم منهم معرة بغیر علم لیدخل الله فی رحمته

من یشاء لو تزیلوا لعذبنا الذین كفروا منهم عذابا

الیما اذ جعل الذین كفروا فی قلوبهم الحمیة حمیة

الجاهلیة فانزل الله سكینته علی رسوله وعلی

المؤمنین والزمهم كلمة التقوی وكانوا احق

بها واهلها وكان الله بكل شیء علیما لقد صدق

الله رسوله الرؤیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام

ان شاء الله امنین محلقین رؤسكم ومقصرین

لا تخافون فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك

فتحا قریبا وچون به فتحا قریبا رسد این دعا

بخواند ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی

العظیم اللهم لك الدنیا والاخرة تعطی من تشاء

وتمنع

وتمنع عمن تشاء اللهم انك غني فاغنني من
الفقر والقلة واقض ديني ووفقني في عبادتك
وارزقني جهاداً في سبيله يا ارحم الراحمين اللهم
اني اسئلك بكلماتك ومعاقد عرشك وسكان
سمواتك وانبيائك ورسلك ان تستجيب لي فقد
رهقني من امري عسراً واسئلك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تجعلني من امري فرجاً ومخرجاً
ومع العسر يسراً برحمتك يا ارحم الراحمين هو
الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره
على الدين كله وكفى بالله شهيداً محمد رسول
الله ﷺ والذين معه اشداء على الكفار رحماء
بينهم تراهم ركعاً سجداً يبتغون فضلاً من ا
ورضواناً سيماهم في وجوههم من اثر السجود
ذلك مثلهم في التورية ومثلهم في الانجيل
كزرع اخرج شطأه فازره فاستغلظ فاستوى

عَلىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفّارَ وَ
عَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ مِنْهُمْ
مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً و بعد از اتمام سوره اذا
جاء نصر الله بخواند و بعد از ان این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ يا مَنْ اِذا تَضايَقَتِ الْاُمُورُ تُفْتَحُ لَها باباً
لا تَصِلُ الْيَدُ اِلَيْهِ هاأَنَا ضاقَتْ عَلَيَّ اُمُورِي
كُلُّها فَافْتَحْ لِي باباً لا تَصِلُ الْيَدُ وَهِيَ اِنَّكَ عَلىٰ
ذٰلِكَ قَدِيرٌ وَبِالْاِجابَةِ جَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَنا
اَبْوابَ رَحْمَتِكَ يا رَحْمٰنَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ
يا اَرْحَمَ در خواص سوره مبارکه اذا وقعه الراحمين
از ابن مسعود مرویست که هر که بعد از نماز خفتن بخوا
ندن سوره مبارکه قیام نماید در فتح ورزق ودولت
وعزت حق سبحانه وتعالی بر روی او بگشاید و رو
بروز دولت وجمعیت او زیاده کرد در ختم سوره مبارکه
بدین طریق بجا آورد که روز جمعه غسل کند و شب
بنز

شنبه محل خواب بخورند بخواند تا شب جمعه و شب جمعه
یازده مرتبه که شانزده مرتبه باشد و اگر این قسم مداومت
نماید البته خدا تعالی جمعیت و دولت باو روی دهد
که بشرح راست بنماید اما پیش از خواندن این سوره
این اعتصام را بخواند اعتصام اینست بسم الله
الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا الله اسئلک بحق من
حقه علیک عظیم ان تصلی علی محمد و آل محمد و
ان ترزقنی العمل بما علمته بمعرفة حقک و ان تبسط
علیّ ما حظرت من رزقک یا رزاق یا وهاب یا
جواد یا غنی یا منعم یا مفضل یا معطی یا کریم یا
واسع یا منان یا مسبب الاسباب یا رزاق من تشاء
بغیر حساب سورة الواقعة وهی ست و تسعون آیه
بسم الله الرحمن الرحیم
اذا وقعت الواقعة لیس لوقعتها کاذبة خافضة
رافعة اذا رجت الارض رجا و بست الجبال بسا

فَكَانَتْ هَبَآءً مُّنْبَثًّا وَّكُنْتُمْ اَزْوَاجًا ثَلٰثَةً فَاَصْحٰبُ

الْمَيْمَنَةِ مَآ اَصْحٰبُ الْمَيْمَنَةِ وَاَصْحٰبُ الْمَشْئَمَةِ مَآ اَصْحٰبُ

الْمَشْئَمَةِ وَالسّٰبِقُوْنَ السّٰبِقُوْنَ اُولٰٓئِكَ الْمُقَرَّبُوْنَ

فِيْ جَنّٰتِ النَّعِيْمِ ثُلَّةٌ مِّنَ الْاَوَّلِيْنَ وَقَلِيْلٌ مِّنَ الْاٰخِرِيْنَ

عَلٰى سُرُرٍ مَّوْضُوْنَةٍ مُّتَّكِئِيْنَ عَلَيْهَا مُتَقٰبِلِيْنَ يَطُوْفُ

عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُوْنَ بِاَكْوَابٍ وَّاَبَارِيْقَ وَكَاْسٍ

مِّنْ مَّعِيْنٍ لَّا يُصَدَّعُوْنَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُوْنَ وَفَاكِهَةٍ

مِّمَّا يَتَخَيَّرُوْنَ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُوْنَ وَحُوْرٌ عِيْنٌ

كَاَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُوْنِ جَزَآءً بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ

لَا يَسْمَعُوْنَ فِيْهَا لَغْوًا وَّلَا تَاْثِيْمًا اِلَّا قِيْلًا سَلٰمًا

سَلٰمًا وَاَصْحٰبُ الْيَمِيْنِ مَآ اَصْحٰبُ الْيَمِيْنِ فِيْ

سِدْرٍ مَّخْضُوْدٍ وَّطَلْحٍ مَّنْضُوْدٍ وَّظِلٍّ مَّمْدُوْدٍ وَّ

مَآءٍ مَّسْكُوْبٍ وَّفَاكِهَةٍ كَثِيْرَةٍ لَّا مَقْطُوْعَةٍ وَّلَا مَمْنُوْعَةٍ

وَّفُرُشٍ مَّرْفُوْعَةٍ اِنَّآ اَنْشَاْنٰهُنَّ اِنْشَآءً فَجَعَلْنٰهُنَّ

اَبْكَارًا عُرُبًا اَتْرَابًا لِّاَصْحٰبِ الْيَمِيْنِ ثُلَّةٌ مِّنَ

الْاَوَّلِيْنَ

الاولين وثلة من الاخرين واصحاب الشمال

ما اصحاب الشمال في سموم وحميم وظل من يحموم

لا بارد ولا كريم انهم كانوا قبل ذلك مترفين

وكانوا يصرون على الحنث العظيم وكانوا يقولون

ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما ائنا لمبعوثون

او اباؤنا الاولون قل ان الاولين والاخرين

لمجموعون الى ميقات يوم معلوم ثم انكم

ايها الضالون المكذبون لاكلون من شجر

من زقوم فمالئون منها البطون فشاربون

عليه من الحميم فشاربون شرب الهيم هذا

نزلهم يوم الدين نحن خلقناكم فلولا تصدقون

افرايتم ما تمنون ءانتم تخلقونه ام نحن

الخالقون وجوته نحن الخالقون رسد كوئد

اللهم انت الخالق نحن قدرنا بينكم الموت وما

نحن بمسبوقين على ان نبدل امثالكم وننشئكم

فیما لا تعلمون ولقد علمتم النشأة الأولی
فلولا تذکرون أفرأیتم ما تحرثون ءأنتم
تزرعونه أم نحن الزارعون وچون به ام نحن
الزارعون رسد بگوید اللهم انت الزارع لو
نشاء لجعلناه حطاما فظلتم تفکهون إنا لمغرمون
بل نحن محرومون أفرأیتم الماء الذی تشربون
ءأنتم أنزلتموه من المزن أم نحن المنزلون وچو
به ام نحن المنزلون رسد بگوید اللهم انت المنزل
لو نشاء جعلناه أجاجا فلولا تشکرون وچون
به لا تشکرون رسد بگوید شکرا لله أفرأیتم النار
التی تورون ءأنتم أنشأتم شجرتها أم نحن
المنشئون وچون به ام نحن المنشئون رسد بگوید
اللهم انت المنشئ نحن جعلناها تذکرة ومتاعا
للمقوین فسبح باسم ربک العظیم فلا أقسم بمواقع
النجوم وإنه لقسم لو تعلمون عظیم إنه لقرآن

کریم

كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ
تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ
مُدْهِنُونَ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ
فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ
وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ
فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ تَرْجِعُونَهَا إِنْ
كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ
فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ وَأَمَّا إِنْ كَانَ
مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ
وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ
مِنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ
فَسَبِّحْ بِاسْمِ بعد از ختم سوره مبارکه رَبِّكَ الْعَظِيمِ
از واقعه این بسم الله الرحمن الرحیم ایضا مستحب بخواند
اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي لَمْ يَبْقَ لَهَا إِلَّا رَجَاءُ عَفْوِكَ
وَقَدَّمْتُ لَهُ الْحِرْمَانَ بَيْنَ يَدَيَّ فَأَنَا أَسْأَلُكَ

ما لا استحقه وادعوك واسئلك بما لا استوجبه

واتضرع اليك بما لا تاهله ولم يخف عليك

حالى وان اسئت على الناس كتبته وبعد ما عرفته

امرى اللهم ان كان رزقى فى السماء فاهبطه

وان كان فى الارض فاظهره وان كان بعيدا

فقربه وان كان قليلا فكثره وان كان حراما

فحلله وان كان حليا فبارك لى فيه يا ارحم

الراحمين طریقه ختم سوره سبا ختم صغیر و وسیط و کبیر

صغیرش آنست که هر روز یکنوبت بخواند چهل و

یک روز و وسطش آنست که هر روز بعدد یکه

عددی افزایش شود آن عدد را بخواند چنانکه روز

اول یکبار و روز دوم دوبار و همچنین اضافه

کند تا روز چهل و یکم چهل و یکبار بخواند و اگر پیش

در حصول مطلب بهم رسد رجعت نماید یعنی در روز

اول چهل و یکبار بخواند و هر روز یکعدد کم نماید

تا آخر

تا بحدّی رسد که در روز چهل و یکم رجعت کند او

باید خواند و کبیرش آنست که هر روز چهل و یک نوبت

باید خواند و باید که شروع در وقتی باشد که قمر

زاید النّور باشد یعنی از روز اوّل ماه تا روز

چهاردهم و قبل از شروع سر نوبت با چهل نوبت

یا هفتاد نوبت صلوات بفرستد و هفتاد نوبت

بگوید یا حیّ یا قیّوم و در این سوره مبارکه در شش

موضع اشاره است و در دعائی که بعد از سوره محی

باید خواند نیز در لفظ ان تجیبنی اشاره است بآیه

که انّما در آن هفت موضع بخاطر بگذراند و

مواضع اشاره در مقام خود مرقوم خواهد کردید

سوره الحشر و هی بسم الله الرّحمن الرّحیم اربع و عشرون آیه

سبّح لله ما فی السّموات و ما فی الارض و هو العزیز

الحکیم هو الّذی اخرج الّذین کفروا من اهل

الکتاب من دیارهم لاوّل الحشر ما ظننتم ان یخرجوا

وظنوا انهم مانعتهم حصونهم من الله فاتيهم

الله من حيث لم يحتسبوا وقذف في قلوبهم

الرعب يخربون بيوتهم بايديهم وايدي المؤمنين

فاعتبروا يا اولي الابصار ٢ ولولا ان كتب الله

عليهم الجلاء لعذبهم في الدنيا ولهم في الاخرة

عذاب النار ذلك بانهم شاقوا الله ورسوله

ومن يشاق الله فان الله شديد العقاب

ما قطعتم من لينة او تركتموها قائمة على

اصولها فباذن الله وليخزي الفاسقين ٢

وما افاء الله على رسوله منهم فما اوجفتم عليه

من خيل ولا ركاب ولكن الله يسلط رسله على

من يشاء والله على كل شيء قدير ما افاء الله

اشاره دوم در ما افاء الله مطلب با بخواطر لذ

على رسوله من اهل القرى فلله وللرسول و

لذي القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل

لا

كيلا يكون دولة بين الاغنياء منكم وما آتيكم

الرسول فخذوه وما نهيكم عنه فانتهوا و

اتقوا الله ان الله شديد العقاب للفقراء

اشاره سيم در للفقراء المهاجرين مطلب

بخواطريكز راند المهاجرين الذين اخرجوا من

ديارهم واموالهم يبتغون فضلا من الله و

رضوانا وينصرون الله ورسوله اولئك هم

الصادقون والذين اشاره جهاردم در والذين

تبوء الدار مطلب بالخواطريكز راند تبوء الدار

والايمان من قبلهم يحبون من هاجر اليهم ولا

يجدون في صدورهم حاجة مما اوتوا ويو

ثرون على انفسهم ولو كان بهم خصاصة و

من يوق شح نفسه فاولئك هم المفلحون و

الذين جاؤا من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا

ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا

تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤف
رحيم ألم تر إلى الذين نافقوا يقولون
لإخوانهم الذين كفروا من أهل الكتاب لئن أخرجتم
لنخرجن معكم ولا نطيع فيكم أحدا أبدا وإن
قوتلتم لننصرنكم والله يشهد إنهم لكاذبون
لئن أخرجوا لا يخرجون معهم ولئن قوتلوا لا
ينصرونهم ولئن نصروهم ليولن الأدبار
ثم لا ينصرون لأنتم اشاره بجم دلانتم
اشد رهبة مطلب ايخواطر كبر انتد أشد رهبة
في صدورهم من الله ذلك بأنهم قوم لا يفقهون
لا يقاتلونكم جميعا إلا في قرى محصنة أو من
وراء جدر بأسهم بينهم شديد تحسبهم جميعا
وقلوبهم شتى ذلك بأنهم قوم لا يعقلون
كمثل الذين من قبلهم قريبا ذاقوا وبال أمرهم
ولهم عذاب أليم كمثل الشيطان إذ قال للإنسان

اكفر

اكفر فلما كفر قال اني بريء منك اني اخاف الله
رب العالمين فكان عاقبتهما انهما في النار
خالدين فيها وذلك جزاء الظالمين يا ايها
الذين امنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت
لغد واتقوا الله ان الله خبير بما تعملون
ولا تكونوا كالذين نسوا الله فانسيهم انفسهم
اولئك هم الفاسقون لا يستوي اشاره ششم
در لا يستوي اصحاب النار مطلب را بخواطر گذرانند
اصحاب النار واصحاب الجنة اصحاب الجنة هم
الفائزون لو انزلنا هذا القران على جبل
لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله و
تلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون
هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و
الشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا
اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن

المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما
يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له
الأسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والأرض
وهو العزيز ما دعا كه بعد از اتمام سوره باید بخواند الحكيم
اللهم يا ذا العرش الكريم والعطاء العميم و
الصراط المستقيم يا مرسل الرياح ويا فالق
الإصباح ويا باعث الأرواح ويا ذا الجود و
السماح يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن
يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم أسألك أن تصلي
على محمد وآل محمد وأن تنجيني اشاره هستم در
ان تنجینی مطلب باید بخاطر بگذراند من هذا الغم برحمتك
يا أرحم سورة الجمعة وهي احدى عشر آية الراحمين

بسم الله الرحمن الرحيم

يسبح لله ما في السموات وما في الأرض الملك
القدوس العزيز الحكيم هو الذي بعث في الأميين
رسولا

رسولا منهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم
الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل لفي ضلال
مبين وآخرين منهم لما يلحقوا بهم وهو العزيز
الحكيم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله
ذو الفضل العظيم مثل الذين حملوا التورية
ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفارا بئس
مثل القوم الذين كذبوا بآيات الله والله لا
يهدي القوم الظالمين قل يا ايها الذين هادوا
ان زعمتم انكم اولياء لله من دون الناس
فتمنوا الموت ان كنتم صادقين ولا يتمنونه
ابدا بما قدمت ايديهم والله عليم بالظالمين
قل ان الموت الذي تفرون منه فانه
ملاقيكم ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة
فينبئكم بما كنتم تعملون يا ايها الذين آمنوا
اذا نودي للصلوة من يوم الجمعة فاسعوا الى

ذكر الله وذروا البيع ذلكم خير لكم إن كنتم
تعلمون فإذا قضيت الصلوة فانتشروا في الأرض
وابتغوا من فضل الله واذكروا الله كثيرا لعلكم
تفلحون وإذا رأوا تجارة أو لهوا انفضوا
إليها وتركوك قائما قل ما عند الله خير من
اللهو ومن التجارة والله خير الرازقين

سورة الملك بسم الله الرحمن الرحيم وهي ثلثون آية مكية

تبارك الذي بيده الملك وهو على كل شيء
قدير الذي خلق الموت والحيوة ليبلوكم أيكم
أحسن عملا وهو العزيز الغفور الذي خلق
سبع سموات طباقا ما ترى في خلق الرحمن من
تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور ثم
ارجع البصر كرتين ينقلب إليك البصر خاسئا
وهو حسير ولقد زينا السماء الدنيا بمصابيح
وجعلناها رجوما للشياطين وأعتدنا لهم

عذاب

عذاب السعير وللذين كفروا بربهم عذاب
جهنم وبئس المصير إذا ألقوا فيها سمعوا لها
لها شهيقا وهي تفور تكاد تميز من الغيظ
كلما ألقي فيها فوج سألهم خزنتها ألم يأتكم
نذير قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا وقلنا
ما نزل الله من شيء إن أنتم إلا في ضلال كبير
وقالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب
السعير فاعترفوا بذنبهم فسحقا لأصحاب
السعير إن الذين يخشون ربهم بالغيب
لهم مغفرة وأجر كبير وأسروا قولكم أو
اجهروا به إنه عليم بذات الصدور ألا
يعلم من خلق وهو اللطيف الخبير هو الذي
جعل لكم الأرض ذلولا فامشوا في مناكبها
وكلوا من رزقه وإليه النشور ءأمنتم من
في السماء أن يخسف بكم الأرض فإذا هي تمور

أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا
فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ
فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا
الرَّحْمَٰنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي
هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَٰنِ إِنِ
الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي يَرْ
زُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ
أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي
سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ
وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا
مَا تَشْكُرُونَ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ
وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَ
إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُو

الَّذِينَ

الذين كفروا وقيل هذا الذي كنتم به تدعون

قل ارايتم ان اهلكني الله ومن معي او رحمنا

فمن يجير الكافرين من عذاب اليم قل هو الرحمن

امنا به وعليه توكلنا فستعلمون من هو

في ضلال مبين قل ارايتم ان اصبح ماؤكم غورا

فمن ياتيكم بماء معين بعد از اتمام سوره اين دعا

بخواند الله رب العالمين وهو خير المعين

سورة الجن ثمان بسم الله الرحمن الرحيم وعشرون اية مكية

قل اوحي الي انه استمع نفر من الجن فقالوا

انا سمعنا قرانا عجبا يهدي الى الرشد فامنا

به ولن نشرك بربنا احدا وانه تعالى جد ربنا

ما اتخذ صاحبة ولا ولدا وانه كان يقول

سفيهنا على الله شططا وانا ظننا ان لن

تقول الانس والجن على الله كذبا وانه كان

رجال من الانس يعوذون برجال من الجن

فزادوهم رهقا وانهم ظنوا كما ظننتم ان لن
يبعث الله احدا وانا لمسنا السماء فوجدنها
ملئت حرسا شديدا وشهبا وانا كنا نقعد
منها مقاعد للسمع فمن يستمع الان يجد له
شهابا رصدا وانا لا ندري اشر اريد بمن في
الارض ام اراد بهم ربهم رشدا وانا منا
الصلحون ومنا دون ذلك كنا طرائق قددا
وانا ظننا ان لن نعجز الله في الارض ولن نعجزه
هربا وانا لما سمعنا الهدى امنا به فمن يؤمن
بربه فلا يخاف بخسا ولا رهقا وانا منا
المسلمون ومنا القسطون فمن اسلم فاولئك
تحروا رشدا واما القسطون فكانوا لجهنم
حطبا وان لو استقاموا على الطريقة لاسقينهم
ماء غدقا لنفتنهم فيه ومن يعرض عن ذكر
ربه يسلكه عذابا صعدا وان المسجد لله

فلا

فلا تدعوا مع الله احدا وانه لما قام عبد الله

يدعوه كادوا يكونون عليه لبدا قل انما ادعوا

ربي ولا اشرك به احدا قل اني لا املك لكم

ضرا ولا رشدا قل اني لن يجيرني من الله احد

ولن اجد من دونه ملتحدا الا بلاغا ورسالاته

ومن يعص الله ورسوله فان له نار جهنم خا

لدين فيها ابدا حتى اذا راوا ما يوعدون

فسيعلمون من اضعف ناصرا واقل عددا قل

ان ادري اقريب ما يوعدون ام يجعل له ربي

امدا عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احدا الا

من ارتضى من رسول فانه يسلك من بين يديه

ومن خلفه رصدا ليعلم ان قد ابلغوا رسالات

ربهم واحاط لديهم واحصى كل شيء عددا

سورة النبا وهي مكية بسم الله الرحمن الرحيم اربعون ايات

عم يتساءلون عن النبا العظيم الذي هم

فِيهِ مُخْتَلِفُونَ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا وَ

خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَ

جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا وَجَعَلْنَا سِرَاجًا

وَهَّاجًا وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا

لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا إِنَّ يَوْمَ

الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ

أَفْوَاجًا وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا وَسُيِّرَتِ

الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا

لِلطَّاغِينَ مَآبًا لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا لَا يَذُوقُونَ

فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا جَزَاءً

وِفَاقًا إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا وَكَذَّبُوا

بِآيَاتِنَا كِذَّابًا وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا فَذُوقُوا

فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

صلے

حَدَائِقَ وَاَعْنَابًا وَكَوَاعِبَ اَتْرَابًا وَكَاْسًا دِهَاقًا

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا جَزَآءً مِنْ رَبِّكَ

عَطَاءً حِسَابًا رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

الرَّحْمٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ

وَالْمَلٰٓئِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ اِلَّا مَنْ اَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ

وَقَالَ صَوَابًا ذٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَآءَ اتَّخَذَ

اِلٰى رَبِّهِ مَاٰبًا اِنَّا اَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ

يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا

لَيْتَنِي طریق ختم مبارکه در ختم کبیر و وسط و صغیر كُنْتُ تُرَابًا

وکبیر تا چهل و یک روز هر روز چهل و یک نوبت بخواند

وختم وسط تا چهل و یک روز هر روز یکی اضافه کند

روز اول یک نوبت روز دوم دو نوبت تا چهل و یک روز

چهل و یک بار بخواند وختم صغیر تا چهل و یک روز

هر روز یک نوبت بخواند و پیش از شروع صد نوبت

صلوات حضرت رسالت صلی الله علیه وآله وسلم بفرستد

وسه نوبت آیة الکرسی بخواند وسه نوبت بگوید استغفر

الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب

الیه ومقاصد ومطالبی که دارد بخاطر گذراند

وشروع در خواندن سوره مبارکه کند وچون بآیه

رب المشرق والمغرب برسد سه بار بگوید والله

یسدد اللیل والنهار وقصد حاجت کند

سورة المزمل بسم الله الرحمن الرحیم وهی عشرون آیة مکیة

یا ایها المزمل قم اللیل الا قلیلا نصفه او

انقص منه قلیلا او زد علیه ورتل القرآن ترتیلا

انا سنلقی علیک قولا ثقیلا ان ناشئة اللیل

هی اشد وطأ واقوم قیلا ان لک فی النهار

سبحا طویلا واذکر اسم ربک وتبتل الیه

تبتیلا رب المشرق والمغرب لا اله الا هو

فاتخذه وکیلا واصبر علی ما یقولون واهجرهم

هجرا جمیلا وذرنی والمکذبین اولی النعمة

ومهلهم

وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا
ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ
وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ
رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا
وَبِيلًا فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ
الْوِلْدَانَ شِيبًا السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ
مَفْعُولًا إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ
رَبِّهِ سَبِيلًا إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ
ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ
الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ
مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ
يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ
آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ

منه واقيموا الصلوة واتوا الزكوة واقرضوا

الله قرضا حسنا وما تقدموا لانفسكم من خير

تجدوه عند الله هو خيرا واعظم اجرا واستغفروا

الله ان الله سورة نوح ثمان وعشرون آية غفور رحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

انا ارسلنا نوحا الى قومه ان انذر قومك من

قبل ان ياتيهم عذاب اليم قال يا قوم اني لكم

نذير مبين ان اعبدوا الله واتقوه واطيعون

يغفر لكم من ذنوبكم ويؤخركم الى اجل مسمى

ان اجل الله اذا جاء لا يؤخر لو كنتم تعلمون

قال رب اني دعوت قومي ليلا ونهارا فلم

يزدهم دعاءي الا فرارا واني كلما دعوتهم لتغفر

لهم جعلوا اصابعهم في اذانهم واستغشوا ثيابهم

واصروا واستكبروا استكبارا ثم اني دعوتهم

جهارا ثم اني اعلنت لهم واسررت لهم اسرارا

فقلت

فقلت استغفروا ربكم إنه كان غفارا يرسل
السماء عليكم مدرارا ويمددكم بأموال وبنين
ويجعل لكم جنات ويجعل لكم انهارا ما
لكم لا ترجون لله وقارا وقد خلقكم اطوارا
ألم تروا كيف خلق الله سبع سموات طباقا
وجعل القمر فيهن نورا وجعل الشمس سراجا
والله انبتكم من الارض نباتا ثم يعيدكم
فيها ويخرجكم اخراجا والله جعل لكم الا
رض بساطا لتسلكوا منها سبلا فجاجا
قال نوح رب انهم عصوني واتبعوا من لم
يزده ماله وولده الا خسارا ومكروا
مكرا كبارا وقالوا لا تذرن آلهتكم ولا تذرن
ودا ولا سواعا ولا يغوث ويعوق ونسرا
وقد اضلوا كثيرا ولا تزد الظالمين الا
ضلالا مما خطيئاتهم اغرقوا فادخلوا نارا

فلم یجدوا لهم من دون الله انصارا وقال

نوح رب لا تذر علی الارض من الکافرین

دیارا انک ان تذرهم یضلوا عبادک ولا

یلدوا الا فاجرا کفارا رب اغفر لی ولوالدی

ولمن دخل بیتی مؤمنا وللمؤمنین والمؤمنات

ولا تزد الظالمین وهر نوبت که سوره مزمل تمام می شود این دعا بخواند الا تبارا

اللهم بحق هذه السورة الشریفة العظیمة

یا طیح یا عطیح یا تنا تا ربت وبحق کهیعص

وبحق حمعسق وبحق محمد صلعم الذی سمیته فی

کتابک العزیز یا ایها المزمل ان تزملنی برداء

لطفک عن عیون الباغین والحاسدین

فقدر لی قضاء حاجتی فانک قادر وانت علی

کل شیء قدیر وچون سوره تمام شود باز شروع

درخواندن کند واگر در ابتدای خواندن قصد

حاجت کرده مقاصد وانجح اطر بکند واند وشروع

درخواند

در خواندن کند و اگر در اثنای خواندن بوی خوش
بکار برد هذا شرح سی سپه معظمه ما جلیل القدر بهتر باشد
روایت میکنند امامان و عالمان از پیغمبر صلی الله
علیه و آله که ایشان فرمودند که هر که این سی وسه را
بخواند یا با خود دارد در گفتن حاجت او روا شود
آنست که اگر درویش باشد توانگر گردد و اگر وام
دارد گذارده شود و اگر بیمار باشد بر نیت صحت
این سی وسه را بخواند و بدمد حق سبحانه و تعالی
او را شفا دهد و اگر کسی را بر اندام جراحتی باشد
بر زخم کسی که هیچ دارو به نشود این سی وسه را بخواند
و بر او دمد بهتر شود از برکت این آیات جلیل القدر
و اگر کسی بدست خصمی یا ظالمی گرفتار شده باشد این
آیات عظیم الشان را بخواند یا با خود دارد در جناب
مقدس ایزدی او را از جمیع بلیات و آفات
محفوظ و مصون دارد و اگر کسی را باد سرخ باد

یعنی باد مبارکت کرفته باشد و سبربار متواتر
بامداد و شبانکاه این سی و سه آیه عظیم المنزلرا
بخواندن علت والم رفع شود ازوی واکر باد
قولنج با ناسور باشد این آیات را بخواند یا با خود
دارد از برکت این آیات آن مرض ازاو دفع شود واکر
بجائی رود یا حاجتی داشته باشد یکسی به نیت
آن چیز بخواند حاجتش روا شود واکر کسی بجائی
رفته باشد از او یا غلامی دارد و هیچ خبری از او
نرسد این سی و سه آیت را به نیت آنکس سه بامداد بخواند
روز چهارم خبر از آن غایب یا از مرگ یا از زندگی
او بیاید واکر سی و سه آیت را با خود دارد اکر تنک
روزی بود فراخ روزی کردد واکر کاهل نماز
بود حریص کردد و در چشم خلایق عزیز و محترم کردد
و از حسد حاسدان و کید کائدان و غمز غمازان
و مکر مکاران و از خوف سلطان و شر ظالمان و

وسحر ساحران ایمن کردد و هر که این سی و سه ایه را
هر روز بخواند جناب احدیت فرمان دهد هفتاد
هزار ملک را تا از اسمان نزول کنند بر زمین و خواندم
ان را حفظ و حراست نمایند و هر که بخواند این
سی و سه ایه را جناب حضرت رب العزة فرمان دهد
کاتبان اعمال او را تا هفتاد هزار سیئه از نامه
عمل او محو کنند و هر که بخواند این سی و سه ایات
عظیمه را همه علتها از وی دفع شود و دارنده این
ایات هیچ علتی و مرضی و المی و بلائی کرفتار نشود
و هر که این سی و سه ایت با خود دارد هر که چشم زخم
بر وی کار نکند و مار و کژدم و جانوران
کزنده و درنده او را نکزند و ندرند و اکر زنی
بد دو زایدن کرفتار باشد این ایات عظیم القدر را
بر طبقی نویسند و بشویند تا بخورد و در حال
خلاصی یابد و اکر ده شبانه روز دارنده این

ایات در دشت و کوه و بیابان بماند هیچ دشمن
و درنده و افتی بروی ظفر نیابد و فا در نشود و
هرکه این سی و سه ایه را با خود دارد اگر بسفر رود
بسلامت باز اید و هیچ افت و رنجی باو نرسد
واگر کسی نزد حاکم یا بزرگی رود اگر مثلا خون
کرده باشد و این سی و سه ایه با خود دارد ان بزرگ
بروی مهربان گردد و هرکه این سی و سه ایه با خود
داشته باشد اگر هزار تیر و شمشیر و نیزه بروی را
کنند یکموی از سر او کم نتوانند کرد و اگر کسی
این بخواند یا با خود دارد در قبر از هول منکر و نکیر
ایمن گردد و از پل صراط مانند برق لامع گذرد و
این سی و سه ایت بیماران را شفا است و محبوسان را
از حبس خلاصی است و بجهت درویشان غنیمت و ضعیفان
را قوت و ذلیلان را عزت است و از برکت این ایات
معظم مبارک اسمانها و زمینها قرار گرفته است
واگر

واكر حجوالخ این ایات مبارکه عظیم المنزله و بدیمی
بر کسی در حال مطیع کرد و اکر کودکی را چشم زخم
رسیده باشد و این سی و سه ایات را بر روی او بدمد
نیکو شود بفرمان جناب مقدس الهی تعالی شانه
بسا سعادتمند کسی که جناب حضرت واجب الوجود
اورا اینچنین نامهای معظم کرامت فرماید و جناب
رسالت مآب حبیب حضرت ملک وهاب فرموده‌اند
که هر که این سی و سه را اکرامی ندارد و باین اعتقاد
نکند و این ایات را تعظیم و تکریم نکند در یوم بقوم
الحساب با وی خصمی کنم زیرا که کلام منعم حقیقی
و خالق حقیقی خود را خفیف کرده است و عاقلان
بصیر را و ایات معظم اینست همین بس
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم مالک
یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین

اهدنا الصراط المستقيم صراط الذين انعمت
عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين
بسم الله الرحمن الرحيم الم ذلك الكتاب لا ريب
فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب
ويقيمون الصلوة ومما رزقناهم ينفقون
والذين يؤمنون بما انزل اليك وما انزل
من قبلك وبالآخرة هم يوقنون. اولئك على
هدى من ربهم واولئك هم المفلحون الله لا
اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا
نوم له ما في السموات وما في الارض من ذا
الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه
السموات وما في الارض ولا يؤده حفظهما
وهو العلي العظيم لا اكراه في الدين قد
تبين الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت
ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا

الفصام

انفصام لها والله سميع عليم الله ولي الذين امنوا
يخرجهم من الظلمات الى النور والذين كفروا
اولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى
الظلمات اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون
لله ما في السموات وما في الارض وان تبدوا
ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر
لمن يشاء ويعذب من يشاء والله على كل شيء
قدير امن الرسول بما انزل اليه من ربه والمؤ
منون كل امن بالله وملائكته وكتبه ورسله
لا نفرق بين احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا
غفرانك ربنا واليك المصير لا يكلف الله نفسا
الا وسعها لها ما كسبت وعليها ما اكتسبت
ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا ولا
تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين من قبلنا
ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا

وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلٰىنَا فَانْصُرْنَا عَلَى
الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ اِنَّ الدِّيْنَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِ
سْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ اِلَّا
مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَّكْفُرْ
بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سَرِيْعُ الْحِسَابِ قُلِ اللّٰهُمَّ
مٰلِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَآءُ وَتَنْزِعُ
الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَنْ
تَشَآءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ تُوْلِجُ
الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوْلِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ وَتُخْرِجُ
الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ
مَنْ تَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ قُلْ لَّنْ يُّصِيْبَنَآ اِلَّا مَا
كَتَبَ اللّٰهُ لَنَا هُوَ مَوْلٰىنَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُؤْمِنُوْنَ وَاِنْ يَّمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهٗ
اِلَّا هُوَ

إلا هو وإن يردك بخير فلا راد لفضله يصيب به
من يشاء من عباده وهو الغفور الرحيم وما من
دابة في الأرض إلا على الله رزقها ويعلم مستقرها
ومستودعها كل في كتاب مبين إن ربكم الله
الذي خلق السموات والأرض في ستة أيام ثم
استوى على العرش يغشي الليل النهار يطلبه
حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بأمره
ألا له الخلق والأمر تبارك الله رب العالمين
ادعوا ربكم تضرعا وخفية إنه لا يحب المعتدين
ولا تفسدوا في الأرض بعد إصلاحها وادعوه
خوفا وطمعا إن رحمت الله قريب من المحسنين
بسم الله الرحمن الرحيم قل يا أيها الكافرون لا
أعبد ما تعبدون ولا أنتم عابدون ما أعبد
ولا أنا عابد ما عبدتم ولا أنتم عابدون ما
أعبد لكم دينكم ولي دين بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ اَللّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ بسم اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ
غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ
وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ
مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي
صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

شرح دعا مفتاح النجاح امیر المومنین صلوات وسلام علیه
ترجمه بر سبیل اقتصار وطریق اختصار در رقم زده
قلم عجز وانکسار میگرداند وپرده اجمال از جمال
مخدرات ابهام این مقال میگشاید وچهره شاهد
اجمال را علی احسن الصور واجمل الجمال مینماید
تا بدیده هر بیننده ملحوظ وبملاحظه آن محظوظ
گردیده از آن نفع عام بخواص وعام فایز گردیده

وکرم

وکرمه و این ترجمه تصویر میباید بر عنوانی و اصلی
و ذیلی اما عنوان مشتمل است بر دو کلمه کلمه مبین
فضایل و خصایص این دعای بزرگوار است و اثر
رسیده که قلم معجز رقم ان بحر زخار کرم و مشرق
انوار قدم علیه و آله و سلم اختراع و ابداع این نثر
لالی شاهوار و این نظم جواهر ابدار است بیت
ابواب علم حکمت و اداب بسته بود؛ امد کلید از قلم مرتضی علی
و بخط مبارک آنحضرت این دعا را یافته اند و بجناب
این دعا را بمفتاح الفتوح و رموز الکنوز مسمی
کردانیده اند و هر صباح بقرآءت این دعا مواظبت
میفرموند و زمان خواندن این دعا از طلوع صبح
صادق است تا شروق آفتاب و اگرچه خواندن
در اوقات دیگر ممنوع نیست و سبب اشتهار این
دعا بدعای صباح این است که بلفظ صباح مصدر
کشته و در فقره فاجعل اللهم صباحی هذا مفرح

گفته‌اند از حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین و یعسوب
المسلمین علی بن ابیطالب علیه السلام منقولست که در ثنای
این دعا فرموده‌اند مَنْ داوَمَ عَلی قِراءَةِ هذا الدُّعاءِ
وَالْعالَمُ مِلاٰنٌ مِنَ الْبَلاءِ لا یَضُرُّهُ اَبَداً یعنی کسی
که مداومت نماید بر قرائت این دعا با آنکه عالم مملو
باشد از بلا هرگز ضرری بمداومت کننده این دعا
نرسد وَ یَصیرُ فی نَظَرِ الْخَلائِقِ مُعَزَّزاً مُکَرَّماً یعنی
مداومت کننده این دعا در نظر خلایق معزز و مکرم
در آید و معتبر و محترم نماید وَ لا یَظْفَرُ بِهِ عَدُوٌّ
یعنی ظفر نمی‌یابد بر مداومت کننده این دعا هیچ
دشمنی وَ کُلُّ مَنْ قَصَدَ اِلی عَداوَتِهِ رَجَعَ الْعَداوَةُ
اِلی صاحِبِهِ و هر که قصد کند مداومت کننده این
دعا را بدشمنی عداوت و با او راجع گردد وَ یُؤْمَنُ
مِنْ فَوْتِ الْمُفاجاةِ و مداومت کننده این دعا از
مرگ مفاجاة ایمن و مصون باشد وَ یُوَسِّعُ عَلَیْهِ
الرِّزْقَ

الرزق ويرزقه من موضع لا تكون في ظنه يعنى
ابواب روزى بر روى او كشاده كرد و از جائى
بوى رسد كه كمان نبرد و توقع نداشته باشد وفى قبض
الموت يكون الايمان معه و هنكام مردن و وقت
جان سپردن نقد ايمان را بغارت شيطان ندهد
و با متاع ايمان از عالم فانى بملك باقى سفر نمايد
و اذا بعث من قبره قام ملك مع براق عند راس
القبر و يركبه و يدخله في الجنة راكبا و هر كه
مداومت كند بر اين دعا يوم يبعث من في القبور
مبعوث كردد حضرت حق سبحانه و تعالى ملكى را با او
فرمايد كه براقى بر سر قبر وى آورد و وى را بر آن براق
سوار ساخته به بهشت عدن در آورد سواره و ايضا
از حضرت امام الجن والانس ثامن الائمة و ضامن
الجنة الرضى المرتضى المجتبى المرتجى على بن موسى
الرضا سلام الله عليه مطلع البدر في الدجا كر

با اولاد اطهار و اصحاب ابرار خود وصیت فرموده
کہ الا ادلکم علی ذخیرة العظمی و الکنز الاوفی
کان حصناً حصیناً لکم یعنی شما را دلالت می
کنم بر گنج بیشمار و ذخیره بسیار که برکت آن شما را
تا روز قیامت بسند باشد و این دعا حصار بست
محکم از بلیات و آفات و ایضاً از اکابر اولیا منقول
که در این دعا اسرار الهی است که مندرج است چون
بقراءة این دعا مواظبت نموده شود بوصول مقاصد
و حصول مطالب فایز می آید و بی شك هر کس این
دعا را با اراده صادق و عقیده جازم ثابت بخواند
و برکت ولایت آنحضرت حظی کامل و نصیبی
شامل حاصل آید و الحمد لله علی التوفیق للوصول
الی مطالب التحقیق کلمه دوم متضمن بنا صحیح است
بصحت پیوسته است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه حیدر ساقی حوض کوثر علی بن ابیطالب صلوات

اعلم چون صبح صادق طالع میشد بتاخیر باقات
فریضه قیام مینموده اند و بعد از فراغ بقراءة این
دعا اشتغال میفرموده اند و چون در بیان معنی فقره
اولی که ابتداء مصدّر گشته ذکر صبح اول و ثانی
ناچار بوده بدان سبب نمود صبح عبارتست از روشنی
که قبل از طلوع افتاب از جهان مشرق ظاهر گردد و آن
بر دو وجه بود اول انکه چون از شب مقدار دو ساعت
تخمینا مانده باشد بیاضی مستطیل پیدا شود
چنانچه در رای العین قریب ربعی از آسمان مرتفع شود
بسان عمودی که اعلای آن طولانی بود و اسفل آن
عریض بود و او را تشبیه کرده اند بدنبال گرگ
و هذا ذنب السرحان گویند و این صبح اولست
و بدو وجه هیچ حکمی از احکام بدان متعلق نشده
و صورت او را حقیقی و او را صبح کاذب خوانند کما
قال النبی صلی الله علیه و آله لا یغرنکم هذا البیاض

بعود الصبح حتی یستطیل فی الافق ابیض الفجر هکذا
طولا لکن هذا عرضا و از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه منقولست که یعنیب فی ساقبه تحت العرش
فاذا اضاءت قرب المشرق و خرجت الی البحر فظهر
به ضوئه فی السماء تحت جبل قاف فتعقب ذلک
الضوء فاذا خرجت من وراء جبل قاف ظهر ضوعها
فکان بالفجر الثانی الذی یحرم فیه الطعام والشراب
ویحل فیه الصلوة بباید دانست که در بعضی اوقات
چون اوایل فصل شتا هنگام صافی هوا و شبهای
مهتاب این صبح براهین هندی که اهل نجوم و هیات
در این باب اهتمام نموده اند معتمد نبود و از او عراض
واجب باشد انکه چون بحسب تخمین در شب مثل
سبع یا ثمن و ما بینهما طلوع افتاب باقی مانده
باشد اسفل صبح اول که مستطیل است عریض گردد
و سیاهی که در تحت ان بیاض مستطیل است چون

خطها

خطهای سفید ظاهر شود و با یکدیگر مختلط گردد
وکما یرشد الیه قوله تعالی کلوا واشربوا حتی یتبین لکم
الخیط الابیض من الخیط الاسود من الفجر این صبح ثانی است
و اولی را صبح کاذب گویند چرا اگر بتحقیق روز در لیل
صادق است و دلالت نص امر مطابق و بمقتضی
آن وقت عام است چو در جمیع احوال بر همه کس ظاهر
کردد و ما احسن من قال طرفه زمانی است دم صبحگاه
هم ورد عشق خوش بود و هم کتا واجابت دعا را همین
وقتی صبح صادق است باتفاق و نقلی از حضرت
امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام در همین وقت توجه
بعالم علوی وجوار رحمت مولوی فرمود ند صبحرا
مخاطب ساخته گفته اند کای صبح تو گواه باش بر من
که هرگز در عبادت حق و عبودیت معبود مطلق
تو بر من سبقت نگرفته و این معنی بر فضیلت این
وقت دلیل روشن است وذلک فضل الله

يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم

ودیگر نقلست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که هر که

بخواند این دعا را هشت هزار سال عبادت در

دیوان اعمال او بنویسند و گناهان او آمرزیده شود

هذا دعاء بسم الله الرحمن الرحیم مفتاح الفتوح

اللهم یا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه

وسرح قطع اللیل المظلم بغیاهب تلجلجه

واتقن صنع الفلک الدوار فی مقادیر تبرجه

وشعشع ضیاء الشمس بنور تاججه یا من دل

علی ذاته بذاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته

وجل عن ملائمة کیفیاته یا من قرب من خطرات

الظنون وبعد عن ملاحظة العیون وعلم

بما کان قبل ان یکون یا من ارقدنی فی

مهاد امنه وامانه وایقظنی الی ما منحنی

به من مننه واحسانه وکف اکف السوء عنی

بیده

بيده وسلطانه صل اللهم على الدليل اليك في
الليل الاليل والماسك المستمسك من اسبابك
بحبل الشرف الاطول والناصع الحسب في ذروة
الكاهل الاعبل والثابت القدم على زحا
ليفها في الزمن الاول وعلى آله الطيبين
المصطفين الابرار وافتح اللهم لنا مصاريع
الصباح بمفاتيح الرحمة والفلاح والبسنا
اللهم من افضل خلع الهداية والصلاح و
اغرس اللهم لعظمتك في شرب جناني ينابيع
الخشوع واجر اللهم لهيبتك من آماقي زفرات
الدموع وادب اللهم نزق الخرق مني بازمة
القنوع الهي ان لم تبتدئني الرحمة منك بحسن
التوفيق فمن السالك بي اليك في واضح
الطريق وان اسلمتني اناتك لقائد الامل
والمنى فمن المقيل عثراتي من كبوات الهوى

وَاِنْ خَذَلَنِی نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ
فَقَدْ وَكَلَنِی خِذْلَانُكَ اِلٰی حَيْثُ النَّصَبِ وَالْحِرْمَانِ
اِلٰهِی اَتَرَانِی مَا اَتَيْتُكَ اِلَّا مِنْ حَيْثُ الْاٰمَالِ اَمْ
عَلِقْتُ بِاَطْرَافِ حِبَالِكَ اِلَّا حِينَ بَاعَدَتْنِی
ذُنُوبِی عَنْ دَارِ الْوِصَالِ فَبِئْسَ الْمَطِيَّةُ الَّتِی
امْتَطَتْ نَفْسِی مِنْ هَوَاهَا فَوَاهًا لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ
لَهَا ظُنُونُهَا وَمُنَاهَا وَتَبًّا لَهَا لِجُرْاَتِهَا عَلٰی
سَيِّدِهَا وَمَوْلَاهَا اِلٰهِی قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ
بِيَدِ رَجَائِی وَهَرَبْتُ اِلَيْكَ لَاجِئًا مِنْ فَرْطِ
اَهْوَائِی وَعَلَّقْتُ بِاَطْرَافِ حِبَالِكَ اَنَامِلَ وَ
لَائِی فَاصْفَحِ اللّٰهُمَّ عَمَّا كَانَ اَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلِی
وَخَطَائِی وَاَقِلْنِی اللّٰهُمَّ مِنْ صَرْعَةِ رِدَائِی وَعَثْرَةِ
بَلَائِی فَاِنَّكَ سَيِّدِی وَمَوْلَائِی وَمُعْتَمَدِی وَ
رَجَائِی وَغَايَةُ مَطْلُوبِی وَمُنَایَ فِی مُنْقَلَبِی وَ
مَثْوَایَ اِلٰهِی كَيْفَ تَطْرُدُ مِسْكِينًا الْتَجَاَ اِلَيْكَ

مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا اَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِدًا قَصَدَ

اِلٰى جَنَابِكَ سَاعِيًا اَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمْاٰنًا وَرَدَ

اِلٰى حِيَاضِكَ شَارِبًا كَلَّا وَحِيَاضُكَ مُتْرَعَةٌ

فِي ضَنْكِ الْمُحُولِ وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْوُغُولِ

وَاَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ وَنِهَايَةُ الْمَاْمُولِ اِلٰهِي

هٰذِهِ اَزِمَّةُ نَفْسِي قَدْ عَقَلْتُهَا بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ

وَهٰذِهِ اَعْبَاۤءُ ذُنُوبِي دَرَاْتُهَا بِرَاْفَتِكَ وَرَ

حْمَتِكَ وَهٰذِهِ اَهْوَاۤئِيَ الْمُضِلَّةُ وَكَلْتُهَا اِلٰى

جَنَابِ لُطْفِكَ وَعَفْوِكَ فَاجْعَلِ اللّٰهُمَّ صَبَاحِي

هٰذَا نَازِلًا عَلَيَّ بِضِيَاۤءِ الْهُدٰى وَالسَّلَامَةِ

فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا وَمَسَاۤئِي جُنَّةً مِنْ كَيْدِ

الْعِدٰى وَوِقَايَةً مِنْ مُرْدِيَاتِ الْهَوٰى اِنَّكَ

قَادِرٌ عَلٰى مَا تَشَاۤءُ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاۤءُ وَ

تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاۤءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاۤءُ وَ

تُذِلُّ مَنْ تَشَاۤءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ

فِي اللَّيلِ وَتُخْرِجُ الحَيَّ مِنَ المَيِّتِ وَتُخْرِجُ المَيِّتَ

مِنَ الحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيرِ حِسَابٍ لَا إِلٰهَ

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ

مَنْ ذَا يَعْرِفُ قُدْرَتَكَ فَلَا يَهَابُكَ وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ

قُدْرَتَكَ مَنْ أَنْتَ فَلَا يَخَافُكَ أَلَّفْتَ بِقُدْرَتِكَ

الفِرَقَ وَفَلَقْتَ بِرَحْمَتِكَ الفَلَقَ وَأَنَرْتَ بِكَرَمِكَ

دَيَاجِيَ الغَسَقِ وَأَنْهَرْتَ المِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاخِيدِ

عَذْبًا وَأُجَاجًا وَأَنْزَلْتَ مِنَ المُعْصِرَاتِ مَاءً

ثَجَّاجًا وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجًا

وَهَّاجًا مِنْ غَيرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ

لُغُوبًا وَلَا عِلَاجًا فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالعِزِّ وَالبَقَاءِ

وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالمَوْتِ وَالفَنَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ الأَتْقِيَاءِ وَاسْمَعْ نِدَائِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي

وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي يَا خَيرَ مَنْ دُعِيَ

لِكَشْفِ

لِكَشْفِ الضُّرِّ وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرٍ بِكَ
أَنْزَلْتُ حَاجَتِي فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سَنِيِّ مَوَاهِبِكَ
خَائِبًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ بِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ
يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى
اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ شُكْرًا لِنِعْمَتِهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ إِقْرَارًا
بِرُبُوبِيَّتِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ تَعْظِيمًا لِعَظَمَتِهِ واز حضرت امام زین
العابدین علیه السلام منقول است که بعد از نماز ایستادی
سر بسجده نهادی این مناجات میخواند مناجات
إِلٰهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ وَنَفْسِي
مَعْيُوبٌ وَهَوَايَ غَالِبٌ وَطَاعَتِي قَلِيلٌ وَ
مَعْصِيَتِي كَثِيرٌ وَلِسَانِي مُقِرٌّ بِالذُّنُوبِ فَكَيْفَ
حِيلَتِي أَنْتَ سَتَّارُ الْعُيُوبِ وَغَفَّارُ الذُّنُوبِ
فَاغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَالنَّبِيِّ

الكريم وآله الطاهرين ويا علام الغيوب ويا
كاشف الكروب اغفر ذنوبي كلها بحرمة
محمد وآل محمد يا عفا ويا عفا ويا غفار برحمتك يا ارحم
حمتك يا ارحم [interlinear: دبرو ابكر ازاغاي يت بعدم يعني برابنتقل اعنا الله] الراحمين
اللهم صل على محمد وآله بعدد انفاس المخلوقات
وصل على محمد بعدد اشعار الموجودات
وصل على محمد بعدد حروف اللوح والدعوات
وصل على محمد بعدد البدايات والنهايات
من الموجود والمعدوم الى ابد الآباد من اول
ازله واوسط حشره وآخر بقائه وصلى
الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين
شرح دعا مشهور بدعاي هفت [illegible] مقباس المصابيح
در مصباح الدعوات بسند معتبر از حضرت امير المؤمنين
[illegible] علي روايت كرده است كه حضرت رسول
[illegible] دعا با تعليم من بود [illegible]
٣١٧

و اگر برای هر شدتی و رخا این دعا بخوانم و تعلیم
نمایم بخلیفه بعد از خود و ترک نکنم این دعا را تا حق
تعالی ملاقات نمایم و فرمود که یا علی هر صبح و شام
این دعا را بخوان که گنجیست از گنجهای عرش الهی
پس ابی ابن کعب التماس کرد که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فضیلت این دعا را بیان فرماید حضرت فرمود
که گفتار در علما و فا بفضیلت این دعا نمیکنند و لیکن
بعضی از ثواب از ثواب این بیان میکنم در هنگامی که دعا خواننده
مشغول این دعا است بر و بنگی متصل است از فرق
سر او تا آسمان و پیوسته بر او نازل میشود رحمت حق تعالی
سکینه بر او میفرستد و رحمت او را فرو میگیرد و
این دعا منتهی میشود بجائی بغیر از عرش پروردگار
عالمیان و از او در دو عرش صدائی باشد مانند
صدای مگس عسل و رکند و حق تعالی نظر رحمت
کند بسوی او و هر که سه مرتبه این دعا را بخواند هر

حاجت از حاجات دنیا و آخرت که از خدا طلب کند
روا کردد و خدا او را از عذاب قبر نجات بخشد
و تنکی سینه را از او بر دارد و چون روز قیامت
شود او را بصحرای محشر آورند بر ناقه از در سفید
سوار و نزد حق تعالی بایستد و امر کند خدا از برای
او بهر کرامتی و فرماید که ای بنده من در هر جای
بهشت که خواهی ساکن شو و در بهشت باو عطا فرماید
کرامتی چند که چشمی ندیده باشد و کوشی نشنیده باشد
و در خواطر افریده خطور نکرده باشد و بر زبان
وصف کننده جاری نشده باشد سلمان کفت یا
رسول الله ثواب این دعا را زیاده بفرما فدای تو شوم
حضرت فرمود که بحق خداوندی که مرا براستی بخلق
فرستاده اکر این دعا را بر دیوانه بخوانند در ساعت
بحال آید و اکر نزد زنی بخوانند که وضع حمل بر او
دشوار شده باشد بر او آسان شود و بزودی فرزند
متولد

متولد شود ای سلمان بحق خداوندی که مرا بحق فرستاده
هر بنده که این دعا را در چهل شب جمعه بخواند خالص
برای خدا هر گناهی که در میان او و مردم و میان او و خدا
بوده باشد آمرزیده شود و هر که این دعا را با اخلاص
بخواند دلش از غمهای دنیا و مرضها شفا یابد ای
سلمان هر که این دعا را بخواند و بخواب رود امید
ثواب خدا داشته باشد و حق تعالی بعدد هر حرف
این دعا هزار ملک از کروبیان برای او بفرستد
که روی ایشان نیکوتر از آفتاب و ماه شب چهارده باشد
سلمان گفت یا رسول الله حق تعالی ثواب اینقدر برای خواندن
این دعا کرامت میفرماید حضرت فرمود که ای سلمان
خبر مکن مردم را زیاده بگویم ثواب این دعا را سلمان
گفت که چرا امر میفرمائی بکتمان ثواب این دعا فرمود
برای آنکه میترسم که اعتماد کنند بر خواندن این دعا
دست از عمل و عبادت بردارند پس فرمود که هر که

این دعا را بخواند در حیات خود و گناهان کرده باشد

پس در آن شب یا در آن روز بمیرد بعد از آنکه این

دعا را خوانده باشد شهید بمیرد و گناهانش

آمرزیده شود هر چند که توبه نکرده باشند و عفو خدا و

رحیم اینست صبح و شام و شب جمعه و جمعه هر جا

که بخواند البته هذا دعاء مقباس المصابیح روا شود

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لا اله الا هو الملك الحق المبين

الحي القيوم الدائم المدبر بلا وزير ولا خلق

من عباده يستشير الاول غير موصوف و

الباقي بعد فناء الخلق العظيم الربوبية

والارضين وفاطرهما ومبتدعهما بغير عمد

ترونه فتقهما فقامت السموات طائعات بامره

خلقهما فاستقرت الارضون باوتادها فوق

الماء ثم علا ربنا في السموات العلى الرحمن

على

عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ
وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرٰى فَاَنَا اَشْهَدُ بِاَنَّكَ
اَنْتَ اللّٰهُ لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ فَلَا وَاضِعَ لِمَا
رَفَعْتَ وَلَا مُعِزَّ لِمَنْ اَذْلَلْتَ وَلَا مُذِلَّ لِمَنْ اَعْزَزْتَ
وَلَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ
وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ كُنْتَ اِذْ لَمْ تَكُنْ
سَمَآءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلَا اَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ وَلَا شَمْسٌ
مُضِيْئَةٌ وَلَا لَيْلٌ مُظْلِمٌ وَلَا نَهَارٌ مُضِيْءٌ وَلَا بَحْرٌ
لُجِّيٌّ وَلَا جَبَلٌ رَاسٍ وَلَا نَجْمٌ سَارٍ وَلَا قَمَرٌ مُنِيْرٌ
وَلَا رِيْحٌ تَهُبُّ وَلَا سَحَابٌ يَسْكُبُ وَلَا بَرْقٌ يَلْمَعُ
وَلَا رَعْدٌ يُسَبِّحُ وَلَا رُوْحٌ تَتَنَفَّسُ وَلَا طَائِرٌ
يَطِيْرُ وَلَا نَارٌ تَتَوَقَّدُ وَلَا مَآءٌ يَطَّرِدُ كُنْتَ قَبْلَ
كُلِّ شَيْءٍ وَكَوَّنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَقَدَرْتَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ وَابْتَدَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ وَاَفْقَرْتَ وَاَغْنَيْتَ وَ
وَاَمَتَّ وَاَحْيَيْتَ وَاَضْحَكْتَ وَاَبْكَيْتَ عَلَى الْعَرْشِ

اسْتَوَيْتَ فَتَبَارَكْتَ يَا اَللّٰهُ وَتَعَالَيْتَ اَنْتَ اللّٰهُ
الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيْمُ اَمْرُكَ
غَالِبٌ وَعِلْمُكَ نَافِذٌ وَكَيْدُكَ غَرِيْبٌ وَوَعْدُكَ
صَادِقٌ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَحُكْمُكَ حَقٌّ عَدْلٌ وَكَلَامُكَ
هُدًى وَوَحْيُكَ نُوْرٌ وَرَحْمَتُكَ وَاسِعَةٌ وَ
عَفْوُكَ عَظِيْمٌ وَفَضْلُكَ كَبِيْرٌ وَعَطَاؤُكَ جَزِيْلٌ
وَحَبْلُكَ مَتِيْنٌ وَاِمْكَانُكَ عَتِيْدٌ وَجَارُكَ
عَزِيْزٌ وَبَاْسُكَ شَدِيْدٌ وَمَكْرُكَ مَكِيْدٌ اَنْتَ يَا رَبِّ
مَوْضِعُ كُلِّ شَكْوٰى وَشَاهِدُ كُلِّ نَجْوٰى وَحَاضِرُ
كُلِّ مَلَاءٍ وَمُنْتَهٰى كُلِّ حَاجَةٍ وَفَرَجُ كُلِّ حَزِيْنٍ
وَغِنٰى كُلِّ فَقِيْرٍ مِسْكِيْنٍ وَحِصْنُ كُلِّ هَارِبٍ وَ
اَمَانُ كُلِّ خَائِفٍ حِرْزُ الضُّعَفَاءِ كَنْزُ الْفُقَرَاءِ
مُفَرِّجُ الْغَمَّاءِ مُعِيْنُ الصّٰلِحِيْنَ ذٰلِكَ اللّٰهُ
رَبُّنَا لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ تَكْفِيْ مِنْ عِبَادِكَ مَنْ تَوَكَّلَ
عَلَيْكَ وَاَنْتَ جَارُ مَنْ لَاذَ بِكَ وَتَضَرَّعَ اِلَيْكَ

عِصْمَةُ

عِصمةُ مَن اعتصم بك من عبادك ناصرُ من
انتصر بك تغفر الذنوبَ لمن استغفر لجبّارُ
الجبابرة عظيمُ العظماءِ كبيرُ الكبراءِ سيّدُ
السادات مولى الموالي صريخُ المستصرخين
مُنفّسٌ عن المكروبين مجيبُ دعوةِ المضطرين
اسمعُ السامعين ابصرُ الناظرين احكمُ الحا
كمين اسرعُ الحاسبين ارحمُ الراحمين خيرُ الغا
فرين قاضي حوائجِ المؤمنين مغيثُ الصالحين
انت الله لا اله الا انت ربُّ العالمين انت
الخالقُ وانا المخلوق وانت المالكُ وانا
المملوكُ وانت الربُّ وانا العبدُ وانت الرازقُ
وانا المرزوقُ وانت المعطي وانا السائلُ وانت
الجوادُ وانا البخيلُ وانت القويُّ وانا الضعيفُ
وانت العزيزُ وانا الذليلُ وانت الغنيُّ وانا
الفقيرُ وانت السيّدُ وانا العبدُ وانت الغافرُ

وَانَا المسيءُ وَانتَ العالِمُ وَانَا الجاهِلُ وَانتَ
الحليمُ وَانَا العجولُ وَانتَ الرحمنُ وَانَا المرحومُ
وَانتَ المعافي وَانَا المبتلى وَانتَ المجيبُ وَانَا
المضطرُّ وَانَا اشهدُ بانَّكَ انتَ اللهُ لا اله الَّا
انتَ المعطي عبادك بلا سؤالٍ وَاشهدُ بانَّكَ
انتَ اللهُ الواحِدُ الفردُ وَاليكَ المصيرُ وصلّى
اللهُ على محمَّدٍ واهلِ بيتهِ الطيِّبينَ الطَّاهرينَ
وَاغفر لي ذنوبي وَاستر عليَّ عيوبي وَافتح
لي مِن لدُنكَ رحمةً وَرِزقاً وَاسعاً يا ارحمَ
الرَّاحمينَ وَالحمدُ لِلّهِ ربِّ العالمينَ وَحسبُنا
اللهُ وَنعمَ الوكيلُ وَلا حولَ وَلا قوَّةَ الَّا باللهِ
العليِّ العظيمُ
وكان دعاؤه عليه السلام اذا قتر عليه الرزق
اللهمَّ انَّكَ ابتليتنا في ارزاقِنا بسوءِ الظَّنِّ
وَفي آجالِنا بطولِ الأملِ حتَّى التمسنا ارزاقَكَ
مِن عندِ المرزوقينَ وَطمعنا بِآمالِنا في أعمارِ
المعمّرين

الْمُعَمِّرِينَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لَنَا يَقِيناً

صَادِقاً تَكْفِينَا بِهِ مِنْ مَؤُونَةِ الطَّلَبِ وَأَلْهِمْنَا

ثِقَةً خَالِصَةً تُعْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ وَ

اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِكَ فِي وَحْيِكَ وَ

أَتْبَعْتَهُ فِي قَسَمِكَ فِي كِتَابِكَ قَاطِعاً لِاهْتِمَامِنَا

بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكَفَّلْتَ بِهِ وَحَسْماً لِلِاشْتِغَالِ

بِمَا ضَمِنْتَ الْكِفَايَةَ لَهُ فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ

الْأَصْدَقُ وَأَقْسَمْتَ وَقَسَمُكَ الْأَبَرُّ الْأَوْفَى

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ثُمَّ قُلْتَ

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ

تَنْطِقُونَ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهِلَالِ

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَرَدِّدُ فِي

مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّدْبِيرِ

آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهَمَ وَ

جَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ وَعَلَامَةً مِنْ عَلَامَا

سُلطانِهِ وَالمتمسّكَ بِالزِّيادَةِ وَالنُّقصانِ
وَالطُّلوعِ وَالأُفُولِ وَالإِنارَةِ وَالكُسُوفِ
فِي كُلِّ ذٰلِكَ اَنتَ لَهُ مُطِيعٌ وَاِلىٰ اِرادَتِهِ سَرِيعٌ
سُبحانَهُ ما اَعجَبَ ما دَبَّرَ فِي اَمرِكَ وَاَلطَفَ ما
صَنَعَ فِي شَأنِكَ جَعَلَكَ مِفتاحَ شَهرٍ حادِثٍ لِاَمرٍ
حادِثٍ فَاَسئَلُ اللهَ رَبِّي وَرَبَّكَ وَخالِقِي وَ
خالِقَكَ وَمُقَدِّرِي وَمُقَدِّرَكَ وَمُصَوِّرِي وَ
مُصَوِّرَكَ اَن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَن تجعلَكَ
هِلالَ بَرَكَةٍ لا تَمحَقُها الاَيّامُ وَطَهارَةٍ لا
تُدَنِّسُها الآثامُ هِلالَ اَمنٍ مِنَ الآفاتِ وَسَلامةٍ
مِنَ السَّيِّئاتِ هِلالَ سَعدٍ لا نَحسَ فِيهِ وَيُمنٍ لا
نَكَدَ مَعَهُ وَيُسرٍ لا يُمازِجُهُ عُسرٌ وَخَيرٍ لا يَشُوبُهُ
شَرٌّ هِلالَ اَمنٍ وَاِيمانٍ وَنِعمَةٍ وَاِحسانٍ وَسَلامةٍ
وَاِسلامٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجعَلنا
مِن اَرضىٰ مَن طَلَعَ عَلَيهِ وَاَزكىٰ مَن نَظَرَ اِلَيهِ

واسعد من تعبد لك فيه ووفقنا فيه للتوبة
واعصمنا فيه من الحوبة واحفظنا فيه من
مباشرة معصيتك وأوزعنا فيه شكر نعمك
وألبسنا فيه جنن العافية وأكمل علينا باستكمال
طاعتك فيه المنة إنك المنان الحميد و
صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين

وكان من دعائه عليه السلام في طلب الحوائج

اللهم يا منتهى مطلب الحاجات ويا من عنده نيل
الطلبات ويا من لا يبيع نعمه بالأثمان ويا من
لا يكدر عطاياه بالامتنان ويا من يستغنى به و
لا يستغنى عنه ويا من يرغب إليه ولا يرغب
عنه ويا من لا تفني خزائنه المسائل ويا من
لا تبدل حكمته الوسائل ويا من لا تنقطع عنه
حوائج المحتاجين ويا من لا يعنيه دعاء الداعين
تمدحت بالغناء عن خلقك وأنت أهل الغنى

عنهم ونسبهم الى الفقر وهم اهل الفقر اليك
فمن حاول سد خلته من عندك ورام صرف
الفقر عن نفسه بك فقد طلب حاجته في
مظانها واتى طلبته من وجهها ومن توجه بحا
جته الى احد من خلقك او جعله سبب نجحها
دونك فقد تعرض للحرمان واستحق من
عندك فوت الاحسان اللهم ولي اليك حاجة
قد قصر عنها جهدي وتقطعت دونها
حيلي وسولت لي نفسي رفعها الى من يرفع
حوائجه اليك ولا يستغني في طلباته عنك
وهي زلة من زلل الخاطئين وعثرة من
عثرات المذنبين ثم انتبهت بتذكيرك لي
من غفلتي ونهضت بتوفيقك من زلتي و
نكصت بتسديدك عن عثرتي وقلت سبحان
ربي كيف يسأل محتاج محتاجا وانى يرغب

معدم

مُعْدِمٍ إِلَى مُعْدِمٍ فَقَصَدْتُكَ يَا إِلٰهِي بِالرَّغْبَةِ

إِلَيْكَ وَأَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثِّقَةِ بِكَ

وَعَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِي وُجْدِكَ

وَأَنَّ خَطِيرَ مَا أَسْتَوْهِبُكَ حَقِيرٌ فِي وُسْعِكَ

وَأَنَّ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُؤَالِ أَحَدٍ وَأَنَّ

يَدَكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْمِلْنِي بِكَرَمِكَ عَلَى التَّفَضُّلِ

وَلَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى الْاِسْتِحْقَاقِ فَمَا أَنَا

بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَهُوَ

يَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ وَلَا بِأَوَّلِ سَائِلٍ سَأَلَكَ فَأَفْضَلْتَ

عَلَيْهِ وَهُوَ يَسْتَوْجِبُ الْحِرْمَانَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكُنْ لِدُعَائِي مُجِيباً وَمِنْ نِدَائِي قَرِيباً

وَلِتَضَرُّعِي رَاحِماً وَلِصَوْتِي سَامِعاً وَلَا تَقْطَعْ

رَجَائِي عَنْكَ وَلَا تَبُتَّ سَبَبِي مِنْكَ وَلَا تُوَ

جِّهْنِي فِي حَاجَتِي هٰذِهِ وَغَيْرِهَا إِلَى سِوَاكَ وَ

تولّني بنجح طلبتي وقضاء حاجتي ونيل سؤلي
قبل زوالي عن موقفي هذا بتيسيرك لي
العسير وحسن تقديرك لي في جميع الامور
وصلّ على محمّد وآله صلاة دائمة نامية
لا انقطاع لابدها ولا منتهى لامدها و
اجعل ذلك عونا لي وسببا لنجاح طلبتي
انّك واسع كريم ومن حاجتي يا ربّ كذا و
كذا وتذكر حاجتك ثمّ تسجد وتقول في
سجودك فضلك آنسني واحسانك دلّني فا
سئلك بك وبمحمّد وآله صلواتك عليهم
ان لا تردّني خائبا يا كريم انّك سميع الدّعاء
قريب وتستحبّ ان يدعو بدعاء السّمات عصر يوم الجمعة
وهذا هو دعاء السمات بسم الله الرّحمن الرّحيم عن ابي عمرو العمري
اللّهمّ انّي اسئلك باسمك العظيم الاعظم الا
عظم الاعظم الاعزّ الاجلّ الاكرم الّذي اذا

على مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت
واذا دعيت به على مضائق ابواب الارض للفرج
بالرحمة انفرجت واذا دعيت به على العسر لليسر
تيسرت واذا دعيت به على الاموات للنشور
انتشرت واذا دعيت به على كشف الباساء و
الضراء انكشفت وبجلال وجهك الكريم اكرم
الوجوه واعز الوجوه الذى عنت له الوجوه
وخضعت له الرقاب وخشعت له الاصوات
ووجلت له القلوب من مخافتك وبقوتك
التى تمسك بها السماء ان تقع على الارض
الا باذنك وتمسك السموات والارض ان
تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد من
بعدك وبمشيتك التى دان لها العالمون
وبكلمتك التى خلقت بها السموات والارض
وبحكمتك التى صنعت بها العجائب وخلقت

بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلاً وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَناً

وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَاراً وَجَعَلْتَ

النَّهَارَ نُشُوراً مُبْصِراً وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَ

جَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ

الْقَمَرَ نُوراً وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُوماً

وَبُرُوجاً وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُوماً وَجَعَلْتَ

لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَ

مَجَارِيَ وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكاً وَمَسَابِحَ وَقَدَّرْتَهَا

فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا

فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ

إِحْصَاءً وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيراً فَأَحْسَنْتَ تَدْ

بِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ

وَالسَّاعَاتِ وَعَرَّفْتَ بِهَا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ

وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرْأًى وَاحِداً وَ

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ

وَرَسُولَكَ

ورسولك موسى بن عمران عليه السلام في المقدسين
فوق احساس الكروبين فوق غمائم النور فوق
تابوت الشهادة في عمود النار وفي طور سيناء
وفي جبل حوريث في الواد المقدس في البقعة
المباركة من جانب الطور الايمن من الشجرة
وفي ارض مصر بتسع آيات بينات ويوم فرقت
لبني اسرائيل البحر وفي المنبجسات التي صنعت
بها العجائب في بحر سوف وعقدت ماء البحر
في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت ببني اسرائيل
البحر وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا
واورثتهم مشارق الارض ومغاربها التي
باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون و
جنوده ومراكبه في اليم وباسمك العظيم
الاعظم الاعظم الاعز الاجل الا
كرم وبمجدك الذي تجليت به لموسى كليمك

عليه السلام فی طور سیناء و لابراهیم خلیلک علیه السلام

من قبل فی مسجد الخیف و لاسحق صفیک علیه السلام

فی بئر شیع و لیعقوب نبیک علیه السلام فی بیت ایل

واوفیت لابراهیم علیه السلام بمیثاقک و لاسحاق

بحلفک و لیعقوب بشهادتک و للمؤمنین

بوعدک و للداعین باسمائک فاجبت و

بمجدک الذی ظهر لموسی بن عمران علیه السلام علی

قبة الرمان و بآیاتک الذی وقعت و بآیاتک

التی وقعت رفعت علی ارض مصر بمجد العزة

و الغلبة بآیات عزیزة و بسلطان القوة و

بعزة القدرة و بشان الکلمة التامة و بکلماتک

التی تفضلت بها علی اهل السموات و الارض

و اهل الدنیا و الآخرة و برحمتک التی مننت

بها علی جمیع خلقک و باستطاعتک التی اقمت

بها علی العالمین و بنورک الذی قد خر من فزعه

طور

طور سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك
وعزتك وجبروتك التي لم تستقلها الأرض
وانخفضت لها السموات وانزجر لها العمق
الأكبر وركدت لها البحار والأنهار وخضعت
لها الجبال وسكنت لها الأرض بمناكبها و
استسلمت لها الخلائق كلها وخفقت لها
الرياح في جريانها وخمدت لها النيران في
أوطانها وبسلطانك الذي عرفت لك به
الغلبة دهر الدهور وحمدت به الغلبة
في السموات والأرضين وبكلمتك كلمة
الصدق التي سبقت لأبينا آدم عليه السلام وذريته
بالرحمة وأسألك بكلمتك التي غلبت
كل شيء وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل
فجعلته دكا وخر موسى صعقا وبمجدك الذي
ظهر على طور سيناء وكلمت به عبدك

وَرَسُولِكَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِطَلْعَتِكَ

فِي سَاعِيرَ وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ بِرَبَوَاتِ

الْمُقَدَّسِينَ وَجُنُودِ الْمَلٰئِكَةِ الصَّافِّينَ وَ

خُشُوعِ الْمَلٰئِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ وَبِبَرَكَاتِكَ الَّتِي

بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرٰهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَارَكْتَ لِإِ

سْحٰقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَا

رَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةِ مُوسٰى

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وَآلِهِ فِي عِتْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ اللّٰهُمَّ وَكَمَا

غِبْنَا عَنْ ذٰلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَأٰمَنَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ

صِدْقًا وَعَدْلًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمَ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ

وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرٰهِيمَ وَآلِ إِبْرٰهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ

مَجِيدٌ

مجيدٌ فعّالٌ لما يريدُ وانت على كلِّ شيءٍ قديرٌ
پس حاجت خود را بخواهد وبعد از آن بگوید یا الله یا
حنّانُ یا منّانُ یا بدیعَ السّموات یا ذا الجلال
والاکرام یا ارحمَ الرّاحمین
وکان من دعائه علیه السلام فی المعونة علی قضاء الدّین
اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وهب لی العافیة
من دینٍ تخلق به وجهی ویحار فیه ذهنی و
یتشعّب له فکری ویطول بممارسته شغلی
واعوذ بك یا ربّ من همّ الدّین وفکره و
شغل الدّین وسهره فصلّ علی محمّدٍ وآله
واعذنی منه واستجیر بك یا ربّ من ذلّته
فی الحیوة ومن تبعته بعد الوفاة فصلّ علی
محمّدٍ وآله واجرنی منه بوسعٍ فاضلٍ او کفافٍ
واصلٍ اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآله واحجبنی عن
السّرف والازدیاد وقوّمنی بالبذل والا

قتصادٍ وعلّمني حسن التّقدير واقبضني

بلطفك عن التّبذير واجر من اسباب الحلال

ارزاقي ووجّه في ابواب البرّ انفاقي وازو

عنّي من المال ما يحدث لي مخيلةً او تأدّياً

الى بغيٍ او ما اتعقّب منه طغياناً اللّهمّ حبّب

اليّ صحبة الفقراء واعنّي على صحبتهم بحسن

الصّبر وما زويت عنّي من متاع الدّنيا الفانية

فاذخره لي في خزائنك الباقية واجعل ما

خوّلتني من حطامها وعجّلت لي من متاعها

بلغةً الى جوارك ووصلةً الى قربك و ذ

ريعةً الى جنّتك انّك ذو الفضل العظيم و

انت الجواد وان بعد هذه ما صحّ ابن نجوا عمر طسي عابد حاصل الكريم

بسا ربسا بسم الله الرّحمن الرّحيم مجرّبست

اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ اللّهمّ انّ رسولك

الصّادق المصدّق الامين صلّى الله عليه وآله

كتاب محمد رسول رب العالمين الى من طرق الدار

من العمار والزوار الا طارقا يطرق بخير اما

بعد فان لنا ولكم في الحق سعة فان يك عاشقا

مولعا او فاجرا مقتحما هذا كتاب الله ينطق

علينا وعليكم بالحق انا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون

ورسلنا يكتبون ما تمكرون اتركوا صاحب كتابي

هذا وانطلقوا الى عبدة الاصنام والاوثان

والى من يزعم ان مع الله الها اخر لا اله

الا هو كل شيء هالك الا وجهه له الحكم و

اليه ترجعون حم لا ينصرون حمعسق تفرق

اعداء الله وبلغت حجة الله لا حول و لا

قوة الا بالله فسيكفيكهم الله وهو السميع

العليم دفع سحر بر پوست آهو بنویسد و با خود

دارد بسم الله و باسم الله ما شاء الله و لا

حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم الدوسی

مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللّٰهَ لَا
يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِيْنَ وَيُحِقُّ اللّٰهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ
كَرِهَ الْمُجْرِمُوْنَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ
فَغُلِبُوْا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوْا صَاغِرِيْنَ دفع چشم
بد بخواند مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَا يَكُوْنُ
اَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ وَاَنَّ اللّٰهَ قَدْ
اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَاَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ايضا ايدون بخاردا
بخواند وبا خود دارد ایضا چون از خانه بیرون
آید معوذتین را بخواند دفع بسته شدن مردی
بگیرد چهار عدد بیضه مرغ مختر پوست کنده و
بر هر یک بنویسد بزعفران وناشتا بخورد در ساعت
کشاده گردد و در بیضه اول بنویسد فَوَقَعَ الْحَقُّ
وَبَطَلَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ و در دوم بنویسد قَالَ
مُوْسٰى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ

إِنَّ اللهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ و بر سیم بنویسد إِنَّمَا
صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى
و در چهارم بنویسد بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ
فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ أَيْضًا
بِسْمِ اللهِ الْمُبَارَكِ الْعَظِيمِ تا آخر دعائی که در احزاب
اول گذشت بمشک و زعفران بنویسد و باب
بشوید و بخورد در دفع سرعت انزال بر کاغذ
نویسد و در دهن گیرد تا بیرون نیاورد انزال
نشود ع ۱۱۹ ط ۱۴ ط و و ع ۱۱۱ و ط ط ط و و
باب هفتم در دفع و رفع ضررها و ترسها
رفع محاصره دشمن اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِنَا وَآمِنْ
رَوْعَاتِنَا در دفع ضرر سلطان در حین اراده ملاقات
هفت نوبت بگوید خَيْرُكَ بَيْنَ عَيْنَيْكَ وَشَرُّكَ
تَحْتَ قَدَمَيْكَ وَبِاللهِ أَسْتَعِينُ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ

اکفنیہ بما شئت فانہ لا قوۃ الا بک دفع غضب
سلطان اطفات غضبک یا فلان بلا الہ
الا اللہ حسبی اللہ لا الہ الا ہو علیہ توکلت و
ہو رب العرش العظیم ایضا ابات کفابت راہ
ھفدہ نوبت بخواند چنانچہ گذشت دفع ضرر
اشادن درود طما بسم اللہ الرحمن الرحیم لا حول
ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم اللہم ایاک نعبد
وایاک نستعین ایضا ربنا افتح بیننا وبین
قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین ایضا ابات
کفابت را ھفتاد نوبت بخواند دفع غرق شدن
بسم اللہ الرحمن الرحیم وما قدروا اللہ حق قدرہ
والارض جمیعا قبضتہ یوم القیمۃ والسموات
مطویات بیمینہ سبحانہ وتعالی عما یشرکون
بسم اللہ مجریہا ومرسیہا ان ربی لغفور رحیم
بخواند در وقت سوار شدن بر کشتی دفع طلاطم موج

یا حیّ لا اله الّا انت سبحانک انّی کنت من الظّالمین
پس آیة الکرسی بخواند دفع ضرر باران صبّاً هنیئاً
دفع ضرر باد اللّهمّ انّی اسئلک خیر ما جاءت
الرّیاح وخیر ما فیها واعوذ بک من شرّها و
شرّ ما فیها اللّهمّ اجعلها علینا رحمةً وعلی
الکافرین عذاباً وصلّی الله علی محمّدٍ وآله و
تکبیر بسیار بگوید دفع ضرر بادهای تیره معوّذتین
بخواند واگر ترساننده باشد نماز آیات بگذارد
دفع ضرر آتش تکبیر فرونشاند وبگوید اذهب
الباس ربّ النّاس اشف انت الشّافی لا
شافی الّا انت دفع وحشت بسم الله وبالله
توکّلت علی الله انّه من یتوکّل علی الله فهو
حسبه انّ الله بالغ امره قد جعل الله لکلّ
شیءٍ قدراً اللّهمّ اجعلنی فی کنفک وفی جوار
ک واجعلنی فی امانک وفی منعک دفع بیم

عوذ لانسان بگوید دفع ترس یا بان یا ارض ربی

و ربک الله اعوذ بالله من شرک و شر ما فیک

و شر ما خلق فیک و شر ما یجاذر علیک اعوذ

بالله من شر کل اسد و اسود و حیة و عقرب

من ساکن البلد و شر والد و ما ولد افغیر

دین الله تبغون و له اسلم من فی السموات

والارض طوعا و کرها و الیه ترجعون الحمد

لله بنعمته و حسن بلائه علینا اللهم صاحبنا

فی السفر و افضل علینا فانه لا حول ولا قوة

الا بالله پس سوره الهکم التکاثر بخواند ایضا

دست راست بر سر بگذارد و باواز بلند بگوید افغیر

دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات و

الارض طوعا و کرها و الیه ترجعون دفع ترس

کلاب و سباع قل للذین امنوا یغفروا للذین

لا یرجون ایام الله لیجزی الذین قوما بما کانوا

یکسبون

يكسبون واذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين
الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا
على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي آذانهم وقرا
وان يروا كل آية لا يؤمنوا بها حتى اذا جاؤك
يجادلونك يقول الذين كفروا ان هذا الا
اساطير الاولين ايضا اعوذ برب الدانيال
والجن من كل اسد مستاسد بسواتر الكرسي
بجواند وبكوبد عزمت لك بعزيمة الله وعزيمة
محمد صلى الله عليه وآله وعزيمة سليمان بن
داود وعزيمة امير المؤمنين علي بن ابي طالب
والائمة الطاهرين من ولده عليهم السلام
الا تجنبت عن طريقنا ولم تؤذنا ايضا
لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما
عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم
فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه

توکلت وهو رب العرش العظیم ایضا افغیر
دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض
طوعا وکرها والیه یرجعون دفع دزد در سفر
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله
الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت
بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن
له ولی من الذل وکبره تکبیرا ایضا یا ودود
یا ودود یا ودود یا ذا العرش المجید یا فعالا
لما یرید بملک الذی لا یضام وبنورک الذی
ملاء ارکان عرشک ان تکفینی من شر اللصوص
یا مغیث اغثنی دفع جستن چارپا یا عباد الله احبسوا
مکرر بخواند نوع دیگر افغیر دین الله یبغون
تا آخر در گوشش بخواند پس بگوید اللهم سخرها
وبارک فیها بحق محمد پس سوره قدر بخواند دفع

کم کردن راه یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی

الطریق یرحمکم الله واگر دزد برده باشد بگوید یا حمزه

تعوید متاع از ضایع بنویسد و در میان متاع

گذارد ووا ۱۱ ۱۱ ۱۱۵ح ۱۱۹ ۱۱ ۱۱

و ۱۱۹۹۵ ۱۱ ۵ الحکم لله

ایضاً یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام

صل علی محمد و آل محمد واحفظنی مالی بحق محمد و

آل محمد یا حی یا قیوم ۵ ۱۱۱م ۱۱۱۱ ۵

تعوید دواب از آفات بنویسد و بر دواب بربندد

اللهم احفظ علی ما لو حفظه غیرک لضاع و

استر علی ما لو ستره غیرک لضاع واستر

غیرک لشاع واحمل عنی ما لو حمله غیرک لکاع

واجعل علی ظلاً ظلیلاً اتوقی به کل من رامنی

بسوء ونصب لی مکراً وهبالی مکروها حتی

یعوذ وهو غیر ظافر لی ولا قادر علی اللهم

احفظني بما حفظت به كتابك المنزل على قلب
نبيك المرسل اللهم انك قلت وقولك الحق
انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون باب
هشتم دردفع ودفع هموم وغموم رفع هر غمي
والی لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظا
لمين يا من يكفي من كل شيء ولا يكفي منه شيء اكفني
ما اهمني ايضا وكم لله من لطف خفي يدق
خفاه عن فهم الزكي وكم يسر اتي من بعد عسر
ففرج كربة القلب الشجي وكم امر تساء به صباحا
وتاتيك المسرة في العشي اذا ضاقت بك الاحوال
يوما فثق بالواحد الفرد العلي توسل بالنبي
في كل خطب يهون اذا توسل بالنبي ولا تجزع
اذا ما ناب خطب فكم لله من لطف خفي رفع بسته
شدن كارها بودونها رابخواند پس بنويسد وباب چاره
رها كند من العبد الذليل الى الرب الجليل اني
مسني

مسنی الضر وانت ارحم الراحمین رفع شماتت
اعدا قل لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا هو مولنا
وعلیه فلیتوکل المؤمنون رفع وسواس شیطان
استعاذه کند رفع وسوسه وحدیث نفس توکلت
علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ
ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا رفع تندی زبان بر
استغفار مداومت نماید رفع فقر ابات کفایت
را بعد از هر نمازی هفتاد نوبت بخواند غنی گردد
ایضا لا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی
الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ
ولدا تا آخر بخواند رفع زیان عسی ربنا ان یبدلنا
لنا خیرا منها انا الی ربنا راغبون رد گمشده
وغایب یا جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان
الله لا یخلف المیعاد اجمع بینی وبین کذا ایضا

يا من لا يخفى عليه مكتوم ولا يندّ عنه معلوم
ولا يغالبه منيع ولا يطاوله رفيع ابو زيد
دلّك على ما في قبضتك انك اهل الخيرات
ايضا نادِ عليا مظهر العجائب تجده عونا
لك في النوائب كل همّ وغمّ سينجلي بولايتك
يا علي يا علي يا علي مكرر بگويد ايضا اللهم
يا هادي الضلالة ورادّ الضالّة اسئلك بعز
تك وسلطانك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تردّ عليّ ضالّتي فانها من عطائك و
فضلك ورزقك ايضا ردّ غايب نصف شب
برخيزد وبايستد در كنجهای خانه وهفتاد نوبت
بگويد يا مقيد پس بگويد يا معيد ردّ علیّ فلان
در هفتاد خودش یا خبرش بیاید ایضا در چهار
گوشه کاغذ بنویسد الشهيد الحق ودر میان نام
او را بنویسد ونصف شب در زیر آسمان بایستد
ونظر

ونظر در آن میکرده باشد تا هفتاد نوبت این دو اسم

واذکار کند ایضا در ذکر بخت بد فلان مغلولة

الی عنقه اذا اخرجها لم یکد یریها ومن لم یجعل

الله له نورا فما له من نور بنویسد و بر چهار

میان دو چوب بربندد و بیندازد در رود زند خانه

تاریک در موضعی که جای او بوده باشد ایضا

اللهم السماء لک والارض لک وما بینهما

لک فاجعل ما بینهما اضیق علی فلان من حلد

جمل حتی تردّه علیّ وتظفرنی به بنویسد و

بر دور ش آیة الکرسی بنویسد مدوّر پس دفن کند

در موضعی که او می بوده و بر بالاش چیزی گران

بگذارد ایضا بخواند او کظلمات فی بحر لجّی

یغشیه موج من فوقه موج من فوقه سحاب

ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج یده

لم یکد یریها ومن لم یجعل الله له نورا فما

لهُ مِن نورٍ بردّ در دیده قالوا أتعجبين من
أمرِ اللهِ رحمةُ اللهِ وبركاته عليكم أهلَ البيت
إنّه حميدٌ مجيدٌ برنان بنویسد وبکسی دهد که
شك داشته باشد اگر حلقش را گرفت او را رد
ایضاً برنان این آیه را بنویسد فلولا اذا بلغت
الحلقوم وأنتم حينئذٍ تنظرون ردّ مس
دست بر پیشانی نهد وبگوید وصلّى الله على محمّدٍ
وآل محمّدٍ اللهمّ إنّي أسألك يا مذكّر الخير و
الآمر به ذكّرني ما أنسانيه الشيطان رفع
نسیان سبحان من لا يعتدي على أهل مملكته
سبحان من لا يأخذ أهل الأرض بألوان العذاب
سبحان الرؤف الرحيم اللهمّ اجعل في قلبي
نوراً وبصراً وفهماً إنّك على كلّ شيءٍ قدير
برفع سهو در نماز بگوید در وقت دخول خلا بسم
اللهِ وباللهِ أعوذُ باللهِ من الرجس النجس الخبيث

الشيطان الرجيم با بهم   در دفع ضرر دواب

وهوام ورفع آن رفع ضرر هر دابه وگزنده اعوذ

بكلمات الله التامات التي لايجاوزهن بر ولا

فاجر من شر ما ذرا وبرا ومن شر كل دابة هو

آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم و

ايضا بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله وبالله

محمد رسول الله اعوذ بعزة الله واعوذ

بقدرة الله على ما يشآء من شر كل هامة

تدب بالليل والنهار ان ربي على صراط

مستقيم ايضا سلام على نوح في العالمين

انا كذلك نجزي المحسنين انه من عبادنا

المؤمنين ايضا وما لنا الا نتوكل على الله

وقد هدينا سبلنا ولنصبرن على ما اذيتمونا

وعلى الله فليتوكل المتوكلون ايضا بو قدح

آبي آيه مذكوره را بخواند پس بگويد ان كنتم

اصم بالله وکفوا شرکم واذاکم عنا بحق سلیم

نوشته باشد ایضا هر شب برشانه

کرده بگوید اللهم رب السما صل علی محمد و

ال محمد وعجل فرجهم وسلمنا من شر کل

ذی شر ایضا اعوذ برب الشمسه من شر

کل عقرب وحیة شج شج شج قرنیة

قرنیة قرنیة سلام علی نوح فی العالمین

سلام علی ابرهیم وال ابرهیم سلام علی محمد

وال محمد عقدت سمة کل عقرب وحیة

وحوات علی اهل هذه الدار من الذکور

والاناث رفع درد کزنده سوره حجد و معوذتین

بخواند و بنمک آب مسح کند رفع کیک بگوید

در وقت قرار کرفتن در خوابگاه ایها الاسود

الوثاب الذی لایبالی بغلق و لاباب عزمت

علیک بام الکتاب ان لاتؤذینی واصحابی

الی ان یذهب اللیل و یوت الصبح متی اب رفع

پشه تحت خوابگاه را باب کند تا باب کرفس طلا

کند پشه بگریزد رفع مور سوراخ مور را بیر

کیمن کاو مسدود سازد موران بگریزند با عمیرند

رفع موش بر پوست شتر بنویسد و بر پوست

ببدانجیر و قلی بر پیچد و در سوراخ موش داخل

سازد و موشها بیرون آیند باذن الله تعالی

فلما اعرضوا بدلناهم بجنتیهم ذواتی اکل

اللهم بدلنا خیرا منهم و بدل لهم بنا خیرا

لهم منا واجعل ذلک عاجلا معجلا گاه بخنگ

مغز ساق شتر را باب مخلوط کند و در سوراخ

موش ریزند موشها بمیرند و گفته اند اگر موش

را زنده بگیرد و بسوزاند هر موشی که در آن خانه

باشد خود را در آتش اندازند و از هرمس منقول

است که اگر خاکستر چوب بلوط را در سوراخ موش

بهوس

حشی

افکنند بعضی بعضی را بخورند دفع ارضه شیره

ذیوه سبز را بر موضع ارضه بمالند دیگر ارضه بر

بنا وردد و اگر صبر را بر تیشه یا اره بمالند و درخت

را بان ببرند دو قتی که تر باشد دیگر ان چوب را

ارضه نخورد در دفع شر سهین و ملخ و جنجه و کرم و مالکه

و سایر آفات زرع بر چهار درخه کاغذ بنویسد

و بر چهار تخته و چهار جانب کند در میان

کشت تا آفتها دفع شود اول بسم الله الرحمن الرحیم

فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم کاشف

الکرب ومنجی النوح من الهم ومنزل التورية

والانجیل والزبور والفرقان وخالق الشمس

والقمر اللهم الم ذلك الكتاب لا ريب فيه

هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب و

يقيمون الصلوة ومما رزقناهم ينفقون وما

انفقتم من شيء فان الله يخلفه وهو خير

الرازقين

ارضه

منفعت زرع

الوارقين ردم بسم الله الرحمن الرحيم خذوه
فغلوه ثم الجحيم صلوه ثم في سلسلة ذرعها
سبعون ذراعا فاسلكوه انه كان لا يؤمن
بالله العظيم ولا يحض على طعام المسكين
فليس له اليوم ههنا حميم ولا طعام الا من
غسلين اغسل الجراد والقمل والسوس
والضفادع والتابع وكل افة عن زرع
فلان بن فلان سبم بسم الله الرحمن الرحيم
كهيعص اذكروا نعمة ربكم واوفوا بالعهد
واتقوا سلطانه وابتغوا في الارض سبيلا والى
السماء مصعدا وانتهوا بنهيه واتقوا الذي
خلقكم والجبلة الاولين جعادم بسم الله
الرحمن الرحيم الله ربكم ان يجعل لكم ابنادم
ادم ادم هو الذي احياكم ثم يميتكم ثم
يسلطكم ثم يفنيكم وهو الولي الحميد ابدا

نسخه دیگر برای سن زراعت

یک کوزه بنویسد و در درّه کند آب زرع دفع کنند

بسم الله الرحمن الرحیم ان لا تعلوا علی واتونی
مسلمین الله یجمع بیننا والیه المصیر یوم
یجمعکم لیوم الجمع ذلک یوم التغابن اخ
رجی ایتها الارضة الی الاصل وایتها
الدودة ودواب الارض بعزة الله الذی
اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی
المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنریه
من ایاتنا انه هو السمیع البصیر واذا تولی
سعی فی الارض لیفسد فیها ویهلک الحرث
والنسل والله لا یحب الفساد وان تبتم
تاب الله علیکم وان عدتم عدنا وجعلنا
جهنم للکافرین حصیرا اخرجی الافة من
هذا الزرع ایتها الذباب ایتها الخنف
سجی لا اله الا الله لا اله الا هو الحی القیوم

وَبِحَقِّ الخَالِقِ البَارِئِ المُصَوِّرِ لَهُ الأَسْمَاءُ الحُسْنىٰ
يُسَبِّحُ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالأَرْضُ وَهُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ
لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُكُمْ شَيْئاً ارْفَعْ يَا خَالِقَ الأَشْيَاءِ
السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَبِحَقِّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَبِحَقِّ إِسْرَافِيلَ
وَعَزْرَائِيلَ ایضا بمشك و زعفران بر کوزه
نویسد و در میان زرع بر بلندی نهد که جمله
زرع پیدا باشد و یك کوزه در بندگاه آب
بگذارد که بزرع میرود بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الحَيُّ القَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ
وَلَا نَوْمٌ اَللّٰهُ اَللّٰهُ اَللّٰهُ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَ
الأَرْضِ ذُو الجَلَالِ وَالإِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي
أَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ المَكْتُومَاتِ المَيْمُونَاتِ
المُطَهَّرَاتِ المُقَدَّسَاتِ وَأَسْئَلُكَ بِنُورِكَ
الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ وَنُورٌ فَوْقَ نُورٍ

وَنُورٌ تَحْتَ نُورٍ وَنُورُ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ
وَنُورُ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَأَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ
الْكَرِيمِ وَشِدَّةِ سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ وَشِدَّةِ
جَبَرُوتِكَ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ
بَدِيعَ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ يَاذَا الْجَلَالِ اَخْرِجْ
وَادْفَعْ كُلَّ آفَةٍ وَكُلَّ بَلَاءٍ مِنْ هٰذَا الزَّرْعِ
وَالْمَقَامِ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَ
جَلَالِكَ وَسُلْطَانِكَ مِنْ اَوَّلِهَا وَآخِرِهَا
وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَ
نِعْمَ النَّصِيرُ اَيضاً بنویسد ودر زرع وباغ
بگذارد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَاِنَّهُ لَكِتَابٌ
عَزِيزٌ لَا يَاْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا
مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ وَاِنَّهُ مِنْ
سُلَيْمَانَ وَاِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَنْ لَا
تَعْلُوا عَلَيَّ وَاْتُونِي مُسْلِمِينَ اُخْرُجُوا اُخْرُجُوا

اِلَّا

ایها الدیدان من امکنتکم فلا منزل لکم فان
ابیتم فاذنوا بحرب من الله ورسوله اخرجوا
اخرجوا اخرجوا باذن الله الذی یخرج الحی
من المیت ویخرج المیت من الحی ویحی الارض
بعد موتها وکذلک تخرجون هههههههه

باب دهم در دفع الاینی از جامه وغیران

بعلاج رفع هر اَل دا ر جامه بسرکین اشتر تر کنند
ودر وتنک نهند و در روز دیگر بشویند وبراهک
وصابون نیز پاک شود رفع موم از جامه جامه را
بروغن گاو بیالایند و انگاه با باقلای کوفته
بشویند پس بصابون بشویند تا پاک شود رفع
روغن از جامه وکاغذ با ستخوان سوخته زایل شود
وبه گل نشابوری ونمک سایند وبراهک
اگر روغن کتان بیالایند وبه لوبیای کوفته و
اشنان وصابون بشویند یا به شیر ترش وآرد جو

وکل تنحی واکر بر روغن کجذب بپالایند دوشاب

بران مالند پس باب با قلاو صابون بشویند

واکر جامه ابریشمین بوده باشد سبوس جو در آب

بجوشانند و کوکرد دران کنند و جامه را بدان

بشویند واکر پیاز و نمک کوفته بران بپاشند

و چنین کران بر بالای ان کذارند و روغن را

جذب کنند واکر روغن چراغ باشد نان کرم

وارد نخود بران بمالند تا روغن زایل شود انکاه

بصابون واب کرم بشویند واکر جامه ابریشمین

بوده باشد بخشارند و بر اشنان کوفته بشویند

رفع اب انار از جامه بر اشنان و صمغ عربی بشویند

کر اکر باب پوست انار بپالایند بکمیز خود بوده

اول بشویند و بمالند پس بصابون بشویند رفع

زعفران از جامه بنوره و صابون واب کرم بشویند

رفع مداد بر شیر تازه و نمک و زهره کوسفند بشویند

پس بصابون وآب سرد با در سر کرو اشنان بجو
شانند رفع هر سیاهی به توبتنه سبوس برنج زایل
شود واکر سیاهی آن کهنه باشد سرکه کوم کرده
باید شست واکو سرکین کبوتر نیز داخل کنند
بهتراست رفع خون از جامه نمک آب باید شست و
اکر سرکین واکر خون کهنه باشد سرکین کبوتر کرم
کرده بشویند رفع زنک از آینه پیه کوده بر آن نمالند
زنک از ابرند وزنک کارد وخوان سفیده تخم
مرغ با روغن بجو شانند وکارد بدان بیالایند
زنک از ابرد ومجموع انکه در بوباب مذکور شد
از محمد بن اسحق کندی منقولست کر در رساله
تالیع واثار آورده شرح پنج ابه کلام الله مجید
در کتاب جواهر القرآن مذکوراست که یکی از خلفای
عباسیه غضب بر او غالب بود پیوسته با ارکان
دولت تندی کردی یکی از وزرا کم مدت بیست سال

بود که وزارت او میکرد هرچند روزی که خلاف

ارادت سلطان بوجود آمدی سلطان اگرخواستی که

با او غضب کند نتوانستی و بغیر لطف و دفع در

شان وزیر ملک در وجود نیامدی روزی

ملک گفت عجب حکمتیست مدت بیست سال است

که تو وزیر منی و بسیار مخالفت امر من میکنی و من هر

چند میخواهم که با تو قهر و غضب کنم نمیتوانم و حضرت

مقلب القلوب از آن باز میدارد و بغیر لطف

و شفقت با تو از من بوجود نمیآید این چه سر است

وزیر گفت ای ملک من طفل بودم و قرآن نزد حمزه

که یکی از قراء سبعه است میخواندم از او شنیدم

که در قرآن پنج آیه است که در هر یکی ده قاف است

چهار آیه در سوره متواتر البقره و آل عمران و

نسا و مائده و یکی دیگر در سوره رعد هر کس هر روز

این آیات را بخواند از شر جمیع مردمان ایمن باشد

اگر جمیع مخلوقات دشمن او باشند قادر بر ایذاء او
نباشند و هرگز خوفی و خطری بدل او راه نیابد
والله اعلم اول آنچه در سوره البقره است این
است الم تر الی الملا من بنی اسرائیل من بعد موسی
اذ قالوا لنبی لهم ابعث لنا ملکا نقاتل فی
سبیل الله قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال
الا تقاتلوا قالوا وما لنا الا نقاتل فی
سبیل الله وقد اخرجنا من دیارنا وابنائنا
فلما کتب علیهم القتال تولوا الا قلیلا والله
علیم بالظالمین دوم لقد سمع الله قول
الذین قالوا ان الله فقیر ونحن اغنیاء
سنکتب ما قالوا وقتلهم الانبیاء بغیر حق
ونقول ذوقوا عذاب الحریق سیم الم تر
الی الذین قیل لهم کفوا ایدیکم واقیموا الصلوة
واتوا الزکوة فلما کتب علیهم القتال اذا فریق

عنهم يخشون الناس كخشية الله او اشد خشية

وقالوا ربنا لم كتبت علينا القتال لولا اخرتنا ۵ ۶

الى اجل قريب قل متاع الدنيا قليل والا ۷ ۸ ۹ ۱۰

خرة خير لمن اتقى ولا تظلمون فتيلا چهارم

واتل عليهم نبأ ابنى ادم بالحق اذ قربا قربانا

فتقبل من احدهما ولم يتقبل من الاخر قال ۱ ۲ ۳

لاقتلنك قال انما يتقبل الله من المتقين ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

پنجم قل من رب السموات والارض قل الله ۱۰

قل افاتخذتم من دونه اولياء لا يملكون

لانفسهم نفعا ولا ضرا قل هل يستوي الاعمى ۱ ۲ ۳

والبصير ام هل تستوي الظلمات والنور ام ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشابه ۱۰

الخلق عليهم قل الله خالق كل شيء وهو الواحد

القهار این آیات که هر یک ده قاف دارد و کمترین

از قرآن یافتم که شش آیه بود و بعد از آن نیز در سحر

دیگر دیدم که نوشته بود ولیکن اضرّ آیه در سوره

مزّمّل است ان ربّک یعلم انّک تقوم ادنی

تا اضرّ هذا طلسم جهت چشم زخم و مرگ مفاجات و قحط سوره

هر که این طلسم را با خود دارد در مقاصدان برآید

و سحر بران کار نکند و چشم زخم و مرگ مفاجات

و قحط و بادران شهر نبود و هر که با خود دارد در

میان خلایق با شکوه و عزیز باشد و هیچ کار او

در بند و کره نباشد و اگر کسی در بند و بلایی

گرفتار باشد این طلسم را در کف دست نهد و بگوید

یا خدا یا بحرمت این اسماء بزرگوار که کار مرا

کشادی بده در حال مراد حاصل شود و اگر

در زیر بالین نهد در میان زن و شوهر موافقت

افتد و قرض دار در گردن او بود بزودی

قرض او ادا شود و اگر کسی را بسته باشند بمشک

و زعفران بر کاسه چینی نویسد و بشوید و بخورد

فی الحال کشاده شود و هو و بعضی که بجور دهیت باید و اگر طلسم را در کف دست نهد و بگوید یا رب خدایا بحرمت این طلسم فلان کس را با من بزودی برسان بزودی برسد شیخ این دعا بسیار است.

طلسم بهمین اکتفا نمودیم اینست

ع ٥ ٢ ٥ ا ٥ ک ا ا ١ ١ الا ١ ٨ د ے ک ١٢ الا ٥ ١ ١٠

٣٣ ااا ا ے ط لا لا لا ١١ ع ٥ ع ٥ ع ع

ا ک ا و لا ٨ ٨ سو ١ ع ب ک ک ١ و

ع ه و ع الا ١١ ٥ ٩ ١١ ه ک ل ا و ٥
ع ٥ ٥ ا ع م ١ ٨ س ا ١ ١ م ١ ع ٦ م ا ٧ ک ٥ ک وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و عترته الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین ١١ ٥ ١ ١ ح لا لا ر و

الاه حسا ا د ب ا ح د م د ا و ا ا ا ٨ ا د فلان

و ٨ ١١ ره اوم م او د م د ا ط ه و ک د د

وم ٥ و د مو د ل ک ر و د ب ح ده و طلسم

این حروف ها را باید لوح باید نوشت

ورد متوسطه است در هبود و ترجیح احد الجانبین از نفع
و ضرر خالیست بحروف کذاشته آمد و هر جا که اسماء جبر
قوی باشد پنج حرف نوشته شده تا بر طالبان اسرار الهی معلو
باشد از عدد مکرر تا ستناهی کشوف فواید اسماء علم آدم
الاسماء کلها فافهم بالخیر ج جمعیت ل لطیفه ر ق
قهریه ف فتح د ع عون ح حب ه ش شفا ه
ت تفرقه دیگر عدد هفت اسم اعظم را معدن هفت کواکب
هفت لوح که از فلزات ترتیب داده باشند مرتب نموده اند
و هر لوحی را معکوس علی الترتیب در انکشتر نشانند و این
خاتم را خاتم هفت کواکب مینامند و چون در انکشت کنند
در همه محل با فتح و نصرت باشد بجهت مقناطیس دلها و جذب
قلوب بی مثل است مثل عدد صغیر و وسط کبیر سبوح
وسط صغیر والسلام علی من اتبع الهدی قواعد خو
وعمل هر مطلب مثلا جهت محبت هر که خواهد این دستور حط
فلان طالب شفقت و محبت فلان موافق عدد کل از اینجا باید

کند و بعد مذکور بخواند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

حَمْدُ لَكَ یا مَنْ وَسِیعٌ عَطاؤُكَ وَشُكْرُ لَكَ یا مَنْ حَقٌ

لِقاؤُكَ وَالصَّلوةُ وَالسَّلامُ عَلی اَفْضَلِ اَنْبیائِكَ وَاَکْمَلِ

اَصْفِیائِكَ وَآلِهِ الْمَعْصُومِینَ وَعِتْرَتِهِ الطّاهِرینَ

امّا بعد بر ضمیر منیر مهر تنویر اصحاب خبرت و ارباب بصیرت

مخفی نخواهد بود که هر چند مصوّر غرائب بدائع مصنوعات

و مبدع عجائب ماهیات موجودات طریقه تزاید سعادات

و تناقص نحوسات احوال افراد انسانی هیچ فردی از افراد

بشری مکشوف نداشته اند امّا علمای جفر مدّ ت بر کاتهم

بعد از تتبیع بسیار چنین فهمیده اند که هر فرد از افراد انسانی

را چند اسم از اسماء الهی بعدد و بر مختلفه تقویت حال میفرمایند

چنانچه از حرز و حجاب هر اسم معلوم میشود در بر داشتن آن

اسم بطریق کشف میتواند بود چنانچه بر بواطن اولیاء لغت

مکشوف میکردد بطریق رشف که علمای جفر از کنیت و لقب

و اسم شخص میفرمایند با آنکه بعدد کبیر یا وسیط یا صغیر اسماء

اسمی

اسمی تطبیق میدهند و بعضی از علما، حروف رحمهم الله بد

لائل و شواهدی که ایراد آن موجب اطناب این مختصر است مقرر

داشته‌اند که هر کسی را برمقتضا استعداد ذات اسم اعظمی است

که جمیع امور او بان مربوطست و معرفت ان موجب کمال

نفس و تحصیل ان موقوف بدانستن بعضی قواعد و ضوابط

جفریه است و غایة اخفاء ان بهر تقدیر هر فردی از افراد موجودات

را مربای چند اسم از اسمای عظامند، اسم مطابق اسم،

واسم مطابق لقب، واسم مطابق کنیت، واسم مطابق صاحب

طالع، اسم مطابق اسم مربی ذاتست واسم مطابق لقب

مربی افعال واشتغال واسم مطابق کنیت مربی نتایج

اعمال و مراتب درجات او واسم مطابق صاحب طالع

التی ایصال فیوض و فیاض حقیقی حضرت واجب العطایات

ونیر بما لغرض بوده‌اند که بوجهی که کواکب سبعه مربی جمیع

ذرات کاینات‌اند هفت اسم هم مربی ذات شخص است

اسم مطابق اسم مطابق لقب اسم مطابق کنیت اسم

مطابق صاحب طالع پس هرگاه که تخصیص ان اسما معلوم گردد
بطریق دعوة بدان قیام نماید یا بعنوان حرز بدا و مت نماید
یا بقاعده ورد بدان مشغول شود انواع فتوحات غیبی
و فیوضات لاریبی بامر فایض الجود در احوال و اوضاع
انکس ظاهر گردد اکنون باسم ابوالقاسم معین الدین محمد
بیک دو وجه عمل با زنموده می اید تا مبتدیرا وقت عمل اسان
گردد وجه اول بطریق رشف که اسما از حروف کنیت و
لقب و اسم استخراج میکردد انرا اسماء بطریق رشف که اسما
متوافقه می نامند و هر اسم که ترتیب حروف مستخرج شود انرا
مانوسه نامند و از ان اسماء هر چه بعدد مطابق اسم و لقب و
کنیت است انرا اسماء متوازنه نامند چنانچه این اسما مشتمل
بر اسماء متوافقه و اسماء مانوسه و اسماء متوازنه و نزد
علما این فن مقرر است که در ضمن این اسما البته اسم اعظم
مندرج است و اکثر علما تصریح بان کرده اند که از اسما
متوافقه هر اسم که بعدد زیاده باشد ان اسم اعظم خواهد
بود

بود وهر یک ازان اسماء هر گاه که مداومت نمایند بعدد خاص
چون عدد تمام شود اسم اعظم را شفیع سازند که باجابت
اسرع خواهد بود بلکه بجهت دوام حصول مقاصد همانا طلسم
بالوح سازند که بغایت موثر است واکر تکسیر نمایند هم
البق وانسب است چنانچه نموده می آید ابو القاسم معین
الدین محمد اینست اب و ال ق ا س م م ع ی ن
ا ل د ی ن م ح م د اسماء مستخرج واسم قد
جمید این اسما را متوافقه خوانند اما اسماء مانوسه آنست
که بترتیب حروف غیر مکرر کنیت ولقب واسم اسمای کریمه
عقدمش موافق ان حرف باشد مرقوم کرد بدین طریق
که حروف غیر مکرر مسطور است امان باد
واحد لطیف قادر سمیع مالک علیم محیی
نافع دائم حمید وازین اسماء متوازنه مستخرج
میشود بوجهی که عدد اسماء موافق کنیت ولقب واسم
باشد بدین صورت ابو القاسم معین الدین محمد
علیم مالک حمید باد امان
۹۲ ۲۰۳۶۲ ۹۱۱۵۰

اکنون طریق عمل آنست که چون راغب حصول مدعای

داشته باشد اسمی که بحسب معنی موافق مطلوب باشد از

اسمای مانوسه اختیار کند و مدخل آن اسم خواه کبیر

وخواه وسیط وخواه صغیر و مدخل کوکبی از کواکب

که موجب آن مو تواند بود ضرب کنند و ملاحظه نمایند که

آن اسم از اسمای اسبوعی یا شهوری یا سنوی بهر چه قرار

گیرد کوکب صاحب طالع آن وقت را مدخل گرفته در اول

مرتبه اضافه مدخل اسماء نمایند و در مدخل کوکب مرتجی

ضرب کنند و در آن ایام بعدد خاصی که حاصل ضرب است

در مدتی که بآن اسم متعلق باشد بطریق ورد یا بقاعده

یا بعنوان دعوة بدان قیام نمایند که نتایج جمیع مدعیات

صوری و معنوی بر وجه احسن بحصول مجانجامد اما

طریق دعوتش این است که فرضاً یاری خواهند از حضرت

باری عز اسمه بتحصیل علوم دینی و تکمیل معارف یقینی

و نصرت بر مقهوری اعدا و فرصت در معموری احبا و

زاید

تواند در ایام حیرت و ترقّی در جمیع مدّعیات اسمی از
اسماء مأنوسه که مناسب مدّعا یافتیم نافع بود مدخل
کبیر ش ۱ ۲ مدخل صغیر ش ۳ چون مدخل صغیر
فرود آمد معلوم شد که اسماء بو مبست و چون حرف
عشرات بر سر دارد منقّح است که اسماء شمور نیست و از ماهها
تعلّق بماه جمادی الاوّل دارد امّا روز سه شنبه از ما
بنیاد باید کرد بنا برانکه ابتداء هفته از یکشنبه است و مدخل
صغیر سه آمده و چون صاحب طالع روز سه شنبه است مدخل
صغیر مریخ که چهار است گرفتیم و سه در چهار ضرب کردیم
دوازده حاصل شد و کوکب مرتّی این مطلوب گرفتیم مشتری
تواند بود مدخل صغیر ش چون بیست دوازده در پنج
ضرب کردیم ۶۰ حاصل شد پس اسم اقدس نافع مدّت
یکماه که ابتداء آن سه شنبه غرّه ماه مذکور باشد با شنبه
هفته اوّل از آن ماه هر روزه ۶۰ نوبت باید خواند و قبل
از شروع دوازده نوبت اسمای مأنوسه بخواند و بعد از

ختم موکلات کواکب مذکور را باید خواند و قسم

باسماء متوافقه دهند بدین وجه که یا مهنائیل و یا

بجواد و یا اشکی اقسمت علیکم ایها الارواح العلویة

اعینونی فی کل حاجتی کذا و کذا بحق واسع قدیم

حمید و این اسما بعدد حروفش ۱۲ نوبت بخواند و نکته

غریب اینجا واقعست آنست که هرگاه اسماء متوافقه از

حروف کنیت و لقب و اسم مستخرج شده باشد و با عدد

حروف غیر مکرر کنیت و لقب و اسم موافق این بغایت

عجیبست و دلیلست که اثر اجابت دعوة بزودی بحصول

خواهد انجامید اما شرط لازمه دعوة که البته منظور باید

داشت بقاعده که اکثر علما در هر شق از شقوق دعوة اسماء

الله تصریح فرموده اند و وضوح تام دارد لیکن بنابر سلاح

شمه باز نموده میشود که اول طهارة ظاهری و باطنی بقدر

وسع و مکان که نسبت با ما کن انکسی شرافتی داشته باشد دیگر

صدق تام و توجه بالکلام بتاثیر عمل دیگر قبل از شروع

قیام

قیام استغفار و درود و نماز نفل و تلاوت سوره از نحو
قرانی مثل طه و یس و سوره فتح و اذا وقعه و سوره حشر
و تبارک و اقلش معوذتین و اخلاص باشد انسب است
و دیگر از بخورات آنچه بکوکب مربی متعلق است که آن اسعد
و سندروس و حب الغار است اجزای مساوی بکار داشتن
دیگر اگر صوم هم وقت میسر شود آنچه مقدور است دیگر
توجه روح ائمه معصومین سیما امام سابق و لاحق
جعفر بن محمد الصادق علیه السلام کرده آنحضرت که حافظ اسرار
غیبست استمداد همت طلب نمایند و دیگر بعد از ختم
قراءة دعوة قربانی کردن و بفقرا و مساکین تصدق نمودن
انشاء الله تعالی باجابت مقرون کردد و اگر ورد سازند
بعد از هر نمازی شصت نوبت بخوانند و همان طریق موکلان
را قسم دهند بر طریق آنچه مقدور باشد شرایط فرو نکذارند
اما طریق وجه ثانی که هفت مرتبه اسما با دیگر اسما
باسم و لقب و کنیت و صاحب طالع و غیره تطبیق میدهند

بدین وجه است کنیت ابوالقاسم لقب معین

الدین اسم محمد صاحب طالع مشتری اکنون اسماء این

است حسیب جواد هی الیماء عزیز ودود بنات

الصدور قاعده در طریق عمل آنست که عدد اسم و لقب

و کنیت و صاحب طالع مجموع بلا مرتبه اعتبار نمایند و عدد

اسماء الله همین سبیل پس عدد محصل از اسم و لقب و غیره

در عدد حاصل از اسما ضرب نمایند و باز اسقاط مرتبه کرده

در عدد صغیر کوکب سبعه ضرب کند و ما حصل بقاعده

دعوة یا بعنوان حرز یا طریق ورد تلاوت نمایند عدد

اسم و کنیت و لقب صاحب طالع ۱۵۴۸ مدخل صغیر ش ۹

عدد اسماء الله ۴۰۵۱ مدخل صغیر ش ۱ حاصل

ضرب ۹ مدخل صغیر کواکب سبعه ۸ ما حصل ضرب ۷۲

پس بهر عنوان که میسر شود بتلاوت اسما هفتاد و دو روز

تمام نمایند و هر روز ۷۲ مرتبه در صلوة خمس

بعد از هر نماز فریضه نصاب حرز باید ساخت و در اثنا

قرآن

قرآءت تکلم بغیر از عبارة نباید کرد و قبل از شروع ابتدا

باستغفار و درود باید نمود کرانشاء الله تعالی وحده مد عیات

صوری و معنوی محصول بانجامد، ابوالحسن،

۱۹۸

کمال الدین، محمود، عطارد، حاکم، معطی، سالم،

۱۳۱ ۱۲۹ ۶۹ ۲۸۴ ۹۸ ۱۸۶

دائم، اعز، هادی، جامع، قدوس، کمال الدین محمود

۲۸۴ ۱۱۷ ۱۱۴ ۲۰ ۷۸ ۵۵

ابوالحسن کمال الدین محمود، منعم، داعی، سمیع

۱۸۰ ۸۵ ۲۰ ۴ ۹۲

بصیر اسم و لقب و کنیت و صاحب طالع ۷۰۶ مرشد

۲۰۲

کبیر ۲۳۲ عدد کل ۷۵۶ مخرج صغیرش آیک

در سه ضرب کردیم ۳ حاصل شد دیگر سه را در ۸ که مدخل

کواکب سبعه است ضرب کردیم ۲۰۴ حاصل شد پس این

اسماء را ۲۰۴ روز هر روز ۲۰۴ مرتبه بخواند بقاعده که

مقرر است باید خواند و هر اسمی که مدخل صغیرش فرد است

تعلق بروز دارد و انچه مدخل صغیرش زوج است تعلق

بشب دارد و این نوعی دیگر در باب خواندن روز و شب

ان است که مجموع عدد طو مط و اسماء الله و اسماء کواکب

انچه باشد بلاموتبه جمع کرده ۲۷ طرح نماید اگر مدخل
صغیر فرداست تعلق بروزدارد و اگر زوج باشد در
شب باید خواند مثلا ۹ بماند ۲ طرح شد ۲ عدد
ماند دوشنبه باید ابتدا شود علی هذا و اسماء اسبوعی
آنست که حرف اول اسم حرف احاد باشد چنانچه حرف
الف تعلق بیک شنبه دارد یکهفته باید خواند و باید و شنبه
دو هفته باید خواند و همچنین تا ز شنبه و چون
هفتم حروف احاد حا و طا است حا تعلق بیکشنبه دارد
و طا بدوشنبه و اسمی که حروف عشرات در اول او است
تعلق بماهها دارد و چون ابتدای ماه از محرم است
با تعلق بمحرم دارد یکماه باید خواند و کاف به صفر دو ماه
باید خواند و صاد بربیع و نون پنج ماه باید خواند و اسمی
که در سر او حروف ماتست تعلق بسال دارد و ابتدای سال
از قاعده اتراک که اول او سیچقان ییل باید گرفت مجمل
که منتهی شود عمل باید کرد و اگر حرف غین در اول اسم باشد
عام

تمام عمل توان کرد اسماء متوافقه محمود کمال الدین محمود
۲۶۴ ۹۱
ابو المحسن کمال الدین اله باطن، مقدم ملیک
۱۸۶ ۱۹۸
حی سمیع، لطیف مجید، ملک حق مکون معین خفی
فارج علی حکیم ملیک بدیع حکیم ودود فالق
جلیل معین واحد ملک بها الله دایم ابد مدبر محیی مقدم
وهاب جهنی ملیک عطارد ابو المحسن کمال الدین محمود
جامع منیع ماجد رب العالمین ذریه ابل قایم اسم و لقب
وکنیت وصاحب طالع الله مستتر عدل
۴۴ ۷۰۰ ۱۴ ل
متکبر متین مکون وارث موجود بدنمشا
۴۶۲ ۵۰۰ ۴۴۴ ۷۰۷ ۵۹ ظ
دیگر هزار و یک نام عظام که اعرف و اشهر بود التقاط
نموده بر توافق معنی و ترتیب اعداد آن را مرتب ساخته
و از برای هر اسمی سه جدول معین کرده اند یکی از برای
اسم و یکی از برای ترجمه و یکی بیان مراد و برای عدد
بسه قسم کبیر و وسیط و صغیر تا طالبان اسرار الهی و ناقدان
رموز نامتناهی از حقایق معانی و دقایق مبانی آن بحسب

اذکارات و قابلیات محفوظ کردند و دیگران از بهره مند

کردانند ازبرای آنکه مخازن اسرار الهی و معادن فیوض

نامتناهی اسماء الله است تعالی شانه و عز سلطانه و

هر فردی از افراد موجودات مربای اسمی از آن اسماء عظام مند

و آن اسم مربی اوست و آن اسمیست که در عدد کبیر یا بسط

مطابق اسم او باشد و لقب و کنیت و صاحب طالع هم چنین

زیرا که اسم مطابق اسم مربی ذات و اسم مطابق لقب

مربی افعال و اشغال و اسم مناسب کنیت مربی نتایج

افعال و مراتب درجات و اسم مطابق صاحب طالع ایصال

فیوض و فیاض حقیقی حضرت واجب الوجود است تعالی و

تقدس پس هر فردی از افراد مفیوض چند اسم باشد اسم

مطابق اسم و اسم مطابق لقب و اسم مطابق کنیت و اسم

مطابق صاحب طالع پس هر شخصی را هفت اسم مربی و با شد

چنانچه هفت کوکب مربی اوست پس آن اسما را معلوم

باید کرد و بدان مداومت باید نمود تا بسبب این ینابیع حیوة

ازنجاد

از عجایب فنون بامر فایض الجود در احوال و اوضاع آن
کس ظاهر گردد و بمفاتیح عنایت ابواب مقاصد و مرادات
بر او گشاده شود و تمامی مکاره و بلیات از وی مندفع
گردد و همواره از طوارق حدثان و بوارق زمان در
حفظ و امان باشد و در هر امر که شروع نماید من کل الوجوه
علی حسب المرام میسر و محصل گردد ان شاء الله تعالی
و اگر اسماء متعدد مطابق یکی از اسم و لقب و کنیت
شخصی واقع شود فیض او از تمامی آن اسما باشد و اگر اسم
شخصی با عداد اسمی از اسماء الله مطابق نباید عدد حروف
یا نقاط یا کلمه یا حروف و نقاط و کلمه داخل باید کرد
و با اسم طالب تطبیق باید داد فرهنگا ابو الحامد قطب
الدین محمد البروغنی مطابق اسم اول بلا بدایة مطابق
لقب جبار مطابق کنیت قابل مطابق صاحب طالع فاتح
مطابق اسم و لقب رحمن مطابق اسم و لقب و کنیت با
سقاط عشرة من امره حکیم و مطابق اسم و لقب

وکنیت وصاحب طالع مع عدد فردی صورة کلمه هم
باسقاط عشرة من عنده ام الکتاب پس این اسما را
بالکل بکوم ترتیب باید ساخت وضرب خود باید کرد ودر
ترتیب تقدیم اسمی بر اسمی جایز باشد پس عدد اسم و لقب
وکنیت وصاحب طالع مجموع بلا مرتبه اعتبار باید کرد
یعنی احاد بر قرار و از هزار و یک و از صد یک و از
ده یک باید گرفت واگر عشر یا فوق عشر باشد باز
اسقاط مرتبه باید کرد وعدد مجموع اسماء الله وکواکب
هر یکی علیحده هم بدین دستور بلا مرتبه یا بلا مرتبتین
اعتبار باید نمود پس عدد محصل از اسم ولقب وکنیت
وصاحب طالع در عدد حاصل از اسماء الله ضرب
باید کرد و باز بطریق مذکور بلا مرتبه اعتبار باید نمود
و باز عدد محصل در عدد حاصل مجموع کواکب ضرب
باید کرد و بلا مرتبه اعتبار باید نمود وما حصل در
صلوة خمس نصاب ضرب خود باید ساخت مثال آن در این

جدول

جدول نموده میشود و عدد هر یکی مسطور میگردد بدین صورت

ابوالحامد قطب الدین محمد عطارد المجموع بلا مرتبه
۴ ۱۵ ۹۲۴۹۸ ۲۰ ۱۳۳

عدد اسماء الله اول بلا ابتدا جبار قابل فاتح رحمن
۱۹۸ ۲۸۴ ۱۳۳ ۲۰۶ ۹۲
خالی

من امره حکیم من عنده ام الکتاب المجموع بلا مرتبه
۲۱۳۱ ۱۴ ۴

عدد کواکب زحل مشتری مریخ شمس زهره
۲۱۲ ۴۰۰ ۹۵ ۴۵
خالی

عطارد قمر المجموع بلا مرتبه پس ان چهار کر
۲۸۴ ۳۱۴ ۳۱۶ ۸

که مدخل صغیر اسم و لقب و کنیت و صاحب طالع است و هر هفت

که مدخل صغیر اسماء الله است ضرب باید کرد مجموع ۲۸ باشد

بلا مرتبه پس این یک نرا ۹ که مدخل صغیر کواکبست جمع باید

کرد که در صلوة خمس بعد از هر نمازی حرز بازوی عدد که نرمی شود

باید خواند الا در صلوة جمعه که قبل از نماز باید خواند و در اثناء

قراءت تکلم بغیر آن نباید کرد و توجه تام باید نمود تا که مقصود

علی حسب المرام حاصل گردد والله الموفق والمعین وبالله التوفیق

چنین گوید سید حسن بصری که در اتقیا و اولیا بود و مشهور است

که در اسماء الله هزار و یک نام الهی حاصل نموده مشروح ساخت

پس بدانکه در اسماء الله هزار و یکنام هر جاکه اسم لطیف است
بالای آن حرف ل نوشته شده و مراد از لطیفه آنست که برای مدد
خواستن و نفع یافتن و هرچه محبوب و مطلوب است و تقرب الی الله تعالی
شانه و هر جاکه اسماء فتحیه است حرف ف نوشته شده از
برای کارهای فتحیه نیکست و هر جاکه اسماء غوثیه است حرف غ نوشته شد
از برای یاری و مدد خوبست و بر اسماء شفا حرف ش و بر اسماء جبیه حرف
جبیه حرف ح نوشته شد و بر اسماء جمعیت حرف ج و هر جاکه اسم
تفرقه است حرف ت برای تفریق بدر جمع خوب است و بر اسماء قهریه حرف ق
نوشته شد مقصود حسن کردن عساوه لادشمن و عداوت و هر مقصود مکروه هست
و هر جاکه این معانی باشد بار و ضر حرف ف نوشته شد و هر جاکه اسماء جبیه اقوی باشد بیخ
حرف ف نوشته شد و هر جاکه اسماء متوسطه است در هبوط و ترجیح احد الجانبین نفع
و ضر نیست جا گذاشته اند تا معلوم باشد و اما حروف هم تا معلوم باشد از عدم تکسیر
هم نامستا کشوف بدحرف اسماء علم آدم الاسماء کلها فافهم بالجزو والله اعلم بحقایق الامور

٧ الله باقی همیشه	هو یعزو ١١	٤ ١٣ احد بت یک
وهاب ل	بسیار بخشش	٥ ١٤

واهب

واهب ل	واجد ف ل	جواد ل
۱۴	۱۴ ۵	۱۴ ۵
بخشنده	توانکر و توانکر کننده	بخشنده
اجود ل ل	طه ل	بادئ
۱۴	۱۴ ۵	۱۷
بخشنده تر	طاهر و هادی	ابتدا کننده
حیّ ش	واحد ت	وهوب ل ل
۱۸ ۹	۱۹ ۱۰	۱۹
زنده	یکانه	جزا بسیار بخش
ودود ل ل	هادی ل ل	حبیب ج ل
۲۰ ۲	۲۰ ۲	۲۲ ۴
دوست دارنده	راه نماینده	دوست
طبیب ش	وجید ت	دوا بیجے ش
۲۳	۲۹ ۱۰	۳۱ ۴
شفا دهنده	تنها و یکانه	دواء مز
اجلّ ف	الله	زکیّ
۳۴	۳۶	۳۷
بزرکتر	خدای سزای پرستش	پاک و ستوده
اوّل	ازل	جلی
۳۷	۳۸	۴۳
نخست	نخست و همیشه	پیدا و هویدا

لی د لی

الهی	ولی	والی
۴۶	۴۶	۴۷
خداوند من	دوست	خداوند
حمف	امجد فل	ماجد نن
۴۸	۴۸	۴۸
حاکم و مالک	بزرگوار تر	بزرگوار
ن ف	اروم	مجدد
۵	۵۱	۵۱
نور	همیشه	نو کننده
موجد لوع	مودد ن	دائم
۵۳	۵۴	۵۵
بنیاد کننده	دوست کننده	همیشه
مجیب لل	مبدئے	مجید ل
۵۵	۵۶	۵۷
اجابت کننده	افزاینده نعمت	بزرگوار
موجود ماحی مودود	مجزی	مجازی واجب الوجود
۵۹ هست محو کننده دشمن	۵۹	۶۱ ۶۲
حامد مال مجید مزید	جزا دهنده	پاداش دهنده ثابت هستی
حمید ف	باطن ق ت	دیان ل
۶۲	۶۳	۶۵
ستوده	ناپیدا	پاداش دهنده

فهوالمراد

الله ع ش ج ق ح ن جامع جميع صفات	وكيل جلال ۴۴	ناهی ت محمّ الجواد ۳
۶۶	۶۶	۶۶
خدای سزاوار پرستش	کاردان	بازدارنده
واهب الهدایا	محیط	محیی ش
۶۶	۶۷	۶۸
بخشنده تحفها	احاطه کننده اشیا	زنده کننده
محکم	حاکم	طس ش
۶۸	۶۹	۶۹
حکم کننده بدانش	حکم کننده	طیب وسلام
یس	الم	حاسب
۷۰	۷۱	۷۱
یا سیّد وسلطان	انا الله اعلم	حساب کننده
باسط ع	جلیل	دلیل ل
۷۳	۷۳	۷۴
بسط کننده	بزرک	راه نماینده
سیّد	مبدّل ل	سبّوح
۷۴	۷۶	۷۶ ۱۳ ۴
مهتر	بدل کننده	پاک ومنزّه
زکی ل	اعزّ ل	حکیم
۷۷	۷۸	۷۸
پاک کننده	عزیزتر	دانا وراستکار

ذو قوی ۱۰۵ بلطف حق ۷۷ حی ل ۲۸ یا الله ۷۷

حسیب ل　مُلی　حمیل ل

٨٠　٨٠ .　٨　٨٣　١١　٢

پرسنده وشمارکننده　ظاهر　نیکو

مجاـــیٔ ع　محوّل ت ف　داعی ش

٨٤　١٢　٨٤　٨٥

پناه من　کردانندهٔ احوال　خواننده

مولی　بدیع لع　مطلوب ع

٨٦　٨٦　٨٧

خداوند　آفرینندهٔ چیزها　مقصود طالبان

آهنا ع　مجّد لع　حلیم

٨٧　٨٧　٨٨

خداوندا　بزرکوار　بردبار

ص لع　ملك لع　مالك ل

٩٠　٩٠　٩١

صادق الوعد　پادشاه　خداوندهه

ملاك لع　کامل ف ق　اوّل بلا ابدایر

٩١　٩١　٩٢

پادشاهی کننده　تمام کننده　اوّل بی ابتدا

عزیز ج ل　مهلك ق ق　وفیّ ع ل

٩٤　٩٥　٩٦

غالب وارجمند　هلاك کننده　وفادار

واف

واسع ح	حفي لع	محمود
٩٧	٩٨	٩٨
وفادار	مهربان	ستوده
مانح لع	مناح ل	ق قع
٩٩	٩٩	١٠٠
عطادهنده	بسیارعطا	قادر
مليك ل	امين	صباح فع
١٠٠	١٠١	١٠١
پادشاه	استوار	روشن کننده
مبين	مبيّن	منزّه
١٠٢	١٠٢	١٠٢
پیدا وهویدا	آشکارکننده	پاك از همه عیبها
منجی شد	هازم الاحزاب ق	عدل ل
١٣	١٤	١٤
رهائی دهنده	هزیمت کننده لشکرها	عدل راستکار
جاعل	مستبدل و	عادل ل
١٤ ١ ٥	١٤	١ ٥
گرداننده وافرینده	سازنده کارها	دادرهنده...
اعدل ل	مزيّن ل	مسدّد لع ف
١ ٥	١ ٧	١ ٨
دادرهنده تر	آرایش کننده زمین وآسمان	راست کننده وتوفیق دهنده

حقّ	الهالالهة ش	طسم ش ف
۱۰۸ ۹	۱۸	۱۹ ۱
درست وسزاوار	خداوند خداوندان	طبیب دستجاو مؤمن
سمّاح ل ف	سائح ف	حنّان ل ع
۱۹	۱۹	۱۹
اشاکننده مشکلها	بخشنده	مهربان
لا اله الّا هو ع ف ت ل	علی ف ع	عالی ش ع ل ف
۱۱۰	۱۱۰	۱۱۱ ۳
نیست خدای مگر او	بزرگوار	بلند وبزرگوار
مسبّح	اعلی ع	کافی ل ش ع ف ف ع
۱۱۰	۱۱۱	۱۱۱ ۳
تسبیح کرده شده	بزرگوارتر	پسندیده وکفایت کننده
مجمل ش	باقی	مسجود
۱۱۲	۱۱۲ ۵	۱۱۳ ۵
نیکوئی کننده	پاینده همیشه	پرستیده شده
سند ل ع	جامع ف ل ج	ولی الولاء ل ع
۱۱۴	۱۱۴ ۶	۱۱۴ ۶
پناه	جمعکننده پراکنده	دوستدار دوستان
ملهم ل	قوسّے ق ع	مکوّن ع ش ل
۱۱۵	۱۱۶	۱۱۶
الهام کننده	توانا	هستکننده

حبیب من لا حبیب له ع ح ع	معطی ش ع ل ف	قاسم ل
٢٠	٢٠	٢٠٠١
دوست آنکه مر او را نباشد دوستی	نعمت دهنده	قسمت کننده ارزاق
نافع ش د ف ح	معافی ش ل	مسبب الاسباب ل ش ع ث
٢٠٠١	٢٠٠١	٢٨١
سود رساننده	عافیت دهنده	سازنده کارها
طبیب من لا طبیب له ع ق ف ط ل	رب ع	بر ل
٢٢	٢٠٢	٢٠٢ ٤
طبیب آنکه طبیبی نباشد مر او را	پروردگار	نیکوکار
بازغ ل	مقدس	ل رجاء ع ف
٢٤	٢٦	٢٥
نیکوگزار	منزه و پاک	امید امیدواران
ل دائم اللطف ع ف	وفی العهد ق ف	جبار ق ش
٢٥	٢٦	٢٦٠
همیشه نیکوئی	وفا کننده عهد	بزرگ و شکسته کارها
جابر ت ق	دهر	مقسط ل
٢٦	٢٩	٢٩
جبر کننده نقصانها	خداوند روزگار	راست بخش
منجز الوعد ل	فالق ل	صانع
٢٢	٢١١	٢١١
راست کننده وعده	شکافنده دانه‌ها	آفریننده چیزها



مالك الملك	بارئ	لطيف بعباده ع
٢١١	٢١٣	٢١٣
پادشاه جهان	آفریننده	نیکوکار به بندگان
نعم الطبيب ش	طاهر	ديان يوم الدين
٢١٤	٢١٥	٢١٦
نیکو شفا دهنده	پاک و منزه	جزا دهنده روز جزا
حيّ قبل كل حيّ	مالك الملوك	دائم بلا فناء
٢١٨	٢١٨	٢٢٠
زنده پیش از هر زنده	پادشاه پادشاهان	همیشه بی زوال
ملقف	صاحب كل نجوى	موصوف
٢٢	٢٢	٢٢٢
آگاه کننده دلها	پاد هر راز گوینده	صفت کرده شده
اكبر ف	رجائي ع	رديهود ش ع
٢٢٣	٢٢٤	٢٢٥
بزرگتر	امید من	خداوند زمان
موفق شع ل	دائم بلا زوال	احكم الحاكمين ع
٢٢٦	٢٢٨	٢٢٩
توفیق دهنده	همیشه بی زوال	حاکم تر حکم کنندگان
آلر	ذو صمد ق	كبير ف ل
٢٣١	٢٣١	٢٣٢
انا الله اراى	شکننده کامها	بزرگ

قدیم الی الابد	مبدع البدایع	قدیم لایبلی ع
۲۳۳	۲۳۴	۲۳۷
همیشه و بی نهایت	پیدا کننده نوها	همیشه که معدوم نگردد
مقصود	کهف اللاجین	آمول ع
۲۴۰	۲۴۰	۲۴۱
مطلوب مشتاقان	پناه امیدواران	فرمان فرمان دهنده کان
مالک یوم الدین ع ل	مراد ل ف	نعم المجیب ل ل
۲۴۲	۲۴۵	۲۴۶
پادشاه روز جزا	مقصود طالبان	نیک اجابت کننده دعا
موفی العهد	مدبر ف	واسع العطایا
۲۴۶	۲۴۷	۲۴۹
وفا کننده عهد	تدبیر کننده امور	بسیار بخش
واحد ب ل	نعم الموجود	فالق الحب سل خ
۲۴۹	۲۵۰	۲۵۲
رحم کننده	بحق موجود	شکافنده دانها
مجبر ع	ربنا ع	مؤید
۲۵۳	۲۵۳	۲۵۴
ازاد کننده	پروردگار ما	اراده کننده چیزها
مروح ش	مطهر ع	نور ترف
۲۵۴	۲۵۵	۲۵۶
راحت دهنده	پاک کننده	روشنی همه چیزها

انور ف ش	نعم الوکیل	رحیم
۲۵۷	۲۵۷	۲۵۸
روشن تن	نیکوکاردان	مهربان
برهان	سامع النداء	ماکر
۲۵۸ ۱۵ ۶	۲۵۲	۲۶۱ ۷
حجت روشن	شنونده خواهش	مکر کننده
اکرم	مکبر ل ع	مدرك
۲۶۱ ۹	۲۶۲ ۱۰	۲۶۴ ۱۲
کریم تر	بزرگ کننده هر چیز	دریابنده
نعم الدلیل	مجیب لا مجیب له ل	ذل ع کریم
۲۶۵	۲۶۸	۲۷۰ ۲۰
نیك راه نمای	اجابت کننده که نیست جواب دهنده او را	عطا دهنده و بخشنده
آمر	نعم الحسیب	ولی المؤمنین
۲۷۱	۲۷۱	۲۷۳
انا والله اعلم واری	نیك حساب کننده	دوستدار مؤمنان
من لا ملجأ الا الیه	حمید الفعال	مزین القلوب
۲۷۳	۲۷۴	۲۷۶
آنکه پناه نگیرند مگر باو	ستوده کار	آراینده دلها
مالك كل مملوك	من لا یزول ملکه ابدا	نعم المولی
۲۷۷	۲۷۷	۲۷۷
خداوند همه بندگان	آنکه زایل نشود هرگز پادشاهی	نیك خداوند

عو

جمسق ح ف ع ل	من لا یحصی آلاؤه	من هو العلیم
۲۷۸ ۱۲ ۸	۲۸۲ ۱۴ ۳	۲۸۲
حی موجود علام سمیع قریب	انکه شمار کرده نشود نعمتهای او	انکه اوست دانا
فرد ت	فارج ش ف	معبود بکل مکان
۲۸۴	۲۸۴	۲۸۵
یگانه و تنها	رهائی دهنده	پرستیده شده
سمیع الدعاء	رؤف ز ح ل	قیوم لا ینام
۲۸۷	۲۸۷ ۱۷ ۸	۲۸۸ ۱۸ ۹
شنونده خواهشها	مهربان	پاینده که غافل نشود
فاطر ع	صابر ت	صادق ت
۲۹ ۱۱ ۲	۲۹۳ ۱۴ ۵	۲۹۳ ۱۴ ۵
آفریننده	شکیبنده	بسیار شکیبنده
باقی لا یفنی ع ل	فرید ت	جمیل الفعال ع
۲۹۴ ۱۵ ۶	۲۹۵ ۱۶ ۲	۲۹۵ ۱۶ ۷
پاینده که نیست نشود	یگانه و تنها	نیکوکردار
منور ق ع ل ف	صبور ق	رحمن ل ع
۲۹۶ ۱۲ ۸	۲۹۸ ۱۹	۲۹۸ ۱۹ ۱۰
روشن کننده تمام دنیا	بی شتاب	بخشاینده
محب المحسنین ع ل	من له ملک لا یزول	مکرم ل ع
۲۹۹ ۲۰	۲۹۹ ۲۰	۳۰۰ ۳
دوست دارنده نیکوکاران	انکه مر او راست پادشاهی بی زوال	گرامی کننده

مبدع ل ع	مبدی البرایا	اعدل العادلین
۳۰۰ ۳	۳۰۱ ۴	۳۰۱ ۴
روشن کننده آسمانها و زمین	اشکارا کننده مخلوقات	عادل ترین عدل کنندگان
بصیر ش	عالم لا ینسی	منهو حکمه لطیف
۳۰۲ ۵	۳۰۳ ۵	۳۰۲ ۶
بینا بر همه	دانائی که فراموش نکند	انکه حکم او نیکوست
اقرب ج ح	دلیل لا دلیل له	سرمد ل ع
۳۰۳ ۶	۳۰۴ ۷	۳۰۴ ۷
نزدیکتر از همه	راهنما انکس که نباشد راهنما	پاینده و همیشه
قدیم الاحسان ل	قادر ت ت	قاهر ق ق
۳۰۵ ۸	۳۰۵ ۸	۳۰۶ ۹
همیشه نیکوئی	توانا	قهر کننده
قهار ق ت	صادق الوعد	رازق
۳۰۶	۳۰۶ ۹	۳۰۸ ۱۱ ۲
بسیار قهر کننده	راست وعده	روزی دهنده
رزاق ل	منزل الجنة الماوی	من لا یدوم الا ملکه
۳۰۸ ۱۱	۳۰۸ ۱۱ ۲	۳۰۸ ۱۱ ۲
بسیار روزی دهنده	انکه او را هست ارامگاه	انکه دوام نیست مگر پادشاهی او
شاهد	مبشر	محسن النعماء
۳۱۰	۳۱۰	۳۱۱ ۵
گواه راست	اشارت کننده مشکل	نیکو نعمتها

رتیب